



سرمدان فرهنگ و تاریخ ایران

در دوره اسلامی

بخش نخست

آ - س

تألیف

سید حسن بادلات ناصری

شورای عالی فرهنگ و هنر
مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی



Great Figures
IN
Iranian Culture
(in Islamic Era)

by
S. H. Sadat - Nasser

سرمدان فرمند و تاریخ ایران

تأليف
سيد حسن دات ناصري

۸	۰۵۰
۲۵	۲۳

۷۳۲۰۰



اسکن شد

سرمدان فرہنگ قیاسیہ

در دورہ اسلامی

بخش نخست

آ - س

تألیف

سید حسن بادات ناصری

این کتاب در يك هزار نسخه در چاپخانه خرمی بچاپ رسید
آذر ماه ۱۳۵۳

توانا ودانا وداننده اوست

در آذرماه ۱۳۵۱، شبی استاد دانشمند بزرگوار، جناب آقای دکتر ذبیح الله صفا استاد ممتاز دانشگاه تهران و دبیر کل محترم شورای عالی فرهنگ و هنر، با تلفن از من خواستند تا فهرست واره‌یی از هزار تن سرآمدان فرهنگ و تاریخ ایران را در دوره اسلامی، بدید و دیدار و گزینش خود، بویژه از روی کتاب «تاریخ ادبیات در ایران» بیرون آورم و سال بجهان آمدن و درگذشتن آن ناموران را بتاریخ هجری قمری و میلادی بدرستی پیدا کنم و به ترتیب الفبایی منظم داشته به دبیرخانه شورای عالی فرهنگ و هنر تقدیم دارم. و خواستند تا در این کار، بی آنکه جانب دقت را از دست بگذارم، بر سرعت بیفزایم و بیک دو ماه جدول گونه‌یی در جزوه‌یی مختصر بتألیف آورم. نظر استاد را، که به روزگاران کیمیا اثر یافته‌ام، بجان و دل پذیرفتار آمدم و دوست یگانه فاضل گرانقدر، جناب آقای منوچهر آدمیت که نمودار تمام عبار نامستوده خویش است، در این مهم از دل و جان مراباری نمود و در همان مدتی که مقرر بود، کاری درخور آماده و تقدیم گشت. در آن هنگام، یاد آور شدم، که بایادداشت‌هایی که دارم، اگر

در این کارتوسیعی اندك رود، اثری ماندگارتر بجای خواهم گذاشت. محبت استادانه آن رادمرد که در همه کارها یگانه است، موجب آمد تا کارهای شده را برای تجدید نظر و منقح داشتن دوباره بمن سپارند و بر طبع کتاب نیز نظارت کنم. و اینجاست که، با همه کوشش و کشش بسیار، سخنان ناگفتنی از خود و دیگران فراوان دارم و همچنان ناگفته فرومی گذارم. «ورنه اکنون ماجراها داشتیم» ...

* * *

در این گزینش، یا به گزینی، کوشیدم رادمردانی را که به فرهنگ گسترده ایران بمعنی عام کلمه خدمتی والا کرده اند و در پیشبرد دانش و ادب و هنر و اندیشه و همت و مردم دوستی و میهن پرستی کوششی ثمر بخش و گرانمایه داشته اند، باختصاری که شاید معرفی کنم. البته این بزرگان بسیار بیشتر از هزارتن و چندین هزارتن هستند. ولی در آن فرصت اندك و پیمانی که باشورای عالی فرهنگ و هنر داشتم، بی آنکه در پی استقراء و استقصاء باشم، شماره سرآمدان در این کاری که میکنم به بیش از یک هزار و پانصدتن، بلکه نزدیک بدو هزارتن، رسید.

* * *

در این دفتر، تاجایی که میسر بود، کوشیدم که تاریخی درست و دقیق از زادروز و درگذشت آن ناموران بدست دهم. ولی بدلائل بسیار نسبت باین مهم توفیق کامل نیافتم، چرا که زندگانی بیشتر این عزیزان روشن نیست و بسیاری از ایشان را شرح حالی کامل و درست بجای نمانده است. بنابراین از ۷۱۳ تنی که در این مجلد سخن گفته ام، کمتر از پانصدتن را تولّد و وفات هر دو بدست داده ام و بیشتر را سال وفات مشخص شده است، و بعضی را نیز از ناگزیری تنها بدادن سده زندگانی اکتفا کرده ام. ولی آنان را که میسر بود، حتی روز و ساعت تولّد و وفاتشان را بدست

چهار

داده‌ام.

در این تألیف هر سرآمدی از مردم «ایران بزرگ» بی‌در نظر گرفتن موقعیت اجتماعی و دانش و فنّ و کاری که در آن کوشیده است و والایی یافته، به‌ترتیبی که یاد شد، در پی هم آمده، اعمّ از آنکه دانشمند، فیلسوف، فقیه، ادیب، شاعر، صوفی، نقاش، موسیقی‌دان، خطاط، معمار، نیکوکار، پهلوان، سردار، شهریار، مورّخ و جغرافیادان یا سیاست‌مدار، یا فدایی و فداکار نسبت به مردم کشور خود بوده است؛ یا در پی نیکی‌ها رفته و در کار خود به بزرگی و تمامی رسیده است، از ذی‌فنّ و ذوفنون.

با این همه، چه بسیار بزرگانی را که یاد نکرده‌ام و از بزرگی و سرآمدی، از مردمی که در اینجا فراهم داشته‌ام، کمی نداشته‌اند؛ و از بعضی هم بزرگتر و سرآمدتر بوده‌اند. بی‌هیچ گمان، آنانکه از این پس بدین کار خواهند پرداخت، با ژرف‌نگری بیشتر، با برافزودن و فرو کاستن درخور بر رونق آن بسی خواهند افزود.

در این مجموعه، تاجایی که توانسته‌ام، کوشیده‌ام تا نامهارا چنان در پی هم آورم که برای مراجعه آسان‌یاب باشد. از این رو بسیار وقتها يك تن را که به‌چند نام مشهور بوده است، هر نامی را بجای خود آورده‌ام و بدانجا که از وی سخن گفته‌ام مراجعه داده.

در این کتاب، در احوال بعضی تفصیلی بیشتر داده شده است و از بعضی کمتر سخن گفته‌ام. مثلاً از «استاد حکیم ابوالقاسم فردوسی» چند سطر بیشتر نوشته‌ام، چرا که پیش از این، در دیگر جایها گفتنی‌ها را گفته‌اند و نیز باز خواهند گفت، ولی از «شیخ اجل سعدی شیرازی» چندین صفحه سخن گفته‌ام، در صورتی که مرادم برای هیچ يك

پنج

شرح حال آوردن نبوده است. این ناهم آهنگی از آن روست که خواستم این دفتر بیاد کرد موارد و مطالب تازه جالب باشد؛ و اگر در احوال همه سرآمدان درخور مقامشان متناسب بشرح باز میشدم صفحات این کتاب به چند برابر میرسید و از حد معمول و متعارف بسیار بیشتر میشد. اما اگر در احوال برخی، بیشتر سخن ساز کرده ام، لابد نکته‌یی جاندار و کمیاب و چشمگیر و طرّفه را خواسته‌ام که بنظر خوانندگان ارجمند و گرامی نزدیکتر سازم و ترویج خاطری موجب آمده باشم، یا خواسته‌ام چیزی از حق بزرگ بعضی سرآمدان را بتوش و توان خویش ادا کنم. بنابراین اگر گه‌گاه چندبیتی در احوال شاعری آورده شده است، یا از مرد بزرگوار نامدار یا گمنامی بیش از حدی که بعضی صواب می‌بینند، سخن گفته‌ام، در پی آن بوده‌ام تا در این کتاب سودمندی باشد که در نظایر آن نیست؛ و چه بسا ترجمه احوالی که در جای دیگر بدین فراخی و تمامی و درستی نتوان یافت.

در این کساری که پیش نظر شماست، از هیچ کس هیچ چشم داشتی از آفرین و نفرین نداشته‌ام و کسی را جز من در آوردن و نیاوردن نام کسان و فراوان گویی یا کم‌گویی مسؤولیتی نیست و در کمیت و کیفیت کار نیز هیچکس را بر من فرمانی و دستوری نه، و انصاف را که از آزادمنشی و وسعت نظر اولیاء محترم شورای عالی فرهنگ و هنر بی هیچ شائبه سپاس فراوان دارم.

بدوق کارفرما کار سازیم زمزد کارفرما بی نیازیم!

* * *

در نگارش این نامه، به منش خود، نهایت بی‌طرفی و انصاف را معمول داشتم و جانب احساسات و عواطف را بدان حدی که در توانم بود و زبیده تحقیقی درست می‌نمود، فرو گذاشتم؛ و تنها شدت تأثیر و نامداری

شش

و خدمتگزاری و بهتری و برتری و مهمتری هر يك از سر آمدان را بنظر آوردم.

* * *

در دادن مآخذ بهیچ روی کوتاهی نشده است و اگر چه بعضی از کتب مشهور و استوار چون: تاریخ ادبیات در ایران (ج ۱ و ۲ و ۳)، فرهنگ معین (ج ۵)، دائرة المعارف فارسی (ج ۱)، آتشکده آذر (بخش ۱ و ۲ و ۳)، کارنامه بزرگان ایران، تاریخ برگزیدگان، تاریخ رجال ایران، تاریخ خوشنویسان، اطلس خط، تاریخ موسیقی و دیگر کتب ادب و تاریخ و رجال از عمده مآخذ بشمارند، ولی اگر در این کتاب به تورقی باز نگریسته شود، دانسته خواهد شد که مآخذ آن از چند صد تألیف در میگذرد و از آن همه بدقت در پایان هر شرح حال بهنگام استفاده یاد شده است.

در این نوشته، گاهی اگر کسی را عیبی بوده است و دانسته ام و بر من ثابت شده و یادآوری آن لازم می نموده است، از آوردن آن عیب و زشتی که پوشنده خوبیها و نامداری او نیست، روی در نکشیده ام. در این مجلد، جای بعضی عزیزان خالی است. البته بخواست خدای بزرگ اگر بطبع مجلد دوم این کتاب که اشخاص آن قطعاً بیشتر خواهد بود، توفیق رفیق آید، در پایان آن بچهران این کمبود خواهم پرداخت.

گر بماندیم زنده بر دوزیم	پیرهن کز فراق چاک شده
ورنماندیم، عذر ما بپذیر	ای بسا آرزو که خاک شده!

* * *

در فرجام این تألیف لازم است که جدولی برای دریافتن سال روز تولّد یا وفات سرآمدان بترتیب برطبق سالها داده شود تا برای یادآوری پنجاهها، سدهها یا هزاره های آنان بیشتر از اینکه

هفت

هست، سودمند افتد. و همچنین فهرستی جداگانه از هریک از اصناف
سرآمدان در بایست مینماید، تا دست کم در این گزینش پیدا شود کدام
یک از این طبقات نسبت بدیگران از لحاظ عدد بیش و پیشی داشته اند.
خداوندگار بزرگ همه پاکان و راستان و دانایان را پیروزی و
بهروزی روزی کند.

سید حسن سادات ناصری

۵۳۹۹۱۰

آبادیه‌یی (حاج محمدجعفر) از علما و فقهای «اصفهان» و از شاگردان «حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی» است. در فقه استدلالی کتابی بتألیف در آورده و «شرحی بر تجرید الکلام خواجه نصیرالدین طوسی» نوشته است.

وفات: ۱۲۸۰ هـ. ق = ۱۸۶۳ میلادی.

در تکیه مقابل تکیه شهبهانی در قبرستان تخت فولاد اصفهان مدفون است.

ریحانة الادب ج ۱ ص ۱۲

آخوند خراسانی

رك: آخواند ملا محمد كاظم بن حسين هروي خراسانى.

آخوند زاده یا «آخونداف» (میرزا فتحعلی پسر میرزا محمد تقی پسر حاجی احمد خامنه‌یی آذربایجانی) پدر وی کدخدای ده «خامنه» از حوالی «شبستر» بود. وی شاعر و نویسنده و متفکر ترک زبان و فارسی و تازی و روسی گوی ایران در نیمه دوم سده سیزدهم هجری است. در «تبریز»

یا «شکی» چشم بدین جهان گشود و چون مادرش دختر «آخوند حاجی میرزا علی اصغر» بود، بعدها به «آخوندزاده» یا «آخونداف» شهرت یافت. وی در ده سالگی بسال ۱۲۳۶ ه. ق با مادر خود از «تبریز» به «ارسباران» و از آنجا به «ققاز» رفت و بعد از تحصیل دانشهای رائج کهنه و نو در زبانهای ترکی، فارسی، عربی و روسی چیره دستی گرفت و نزد پدرزن خود «حاجی علی اصغر قراچه داغی» در دفترخانه مترجم زبانهای اسلامی گردیده داخل سپاه روس شد و عنوان مترجمی نایب السلطنة قققاز پیدا کرد و بدرجه سرهنگی رسید. وی در ترویج مبادی تمدن اروپایی میان مسلمانان اهتمام ورزید و آثار گوناگونی بزبانهای ترکی و فارسی و تازی نوشت. غالب آن آثار متضمن نکات اجتماعی و انتقادی و مباحث علمی و فلسفی و دینی است و در آنها موجبات جهالت و بدبختی شرقیان را باز نموده و کوشش بسیار کرده است تا با مهارتی که در اصول و آداب مناظره بهم رسانیده تمدن غربیان را به مردم شرق انتقال دهد. وی بیشتر آثار خود را درباره انتقاد از اوضاع اجتماعی و اصول اداره استبدادی ایران نگاشته است و تا پایان عمر نسبت به میهن خود ایران مهری راستین داشته.

از آثار او است: رساله‌یی انتقادی بنام «تلقین نامه» به تازی و رساله‌یی در «نقد روضة الصفاى ناصری» بفارسی و «نمایشهای هفتگانه» یا «قصص سبعة» که کمدی انتقادی است بسبک «مولیر فرانسوی» بزبان ترکی. این نمایشنامه‌ها را «میرزا جعفر

قراچه‌داغی» بعنوان «تمثیلات» بفارسی ترجمه کرده است و به زبانهای روسی و فرانسوی و آلمانی و انگلیسی نیز ترجمه شده و انتشار یافته. وی با تخلص «صبوحی» شعر نیز میسرود و قصیده‌یی هم در رثاء «پوشکین» شاعر معروف روس گفته است، و رساله «خواب شگفت» او در انتقاد اوضاع اجتماعی در برلین بطبع رسیده. «نامه‌های کمال الدوله» نیز بدو منسوب است. آخوندزاده درباره معایب خط فارسی و لزوم تغییر آن نیز رساله‌ها نوشت و الفبایی خاص بجای آن پیشنهاد کرد. میرزا ملکم‌خان و میرزا یوسف‌خان تبریزی و مستشارالدوله و میرزا حسین‌خان نایب اول وزارت امور خارجه و جمعی از مشاهیر در این اندیشه پیروی او کرده‌اند.

تولد: ۱۲۲۷ هـ. ق = ۱۸۱۲ میلادی در تبریز یاشکی.

وفات: ۱۲۹۵ هـ. ق = ۱۸۷۸ میلادی در تفلیس.

تاریخ رجال ایران ج ۲ ص ۵۵ تا ۵۸ - دائرة المعارف ص ۷۰ -
ریحانة الادب ج ۱ ص ۱۵ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۱ - تمثیلات
آخوندزاده طبع خوارزمی.

آخوند ملاخلیلای قزوینی (ملاخلیل بن غازی قزوینی) از فقها و دانشمندان سده یازدهم هجری است. صاحب شرح اصول کافی به فارسی بنام «الشافی» در دوازده مجلد و شرح کافی به تازی موسوم به «الشافی» تا ابواب طهارت و «شرح العدة فی الاصول» و «الرسالة النجفیة» و «الرسالة القمیه» و «المجمل فی النحو» و «رموز التفسیر»

الواقعة في الكافي» و «الروضة» و جز اینها . وی صاحب اعتقاد
ترجیح بلامرجح است و دیگر آنکه در منطق شکل اول را بدیهی-
الانتاج نمیدانسته است!

آخوند ملاخلیل استاد شاعر مشهور سده یازدهم هجری
ملا محمد رفیع واعظ قزوینی است .

تولد: ۱۰۰۱ هـ . ق = ۱۵۹۲ میلادی .

وفات: ۱۰۷۹ هـ . ق = ۱۶۸۷ میلادی در قزوین و قبرش
در تکیه ملاخلیل است .

ریحانة الادب ج ۳ ص ۲۹۳ تا ۲۹۵ - امل الآمل ج ۲ ص ۱۱۲ و ۲۹۳ -
روضات الجنات ج ۲ ص ۶۱۳ ، هدیة الاحباب ص ۲۷۸ ، الذریعة ج ۱ ص ۷۶ ،
قصص العلماء ص ۲۰۶ و ۲۰۷ .

آخوند ملاصدرا (صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی) مشهور به
«ملاصدرا» بزرگترین فیلسوف و متکلم ایران در سده یازدهم
هجری است . در حکمت و علوم عقلی شاگرد «میرداماد» و در
علوم شرعی شاگرد «شیخ بهائی» است . در علوم ریاضی نیز
مهارت داشت . در حکمت طریقه‌یسی مخصوص بخود دارد و
پس از وی بیشتر حکما پیرو او هستند . وی شاگردان بسیار داشت .
از جمله : «ملا محسن فیض کاشانی» و «ملا عبدالرزاق لاهیجی»
که هر دو بدامادی استاد سرافراز گشتند . وی بیشتر از چهل کتاب
و رساله در علوم معقول و منقول از خود باقی گذاشت . از کتب
او در فلسفه : «اسفار اربعه» ، «شواهد ربوبیه» ، «مبدأ و معاد» ،

«مشاعر»، «عرشیه»، «شرح هدایه اثیریّه» است. این کتاب اخیراً بر طبق حکمت مشاء تألیف کرد. - از کتب دینی او «شرح اصول کافی» و تفسیر چند سوره مبارکه قرآنی است. «حاج ملاهادی سبزواری» در منظومه خود عقاید و آراء ملاصدرا را بنظم کشیده است.

تولد: ۹۷۹ یا ۹۸۰ ه. ق = ۱۵۷۱ یا ۱۵۷۲ میلادی
در شیراز.

وفات: ۱۰۵۰ ه. ق = ۱۵۴۰ میلادی در بصره.

شرح حال و آراء فلسفی ملاصدرا نگارش سید جلال الدین آشتیانی
طبع مشهد - مبانی فلسفی و شرح حال و حرکت جوهری و فهرست آثار
ملاصدرا طبع دانشگاه تهران - کارنامه بزرگان ایران ص ۴۰۴

آخوند ملا عبدالکریم گزی فرزند «حاج ملا مهدی بن حاج - محمد باقر بن ملا علی گزی برخواری اصفهانی» از روحانیون و فقهاء معروف اصفهان . مردی با تقوی و روشنفکر و وارسته بود . از تألیفات وی «تذکرة القبور اصفهان» است در شرح احوال علما و بزرگان مدفون در اصفهان و تاکنون دو بار بطبع رسیده است .

تولد: ۱۲۷۲ ه. ق = ۱۸۵۵ میلادی .

وفات : شب پنجشنبه سیزدهم ذی الحجه ۱۳۳۹

ه. ق = ۱۳۰۰ ه. ش = ۱۹۲۰ میلادی .

مقدمه تذکرة القبور چاپ دوم - تاریخ رجال ایران ج ۲ ص ۲۷۴ و ۲۷۵

آخوند ملا عبداللہ مازندرانی مجتہد معروف و یکی از ارکان ثلاثہ
 مشروطہ ایران در عراق (عتبات عالیات) است.
 وفات: ۱۳۳۰ھ. ق = ۱۹۱۱ میلادی.

تاریخ رجال ایران ج ۲ ص ۲۷۶ - ریحانة الادب ج ۳ ص ۴۲۴

آخوند ملا علی محمد اصفهانی فرزند «ملاحسین» و پدر «میرزا
 عبدالغفار خان نجم الملک» (بعداً ملقب به نجم الدوله) است.
 ملا محمد علی از مشاہیر ریاضی دانان عصر خود بود. معلم ریاضیات
 دارالفنون و دستیار «اعتضاد السلطنه» در کارهای فرهنگی بود.
 در کتاب المآثر والآثار درباره او آمده است:
 استاد ریاضیات مشرق زمین بود و در ادبیات نیز شرکت کلی
 میفرمود. ویرا مورخان ومؤلفان عصر «غیاث الدین جمشید ثانی»
 میخوانند.

بنا بنوشتہ کنت دو گوبینو Comte de Gobineau
 (۱۸۱۶ - ۱۸۸۲ میلادی) در کتاب «سه سال در آسیا» در موسیقی
 نظری ہم استاد بوده است.

از آثار او است: ۱- کتابی در لگاریتم ۲- کتابی در حل
 معادلات عالیہ جبر و مقابله بنام «تکملة العیون» ۳- کتابی در کیمیا
 (شیمی) ۴- کتابی در خواص اعداد. وی تألیفات دیگری ہم دارد.
 ولی هیچیک از آثار او بچاپ نرسیده است.

وفات: ۱۲۹۳ھ. ق = ۱۲۵۵ھ. ش = ۱۸۷۶ میلادی.

در وادی السلام نجف بخاک سپرده شد .

تاریخ رجال ایران ج ۲ ص ۴۸۲ و ۴۸۳

آخوند ملا محمد باقر بن ملا محمد تقی بن مقصود علی مجلسی
اصفهانی از روحانیون بزرگ و آخر صفوی و حجة الاسلام روزگار
شاه سلطان حسین، مخالف صوفیان و غیر مسلمانان و مؤلف کتاب
کبیر «بحار الانوار فی اخبار الائمة الاطهار» در بیست و شش
مجلد در احادیث شیعی که در کتب اربعه نیامده است .
از مؤلفات فارسی اوست :

«عین الحیاة» مشتمل بر مواعظ و راجع به ترک دنیا «مشکوة»
الانوار ، «حلیة المتقین» در اخلاق و اعمال ، «حیات القلوب»
که ناتمام است در سه قسمت تألیف یافته ۱- راجع به پیغامبران قبل
از حضرت محمد (ص) ۲- راجع بحضرت محمد (ص) ۳- راجع
به دوازده امام (ع) ، «تحفة الزائرین» ، «جلاء العیون» ، «مقیاس»
المصایب «در صلوة یومیة» ، «ربیع الاسابیع» ، «زاد المعاد» و
رسالات کوچک بسیار . ولی مهمترین تألیفات او از این دست کتاب
«حق الیقین» است . تعداد تألیفات وی را متجاوز از شصت کتاب
نوشته اند .

تولد: ۱۰۳۷ هـ . ق = ۱۶۲۷ میلادی .

وفات: ۲۷ رمضان ۱۱۱۱ هـ . ق = ۱۶۹۹ میلادی .

مدفون در جامع عتیق اصفهان .

ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۱۵۵ و ص ۲۸۵ و ص -

۲۹۱ - تاریخ برگزیدگان ص ۳۸ و ۳۹

آخوند ملامحمد تقی بن مقصود علی اصفهانی مجلسی معروف به «مجلسی اول» پدر «آخوند ملامحمد باقر مجلسی» است. وی از علما و فقها و مفسران بود و نزد «ملا عبدالله شوشتری» و «شیخ بهائی» و «میرداماد» شاگردی کرده است و علم حدیث و اخبار از «محقق ثانی» باو رسیده .

تولد: ۱۰۰۳ هـ. ق = ۱۵۹۴ میلادی.

وفات: ۱۰۷۰ هـ. ق = ۱۶۵۹ میلادی.

کارنامه بزرگان ایران ص ۳۴۲- ترجمه تاریخ ادبیات برون
ج ۴ ص ۲۸۳ و ۲۸۵

آخوند ملامحمد کاشی از معاریف علمای حوزه علمی اصفهان در رشته حکمت و کلام ، بسیار تندخو و انزوا طلب و در نهایت زهد و ورع و استغناء طبع و نظافت بود؛ و بی آنکه همسری اختیار کند سالها در مدرسه صدر اصفهان زندگانی میکرد .
وی همدرس استاد فقید « فاضل تونی » و استاد «استاد جلال الدین همایی» است .

وفات: شعبان ۱۳۳۲ هـ. ق در اصفهان و مدفون در تخت- پولاد است .

تاریخ رجال ایران ج ۳ ص ۲۳۷- یادداشت های حسن سادات ناصری.

آخوند ملا محمد کاظم بن حسین هروی خراسانی از فقه‌ای دقیق و محقق و جامع علوم عقلیه و نقلیه، تولدش در مشهد مقدس بود. در بیست و دو سالگی بتهران آمد و علوم عقلی را فرا گرفت و سپس به نجف شد و در حوزه درس «شیخ مرتضی انصاری» و بعد «میرزای شیرازی» شرکت کرد. و پس از هجرت «میرزا» به سامره، آخوند شخصاً بتدریس پرداخت و شماره شاگردانش از هزار بگذشت و شهرتش تدریجاً عالمگیر شد و مرجع تقلید شیعیان گردید. اوست که در اوان انقلاب مشروطیت ایران به خلع «محمدعلیشاه قاجار» حکم قطعی داد.

مهمترین تألیفاتش عبارتست از: «کفایة الاصول» که بر آن چند شرح نوشته‌اند. - «القضا و الشهادات»، «حاشیه بر مکاسب»، «حاشیه بر رسائل»، «حاشیه بر اسفار»، «تکملة التبصرة»، «الاجتهاد و التقليد»، «الاجاره».

تولد: ۱۲۵۵ ه. ق = ۱۸۳۹ میلادی در مشهد مقدس.
وفات: بیستم ذیحجه ۱۳۲۹ ه. ق = ۱۹۱۱ میلادی
در نجف اشرف و بدانجا در مقبره حاج میرزا حبیب رشتی مدفون است.

کادنامه بزرگان ایران ص ۴۰۴ - تاریخ رجال ایران
ج ۳ ص ۴ - ریحانة الادب ج ۱ ص ۱۴.

آدم بن اسد الهروی ادیب و محدث بزرگ در نیمه دوم سده پنجم و نیمه اول سده ششم هجری و استاد رشیدالدین محمد بن عبدالجلیل بلخی (وطواط) در نظامیه بلخ بود.

وفات: ۵۳۶ ه. ق = ۱۱۴۱ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۴۰ - معجم الادبا ج ۱ ص ۳۳ و ۳۴

آدمیت (میرزا عباسقلی خان) از پیشروان نشر افکار آزادی و مشروطه-خواهی است. فعالیت اجتماعی خود را از حدود سال ۱۳۰۳ ه. ق در همکاری با «میرزا ملکم خان» و «میرزا یوسفخان مستشارالدوله» آغاز کرد و مروج «اصول آدمیت» و دیگر نوشته‌های «ملکم» شد. همچنین در انتشار «روزنامه قانون» که بطور مخفی به ایران میرسیدکوشا بوده است. سپس به عنوان سازمان‌دهنده سیاسی، «مجمع آدمیت» را تأسیس کرد که چند حوزه حزبی داشت. از جمله «انجمن حقوق»، و در برخی ولایات نیز شعبه‌های آن تشکیل گردید. در واقع «مجمع آدمیت» را تنها جمعیت سیاسی منظم و متشکل پیش از مشروطیت می‌شناسیم که برنامه اجتماعی مشخصی داشته است. این سازمان سیاسی نماینده طبقه روشنفکر و لیبرال عصر خود بود که مسلک آن ایجاد حکومت پارلمانی است و در زمره امنای آن این کسان بوده‌اند: «میرزا محمودخان احتشام السلطنه» رئیس مجلس شورای ملی، «میرزا محمدعلی خان ذکاءالملک»، «سلیمان میرزا اسکندری»، «یحیی میرزا»، «میرزا اجوادخان سعدالدوله»، «میرزا ابراهیمخان عون الممالک»، «میرزا محمدخان کمال‌الملک» و «حاج سید نصرالله تقوی».

«مجمع آدمیت» در نهضت مشروطیت گام‌های بلندی برداشته و در این جنبش ملی سهم مهم و مؤثری داشته است. مسلک

سیاسی آن مجمع ایجاد حکومت پارلمانی است که اصول آن در نامه میرزا عباسقلی خان به سید محمد طباطبائی مجتهد مشهور مشروطه خواه چنین بیان شده است: «جهد باید کرد تا در ایران سلطنت مشروطه، پارلمان ملی، وزرای مسؤول، استقلال دیوان قضا برپا گردد.» و در سنجش مقام اجتماعی «مجمع آدمیت» چنانکه نوشته اند: «در جریان نهضت مشروطیت گامهای بلند به پیش برمیداشت و نیرویش افزون میگردد.» راجع به فرمان مشروطیت رئیس مجمع به مظفرالدین شاه نوشت: «در صدور دستخط مختاریت عامه و تأسیس مجلس شورای ملی... واجب است که اذعان صریح به حقوق قاطبه ملت ایران بفرمایند... تأخیر و تعطیل آن بیش از این جایز نیست.» از اوست: مقالاتی بعنوان های: «فریضة آدم» و «بانگ بیداری».

تولد: ۱۲۷۸ ه. ق = ۱۲۴۰ ه. ش = ۱۸۶۱ میلادی.
در قزوین.

وفات: ۱۳۵۸ ه. ق = ۱۳۱۸ ه. ش = ۱۹۳۹ میلادی
در تهران.

فکر آزادی ه. ق ص ۲۰۸ و ۲۲۴ و ۲۲۵ - تاریخ بیداری
ایرانیان چاپ ۱۳۳۲ ص ۴۰۸ و طبع بنیاد فرهنگ ایران بخش اول ص ۲۴۳ و ۲۴۴ و بخش دوم ص ۱۹۸ و ۴۲۵. یادداشت های حسن سادات ناصری.

آذر بیگدلی (حاج لطفعلی بیگک بن آقاخان بیگدلی شاملو، متخلص به آذر) شاعر و نویسنده نامدار سده دوازدهم هجری و از پیشروان بازگشت ادبی است. در اصفهان پای بدین جهان نهاد و مقارن

فتنه افغان باخاندان خود به قم مهاجرت کرد و چهارده سال در آنجا بود و به تحصیلات پرداخت. در آغاز جلوس «نادری» که پدرش به حکومت خطه لار و سواحل دریای فارس مشغولی داشت بدارالعلم شیراز شد و دو سال در آنجا بماند. چون پدرش درگذشت، در خدمت عم خود «حاجی محمود بیگ» متخلص به «مسرور» از راه عراق عرب و شام به مکه شتافت و در بازگشت به عتبات آمد و عزیمت عراق عجم و فارس کرد و بعد از یکسال با برادران و جمعی از دوستان بعزم زیارت به مشهد روی آورد و هنگامی که سپاه نادر از هند بازمی گشت، با سپاه او از راه مازندران به آذربایجان شد. سپس در اصفهان که وطن نیاکان او بود، بنای سکونت گذاشت. پس از قتل «نادر» در خدمت «علیشاه» و «ابراهیم شاه» و «شاه سلیمان دوم» و «شاه اسماعیل سوم» بسربرد و بخدمت «کریمخان زند» رسید و در اوایل دولت زندیه از کارها کناره جست و بکسوت فقر درآمد. و از درآمد املاک زراعتی که در مضافات قم داشت، برگ روزی میساخت. و بخدمت جمعی از افاضل علما و عرفا و اعظم شعرا و ظرفا رسید و بقدر استعداد از فیض صحبت هریک بهره مند شد و بیش از همه از محضر «میرسیدعلی مشتاق» سود جست و مشتاقانه چنین سرود:

«آذر» بهمه عمر به شاگردی مشتاق

نازم، که به استادش استادندیدم!

و یکدله به سرودن شعر و تألیف «تذکره آتشکده» پرداخت و به پسند این استاد و دیگر دوستان که شاگردی مشتاق میکردند،

چون: «عاشق» و «صباحی» و «هاتف» و «طبيب» و ديگران در قصيده و غزل از متقدمان و بالاختصاص گويندگان سبك عراقی پیروی کرد. در تاراج اصفهان بوسیله «علیمرادخان بختیاری» هفت هزار بیت از اشعار او از میان رفت.

در زمان حکومت «میرزا عبدالوهاب موسوی اصفهانی» جد مادری «میرزا عبدالوهاب خان معتمدالدوله نشاط» آذرباشاعران عصر در مجلس او به صحبتها گذرانیده و کامرانیها کرده است، ولی در زمان حکومت «حاجی محمدزمانی» سختیها برده و به کریمخان زند شکایتها برداشته است.

آذر پس از مدتی که از تاراج دیوانش گذشت، مثنوی «یوسف و زلیخا» را در دوازده هزار بیت و دیوانی دیگر در قصاید و غزلیات و رباعیات در ده هزار بیت سروده که نسخ خطی همه آنها در دست است. ولی مهمترین آثار او را باید «تذکره آتشکده» شمرد که در چهل سالگی بتألیف آن همت گماشت. بنابراین در حدود سال ۱۱۶۳ ه. ق بدین کار دست برد و تا سال ۱۱۹۳ ه. ق در ادامه آن در کوشش و کار بود. این تذکره که دیرپسندی «آذر» را در گزینش اشعار میرساند، سه بار در هندوستان و دوبار در ایران بطبع رسیده است.

وی پایان روزگار خود را در قم میزیست و همانجا درگذشت.

تولد: یک ساعت و کسر صبح روز شنبه بیستم ربیع الثانی ۱۱۲۳ ه. ق = ۷ جون ۱۷۱۱ میلادی در اصفهان.

وفات: ۱۱۹۵ ه. ق = ۱۷۸۱ میلادی در قم.

نگارستان دارا ص ۱۵۴ تا ۱۶۲ - ترجمه تاریخ ادبیات برون
ج ۲ ص ۲۰۴ و ۲۰۷ تا ۲۰۹ - یادداشت‌های حسن سادات ناصری.

آذری طوسی (نورالدین حمزة بن علی ملک طوسی بیهقی اسفراینی)

نسب وی به «احمد بن محمد زمجی هاشمی مروزی» میرسد. از پیشوایان متصوفه و از ادبا و شعرای بنام قرن نهم هجری است. وجه تسمیه وی بنا بر قول خود او بجهت تولدش در ماه آذر است. صحبت «محبی الدین غزالی طوسی» را دریافت. بدرگاه «احمد - شاه بهمنی» در آمد و بدستور او «بهمن نامه» را بسرود. از آثارش «سعی الصفا»، «طغرای همایون»، «جواهر الاسرار»، «غرایب - الدنيا وعجائب الاعلا»، «دیوان اشعار» و آثاری دیگر است. تولد: ۷۸۴ ه. ق = ۱۳۸۲ میلادی در اسفراین.

وفات: ۸۶۶ ه. ق = ۱۴۶۱ میلادی در اسفراین.

آتشکده آذر بخش ۲ ص ۴۴۳ تا ۴۵۸ - فرهنگ معین
ج ۵ ص ۱۵

آزاد همدانی (شیخ علی محمد غمامی فرزند حسین) از شاعران مشهور سده چهاردهم هجری است. وی بفقون ادب فارسی و زبان وادیات عرب احاطه و طبعی سرشار داشت. یکی از باذوق ترین نویسندگان عصر خود بود و سراسر عمر را در خدمت فرهنگ بگذراند. نخست «اسیر» تخلص می کرد سپس «آزاد» را بر آن ترجیح نهاد. نیاکان

«آزاد» از مردم «خوانسار» بودند که دو قرن پیش به همدان مهاجرت کردند. وی در کودکی پدر را از دست بداد و در کنف تربیت برادران درآمد و تا اواخر سال ۱۳۲۳ ه. ق تحصیلات خود را در فارسی و صرف و نحو و معانی و بیان و فقه و اصول و منطق در همدان پایان داد و سال بعد برای تکمیل تحصیل به تهران شد و چندی در محضر «حاج شیخ عبدالنبی نوری» و «حاج شیخ علی حکمی» و دیگران علوم معقول و منقول را بیاموخت و پس از سه سال به همدان بازگشت. چون در این هنگام برادرانش یکی پس از دیگری درگذشتند، بناگزیر بخدمت معلمی درآمد و بعدها بریاست فرهنگ کاشان و کرمانشاه و کفالت فرهنگ همدان رسید.

آزاد شاعری دانشمند بسود و در فنون گوناگون ادب فارسی و تازی بکوشیده. شعر را استادانه می سرود و خط شکسته را خوش مینوشت و در خلال کارهای معلمی مقالات و رسالاتی در شرح حال برخی از شاعران و نویسندگان همدان و درباره دستور زبان فارسی و نقد الشعر بتحریر درآورد که غالباً در مجله ارمغان بطبع درآمده است.

وی بسال ۱۳۱۳ ه. ش کتابی بنام «عشق و ادب» در دو مجلد بنگاشت و علی الظاهر آن را ناتمام گذاشت و اکنون تنها مجلد نخستین آن انتشار یافته و ظاهراً به پیروی از کتاب «عشق و سلطنت» مرحوم «شیخ موسی نثری» نگاشته است. وی از پایه گذاران انجمن ادبی همدان بود و در چند سال پایان عمر ریاست آن انجمن را

برعهده داشت. آزاد از پیروان مکتب غمام همدانی بود و بدین جهت غالباً به «غمامی» مشهور است.

تولد : ۱۳۰۲ ه . ق = ۱۲۶۳ ه . ش = ۱۸۸۴

میلادی.

وفات : ۱۳۶۵ ه . ق = ۱۳۲۴ ه . ش = ۱۹۴۵

میلادی.

بزرگان و سخن سرايان همدان ج ۲ ص ۲۷۲ تا ۲۷۶ - فرهنگ

معین ج ۵ ص ۳۳

آشتیانی (میرزا اسماعیل فرزند شیخ مرتضی فرزند میرزا حسن آشتیانی)

متخلص به «شعله» درخاندان بسیار معروف روحانیت در تهران

چشم بدین جهان گشود. علوم ابتدائی را در مدرسه اسلام و

متوسطه را در دارالفنون بیاموخت و نزد «مصور الممالك

میر مصور» و «میرزا حاج آقا نقاش باشی» و «شیخ المشایخ» نقاشی

بیاموخت. سپس به مدرسه صنایع مستظرفه «کمال الملك» شد

و دوره پنجساله آنرا در سه سال بگذراند و شاگرد اول گردید.

شادروان کمال الملك نخست وی را به معلمی مدرسه و یکسال بعد

به معاونت خویش برگزید. در سال ۱۳۱۱ ه . ش که مرحوم

کمال الملك از کار کناره جست، آشتیانی بریاست مدرسه منصوب

آمد و سه سال در این کار بیود و پس از چندی برای مطالعه به

اروپا رفت. در آلمان بخواهش رؤسای کارخانه فیلمبرداری

«اوپا» تابلویی از «ویلی فریچ» هنرپیشه مشهور آن زمان ساخت.

آشتیانی بهنگام وزارت فرهنگ جناب آقای علی اصغر حکمت مدتی در دانشسرای عالی بتدریس نقاشی وقواعد مناظر و مرایا اشتغال داشت و سپس بدانشکده فنی منتقل شد. وی علاوه بر رنگ و روغن، در آب و رنگ و سیاه قلم نیز کار کرده است. از تابلوهای معروف این استاد یکی «ترباکها» یا «قهوه‌خانه» و دیگری «حافظ» است که اکنون در موزه شیراز نگهداری می‌شود.

وی غزل هم می‌گفت و «شعله» تخلص میکرد و تألیفاتی نیز دارد. از آثار اوست: «اختراع الفبائی برای خط فارسی»، «تصحیح و تحشیه دیوان منوچهری»، ترجمه و تألیف «کتاب مناظر و مرایای عملی»، «منتخبات رباعیات خیام»، «ترانه‌های باباطاهر»، «صائب»، «حافظ» و «سفرنامه اروپا».

تولد: ۱۳۱۰ ه. ق = ۱۲۷۱ ه. ش = ۱۸۹۲ میلادی تهران.

وفات: ۱۳۹۱ ه. ق = ساعت سه بعد از نیمه شب پنجشنبه دهم اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ ه. ش = ۱۹۷۰ میلادی تهران.

تاریخ برگزیدگان ص ۵۰۱ تا ۵۰۳ - یاد داشتهای حسن - سادات ناصری.

آشتیانی (میرزا محمدحسن)
ر ک: حاج میرزا حسن آشتیانی.



آشتیانی (حاج میرزا مهدی)

ر ک : حاج میرزا مهدی آشتیانی .



آقا ابراهیم قمی (محمد ابراهیم بن محمد نصیر قمی) از معاصران «میرزا احمد نیریزی» است و این استاد، «خط نسخ» را نزد وی تعلیم گرفت. «آقا ابراهیم» از خوشنویسان زبردست و از استادان معروف دوره سلطنت «شاه سلیمان» و «شاه سلطان حسین» صفوی است. که جز خطوط اصول، تعلیق و نستعلیق و شکسته را نیز بسیار خوش می نوشته، ولی در خط نسخ شهرت یافته است . سالی سه قرآن کتابت میکرده و از دستمزد آن زندگانی مرفهی داشته و تمام عمر مجرد زیسته است .

تا سال ۱۱۱۵ هـ . ق = ۱۷۰۳ میلادی در قید حیات بوده

است، ولی تاریخ فوتش معلوم نیست .

کارنامه بزرگان ایران ص ۲۶۲ و ۲۶۳ - اطلس خط ص ۳۵۲ و ۳۵۳



آقابزرگ تهرانی (حاج شیخ محمد محسن رازی فرزند حاجی علی مشهور به شیخ آقابزرگ) صاحب «الذریعة الی تصانیف الشیعة» . محقق اصولی و رجالی و جامع علوم متنوعه و صاحب آثار بسیار است .

تولد : یازدهم ربیع الاول ۱۲۹۳ هـ . ق = ۱۲۵۲

هـ . ش = آوریل ۱۸۷۵ میلادی .

وفات: سیزدهم ذیحجه ۸۹ هـ ۱۳ ق = ۱۳۴۸ هـ ش

= ۱۹۷۰ میلادی

ریحانة الادب ج ۱ ص ۲۲ - یادداشت‌های حسن سادات ناصری -
مقدمه ج ۲۰ الذریعة - مجله وحید سال هفتم شماره سوم (مسلسل ۷۵)
ص ۲۵۰ تا ۲۶۳ - مجله معارف اسلامی شماره سوم مردادماه ۱۳۴۶ هـ ش
ص ۴۱ تا ۴۵

آقا حسینقلی فرزند «آقا علی اکبر» موسیقی دان معروف ایرانی است . پدر
وی نوازنده تار در دوره ناصرالدین شاه قاجار بود. «آقا حسینقلی»
نخست نزد برادرش «میرزا عبدالله» و سپس پیش پسر عمویش «آقا
غلامحسین» بنواختن تار مشغول شد. بعدها او و برادرش میرزا
عبدالله جزء نوازندگان درباری شدند. او در نواختن تار بسیار
زبردست بود و به بزرگترین استاد این هنر در زمان خود نامبردار
شد. وی مجلس درس نیز داشت و در «ردیف» سبک مخصوصی
بکار میبرد. این استاد شاگردانی چون: «غلامحسین درویش»
و «میرزا غلامرضای شیرازی» پرورد .

وفات: ۱۳۳۴ هـ ق = ۱۲۹۴ هـ ش = ۱۹۱۵ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۶۳ - کارنامه بزرگان ایران ص ۳۶۷
و ۳۶۸ - تاریخ رجال ایران ج ۵ ص ۸۲ و ۸۳ - سرگذشت موسیقی در ایران
ج ۱ ص ۱۳۰ تا ۱۴۴

آقاخان کرمانی

رک: میرزا آقاخان کرمانی.

آقارضا نقاش کاشانی فرزند «مولانا علی اصغر» و شاگرد او. استادی بی نظیر بود در فن چهره گشایی. بنا بر قول اسکندر بیک، صاحب عالم آراء، همیشه مفلس و پریشان حال بود. بهندوستان رفت و به خدمت «اکبر شاه» پیوست. پسرش «ابوالحسن» هم در نقاشی ترقیات عظیم نمود. این پدر و پسر در هندوستان وفات یافتند. «مصور کاشی» نقاش و شاعر داماد اوست.

سده یازدهم هجری = سده هفدهم میلادی.

کارنامه بزرگان ایران ص ۲۳۴ و ۲۳۵

آقارضا (محمد بن حسن قزوینی) از علماء بنام سده یازدهم هجری، شاگرد «ملاخلیل قزوینی» است. صاحب «شرح فارسی اصول کافی» و مؤلف «ابطال الرمل»، «رسالة «نوروز»، «رسالة «شیر و شکر»، «ضیاء الاخوان»، «قبلة الآفاق»، «کحل الابصار»، «لسان - الخواص» و «هدية الخلائق» است.

وفات: ۱۰۹۶ ه. ق = ۱۶۷۴ میلادی.

ریحانة الادب ج ۱ ص ۲۳.

آقا علی اکبر پسر « آقا حسینقلی و میرزا عبدالله»، از موسیقی دانهای معروف روزگار ناصرالدین شاه بود و برای شاه تار میزد و مورد احترام می زیست . «کنت دو گوینو» (Comte de Gobineau) وزیر مختار فرانسه در ایران در تألیف خود «سه سال در آسیا» او را معروفترین نوازندگان تار معرفی میکند و میگوید: «وی نه تنها در ایران هنرپیشه بزرگی است ، بلکه در همه کشورها هنرپیشه یی بزرگ محسوب میشود» . با اینکه «کنت دو گوینو» او را تندرستی معرفی میکند، اما وی را محبوب همگان نوشته اند .

سال تولد و وفاتش معلوم نیست، ظاهراً عمری دراز نداشته است و در نیمه اول سلطنت ناصرالدین شاه در گذشته .

وفات: نیمه دوم سده سیزدهم هجری قمری = نیمه دوم سده نوزدهم میلادی .

سرگذشت موسیقی در ایران ج ۱ ص ۱۰۱ تا ۱۰۵ .

آقا غلامحسین فرزند «محمد رضا» و برادرزاده «آقا علی اکبر» است که شاگرد عموی خود بود و پس از وی هنرمندی بزرگ بشمار آمد و بدربار ناصرالدین شاه طرف توجه و علاقه مخصوص شاه گردید . «معیر الممالک» نوه دختری ابن شهریار در کتاب « و قایع دربار ناصری » می نگارد : «آقا غلامحسین تارزن در فن خود از اساتید دهر و از دست پروردگان آقا علی اکبر معروف بود .»

ظاهراً پس از آقا علی اکبر، «محمد صادق خان سرور -

الملک» معروف به «رئیس» و «آقاغلامحسین» استاد تار هردوزبر - دست‌ترین موسیقی دانان دربار ناصرالدین شاه بودند. - میگویند: مضراب آقاغلامحسین چنان تند و ریز و سریع و مرتب و متوالی بوده که از دور صدای آرشه کمانچه را میداده است. از آقاحسینقلی منقول است که وقتی از هنرش تحسین کردند، گفته است: «اگر تار - زدن آقاغلامحسین را شنیده بودید، بخوبی درمی یافتید که من در مقابل او ذره‌یی بیش نیستم!» البته این سخن تاحدی بسیار مربوط به نگاهداری حرمت مقام والای استاد است؛ ولی بخوبی میرساند که آقا غلامحسین نوازنده‌یی بزرگ بوده است. وی علاوه بر «میرزا عبدالله» و «آقاحسینقلی» که هموزادگان او بودند، شاگردان دیگری را هم به استادی رسانیده است.

در اواسط عصر ناصرالدین شاه از بزرگان عمله طرب بود.

وفات : نیمه دوم سده سیزدهم هجری قمری = نیمه

دوم سده نوزدهم میلادی.

سرگذشت موسیقی در ایران ج ۱ ص ۱۱۰ تا ۱۱۵.

آقا محمدباقر بن محمد اکمل بهبهانی ملقب به «آقا» یا «محقق بهبهانی» و معروف به «صوفی کش» مجدد قرن دوازدهم شیعه، از فقهای بزرگ و از طرف مادر منسوب به «مجلسی» است. وی تحصیلاتش نزد پدر بوده است و از او اجازه داشته. گروهی از فقهای شیعه شاگردی وی کرده اند. در حدود شصت تألیف دارد.

از جمله: «شرح مفاتیح»، «حاشیه بر مدارک»، «حاشیه بر شرح ارشاد اردبیلی»، «حاشیه بر وافی»، «رساله در اصل براءت»، «رساله در حیل شرعیه»، «رساله در اجتهاد»، «رساله در معاملات» و «رساله در حل شبهه جبر و اختیار».

تولد: ۱۱۸۰ هـ. ق = ۱۷۶۶ میلادی در اصفهان.

وفات: ۱۲۰۶ هـ. ق = ۱۷۹۱ میلادی در کرمانشاه.

ریحانة الادب ج ۱ ص ۲۱ - کارنامه بزرگان ایران ص ۳۶۳ و ۳۶۴.

آقامحمد مهدی ارباب فرزند «آقا محمدرضا ارباب اصفهانی» و پدر «میرزا محمدحسین فروغی ذکاء الملك» (م/ ۱۳۲۵ هـ. ق)، از فضلا و ادباء مشهور عصر قاجار است. وی در تاریخ، جغرافیا، هیأت قدیم و جدید دانا بود و تاریخ و جغرافیای اصفهان، موسوم به «نصف جهان» از اوست.

دیگر از آثار وی: تصحیح و طبع «شاهنامه فردوسی» و «تاریخ و صاف» است.

کتاب «نصف جهان در تاریخ و جغرافیای اصفهان» را در سال ۱۳۰۳ هـ. ق شروع کرده و در ماه رجب ۱۳۰۸ پایان برده است. نسخ خطی این کتاب که بطبع در نیامده کمیاب است.

تولد: حدود ۱۱۳۴ هـ. ق = ۱۸۱۸ میلادی.

وفات: ۱۳۱۴ هـ. ق = ۱۸۹۶ میلادی - در قبرستان

محله آب بخشان اصفهان مدفون شد.

تاریخ رجال ایران ج ۴ ص ۵ و ۶.

آقا هاشم اصفهانی (محمد هاشم بن محمد صالح لؤلؤی اصفهانی) معروف به «زرگر» پدر «میرزا محمد علی محرم» وجد «عبدالوهاب محرم یزدی» شاعر دوره قاجار است. - «محمد هاشم» از استادان مسلم خط نسخ سده دوازدهم و سیزدهم هجری قمری است. او را در خط نسخ ردیف «عبدالمجید درویش» در خط شکسته نهاده اند.

تاریخ تولد و درگذشت او معلوم نشد، ولی میان سالهای ۱۱۷۲ ه. ق. و ۱۲۱۲ ه. ق. آثاری از او بازمانده است. آنچه در طول این مدت نوشته، معرف قدرت او در خوش نویسی است. وفات: تا سال ۱۲۱۲ ه. = ۱۷۹۷ میلادی زندگانی او مسلم است.

کارنامه بزرگان ایران ص ۲۸۸ و ۲۸۹ - اطلس خط ص ۳۵۵ و ۳۵۶

آگه شیرازی (آقا علی اشرف) متخلص به «آگه» از شعرای نامدار اوائل عهد قاجار است.

وفات: ۱۲۴۴ ه. ق. = ۱۸۲۸-۹ میلادی.
ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۲۲۲ - مجمع الفصحا ج ۲ ص ۶۴

ابراهیم ادهم (ابو اسحاق ابراهیم بن ادهم بن منصور بلخی) از بزرگان

زهاد نیمه اول سده دوم هجری است . وی از امیرزادگان «بلخ» بود . به «مکه» رفت و بصحبت چندتن از اولیاء مانند: «فضیل ابن عیاض» و «سفیان ثوری» رسید و سپس به «شام» شد و تا پایان عمر بدانجای بود .

وفات: ۱۶۱ یا ۱۶۲ هـ . ق = ۷۸۲ یا ۷۸۸ میلادی .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۵ - دائرة المعارف ص ۸

ابراهیم بن حبیب فزاری و پدرش «محمد فزاری» هردو از منجمان و ریاضی دانان بزرگ و از نخستین کسانی هستند که کتب ریاضی هندی را بزبان عربی نقل کرده اند . قسمتی از مجموعه نجومی «السند هند» (سیدهانثا) Sid. hanta، که مهمترین آن متعلق به حدود سده پنجم میلادی است، به عربی ترجمه کرد که به «السند هند الکبیر» مشهور بوده است . تا عهد «مأمون» این کتاب مورد استفاده بود . «محمد بن موسی خوارزمی» آن را ملخص کرد و زیج خود را با استفاده از آن ترتیب داد .
وفات: ۱۸۳ هـ . ق = ۷۷۹ میلادی .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۵ - تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۱۰ و ۱۱۴

ابراهیم بن ماهان که بعدها نام پدرش مبدل به «میمون» شده است . مکتبی و مشهور به «ابو اسحاق ابراهیم بن میمون (یا ماهان) بن بهمن بن یسک ارجمانی» مشهور به «ندیم موصلی»، اصل وی ایرانی و از

«ارجان» است. ابراهیم به «موصل» رفت و مدتی در آنجا اقامت کرد؛ شهرت او به «موصلی» از اینجاست. او موسیقی و غنا را از استادان ایرانی فرا گرفت و در غنا و اختراع الحان نظیر نداشت. نخستین خلیفه که آواز او شنیده است، «مهدی بن منصور» بود و ابراهیم در دربار «مهدی» و مخصوصاً «هارون» مقامی عالی داشت.

تولد : ۱۲۵ هـ . ق = ۷۴۲ میلادی در کوفه .

وفات : ۱۸۸ هـ . ق = ۸۰۳ میلادی در بغداد .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۵ . دائرة المعارف ص ۱۰

ابراهیم خواص (ابو اسحاق احمد بن اسماعیل بغدادی) اصلاً ایرانی و پدرش از مردم «آمل» بود و چون تولد پدرش در «بغداد» روی نمود به «بغدادی» مشهور شد. ابراهیم در آغاز عمر چندی به تحصیل پرداخت و پس از آن دل به تصوف سپرد. و چنانکه از لقب او برمی آید ، معاش خود را از بافتن بوریا و زنبیل و مانند آن می گذرانید. (خصوص برگ درخت خرماس است که در عربستان برای ساختن بادبزن و سفره و زنبیل بکار میبرد) ابراهیم پیوسته در سفر بود و حکایاتی که از او نقل می کنند غالباً راجع به سیاحت یا حج است. او در میان عرفا شهرت بسزایی دارد.

وفات : ۲۹۱ هـ . ق = ۹۰۳ میلادی . در «طبریه» یا

«جامعری»

فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۶ .

ابراهیم شجری از کتاب او آخر سده دوم هجری است که قلم «ثلثین» را
بوجود آورد و برادرش یوسف نیز قلم «رئاسی» را که با اسم «فضل بن
سهل ذوالریاستین» وزیر «مأمون» است و قلم «توقیع» نام دارد
پدید آورد.

زندگانی: سده دوم هجری = سده هشتم میلادی .
تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۵۵ - اطلس خط ص ۲۲۴ .

ابن ابی الصادق (ابوالقاسم عبدالرحمن بن علی بن ابی الصادق -
النیسابوری) ملقب به «بقراط الثانی» استاد «سید اسمعیل جرجانی»
است. از آثار او «شرح کتاب فصول ابقراط» و دیگر «شرح مسائل -
حنین» است که در دست می باشد.

وفات: در نیمه دوم سده پنجم هجری و گویا در او آخر
آن قرن = او آخر سده یازدهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۳۱۴ - فرهنگ معین ج ۵ ص
۷۹۰ و ۸۹۱ .

ابن ابی الطیب (امام علی بن عبدالله بن احمد نیشابوری) که پیشوای
شیعه بوده و در قرن ۴ و ۵ یکی از مشاهیر ناحیه «بیهق» بنام
«ابوالقاسم علی بن محمد بن حسین بن عمرو» (ابوالقاسم عمرو)

برای او و اتباعش در کوی «اسفریس» نشا‌بور مدرسه‌یی بزرگ ساخته است.

وفات: ۴۱۸ هـ. ق = ۱۰۲۷ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۶۷.

ابن ادریس حلی نواده دختری «شیخ طوسی» از علماء شیعه در سده ششم هجری است. وی «تبیان» شیخ طوسی را مختصر کرده و نسخه‌یی از آن در دست است و کتاب «السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی» و «مسائل ابن ادریس» از اوست.

وفات: ۵۷۸ هـ. ق = ۱۱۸۲ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۹.

ابن اسفندیار (بهاء‌الدین محمد بن حسن بن اسفندیار) کاتب و مورخ ایرانی اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم هجری. از شرح حال او اطلاعی در دست نیست، جز همانکه خود او در مقدمه «تاریخ طبرستان» نگاشته است:

در سال ۴۰۶ هـ. ق = ۱۲۰۹ میلادی هنگامی که رستم بن اردشیر فرمانروای طبرستان کشته شد، در «بغداد» بود و چون این خبر شنید از بغداد به «عراق عجم» بازگشت و دو سال برای تکمیل مواد کتاب خود در «ری» بسر برد و پس از آن به «خوارزم» رفت و مدار کی در

دکان کتابفروشی یافت که «نامه تنسر» به «گشنسب شاه» فرمانروای «طبرستان» هم در میان آنها بود.

وفات : وی تا سال ۶۱۷ ه. ق = ۱۲۲۰ میلادی در «خوارزم» بود و پس از آن اطلاعی از حال و کار او نداریم .
تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۱۰۱۷ تا ۱۰۱۹ - فرهنگ معین
ج ۵ ص ۷۹ - کارنامه بزرگان ایران ص ۱۷۴ و ۱۷۵ .

ابن اعلم یا (ابن الاعلم) (ابو القاسم علی بن حسین) منجم دربار عضدالدوله دیلمی، مؤلف «زیج العضدی» که دو قرن رونق و اعتبار داشت و دقت ارسادش را ستوده اند.

وفات: ۳۷۴ ه. ق . = ۹۸۴ میلادی
دائرة المعارف ص ۱۵

ابن الباز یار یا «ابن باز یار» (محمد بن عبدالله) از منجمان عهد خلافت «مأمون» (۱۹۸-۲۱۸ ه. ق.) و شاگرد «حبش بن حاسب» است.
ایام شهرت: او اواخر سده دوم و اوائل سده سوم هجری =
او اواخر سده هشتم و اوائل سده نهم میلادی.

دائرة المعارف ص ۱۵

ابن البلخی (ابن بلخی) صاحب «فارسنامه» معاصر «محمد بن ملک شاه»

سلجوقی» بود. مسلماً این کتاب پیش از ۵۱۱ ه. ق. = ۱۱۱۷ میلادی
که سال وفات سلطان محمد است، نوشته شده. «ابن بلخی» در زمان
این پادشاه مستوفی «فارس» بود.

وفات: نیمه اول سده ششم هجری = نیمه اول سده
دوازدهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۹۲۶ تا ۹۲۸ - فرهنگ معین
ج ۵ ص ۸۲

ابن التلمیذ (شهرت امین الدوله ابوالحسن هبة الله) طبیب مسیحی
مقیم «بغداد» صاحب کتاب «اقرا باذین» که ادویه مرکبه است و
این کتاب بعد از کتاب «الاقرا بادین» «شاپور بن سهل گندی شاپوری»
(م/ ۲۵۵ ه. ق.)، که تا قرن ششم مورد توجه و استفاده بوده است،
شهرت یافت و محل رجوع بود.

تولد: ۴۶۰ ه. ق. = ۱۰۶۷ میلادی.

وفات: ۵۶۰ ه. ق. = ۱۱۶۲ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۴۸ - دائرة المعارف ص ۱۵

ابن الخطیب (محمد بن ابراهیم خطیب زاده) صاحب شرح بر «تجريد-
الکلام». یا «تجريد العقاید» خواجه نصیر الدین طوسی است.

وفات: ۹۰۱ ه. ق. = ۱۵۰۴ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۳۰

ابن الخمار رك : ابو الخير الخمار (حسن بن سوار بن بابا بن بهرام).

ابن السكيت (ابو يوسف يعقوب بن اسحاق) لغوی و نحوی معروف . اصلاً از مردم «اهواز» بود، ولی ظاهرأدر «بغداد» از مادر بزاد. متوکل خلیفه او را مأمور تربیت فرزندان خود کرد، و چون علوی بود و عقیده خود را از هیچکس حتی از خلیفه پنهان نمی داشت، بقولی زبانش را بریدند و بقولی دیگر او را زیر پای مستحفظان ترك افکندند تا جان سپرد .

از آثار اوست : كتاب «اصلاح المنطق» و كتاب «الاضداد» و جزانیها.

تولد: ۱۶۰ هـ . ق. = ۷۷۶ میلادی.

وفات: ۲۴۴ هـ . ق. = ۸۵۸ میلادی.

دائرة المعارف ص ۱۵

ابن الفقيه رك : ابن فقيه

ابن المقفع (ابو محمد عبدالله) اسم ایرانی او «روزبه» پسر «داذویه» است. ادبیات پهلوی و عربی را میدانست. مترجم کتب پهلوی به عربی از قبیل: «گاهنامه» - «کلیله و دمنه» - «خداینامه» (سیر الملوك - سيرة ملوك -

الفرس) - «كتاب مزدك» - «كتاب التاج» و دیگر رسالات است. آثار
او مثل اعلای بلاغت بوده است. پدرش «المقفع» از اهل «جور»
(فیروز آباد) «فارس» و از عمال خراج بنی امیه در «عراق» بود.

ولادت: در حدود ۱۰۶ هـ . ق . = ۷۲۴ میلادی .

مقتول: ۱۴۲ هـ . ق . = ۷۵۹ میلادی در بصره با اتهام

زندقه .

تاریخ ادبیات در ایران ص ۱۸۵ و ص ۱۸۶ - تاریخ برگزیدگان
ص ۲۵۸ - عبدالله بن المقفع تألیف دکتر محمد غفرانی طبع قاهره ۱۳۴۳ هـ . ش

ابن المبارک از تدوین کنندگان حدیث در خراسان است.

وفات: ۱۸۱ هـ . ق . = ۷۹۷ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۷۳

ابن الندیم (محمد بن ابویعقوب اسحاق بن محمد بن اسحاق معروف

بن ابن الندیم الوراق بغدادی) به کنیت «ابو الفرج» یا «ابو الفتح»،

مورخ و شرح حال نویسنده، صاحب کتاب مشهور و گرانقدر

«الفهرست» در ده مقاله مشتمل بر فهرست کتب جمیع ملل بزبان

و خط عربی در رشته های علوم و شرح احوال مصنفان آنها از ابتدای

اختراع هر علمی تا زمان مصنف که در شعبان سال ۳۷۷ هـ . ق . آن

را بتألیف در آورده است. وی کتاب دیگری بنام «التشبهات» دارد

و از شیعیان معتزله بشمار میرود. «ابن الندیم» یکی از خدمتگزاران

بزرگ تاریخ و فرهنگ ایران است. - گویند: هشتاد و نه سال در این

جهان بزیست.

تولد : ۲۹۶ هـ . ق . یا ۲۹۱ هـ . ق . = ۹۰۸ یا ۹۰۳

میلادی .

وفات : چهارشنبه بیستم شعبان ۳۸۰ یا ۳۸۵ هـ . ق . =

۹۹۰ میلادی یا ۹۹۵ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ صفحات : ۹۵ و ۸۵ و ۱۰۹ و ۱۰۰ و ۶۴۳ -
۱۳۴ و ۱۵۷ و ۱۸۴ و ۲۶۱ و ۲۸۹ و ۲۹۳ و ۳۳۵ و ۳۴۷ و ۳۸۹ و ۶۴۳ -
الفهرست تألیف ابن ندیم ترجمه رضا تجدد - دائرة المعارف ص ۱۶ -
ریحانة الادب ج ۶ ص ۱۸۴ و ۱۸۵

ابن اماجور (ابو القاسم عبدالله بن اماجور) منجم مسلمان از مردم
«فرغانه» باپسرش «ابو الحسن بن اماجور» و غلام او ارضا بسیار کرد
و با هم چند زیج تنظیم کرده اند. از جمله: «زیج الخالص» و «زیج -
البدیع». پدر و پسر به «بنو اماجور» معروف اند.
در حدود ۲۷۲ تا ۳۲۱ هـ . ق . = ۸۸۵ تا ۹۳۳ میلادی کار او
رونق داشت.

دائرة المعارف ص ۱۶

ابن بابویه (ابو الحسن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی) ملقب به
«صدوق اول» فقیه معروف شیعی در ۳۲۸ هـ . ق . بخدمت حسین بن روح
رسید. تألیفات متعدد دارد و ابن الندیم معتقد است که دوست کتاب

در علم فقه تألیف کرده است. از آن جمله «کتاب الشرایع»- «کتاب-
الرساله»- «کتاب التوحید»- «کتاب الامامت»- «کتاب الاخوان»-
«کتاب التفسیر»- «کتاب المعراج» و ...
فرزند مهتر او «ابو جعفر محمد بن علی بن حسین» است
ملقب به «صدوق».

وفات: ۳۲۹ هـ. ق = ۹۴۰ میلادی. - مزارش در شهر «قم»
است.

ریحانة الادب ج ۵ ص ۲۶۱ و ۲۶۲ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۲.

ابن بابویه قمی رئیس المحدثین (ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی
بن بابویه قمی) معروف به صدوق از علماء و محدثان شیعه است، معاصر
رکن الدولة دیلمی . در حدود ۳۰۰ جلد کتاب نوشت که مهمترین
آنها: «من لایحضره الفقیه» (از کتب اربعه شیعه)، «امالی»- «تفسیر»-
قرآن»- «کتاب المقنع» در فقه»- «کتاب الخصال»- «کتاب التوحید»-
«کتاب الامامت»- «عیون اخبار الرضا»- «معانی الاخبار»-
«ثواب الاعمال»- «علل الشرایع» و «کتاب الاعتقاد» .

پدر صدوق علی بن حسین (م/ ۳۲۹ هـ. ق) هم از علمای
بزرگ و اعظم محدثین شیعه و مورد توجه و دعای حضرت امام
حسن عسکری (ع) بوده است. پدر نیز به صدوق معروف است. پدر
و پسر را «صدوقین» گویند.

وفات: ۳۸۱ هـ. ق = ۹۹۱ میلادی.

مزارش در شهر ری نزدیک حضرت عبدالعظیم است.

ریحانة الادب ج ۲ ص ۴۷۰ تا ۴۷۴ - کارنامه بزرگان ایران
ص ۷۱ و ۷۲

ابن باز یار

رك: ابن الباز یار.

ابن بزاز مؤلف «صفوة الصفا» که در اواسط قرن ۸ تصنیف شده است و آن تقریباً شامل ۲۱۶۰۰۰ کلمه است با عبارات ساده و خالی از تکلف و صنایع در احوال و کرامات اجداد صفویان، مخصوصاً «شیخ صفی الدین اردبیلی» و «شیخ زاهد گیلانی» مرشد شیخ شیخ صفی الدین. «ابن بزاز» نام اصلیش «توکل بن اسماعیل» یا «توکل» است و در قرن ۸ هجری میزیسته.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۲ و ۱۰۰۵ - ترجمه تاریخ ادبیات
برون ج ۴ ص ۴۲

ابن بواب (ابو الحسن علی بن هلال کاتب بغدادی ملقب به علاء الدین و قبله الکتاب) مخترع خط «ریحانی» که از خطوط اسلامی است.

وی از دانشمندان و ادبای عصر خود بود، ولی حسن خطش بر دیگر فضائل او ترجیح داشت. وی در اقلام باقیمانده از زمان «ابن مقله» تصرفات کرد و خط را بمیزان نقطه تحت قاعده آورد و شاگردان بسیار یافت. از آثار او یکی دیوان اشعار «الحادره» و رساله‌ای از «جاحظ» درموزه آثار ترك اسلامی در «اسلامبول» است. چون پدرش هلال در بان آل بویه و پرده‌دار ایشان بود، بدین‌روی پسر را «ابن البواب» و «ابن الستری» می‌گفته‌اند.

وفات: ۴۲۳ هـ. ق = ۱۰۳۱ میلادی در بغداد.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۳۷ - ریحانة الادب ج ۵ ص ۲۷۵ و ۲۷۶ - کارنامه بزرگان ایران ص ۲۴

ابن بی‌بی (امیر ناصرالدین یحیی بن مجدالدین محمد ترجمان) از مردم گرگان نویسنده و مورخ ایرانی قرن هفتم. مادرش «بی‌بی» به کار زجر و فال اشتغال داشت و پدرش در دربار سلاجقه آسیای صغیر دبیر و مترجم بود... از احوال او چیزی در دست نیست. میان سالهای ۶۸۱ تا ۶۷۴ هـ. ق کتابی بنام «الاورامر العلائیه فی امور العلائیه» در تاریخ سلاجقه آسیای صغیر بزبان فارسی نوشته و سلطنت «علاءالدین کیقباد» را بتفصیل شرح داده و کتاب را به علاءالدین عظاملك جوینی اهدا کرده است. نثر این کتاب تقلیدی ناموفق از جهانگشای جوینی است.

وفات: تا اوائل دهه نهم سده هفتم هجری = اوائل دهه نهم

سده سیزدهم میلادی زندگانی میکرده است.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۱۲۱۳ تا ۱۲۱۷ - دائرة المعارف
ص ۱۷ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۳ - تاریخ در ایران تألیف غلامحسین
صدری افشار ص ۷۱

ابن حاجب (جمال الدین ابو عمرو عثمان بن عمر) نحوی معروف . اصلاً
از کردان ایرانی بود و در «مصر» متولد شد و در «قاهره» بتحصول
علوم ادبی و فقه پرداخت و چندی نیز در «دمشق» تدریس کرد .
از تألیفات او ست: «کافیه» (در نحو) - «شافیه» (در صرف) - «مختصر
المنتهی» - «منتهی السؤل والامل فی علمی الاصول والجدل» -
«الامالی» و غیره .

تولد: ۵۷۰ هـ . ق = ۱۱۷۴ میلادی.

وفات: ۶۴۶ هـ . ق = ۱۲۴۸ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۶۳ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۳
ریحانة الادب ج ۵ ص ۲۹۹ تا ۳۰۲

ابن حبان (محمد بن احمد) مؤلف و عالم حدیث، در «بست سیستان» از مادر بزاد
و به منصب قضای «سمرقند» رسید، و چون پیغمبری را از علم و عمل
آمیخته میدانست، زندیقش خواندند و از کار برکنارش داشتند.
کتاب «التقاسیم و الانواع» او مشتمل بر احادیث
نبوی است. «کتاب الثقات» وی نیز معروف است. - هم از آثار
او ست: «روضة العقلاء و نزهة الفضلاء» - «المسند الصحيح» و

«مشاهیر علماء الامصار» .

تولد: حدود ۲۷۴ هـ . ق = ۸۸۷ میلادی.

وفات: ۳۵۲ هـ . ق = ۹۶۵ میلادی.

ریحانة الادب ج ۵ ص ۳۰۲ - دائرة المعارف ص ۱۸

ابن حسام هروی (جمال الدین) شاعر ایرانی از مردم «خواف نیشابور»
بود و چون در «هرات» بسر می برد اورا هروی گویند . در دربار «آل
کرت» تقرّب داشت.

وفات: ۵۷۳۷ هـ . ق = ۱۳۳۶ میلادی.

آتشکده آذر بخش نخست ص ۳۸۸ تا ۳۹۰

ابن حسام (مولانا محمد بن حسام الدین خوسفی قهستانی) از شاعران
سده نهم هجری است. قصایدی در منقبت خاندان پیغمبر (ع) دارد.
اثر معروف او حماسه دینی «خاورنامه» یا «خاوران نامه» است که
موضوع آن داستانی است در شرح احوال و سفرها و حمله های
«حضرت علی بن ابیطالب» (ع) بسرزمین «خاوران» بهمراهی «مالک
اشتر» با «قباد شاه خاورزمین». شاعر این منظومه را بسال ۸۳۰ هـ . ق =
۱۴۲۶ میلادی پایان رسانیده است.

وفات: ۸۷۵ هـ . ق = ۱۴۷۵ میلادی.

دائرة المعارف ص ۱۸ - فرهنگ ادبیات فارسی ص ۱۲

ابن خرداذبه (ابو القاسم عبیدالله محمد بن خرداذبه) اصلاً ایرانی بود و در علم جغرافیا مهارت داشت. کتاب «المسالك والممالك» نخستین تألیف مهم اسلامی در جغرافیا ازوست. وی این کتاب را در آغاز دوره خلافت «متوکل عباسی» بحدود سال ۲۳۲ هـ. ق در خصوص احوال و حدود زمین و راهها و اقالیم گیتی باعتبار گفته بطلمیوس نوشته است. بگفته «ابن الندیم» پدرش «خرداذبه» بدست «برمکیان» بمذهب اسلام درآمده است.

وی موسیقی را از «اسحق موصلی» آموخت و چندی از ندیمان «معمد خلیفه عباسی» بود. «کتاب ادب السماع» هم از اوست. جز آنچه گذشت، ابن الندیم این آثار را نیز بنام او آورده است: «کتاب الطبیح» - «کتاب جمهرة انساب الفرس والنوافل» - «کتاب اللهو والملاهی» - «کتاب الشراب» - «کتاب الانواء» - «کتاب النداء والجلساء».

وفات: ۳۰۰ هـ. ق = ۹۱۲ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۴۹ و ۳۵۰ - فرهنگ معین
ج ۵ ص ۸۳ - کارنامه بزرگان ایران ص ۳۱ - تاریخ برگزیدگان ص ۲۶۹ -
الفهرست ابن الندیم ترجمه رضا تجدد ص ۲۴۵ و ۲۴۶

ابن درستویه (ابو محمد عبدالله بن جعفر) عالم نحو، اصلاً از مردم «فسا» بود، ولی در «بغداد» میزیست و در همانجا مدفون شد. در نحو و لغت

عرب پیرو «مکتب بصره» بود.

تولد: ۲۵۸ ه. ق = ۸۷۱ میلادی.

وفات: ۳۴۷ ه. ق = ۹۵۸ میلادی.

دائرة المعارف ص ۱۸

ابن راوندی (ابوالحسن احمد بن یحیی)، اصلاً از مردم «راوند» (میان اصفهان و کاشان) و بقولی اهل «مروالرو» بوده است. در زمرة متکلمان معروف بشمار است و در «بغداد» میزیسته و عقایدی خاص داشته. او را از نادقه شمرده اند و نیز یهودی گفته اند، از آثار او ست: «التاج» - «خلق القرآن» و «الفصیحة المعترلة».

تولد: ۲۰۵ ه. ق = ۸۲۰ میلادی.

وفات: ۲۴۵ ه. ق = ۸۵۹ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۴ - دائرة المعارف ص ۱۹

ابن ربن (ابوالحسن علی بن سهل بن ربن) از بزرگان پزشکان مشهور او آخر قرن دوم و نیمه اول قرن سوم هجری است. تا ۲۲۴ ه. ق دبیر «مازیار بن قارن» بود و سپس بخدمت معتصم بالله (۲۱۸-۲۲۷ ه. ق) خلیفه عباسی درآمد و بعد از او بخدمت «واثق» (۲۲۷-۲۳۲ ه. ق) و «متوکل» (۲۳۲-۲۴۷ ه. ق) نیز بوده است. از تألیفات او «فردوس الحکمه» در طب، «کتاب الدین والدوله»

و «کتاب حفظ الصحه» در دست است.

وفات: تا سال ۲۳۲ هـ. ق = ۸۴۶ میلادی مسلماً زندگانی
میکرده است.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۰۴ و ۱۰۹ - فرهنگ معین
ج ۵ ص ۸۴ - کارنامه بزرگان ایران ص ۲۹ و ۳۰

ابن رسته (ابوعلی احمد بن عمر بن رسته) دانشمند و جغرافیدان ایرانی
در سده سوم هجری، اصلاً از مردم «اصفهان» بود. اثر عمده اش
دائرة المعارف موسوم به «الاعلاق النفیسه» است که جزء هفتم
آن باقیمانده و در آن پس از شرح کره آسمان و کره زمین، بشرح
شهرها و کشورها پرداخته، و بسیاری از مطالبش مقتبس از آثار
قدیمتر یا معاصر اوست.

زندگانی: سده سوم هجری = سده نهم میلادی.

دائرة المعارف ص ۱۹

ابن زیله

رك: ابو منصور حسین بن طاهر بن زیله اصفهانی.

ابن سمکه (ابوعلی احمد بن اسماعیل بن عبدالله قمی) از حکما و ادبا و
نویسندگان قرن چهارم و استاد «ابوالفضل محمد بن حسین ابن-

العمیدقمی» است.

زندگانی: سده چهارم هجری = سده دهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۶۳۸

ابن سهلان

رك: عمر بن سهلان ساوی (= ساوجی)

ابن سینا (حجة الحق شیخ الرئيس شرف الملك ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا) فیلسوف وطیب و نویسنده و وزیر مشهور ایرانی و خاتم حکمای مشرق و از جمله بزرگترین فلاسفه اسلام و یکی از اجله علمای عالم است. پدرش اهل «بلخ» و نام مادرش «ستاره» از مردم قریه «افشنه بخارا» بود. در ۱۸ سالگی از تعلم فراغت یافت و در ۲۰ سالگی بتألیف پرداخت، قبل از سال ۴۱۱. ق بوزارت «شمس الدوله ابوطاهر شاه خسرو دیلمی» (جلوس ۳۸۷. ه. ق عزل حدود ۴۱۲-۴۱۴. ه. ق) پسر «فخرالدوله» ه. ق رسید و بعد باصفهان رفت و نزد علاءالدوله کاکویه (۳۹۸-۴۳۳. ه. ق) معزز بود. در سال ۴۲۸. ه. ق در راه اصفهان بهمدان بیمار شد و در همدان درگذشت و آنجا مدفون است.

ازو ۲۳۸ کتاب و رساله و نامه باقیست. از آن جمله: «الاشارات والتنبیهات»- «الانصاف»- «کتاب الشفا»- «حکمة المشرقیه»- «قانون»- «دانشنامه علائی»- «نجات» و... در همه

علوم از حکمت و فلسفه و ریاضی و طب استادی بزرگ و یگانه
بود و شاگردان بسیار تربیت کرد .

تولد: ماه صفر ۳۷۰ هـ . ق = ۹۸۰ میلادی .

وفات: ۲۲۸ = ۱۰۳۶ میلادی . در همدان و مزارش

بدانجاست .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ صفحات ۳۰۳ تا ۳۱۹ و ۳۳۳ و

۳۳۹ و ۳۴۰ و ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۴۵ و ۳۴۶ و ۳۴۷ - کارنامه بزرگان ایران

ص ۳۹

ابن شهر آشوب (رشیدالدین ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب) از

مردم «ساری مازندران» بود . در «حلب» وفات یافت . فقیه و محدث

و واعظ و ادیب شیعه است . از آثار او «معالم العلماء» (در رجال)

و «مناقب آل ابی طالب» است .

وفات : ۵۸۳ هـ . ق یا ۵۸۸ هـ . ق = ۱۱۸۷ میلادی .

یا ۱۱۹۲ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۵۸ و ۹۶۴ - دائرة المعارف ص ۲۰

ابن صابونی (کمال الدین عبدالرزاق بن احمد مکنی به ابن فوطی) از

مشاهیر علمای حدیث و تاریخ و صاحب نظر در حکمت است . از آثار

او: «مجمع الاداب فی معجم الاسماء علی معجم الالقاب» در ۵۰ مجلد،

«درر الاصداف فی غرر الاوصاف» در ۲۰ جلد، «تاریخ عالم» ، از

خلقت تا تخریب بغداد و «الحوادث الجامعه والتجارب النافعه
فی المأه السابعة» .

وی سیزده سال کتابدار رصدخانه مراغه بود.

تولد: ۶۴۲ هـ. ق = ۱۲۴۴ میلادی.

وفات: ۷۲۳ هـ. ق = ۱۳۲۳ میلادی .

دائرة المعارف ص ۱۶ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۵

ابن عمید (ابو الفضل محمد بن ابو عبدالله حسین بن محمد کاتب) در «قم»
ولادت و نشو و نما یافت. شاگرد «ابن سمکه» از حکما و ادبا و
مترسلین عهد خود بود. مذهب اهل عدل و توحید (اعتزال) را
مانند استاد خود پذیرفت. پدرش «ابو عبدالله حسین» معروف به
«کله» دبیر «ماکان کاکلی» بود و پس از قتل او به «خراسان» رفت.
در عهد «نوح بن نصر» صاحب دیوان رسائل شد و به «عمید» معروف
گردید. بعد از پدر در خدمت «رکن الدوله حسن» وزارت یافت
و تا آخر عمر در وزارت «آل بویه» بود. اهمیت او در آنست که
صنایع لفظیه را با معانی دقیق گرد آورد و در بلاغت زبان عربی
بدرجه ای رسید که او را تالی «عبد الحمید» کاتب آورند .

وفات: ۳۶۰ هـ. ق = ۹۷۰ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۶۸ و ۶۳۹

ابن فارس رازی (ابو الحسن یا ابو الحسن احمد بن فارس رازی) استاد

«صاحب بن عباد» و «بديع الزمان همدانی» بود و از ائمه لغت در عهد خود بشمار میرفت. در «همدان» و «ری» توقف داشت از آثار او «کتاب المجل» در لغت و «کتاب الصاحبی» بنام صاحب بن عباد که شامل بحثهای مربوط بزبان عربی و اختلاف لهجات قبایل عرب است. وفات: ۳۹۰ ه. ق = ۹۹۹ میلادی در ری.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ صفحات ۶۴۰ و ۶۴۴ و ۳۵۴ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۶

ابن فقیه (ابوبکر شهاب الدین احمد بن محمد بن اسحاق بن ابراهیم همدانی) از بزرگان ادب و فقه و حدیث و از جغرافی دانان مشهور سده سوم و چهارم هجری است. «کتاب البلدان» را در ۲۹۰ ه. ق = ۹۰۲ میلادی تألیف کرد که به گفته ابن الندیم بیشتر آن را از جیهانی گرفته است. این کتاب نزدیک به هزار ورقه بوده است و مورد بهره برداری جغرافی نویسان مشهور چون مقدسی در احسن التقاسیم و یاقوت در معجم البلدان شده است. اصل این کتاب در دست نیست، ولی تلخیص آن ظاهراً توسط شخصی بنام «علی بن حسن شیرازی» در حدود ۴۱۳ ه. ق بعمل آمده است که در سال ۱۸۸۵ میلادی بوسیله «دخویه» بطبع رسیده. دیگر از آثار او کتاب «ذكر الشعراء المحدثين والبلغاء منهم والمفهمين» است در شرح احوال شعرای نامی روزگار خود.

وفات: ۳۴۰ ه. ق = ۹۵۱ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۶ - ریحانة الادب ج ۶ ص ۱۰۶
بزرگان و سخن سرايان همدان ج ۱ ص ۱۴۳ و ۱۴۴ - دائرة المعارف ص ۲۱

ابن فوطی (کمال الدین عبدالرزاق بن احمد)

رک: ابن صابونی

ابن قتیبه (ابو عبدالله محمد بن مسلم الکوفی المروزی الدینوری) در
« کوفه » ولادت یافت. پدرش در مرو تولد شد. در شهر « دینور » سمت
قضاء داشت. در علوم ادبی و دینی و تاریخی از مؤلفان و دانشمندان
بزرگ است. ازوست: « ادب الکاتب » - « کتاب معانی الشعر » یا
(ابیات المعانی) در دوازده جزو ، « عیون الاخبار » ، « کتاب -
الشعراء » - « کتاب المعارف » در تاریخ عمومی از آغاز خلقت
تا روزگار مؤلف

تولد: ۲۱۳ هـ. ق = ۸۲۷ میلادی.

وفات: ۲۷۶ هـ. ق = ۸۸۹ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ صفحات ۶۸ و ۱۲۸ و ۱۸۷ و ۱۸۸ و
۱۸۹ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۶ و ۸۷ - دائرة المعارف ص ۲۱

ابن ماجه (ابو عبدالله محمد بن یزید بن ماجه قزوینی) از مشاهیر حفاظ

و محدثین عامه است. صاحب کتاب «سنن» در حدیث و یکی از
اصحاب «صحاح ستة» عامه است. دیگر آثار او «تاریخ قزوین»

که مولدش بوده است و «تفسیر قرآن»، بنابر نوشته قاموس :
«ماجه» لقب پدرش اوست .

تولد: ۲۹۰ ق.ه = ۸۲۴ میلادی .

وفات ۲۲ رمضان ۲۷۳ ق.ه = ۸۸۶ میلادی .

ریحانة الادب ج ۶ ص ۱۳۵ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۱۵ و ۹۸۴

ابن ماسویه

رك: ابوزكريا يوحنا (= يحيى) بن ماسويه.

☆☆☆

ابن مسكويه (ابوعلی الخازن احمد بن محمد بن یعقوب) معروف به
«ابن مسكويه»، در آغاز امر خانواده او و او زرتشتی مذهب بودند
و بعد اسلام آوردند. «ابوعلی» نخست در خدمت ابو محمد مهلبی
وزیر معزالدوله بسر می برد و بعد خازن کتب ابن العمید شد و
نزد عضدالدوله و فرزند او صمصامالدوله نیز بوده است. فلسفه و
طب و کیمیا میدانست. ازوست : «الطهارة فی علم الاخلاق» -
«كتاب فی جواب المسائل الثلاث» - «تهذیب الاخلاق» - «آداب-
العرب والفرس» که در زمان جهانگیر گورکانی هند بوسیله «محمد
ابن محمد الارجانی» بفارسی ترجمه شده است. و «حکمة الخالدة»
(جاویدان خرد) - «كتاب العادة» - و (تجارب الامم) در تاریخ .

وفات : نهم صفر ۴۲۰ یا ۴۲۱ ق.ه = ۱۰۳۰ یا

۱۰۳۰ میلادی در اصفهان.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ صفحات ۲۱۸ و ۲۶۱ و ۳۰۰ و ۳۰۲ و
۳۰۶ و ۳۹۰ و ۴۲۶ و ۴۳۶ و ۴۴۴ - ریحانة الادب ج ۶ ص ۱۵۴ - فرهنگ معین
ج ۵ ص ۸۷

ابن معین (مولانا فخرالدین یحیی بن معین شیرازی) متخلص
به «ابن معین» از فضلا و شعرای اواسط سده هشتم بود. وی غزلهای
شیوا میساخت و از اشعار او در جُنْگهادیده میشود. از آن جمله
سه غزل از وی در «مونس الاحرار» نقل شده است.
زندگانی: اواسط سده هشتم هجری = اواسط سده
چهاردهم میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۱۰۹۲

ابن مقفع

رک: ابن المقفع (ابو محمد عبدالله)

ابن مقفله (ابوعلی محمد بن علی بن مقفله) نیا کانش از مردم «فارس» بودند
و خود او در «بغداد» تولد یافت. وی در فقه و تفسیر و قراءت و
ادبیات دست داشت و شعر میگفت. از پیشقدمان خوشنویسی در
اقلام مختلف است. وزارت «المقتدر»، «القاهر» و «الراضی»
خلفای عباسی را داشت. تازهور او هیچ خطاطی بقدرت وی
در خوشنویسی اقلام مختلف نیامده بود.

تولد: ۲۸۲ هـ. ق = ۸۸۵ میلادی.

وفات: ۳۲۸ هـ. ق = ۹۳۹ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۷ - کارنامه بزرگان ایران ص ۱۳ -
دائرة المعارف ص ۲۲

ابن منده از رجالان بزرگ بود. در جمع آوری حدیث رحلت های
متمادی کرد و بامقداری کثیر از کتب حدیث واحادیثی که جمع
آورده بود بموطن بازگشت.

«ابن منده» عنوان جمعی از محدثین و مشایخ روات و
علمای اخبار قرون ۴ و ۵ هجری اصفهان بود.
وفات: ۳۹۵ هـ. ق = ۱۰۰۴ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۳۶

ابن میثم بحرانی (کمال الدین میثم بن علی بن میثم) از دانشمندان بنام
علم کلام و از مردم بحرین است. از آثارش: «شرح نهج البلاغه»
معروف به «شرح کبیر» و دو شرح دیگر بنام «متوسط» و «صغیر» نیز
بر «نهج البلاغه» نوشته است. - «قواعد المرام فی الکلام» مؤلف
بسال ۶۷۶ هـ. ق - «آداب البحث» و....

وفات: ۶۷۹ هـ. ق = ۱۲۸۰ میلادی. در قریه «هلنا» از قرای

شهر «ماحوز» از بلاد بحرین و در همانجا مدفون است.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۳۱ - دائرة المعارف ص ۲۲

همدک ، ریحانة الادب ج ۶ ص ۱۷۶ تا ۱۷۸

ابن نجار (محب‌الدین ابو عبدالله محمد) ادیب و مورخ بغدادی که مدت
بیست و هفت سال در بلاد اسلامی به سیاحت پرداخت از آثارش
«ذیل تاریخ بغداد خطیب بغدادی» است .

تولد: ۵۷۸ هـ . ق = ۱۱۸۲ میلادی .

وفات: ۶۲۳ هـ . ق = ۱۲۲۵ میلادی .

دائرة المعارف ص ۲۲ و ۲۳

ابن نصوح (خواجه فضل‌الله بن نصوح شیرازی) از استادان سده هشتم
هجری در قصیده و غزل است . وی در اشعار خود «ابن نصوح»
تخلص میکند . در کتب تراجم نیز به همین گونه شهرت دارد .
ولادتش در اوایل سده هشتم هجری در خاندانی متمکن
در «شیراز» اتفاق افتاد و پدرش «نصوح» از اکابر و اجله آن شهر و
بوفور عظمت و جاه ممتاز بود . چون قسمت اعظم عمر وی بعد از سفر
«عراق» از او ان شباب تا پایان زندگانی در «تبریز» گذشته است ، بعضی
بغلط از ا تبریزی گفته اند . وی در هنگام جوانی بمصاحبت دوستی
به «صوفی آباد سمنان» رفته و بخدمت «شیخ علاءالدوله سمنانی»
رسیده است . و علاءالدوله بخواهش او رساله‌یی در «اسرار
حالات نبوت» برای وی به فارسی نوشته است . ظهور «ابن نصوح»
در شاعری بعهد ایلخانی «ابوسعید بهادرخان» (۷۱۶ - ۷۳۶ هـ . ق)
بود . در شاعری شاگردی «سلمان ساوجی» کرد . و در اقسام شعر از
قصیده و غزل و مثنوی و رباعی طبع آزمایی نمود و در نزد

«آل جلاير» عزت تمام يافت. نخستين ممدوح او از ميان پادشاهان، «سلطان حسين بن شيخ اويس ايلکاني» بود که از سال ۷۷۶ تا ۷۸۴ هـ. ق سلطنت کرد. اين پادشاه آخرين ممدوح «سلطان ساوجي» است و گويا بعد از مرگ آن استاد شاگردش «ابن نصوح» جانشين وي گرديد و تا هنگامي که اين پادشاه بخيانت برادرش «احمد بن اويس» در «تبريز» به قتل رسيد، او را ستايشگري کرد. و بعد از قتل او در مريه اش ترکيب بندي مؤثر ساخت و در همين ترکيب بند که در ماه صفر سال ۷۸۴ هـ. ق سروده شده است، سلطنت برادرش «سلطان احمد» را (۷۸۴-۸۱۳ هـ. ق) تهنيّت گفت و چندين قصيده از او در مدح سلطان احمد باقي است و بعد از مرگ اين سلطان از خدمات درباري دوري جست و ده سال آخر عمر را به انزوا زيست. وي هنگام خدمت در دربار «آل جلاير» بعضي از وزراء و رجال آن دولت را نيز ستايشگر آمد و مثنوي «ده نامه» را که شهرت داشته است و مستعدان مي پسنديده اند و امروز در دست نيست، بنام «شيخ- کجيج» يا «شيخ کججي تبريزي» از اکابر عرفا و محققان آن روزگار سرود. از اشعار او بر مي آيد که بيشتر در «تبريز» و «بغداد» بسر مي برده است. وي بر عقيدة شيعه بود و اشعاري مذهبي سرود. ديوانش را «تقي الدين کاشاني» چهار هزار بيت تخمين زده و يک هزار بيت آن را در «خلاصة الاشعار» بياورده است که همه آنها منتخب و استادانه و بشيوه گفتار استادش «سلطان» است و مانند او در قصيده سرايي استادي تواناست، و هم در غزل شاعر لطيف سخن و نکته پرداز است. تولد: او ايل سده هشتم هجري = او ايل سده چهاردهم

میلادی .

وفات: ۷۹۳ = ۱۳۹۰ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۱۱۰۸ تا ۱۱۲۱

ابن نفیس قرشی (علاءالدین ابوالحسن علی بن ابی الحزم قرشی) اصلاً اهل «ماوراءالنهر» بود، لیکن در «مصر» بسر میبرد و بزرگترین پزشک آن دیار شمرده میشد. کتاب «شامل» در ۸۰ مجلد ازوست. دوران کوچک خون را توضیح داده است. «شرحی مفصل بر قانون» نوشته است و مختصری از آن را بنام «موجز القانون» فراهم کرده.

وفات: ۶۸۷ هـ. ق = ۱۲۸۸ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۷۴ - دائرة المعارف ص ۱۶

ابن هندو (ابوالفرج علی بن حسین بن هندو) فیلسوف و طبیب و شاعر ایرانی روزگار «آلبویه» است. او را اهل «ری» و اهل «قم» و «طبرستان» گفته اند. مرقدوی «استرآباد» است. شاگرد «ابوالحسن - الوائلی» در «نیشابور» و «ابوالخیر خمار» بود و چندی دبیری «عضدالدوله دیلمی» کرد. از آثار او در حکمت: «الکلم الروحانیة فی الحکم الیونانیة» - «الرسالة المشوقة فی مدخل الی علم الفلسفة» - «کتاب النفس» و در طب «مفتاح الطب» است.

وفات: ۴۱۰ یا ۴۲۰ هـ. ق = ۱۰۱۹ یا ۱۰۲۹ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ صفحات: ۲۱۲ و ۳۰۲

ابن یمن (امیر فخر الدین محمود بن امیر یمین الدین محمد طغرانی، مستوفی بیهقی فریومدی) در اواخر قرن هفتم هجری در قصبه «فریومد خراسان» متولد شد. مداح «طغایمور» و «سربداران» بود. نسخه کامل دیوانش در کتابخانه سلطنتی تهران موجود است. شاعری استاد و تا حدی پیرو «انوری» است در قطعه سرایی تواناست و اشعار اخلاقی رانیکو سروده.

تولد: اواخر سده هفتم هجری = اواخر سده سیزدهم میلادی در فریومد.

وفات: روز شنبه هشتم ماه جمادی الاخر ۷۶۹ ه. ق مطابق ۱۳۶۷ میلادی در فریومد و مدفون بدانجا در مقبره پدرش.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۸ - تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۹۵۱ تا ۹۶۲ - آتشکده آذر بخش ۱ ص ۳۸۳ تا ۳۸۶

ابن یونس (ابوسعید عبدالرحمن بن احمد) از حفاظ حدیث بود و بدون آنکه اقدام بر حلت در بلاد کرده باشد، امام متقیق و حافظ حدیث شد.

ولادت: ۲۸۱ ه. ق = ۸۹۴ میلادی.

وفات: ۳۲۷ = ۹۵۸ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۸

ابو ابراهیم اسماعیل بن محمد بن عبد الله مستملی بخاری نویسنده کتاب
 «شرح تعرف» است . اصل کتاب «التعرف» تصنیف «ابو بکر بن
 اسحق البخاری» است بعربی که «ابو ابراهیم مستملی» آن را بزبان
 فارسی ترجمه و تحریر کرده است .
 رجوع شود به (ابو بکر بن اسحق بن محمد بن ابراهیم بن
 یعقوب بخاری کلاباذی)

وفات: ۴۳۴ هـ . ق = ۱۰۴۲ میلادی

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۲۲ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۸

ابو ابراهیم منتصر (اسماعیل بن نوح بن منصور) برادر «عبد الملك» و
 «منصور بن نوح» ، ملقب به «منتصر» ، آخرین امیر سامانی است و
 در شجاعت و مردانگی بی مانند . در سال ۳۹۵ هـ . ق از کوشش-
 های خود برای بدست آوردن تاج و تخت سودی نبرد و در «مرو»
 نزد «ابن بهیج» نام از رؤسای عرب رفت و این امیر ناجوانمردانه
 او را بکشت .

مقتول: ۳۹۵ هـ . ق = ۱۰۰۴ میلادی.

کارنامه بزرگان ایران ص ۲۷۷ و ۲۷۸

ابو احمد المهرجانی از علمای «اخوان الصفا» و از نویسندگان رسالات و
 مقالات آنان .

سده چهارم هجری = سده دهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۲۱

ابواسحاق ابراهیم بن سیار نظام معتزلی از بزرگان متکلمان اسلامی

وفات: ۲۲۱ هـ ق = ۸۳۵ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۵۷ و ص ۸۴

ابواسحاق ابراهیم بن شهریار بن زاذان فرخ بن خورشید معروف به

«شیخ ابواسحاق کازرونی» و «شیخ مرشد»، عارف قرن پنجم

هجری پدرش شهریار زرتشتی بود و مسلمان شد و مادرش «بانویه» نام

داشت. گویند: ۴ خانقاه تأسیس کرد و گروهی زرتشتی و یهودی

بدست او مسلمان شدند و چون با کفار مبارزه میکرد، او را «شیخ

غازی» خواندند. مدفن او در «کازرون» است .

در باب حکایات و احوال و کرامات و ماثورات شیخ مرشد

دو ترجمه بفارسی از کتابی که «ابوبکر محمد بن الخطیب» عربی

نوشته است در دست میباشد. یکی «فردوس المرشديه فی اسرار

الصمدیه» نام دارد که آن را «محمود بن عثمان» تهیه کرد و دیگر

«مرصد الاقرار» است که بنظر میرسد مأخذ «محمود بن عثمان» در

فراهم آوردن «فردوس المرشديه» بوده است .

تولد : در شب دوشنبه ۱۵ رمضان ۳۵۲ هـ ق =

۹۶۳ میلادی در قریه «نورد کازرون»

وفات: روز یکشنبه ۸ ذی قعدة ۲۲۶ هـ. ق = ۱۰۳۴

ميلادی

فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۹ و ۸۴۰ - کارنامه بزرگان ایران
ص ۱۲۹ تا ۱۳۱

ابو اسحق ابراهیم بن علی شیرازی صاحب «کتاب النکت فی علم الجدل»
که «اثیرالدین ابهری» آن را تهذیب کرد و کتاب «التنبیه و
التهذیب» در فقه و «اللمع» و «التبصره» در اصول و «الملخص» و
«المعونه» در جدل و کتاب «طبقات الفقهاء».

وفات: ۴۷۶ هـ. ق = ۱۰۸۳ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۴۷ و ج ۲ ص ۲۶۴ و
۲۳۷ و ۲۳۸

ابو اسحق ابراهیم بن محمد بن ابراهیم بن مهران مشهور به «استاد»
رک: ابو اسحق اسفراینی

ابو اسحق ابراهیم بن محمد الاصطخری
رک: اصطخری

ابو اسحق ابراهیم بن محمد الزجاج از ارباب نحو و لغت و از نویسندگان
نیمه دوم سده سوم و سرآغاز سده چهارم هجری است و کتابی بنام
«معانی القرآن» نوشته.

وفات: ۳۱۰ هـ. ق = ۹۲۲ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۷۱ و ۱۲۶ و ۳۵۲

ابواسحق سفرایندی (ابواسحق ابراهیم بن محمد بن ابراهیم بن مهران) مشهور به «استاد» و ملقب به «رکن الدین» از علمای اصول و فقه است. در «نیشابور» بتدریس و افاضت پرداخت و هم در آنجا وفات یافت. وی با «صاحب بن عباد» معاصر بود و صاحب در حق او اعتقادی تمام داشت. مناظره وی با «قاضی عبدالجبار معتزلی» معروف است. از آثار اوست «الجامع فی اصول الدین و الرد علی الملحدین».

وفات: ۴۱۸ هـ ق = ۱۰۲۷ میلادی

دائرة المعارف ص ۲۳

ابواسحاق اینجو (جمال الدین بن محمود اینجو) پادشاه فارس از خاندان اینجو «خواجه حافظ» معاصر و ستایشگر او بود و از دوستی های او برخوردار آمده وی را بستود. این شهریار مشوق شاعران و اهل فضل و ادب بود و سرانجام مغلوب «امیر مبارز الدین» گردید و بامر او مقتول شد.

جلوس: ۵۷۴۴ هـ ق = ۱۳۴۳ میلادی.

مقتول: ۵۷۵۸ هـ ق = ۱۳۵۷ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۹ - دائرة المعارف ص ۲۳

ابواسحق جویباری (ابراهیم بن محمد البخاری الجویباری) زرگری
 استاد و شاعری کامل بود . در نیمه اول سده چهارم هجری
 میزیست . از غزل لطیفی که عرفی بدو نسبت داده است، لطف
 طبع و مهارتش را در این نوع شعر آشکارا میتوان دید .
 زندگانی: نیمه اول سده چهارم هجری = نیمه اول سده دهم
 میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۹۶ - ۳۹۷

ابواسحق کازرونی -

رک: ابواسحق ابراهیم بن شهریار بن زادن فرخ بن
 خورشید - معروف به «شیخ ابواسحاق کازرونی» و «شیخ مرشد»

ابواسحاق مروزی از مشاهیر فقهای شافعی مذهب که در «عراق» بنشر آن
 طریقه میپرداخته است .

وفات: ۵۳۴۰ ق. = ۹۵۱ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۷۶

ابوالاشعث قمی بفارسی شعر گفته است و در اوائل قرن سوم میزیسته و
 ذکر او در «معجم الادباء» «باقوت» آمده است .

زندگانی: سده سوم هجری = سده نهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۵۰

ابوالجناب شیخ نجم الدین احمد خیوقی خوارزمی ملقب به «کبری»

رک : شیخ نجم الدین کبری

ابوالحاکم محمد بن عبد الملك الصالحی الخوارزمی الکاشی از مؤلفان
کتب کیمیاست . در حدود ۴۲۵ هـ . ق رساله یی بنام «عین الصنعه
وعون الصناعة» نوشت . اصل عربی این رساله و ترجمه فارسی و
ترجمه انگلیسی آن بطبع رسیده است . این دانشمند ساکن «بغداد»
بوده است .

وفات : پس از سال ۴۲۵ هـ . ق = ۱۰۳۳ میلادی

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۳۹

ابوالحسن احمد بن محمد الطبری طبیب «رکن الدوله دیلمی» (۳۲۰-
۳۶۶ هـ . ق = ۹۳۲ - ۹۷۶ میلادی) بود . از کتاب مشهورش
بنام «المعالجه البقراطیه» نسخی در دست است . این کتاب ظاهراً
بفارسی تألیف یافته بود و بعد از آن عربی برگردانیده شده است .
زندگانی : سده چهارم هجری = سده دهم میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۶۰۹ و ۶۱۰

ابوالحسن اصفهانی - آیه الله حاج سید ابوالحسن اصفهانی بن سید محمد

(مدفون در خوانسار) بن سید عبدالحمید (شاگرد صاحب جواهر و مدفون در اصفهان). مرجع تقلید شیعه دوازده امامی و اصلاً از «سادات موسوی بهبهان» است. در «اصفهان» نشو و نمایافت و در ۱۳۰۷ هـ. ق برای تکمیل تحصیلات به «عراق» رفت و نزد «آخوند ملا محمد کاظم خراسانی» تلمذ کرد. پس از مرگ آن استاد در ۱۳۲۹ هـ. ق مرجعیت بمیرزا محمد تقی شیرازی رسید و پس از فوت او در ۱۳۳۸ هـ. ق «میرزا حسین نایینی» و «سید ابوالحسن» اشتهار یافتند و پس از مرگ «نایینی» در ۱۳۵۵ هـ. ق مرجعیت به سید ابوالحسن منحصر شد. در «نجف» بماند تا در ۱۳۶۵ هـ. ق بیمار شد و در «کاظمین» درگذشت و جنازه اش در مقبره استادش مدفون است.

تولد: ۱۲۷۷ هـ. ق = ۱۸۶۰ میلادی.

وفات: روز دوشنبه نهم ذی الحجه ۱۳۶۵ هـ. ق = سیزدهم آبان ۱۳۲۵ هـ. ش = ۱۹۲۵ میلادی در کاظمین عراق.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۵۴ - تاریخ رجال ایران ج ۱ ص ۳۴



ابوالحسن الحیرانی الصابی (ثابت بن ابراهیم بن زهرون) معاصر امیر «عزالدوله بختیار» و «عضدالدوله دیلمی» بوده است. از پزشکان و مترجمان بزرگ بود. علاوه بر تألیفات مهم ترجمه‌هایی در طب از پزشکان قدیم داشت.

وفات: ۳۶۹ هـ. ق = ۹۷۹ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۴۴



ابوالحسن بندار بن الحسین شیرازی که ساکن «ارجان» بوده و از مشایخ صوفیه است .

وفات: ۳۵۳ هـ . ق = ۹۶۲ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۵۵



ابوالحسن بن محمد حسین (ذکاء الملك اول) و برادر «محمد علی» ذکاء الملك دوم «فروغی» . ادیب و شاعر و حکیم . از آثار اوست : مثنوی «شیدوش و ناهید» - «سرمایه سعادت» - «اوراق مشوش» و کتابی بزبان فرانسه بنام «تمدن و ترکیب» نوشته است که شامل عقاید فلسفی و اجتماعی اوست .

تولد: تهران ۱۳۰۱ هـ . ق = ۱۸۸۳ میلادی .

وفات: تهران ۱۳۷۹ هـ . ق = ۱۳۳۸ هـ . ش = ۱۹۵۹

میلادی .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۳۵۱



ابوالحسن بیهقی (ظهیر الدین ابوالحسن علی بن زید بن محمد بیهقی) معروف به «ابن فندق» . نویسنده «تاریخ بیهقی» یکی از بزرگترین فضیله نامی «ایران» است . در اواخر سده پنجم هجری در «بیهقی» تولد یافت و از بزرگان «خراسان» چون : «حکیم عمر خیام» کسب دانش

کرد. در فنون ادب و علوم شرع و حکمت و ریاضی دارای معلوماتی عمیق و دقیق بوده است. کتب بسیار تألیف کرد، چون: «تاریخ بیهق» - «تتمه صوان الحکمه» که بقصد تکمیل کتاب «صوان الحکمه» «ابو سلیمان منطقی سجستانی» نوشته است. «جوامع احکام النجوم» - «لباب الانساب» در تفسیر «نهج البلاغه» و شماره تألیفات او را تا هشتاد گفته اند

ولادت: ۲۷ شعبان ۸۴۹۹ ق = ۱۱۰۵ میلادی در سبزوار بیهق.

وفات: ۸۵۶۵ ق بنا بر قول یاقوت = ۱۱۶۹ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۹۹۳ و ج ۱ ص ۲۶۶ و ۳۰۵ و ۵۲۲ و ۶۲۳ - کارنامه بزرگان ایران صفحات ۱۱۸ و ۱۱۹ دایرة المعارف ص ۴۹۷



ابوالحسن حنانی واعظ نیشابوری از علمای شافعی در «نوکوی نیشابور» مدرسه‌یی برای او ساختند که تا سده ششم هجری آباد و قبر حنانی در آن واقع بود.

وفات: ۸۴۱۶ ق = ۱۰۲۵ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۶۶ و ۲۶۷



ابوالحسن خرقانی (علی بن جعفر یا احمد) از بزرگان مشایخ تصوف از مردم «خرقان» (از توابع کوهستانی بسطام). پدر او از دهقانان

«خرقان» بود . وی مانند همشهری خود «با یزید» امی بود و زاهد . سپس بطریقت مایل گشت . کرامات بسیار بدو منسوب است و سخنان مؤثر از وی نقل شده . از آثار معروف منتسب بدو: کتاب «نورالعلوم» است در مباحث عرفانی که انشائی بسیار ساده و روان و دلنشین و ذوق آفرین دارد .

گویند: «ابوسعید ابوالخیر» باری بدیدار «خرقانی» رفت و به جانشینی او برگزیده شد. «خرقانی» هفتاد و دو سال در این جهان بزیست .

تولد: ۳۵۲ = ۹۶۳ میلادی .

وفات: روز سه شنبه دهم محرم الحرام ۴۲۵ هـ . ق =

۱۰۳۳ میلادی .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۹ - کارنامه بزرگان ایران ص ۱۱۹

و ۱۲۰ - دائرة المعارف ص ۲۴

ابوالحسن طلحة (شهاب الدین) از شاعران لطیف گوی قرن ششم، از مردم

«مرو» بود و با «سمائی مروزی» دوستی داشته است . وی معاصر

«سلطان سنجر سلجوقی» (۵۱۱ - ۵۵۲ هـ . ق) است.

زندگانی: نیمه دوم سده ششم هجری قمری = نیمه دوم

سده دوازدهم میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۶۹۰ - دائرة المعارف ص ۲۴

ابوالحسن عامری

رك: عامری (شیخ ابوالحسن محمد بن یوسف نیشابوری).

ابوالحسن عبدالرحیم بن محمد الخیاط از بزرگان علماء معتزله
در سده سوم هجری بوده است .

وفات : ۲۹۰ هـ ق = ۹۰۲ میلادی

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۵۷

ابوالحسن علی بن ابوالعباس فضل بن احمد اسفرائینی: از رجال بزرگ
عهد غزنویان، مردی ادیب و شاعر بود و اشعار عربی خوب داشته
است. از ممدوحان فرخی سیستانی است .

وفات : ظاهراً نیمه اول سده پنجم هجری = نیمه اول
سده یازدهم میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۵۳۸

ابوالحسن علی بن ابی بکر مرغینانی صاحب کتاب های متعدد در فقه
مانند: «البدایة» و «النهاية» و... که «النهاية» در میان فقه های خنفيه
اهمیت وافر کسب کرد .

وفات : ۵۱۹ هـ . ق = ۱۱۹۶ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۶۳

ابوالحسن علی بن احمد نسوی از علمای بزرگ ریاضی، در حدود ۴۲۰ هـ . ق (= ۱۰۲۹ میلادی) کتابی در علم حساب پیرامونی نوشته است و همان را بزبان تازی در آورده بنام « المغنی فی الحساب الهندی ». کتاب دیگر او « الاشباع » است در علم ریاضی به عربی که « ویدمن » . wiedemann آلمانی آن را بآلمانی ترجمه کرده است .

زندگانی : سده پنجم هـ . ق = سده یازدهم میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۳۷

ابوالحسن علی بن احمد واحدی متوی نیشابوری نزد «خواجه نظام- الملك» قرابت داشت. کتاب تفسیر او «اسباب التنزیل» معروف است.

وفات : ۴۶۸ هـ . ق = ۱۰۷۵ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۶۰

ابوالحسن علی بن جولوغ فرخی سیستانی .

رك : فرخی (ابوالحسن علی بن جولوغ سیستانی)

ابوالحسن (یا : ابو عبدالله) علی بن حمزه مشهور به «کسائی فارسی»
رک : کسائی فارسی .

ابوالحسن علی بن سهل بن ربین .
رک : ابن ربین .

ابوالحسن علی بن عبدالعزیز جرجانی از ادبای معاصر «صاحب بن عباد»
که قاضی «ری» بود و کتابی دردآوری میان «متنبی» و دشمنانش
نوشت بنام «الوساطة بین المتنبی و خصومه» و شاگرد او
«عبدالقاهر بن عبدالرحمن جرجانی» صاحب «اسرار البلاغه» و
«دلائل الاعجاز» است .

تولد: ۲۹۰ هـ . ق = ۹۰۲ میلادی .

وفات: ۲۶۶ هـ . ق = ۹۷۶ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۵۵ و ۶۴۴

ابوالحسن علی بن عبدالله مدائنی از مؤلفان کتب نوع «مغازی» و
«فتوح اسلام» .

وفات: ۲۲۵ هـ . ق = ۸۴۹ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۸۹

ابوالحسن علی بن عثمان بن ابی علی جلابی هجویری غزنوی از عرفا
و نویسندگان سده پنجم هجری و مرید شیخ ابو الفضل محمد بن
ختلی - صاحب کتاب «کشف المحجوب» (بفارسی) از امهات
کتب صوفیه است. وی شاعر هم بوده و در کتاب «کشف المحجوب»
نقل کرده است که «دیوان» اشعار و کتاب «منهاج الدین» تألیف او
را گرفته و بنام خود کرده اند و از خدا خواسته است که نام سارق
دیوان و کتاب را از دیوان طلاب درگاه خود پاک گرداند .
وفات : نوزدهم یا بیستم ربیع الثانی سال ۴۶۵ ه . ق
مطابق ۱۰۷۲ میلادی در لاهور .
مدفن او نیز در لاهور زیارتگاه است .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۸۹۲ - کارنامه بزرگان ایران
ص ۱۵۴ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۳۰ - ریپکا.

ابوالحسن علی بن محمد الماوردی مؤلف کتاب «الحاوی» که از
مهمترین کتب فقه شافعی است و کتاب «الاحکام السلطانیه»
که در آن مناصب دولتی را از لحاظ مذهبی شرح داده است . و
کتاب «الدنیا والدین» در اخلاق بنا بر اصول دینی .
وفات: ۴۵۰ ه . ق = ۱۰۵۸ میلادی در بغداد.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۷۶

ابو الحسن علی بن محمد کیاهراسی طبری متکلم و مفسر نیمه دوم سده پنجم و سر آغاز سده ششم هجری، شاگرد «ابو المعالی امام الحرمین جوینی» و همشاگرد و همکار و دوست حجة الاسلام امام محمد غزالی «و مدرّس «نظامیه بغداد» بوده است.

وفات: روز پنجم شنبه غره محرم ۵۰۴ هـ ق = ۱۱۱۰ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۵۵ - غزالی نامه ج ۲ ص ۳۱۳ تا ۳۱۵

ابو الحسن کوشیار بن لبان باشهری گیلی از اجده ریاضی دانان و منجمان سده چهارم و آغاز سده پنجم هجری است. از آثار او: کتاب های «الاصطرلاب» - «عیون الحقایق» در علم احکام نجوم و «مجمل الاصول» است .

زندگانی: سده چهارم و سر آغاز سده پنجم هـ ق = سده دهم و سر آغاز سده یازدهم میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۳۶ - چهارمقاله بضمیمه تعلیقات

متن ص ۸۹ - تعلیقات ص ۲۶۱ تا ۲۷۳

ابو الحسن میرزا ملقب به «شیخ الرئیس قاجار» فرزند «محمد تقی میرزا احسام السلطنه» پسر هشتم «فتحعلی شاه» و متخلص به «حیرت» از شعرا و خطبا و علمای مشهور عصر ناصری است. دیوانش به طبع

رسیده است. وی به مقالات فلسفی و سیاسی شهرت گرفت .

تولد: ۱۲۶۴ هـ . ق = ۱۸۴۷ میلادی در تبریز .

وفات : ۱۲۳۶ هـ . ق = ۱۹۱۷ میلادی . در تهران

و در صحن «حضرت عبدالعظیم» ایوان مقبره «ناصرالدین شاه قاجار»
مدفون شد.

ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۲۱۸ - تاریخ رجال ایران

ج ۱ ص ۴۲ و ۴۳

ابوالحسن نقاشباشی افشار هنر-مندايراني روزگار «ناصرالدین شاه

قاجار» که در صنعت نقاشی گل و بوته سازی روی جلدها و قلمدانها

استاد بود . پدرش «اللهوردی» نیز نقاشی میکرد .

وفات : ۱۳۰۰ هـ . ق = ۱۸۸۲ میلادی .

دائرة المعارف ص ۲۴

ابوالحسن یا ابو عبدالله علی بن حمزه مشهور به «کسائی فارسی» .

ر ك : کسائی فارسی

ابوالحسین عبدالرحمن بن عمر الصوفی الرازی معلم «عضدالدوله» و

مؤلف کتاب «صورالکواکب» که راجع به ۴۸ صورت از صور

فلک البروج بنگارش آورده و بعضا الدوله تقدیم داشته و ترجمه

فارسی آن موجود است و رساله دیگر مربوط به اصطقلاب .
«خواجہ نصیر الدین طوسی» کتاب «صورالکواکب» را ترجمه
کرده است .

تولد : ۲۹۱ هـ . ق . = ۹۰۳ میلادی .

وفات : ۳۷۹ = ۹۸۹ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۳۶ و ج ۳ ص ۲۷۱

ابوالحسین عبیدالله بن احمد عتبی وزیر «امیرنوح دوم سامانی» در
جوانی (در حدود ۳۶۷ هـ . ق) به وزارت رسید و کفایتی تمام
داشت . به سبب برکنار ساختن «ابوالحسن سیمجور» از سپهسالاری
«خراسان» و سعی در نصب «حسام الدوله تاش» بجای او ، بتحریک
«ابوالحسن سیمجور» و «فائق خاصه» در گذرگاه بدست غلامان
سرای کشته آمد . «کسائی مروتی» شاعر او را ستایشگر بود .
ذکر مصالحت «عتبی» در «کسائی» در اشعار شاعران روزگار بعد
آمده است .

مقتول : ۳۷۲ هـ . ق = ۹۸۲ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۶۰ و ۳۵۱ و ۳۵۷ و

۴۲۲ و ۴۴۳ و ۴۶۶ و ۶۳۷ و ۶۴۰ و ۶۴۴ - فرهنگ معین ج ۵

ص ۱۱۵۹ - دائرة المعارف ص ۲۵

ابوالحسین مهیار بن مرویه دیلمی کاتب و شاعر بود. در ابتداء دین زرتشتی داشت، ولی بر دست «شریف رضی ابوالحسن محمد - الموسوی» اسلام آورد و در خدمت او به تحصیل فنون ادب و شعر پرداخت و از بزرگترین شاعران روزگار خود شد. دیوان شعر او در چهار جلد در مصر به طبع رسیده است.

وفات: ۴۲۸ هـ ق = ۱۰۳۶ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۶۴۴ - دیوان مهیار دیلمی.

ابوالحسین نوری (شیخ ابوالحسن احمد بن محمد نوری) عارف و صوفی مشهور «خراسان» در سده سوم هجری از مردم «بغشور» میان «هرات» و «مروالرود» است. در «بغداد» از مادر بزراد و به صحبت بعضی از مشایخ چون: «جنید بغدادی» و «سری سقطی» و دیگران رسید. از زهد و شور و شوق و عشق و ذوق وی داستانها در کتب صوفیان آمده است.

وفات: ۲۹۵ هـ ق = ۹۰۷ میلادی.

دائرة المعارف ص ۲۵

ابوالخیر بن انخمأر (حسن بن سوار بن بابا بن بهرام) از نصرانیان «ایران» است و از اطباء و حکما و مترجمان بزرگ سریانی عبری بود. پس از براءت در علوم، نزد «ابوالعباس مأمون بن مأمون بن محمد

خوارزمشاه» میزیسته و بعد به «غزنین» رفته است. از ترجمه‌های او یکی «الآثار المتخیله فی الجوّ» است که از سریانی به عربی ترجمه کرده. در فلسفه و منطق و طب تألیفاتی داشته و «ابوعلی سینا» از او به بزرگی یاد کرده است. در تاریخ وفات او اختلاف است.

تولد: ۳۳۱ هـ . ق = ۹۴۲ میلادی در بغداد.

وفات: سر آغاز سده پنجم بعد از فتح «خوارزم» بدست «محمود غزنوی» (۴۰۸ هـ. ق = ۱۰۱۷ میلادی) تقریباً پیش از ۴۲۱ هـ . ق = ۱۰۳۰ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ صفحات ۲۸۱ و ۲۸۲ و ۳۰۲
۳۰۶ - دائرة المعارف ص ۱۵

ابوالخیر قاضی ناصرالدین عبدالله بن عمر بن محمد شیرازی بیضاوی
رک : قاضی بیضاوی

ابوالشرف ناصح بن ظفر بن سعد المنشی الجرفادقانی
رک : جرفادقانی (گلپایگانی)

ابوالعباس احمد بن محمد السرخسی از منجمان و اطباء سده چهارم هجری است. از کتابهای او «المدخل الی علم النجوم» است.

وفات: ۳۴۶ هـ . ق = ۹۵۷ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۶۵۵

ابوالعباس ربنجی (فضل بن عباس) از شاعران عهد سامانی و مولد او « ربنجن » از مضافات « سمرقند » بود . معاصر « نصر بن احمد » (۳۰۱-۳۳۱ هـ . ق) و جانشین او نوح بن نصر (۳۳۱-۳۴۳ هـ . ق) است و در مرگ نصر بن احمد (م / ۳۳۱ هـ . ق) او را مرثیه گفته .
زندگانی: تا سال ۳۳۱ هـ . ق = ۹۴۱ میلادی زندگانی
میکرده است .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۹۵ و ۳۹۶ و ۴۳۸-فرهنگ

معین ج ۵ ص ۹۰

ابوالعباس ، فضل بن ابی سهل نوبخت ، حکیم و فیلسوف و از مشاهیر پیشوایان امامیه عهد خود بود . روزگار « هارون الرشید » خزانهدار « بیت الحکمه » و ندیم « ابونراس » بوده است . « ابونواس » گاهی او را مدح و زمانی هجو گفته است . وی بسیاری از کتب حکمت اشراقی اوایل پهلویان را از پهلوی به تازی ترجمه کرد و در انواع حکمت کتابها نوشت و در نجوم نیز تألیفاتی داشت . بعضی از آثار او بنظر « سید بن طاووس » رسیده و سید مهارت وی را در این فن تصدیق کرده است .

وفات: حدود ۱۸۵ هـ ق = ۸۰۱ میلادی.

خاندان نوبختی ص ۳ و ۱۴ و ۲۰ (۱) - تاریخ بگزیدگان ص ۲۶۰

ابوالعباس فضل بن احمد اسفراینی وزیر مشهور و دانشمند «محمود غزنوی» و از رجال بنام «خراسان» است. وی در آغاز کار در دستگاه سامانیان بود و برای «فائق خاصه» کتابت میکرد و چند گاهی نیز صاحب بریدی «مرو» داشت. سپس نزد «ناصرالدین سبکتکین» راه یافت و او «ابوالعباس» را از «امیر نوح سامانی» بوزارت فرزند خویش «محمود» سپهسالار «خراسان» بخواست. «ابوالعباس» از سال ۳۸۴ تا ۴۰۱ هـ ق = ۹۹۴ تا ۱۰۱۰ میلادی وزارت «محمود» را داشت. در این سال بر اثر نقاری که میان او و «سلطان محمود» پدید آمده بود، بیای خود به «قلعه غزنین» رفت و نامه‌یی به «محمود» نگاشت و خود را محبوس خواند. محمود نیز که بروی فرصت می‌جست، خانه و ضیاع و عقار او را بمصادره فرو گرفت. گویند: در زندان از شکنجه و آزاری که دید وفات یافت. از آثار مرضیه «ابوالعباس» در آوردن مکاتیب و منشیر و دفترهای دیوانی است از تازی پارسی که پس از برکناری او آمدن «احمد بن حسن میمندی» بر سر کار، دیگر بار بحالت نخستین بازگشت. «فضل بن احمد» بر اثر علاقه‌یی که بزبان فارسی داشت، به «فردوسی» و «شاهنامه» وی اقبالی تمام کرد و او را با تمام این شاهکار بزرگ برانگیخت و به مال و نعمت نوید داد و «فردوسی» او را ستایشگر آمده است.

کجا فضل را مسند و مرقد است نشستنگه فضل بن احمد است.....

وفات : مرگ وی را بسال ۳۹۸ (؟) ه. ق = ۱۰۰۷ میلادی در زندان غزنین نوشته اند .

وی بنا بنقل «عتبی» در سال ۴۰۱ ه. ق = ۱۰۱۰ میلادی از وزارت برکنار آمده سپس در زندان «غزنین» در گذشته است .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۶۷ و ۴۷ و ۴۷۰ و ۴۷۷
و ۴۸۰ و ۴۸۱ و ۶۰۷ - سلطنت غزنویان از استاد خلیلی طبع افغانستان
ص ۲۸۲ تا ۲۸۴ - دائرة المعارف ص ۲۵

ابوالعباس فضل بن حاتم التجیریزی از مؤلفان بزرگ ریاضی در عصر
اول عباسی است. از آثار او کتاب «الأصول بطلایوس» و کتاب
«سمت القبلة» بطبع رسیده است .

وفات : ۳۰۹ ه. ق = ۹۲۲ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۱۵

ابوالعباس فضل بن محمد لوگری مروزی از مردم «لوگر» در کنار رود
«سرو» و از مشاهیر دانشمندان و فلاسفه سده ششم هجری و شاگرد
«بهمنیار» بود. بقول «بیہقی»، فلسفه بوسیله «ابوالعباس» در «خراسان»
انتشار یافت. در پیری نابینا شد. از آثار او: «بیان الحق بضمان الصدق»
و «قصیده ای با شرح آن بفارسی» - «تعلیقات» و «دیوان شعر» است.

زندگانی: سده ششم هجری = سده دوازدهم میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۹۲

ابوالعتاهیه (اسماعیل بن قاسم) - از موالی ایرانی و از مقدمان
مولدین در شعر عربی مانند «بشارین برد» و «ابونواس» بوده است.
در مدح و غزل و وعظ استاد بود و از کسانی است که در توسعه
مفاهیم و مضامین شعرتازی بسیار مؤثر بوده است.

وفات: ۲۱۱ هـ . ق = ۸۳۵ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۹۱ - ۱۹۲

ابوالعلاء شوشتری شاعر پارسی گوی روزگار «سامانیان» و از علمای
ادب بود. گویند: کتابی در عروض و بیاضی نوشت . از اشعار او
جزایاتی پراکنده چیزی باقی نمانده است .

زندگانی: سده چهارم هجری = سده دهم میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ صفحات ۴۳۸ و ۴۳۹ و ۶۱۰ -

فرهنگ معین ج ۵ ص ۹۰ - دائرة المعارف ص ۲۵

ابوالعلاء گنجوی (نظام الدین) شاعر ایرانی سده ششم هجری معاصرو
مداح شروانشاه «خاقان کبیر جلال الدین اخستان بن منوچهر» و فرزندان
او بود. «خاقانی» و «فلکی» شروانی هر دو شاگرد او بودند . طبق



روایت، «ابوالعلاء» دختر خود را به «خاقانی» داد و او را بنزد خاقان برد. اما بعلت نامعلومی میان «ابوالعلاء» و «خاقانی» اختلافی پدید آمد و بهجوب یکدیگر پرداختند. «خاقانی» در «تحفه العراقین» نیز او را به بیدینی و بد کیشی متهم ساخته و اسماعیلی گرد کوهی خوانده است. تولد: میان سالهای ۴۹۰ تا ۵۰۰ هـ. ق = ۱۰۹۶ تا ۱۱۰۶ میلادی.

وفات: حدود ۵۵۲ هـ. ق تا ۵۷۵ هـ. ق = ۱۱۵۹ میلادی تا ۱۱۸۲ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۹۰ - نور و ظلمت ص ۸۴ -
دائرة المعارف ص ۲۵

ابوالعباس محمد بن اسحق الصیمری صاحب کتاب «اصول الاصول» در هشت و نجوم که امروز در دست است و متضمن بسیاری از اقوال ایرانیان در مسائل نجومی است. وفات: ۲۷۵ هـ. ق = ۸۸۸ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۱۶

ابوالفتح اصفهانی

رک: ابوالفتح محمود بن محمد بن قاسم اصفهانی

ابوالفتح بستی (نظام الدین ابوالفتح علی بن محمد بن حسین بن یوسف بن محمد بن عبدالعزیز البستی) از شاعران و مترسلان بزرگ عصر سامانی و اوائل دوره غزنوی است . در آغاز در خدمت «بایقوز» امیر «بست» بسر میرد و دبیر او بود و بعد صاحب دیوان رسائل «سبکته گین» و «محمود» شد. در اواخر حیات به «ترکستان» رفت. در شعر فارسی دست داشت و صاحب دو دیوان شعر بفارسی و تازی بوده است. دیوان تازی او در دست است .

وفات: در حدود ۴۰۰ هـ . ق = ۱۰۰۹ میلادی در بخارا .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۴۵۷ و ص ۴۵۸ — فرهنگ معین ج ۵ ص ۹۰ — دیوان ابوالفتح بستی بتصحیح دکتر امیر محمود انوار نسخه ماشین شده — دائرة المعارف ص ۲۶

ابوالفتح عبدالرحمن منصور خازنی معروف به زاهد
رک: خازنی

ابوالفتح قاج الدین محمد بن ابوالقاسم عبدالکریم بن ابی بکر
احمد الشهرستانی الشافعی الاشعری.

رک: شهرستانی

ابوالفتح محمود بن محمد بن قاسم الاصفهانی از مشاهیر مترجمان و ریاضی دانان سده چهارم هجری است که ترجمه کتاب «المخروطات» ابولونیوس را که «ابی هلال الحمصی» و «ثابت بن قرة» آنرا ترجمه کرده بودند تکمیل کرد و سه کتاب اخیر آنرا عربی در آورد و تفسیر گرانمایی بر آن کتاب نوشت که چند ترجمه از آن بلاتینی و انگلیسی شده است .

وی احتمالاً در سال ۳۷۰ هـ ق = ۹۸۰ هـ ق حیات داشته است .

زندگانی: سده چهارم هجری = سده دهم میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۳۴ - دائرة المعارف ص ۲۶

ابوالفتوح احمد بن محمد بن محمد بن احمد غزالی طوسی

رک: «غزالی» شیخ المشایخ ابوالفتوح مجدالدین احمد

بن محمد بن محمد بن احمد طوسی) .

ابوالفتوح رازی (جمال الدین حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی

رازی) از علماء بزرگ تفسیر و کلام شیعه در سده ششم هجری .

«روض الجنان و روح الجنان» نام تفسیر معتبر اوست به پارسی -

نژادوی به «بدیل بن ورقاء خزاعی» از صحابه میرسد . لکن

اجدادش سالیان دراز در «ایران» سکونت داشتند و ایرانی شده بودند و قسمتی در «نیشابور» و «بیهق» و «ری» بسر میبردند. وی استاد «رشیدالدین ابوجعفر محمد بن علی شهر آشوب» (م/ ۵۸۸ هـ . ق) است. «ابوالفتوح» در «ری» وفات یافت و همانجا در جوار بقعه «امامزاده حمزه» در «حضرت عبدالعظیم» مدفون شد. معاصر «زمخشری» است.

ولادت: نامعلوم، تقریباً در اواسط نیمه دوم سده پنجم هجری قمری = اواسط نیمه دوم سده یازدهم میلادی.
وفات: نامعلوم و ظاهراً در یکی از سالهای نزدیک به ۵۵۲ هـ . ق = ۱۱۵۷ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ صفحات ۲۵۹ و ۹۶۴ و ۹۶۵ -
کارنامه بزرگان ایران ص ۱۵۵ - دائرة المعارف ص ۲۶

ابوالفداء (اسماعیل بن علی بن محمود بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب ملقب به عمادالدین) امیر فاضل از خاندان «ایوبی» و مورخ و جغرافی دان . وی پس از کسب فضائل و آداب و براعت در فقه و طب و تاریخ و جغرافیا، در جنگهای صلیبی در خدمت عم خود شرکت جست. از کتب اوست: «المختصر فی تاریخ البشر» مشهور به «تاریخ ابوالفداء» - «تقویم البلدان» در جغرافیا - «الحوای» در فقه - «الکناش» - «الموازین».

تولد: دمشق ۶۷۲ هـ . ق = ۱۲۷۳ میلادی .

وفات: ۷۳۲ هـ. ق = ۱۳۳۱ میلادی در حماة .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۹۱ - ریحانة الادب ج ۵ ص ۱۴۹ و ۱۵۰

ابوالفرج اصفهانی (علی بن حسین بن محمد بن هشیم بن احمد الاموی القرشی معروف به «اصفهانی»)، جدش «مروان بن محمد» آخرین خلیفه اموی است . «در اصفهان» از مادر بزاد. وی نویسنده ادیب و نامدار سده چهارم هجری و از مؤلفان بنام عهد بویه‌یان است . در ادب عرب شاگرد «ابن درید» و «ابن الانباری» و «محمد بن جریر طبری» بود. «ابوالفرج» کاتبی «رکن الدولة دیلمی» میکرد و نزد او محترم و معزز میزیست. مشهورترین اثر او کتاب «الاغانی الکبیر» است که در تألیف آن پنجاه سال روزگار گذاشت و آن را به «سیف الدولة بن حمدان» اهدا کرد و «سیف الدولة» هزار دینار بدو بخشید. چون این خبر به «صاحب بن عباد» رسید، گفت: «سیف الدولة» در عطای خویش قصور ورزیده است! این کتاب در فن موسیقی و خنیاگری است و مشتمل است بر سیر و اخبار و اشعار و شرح حال ادبا و شعرای جاهلیت و اسلام و خلفا و تاریخ و وقایع عرب و درباره آن گفته‌اند که يك دوره دائرة المعارف ادبی و تاریخی است. این کتاب در ۲۰ تا ۲۲ جلد تدوین گردیده است و در «مصر» و «تبریز» و «پاریس» سه بار بطبع درآمده. دیگر از آثار او: «مقاتل الطالبيين» - «الاماء الشواعر» و «الديارات»...

تولد : ۲۸۶ هـ . ق = ۸۹۷ میلادی در اصفهان .
وفات : روز چهارشنبه چهاردهم ذی الحجة ۳۵۶ هـ . ق =
۹۶۷ میلادی در بغداد .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۹۱ - تاریخ برگزیدگان ص ۲۷۲ تا
۲۷۴ - ریحانة الادب ج ۵ ص ۱۵۴ تا ۱۵۵

ابوالفرج رونی بن مسعود منسوب به «رونه» از شاعران بنام است. «رونه»
از قرای «نیشابور» و مولد و منشأ او «لاهور» بود. زندگانی او در دربار
«سلطان ابراهیم بن مسعود» و «مسعود بن ابراهیم» گذشت و او این
دو سلطان را مدح گفته است. دیوانش در حدود دوهزار بیت بطبع
رسیده است. وی از نخستین شاعرانی است که سبک دوره اول
غزنی را ترک گفته و سبکی نو پدید آورده است.

وفات : میان ۴۹۲ هـ . ق - ۵۰۸ هـ . ق . = ۱۰۹۸ میلادی
- ۱۱۱۴ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ صفحات: ۴۷۰ تا ۴۷۶ - فرهنگ معین
ج ۵ ص ۹۱ - دیوان ابوالفرج رونی : تصحیح پرفسور چایکین با تعلیقات
استاد محمد علی ناصح .

ابوالفرج سگزی شاعر و آخر قرن چهارم هجری بوده است. از علوم و اوائل

اطلاع داشته است . استاد «عنصری» و بقولی استاد «منوچهری»
نیز بوده است .

وفات: اواخر سده چهارم هجری = اواخر سده دهم
میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ صفحات ۲۰۹ و ۵۶۰ و ۵۸۱

ابوالفضل احمد بن محمد بن احمد المیدانی النیسابوری ادیب و
لغوی بزرگ ایران در سده پنجم و آغاز سده ششم هجری، بسبب
کتب معتبر و مشهور خود خاصه «کتاب الامثال» و «کتاب السامی
فی الاسامی» معروف است.

وفات : ۵۱۸ ه. ق = ۱۱۲۴ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۳۱۸

ابوالفضل برهان الدین نسفی از مردم «نسف» میان «جیحون» و «سمرقند»
از علمای بزرگ تفسیر و اصول و کلام و جدل و خلاف، صاحب
کتاب «العقول» در علم جدل که «شمس الدین سمرقندی» آن را شرح
کرده است . کتاب او را «مقدمة الربانیة» نیز نامیده اند . کتاب
دیگرش «القوادح الجدلیه» است و کتابی بنام «منشأ النظر»
دارد .

وفات : ۶۸۴ ه. ق = ۱۲۸۵ میلادی در بغداد.

یا ۶۸۶ ه. ق = ۱۲۸۷ میلادی .

یا ۶۸۷ ه. ق = ۱۲۸۸ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۴۷

ابوالفضل بلعمی (محمد بن عبدالله) - از سال ۲۷۹ ه. ق وزیر «اسماعیل بن احمد سامانی» و پسرش «احمد» و «نصر بن احمد» بود. در سال ۳۲۲ ه. ق از وزارت برکنار شده و در سال ۳۳۰ ه. ق درگذشته است به «رودکی» عنایت مخصوص داشت. «بلعمی» منسوب است به «بلعم» که شهری است در «آسیای صغیر» و چون یکی از اجداد ابوالفضل «رجاء بن معبد» در آنجا اقامت داشت، فرزندانش بدانجا منسوب شدند .

وفات: ۳۳۰ ه. ق = ۹۴۱ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ صفحات ۱۶۲ - و ۳۵ و ۳۵۸ و ۳۷۶ و

۳۷۷ و ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۳ و ۳۹۳ و ۶۱۹ و ۶۴۴

ابوالفضل بیهقی - (خواجه ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی) دبیر فاضل و مشهور «غزنویان» و از بزرگترین نویسندگان و مورخان «ایران» است. مهمترین اثر او تاریخ مشهور اوست در شرح حال و سلطنت «آل سبکتگین» در ۳۰ مجلد و اکنون قسمتی از آن در باره سلطنت «مسعود بن محمود غزنوی» ... در دست است. کتابی دیگر بنام «زینة الکتاب» باو نسبت داده اند و چند ورق در لغت

که نسخه خطی آن در کتابخانه ملی ملک تهران است.
ولادت : ۳۸۵ هـ . ق = ۹۹۵ میلادی در قریه حارث
آبادیهق .

وفات : ۴۷۰ هـ . ق = ۱۰۷۷ میلادی .
تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۸۹۰ تا ۸۹۲ - کارنامه بزرگان
ایران ص ۹۰ و ص ۹۱

ابوالفضل رشیدالدین المیبدی - صاحب تفسیر «کشف الاسرار و
عدة الابرار» بفارسی، مؤلف بسال ۵۲۰ هـ . ق = ۱۱۲۶
میلادی .

وفات ظاهر آنیمه اول سده ششم هجری = نیمه اول سده
دوازدهم میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۷۵ و ۹۳۰ و ۹۳۲ و ۸۸۳ .
پشگفتار قرآن کریم طبع ابن سینا نوشته سید حسن سادات ناصری.

ابوالفضل محمد بن ابوعبدالله حسین بن محمد کاتب -
رك : ابن عمید (ابوالفضل محمد بن ابوعبدالله بن محمد
کاتب) .

ابوالفضل محمد بن طیفور سجاوندی غزنوی - از مشاهیر علماء
قراءت در «ایران» از آثار مشهور او کتاب «وقوف» در شرح موارد
وقف در «قرآن مجید» و دیگر کتاب «الوقف والابتداء» در شرح
انواع وقف و کتاب «الموجز» که در شرح یاره‌بی از انواع
وقف است و کتاب «عین المعانی» در تفسیر سبع المثانی و از این
کتب نسخی در دست است.

وفات: ۵۴۰ هـ. ق = ۱۱۴۵ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۵۳

ابوالفضل محمد بن عمر بن خالد معروف به جمال قرشی

رك : جمال الدين قرشی ...

ابوالقاسم فندرسکی

رك : میرا بوالقاسم فندرسکی فرزند میرزا بیگ بن امیر

صدرالدین موسوی .

ابوالقاسم - «قائم مقام» «میرزا ابوالقاسم» قائم مقام دوم فرزند «میرزا

عیسی فراهانی» «قائم مقام» اول از سادات حسینی «فراهان» وزیر

نامدار «عباس میرزا» و «محمدشاه قاجار» متخلص به «ثنائی» نویسنده

چیره دست بی مانند و شاعر مشهور و پیشکار نایب السلطنه عباس
میرزا و صدر اعظم نامدار محمد شاه قاجار صاحب «منشآت» -
«دیوان اشعار» - «رساله جهادیه» «رساله عروضیه» و «جلایر نامه» .
تولد: ۱۱۹۳ هـ . ق = ۱۷۷۹ میلادی .

مقتول: سلخ صفر ۱۲۵۱ هـ . ق = جون ۱۸۳۵ میلادی در
باغ نگارستان، و مدفون در جنب مقبره شیخ ابو الفتوح رازی .
ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۱۴۰ و ۲۲۲

ابوالقاسم فرزند ملاهادی قزوینی متخلص به عارف
رك : عارف قزوینی ابوالقاسم بن ملاهادی .

ابوالقاسم حسن بن احمد عنصری بلخی ملك الشعراء دربار «سلطان
محمود» و «سلطان مسعود غزنوی» .
رك : عنصری (استاد ابوالقاسم حسن بن احمد عنصری
بلخی) .

ابوالقاسم حماد بن شاپور دیلمی (حماد الراویه) - از موالی بنی
بکر بن وائل - وی از متهمین به زندقه و اعلم ناس «در ایام و اشعار

واخبار و انساب عرب» بوده و «معلقات سبعة» را گرد آورده است.

وفات: ۱۵۵ هـ. ق = ۷۷۱ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۲۳ و ص ۱۷۱

ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن بن عبدالملک بن طلحة بن محمد «قشیری نیشابوری استوائی» صوفی و فقیه و متکلم و محدث و مفسر است وی در ناحیه «استوا» (قوچان کنونی) از مادر بزاد و پس از فرا گرفتن مقدمات ادب و عربیت، به «نیشابور» رفت و در آنجا به نشر علوم و معارف پرداخت. صاحب تفسیر «لطائف الاشارات فی حقایق العبارات» که در آن بتأویل کلمات و آیات «قرآن مجید» پرداخته است بر مشرب صوفیه. - در سال ۴۳۷ هـ. ق رساله ای در ذکر مبانی تصوف نوشت که «به رساله قشیریه» معروف است که نزدیک بزمان وفات مؤلف دو ترجمه از آن بزبان فارسی شده است.

۱- از «امام ابوعلی حسن بن احمد العثماني»

۲- از «ابو الفتوح عبدالرحمن بن محمد نیشابوری»

دیگر از آثار او: «آداب الصوفیه» - «لطائف الاشارات» -

کتاب «الاربعة» - «نحو القلوب» و «ترتیب السلوك».

تولد: ۳۷۶ هـ. ق = ۹۸۶ میلادی.

وفات: صبح روز یکشنبه شانزدهم ربیع الآخر ۴۶۵ هـ. ق =

۱۰۷۲ میلادی .

مقدمه ترجمه رساله قشیریه از استاد اجل شادروان بدیع الزمان
فروزانفر - تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۵۷ - کارنامه
بزرگان ایران ص ۱۴۷

ابوالقاسم عبدالله بن اماجور
رك : ابن اماجور

ابوالقاسم علی بن الحسین
رك : ابن الاعلم

ابوالقاسم عمر بن حسین خرقی - از جمله مشاهیر ائمه حنابله است
و کتاب «المختصر» در فقه حنابله از اوست.
وفات: ۳۳۲ هـ . ق = ۹۴۵ میلادی .
تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۷۶

ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد زمخشری خوارزمی - معروف
به «جارالله» صاحب تفسیر «الكشاف فی حقایق التنزیل» از ائمه
معتزله بود که در تفسیر خود بذکر خصوصیات صرفی و نحوی و

معانی و بیانی و قراءت و شأن نزول آیات و مسائل اعتقادی معتزله پرداخته است (منسوب به زمخشر خوارزم) از استادان بزرگ در نحو و لغت و تفسیر و علوم بلاغی است . مدتی مجاور کعبه بود و باین دلیل به «جارالله» ملقب شد. از دیگر آثارش «مقدمة الادب» در لغت- «اساس البلاغة»- «المستقصی» در امثال عرب- «ربیع الابرار» «محاضرات» و...

تولد: روز چهارشنبه بیستم رجب ۴۶۷ هـ ق = هشتم مارس ۱۰۷۵ میلادی.

وفات: در شب عرفة نهم ذی الحجة ۵۳۸ هـ ق = چهارم ژوئن - ۱۱۴۴ در جرجانیة خوارزم.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۵۶ و ۳۲۰ - کارنامه بزرگان ایران ص ۱۳۷ و ۱۳۸ - نشریه دانشکده الهیات مشهد سال ۱۳۵۱ شماره چهارم ص ۲۱۳ تا ۲۴۰ مقاله دکتر مهدوی دامغانی به عنوان نگاهی بزندگانی و آثار زمخشری - بروکلن.

ابوالمعالی نصیرالدین نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی

(شیرازی یا غزنوی) اصلاً بقولی «شیرازی» و بقولی از مردم «غزنین» است. مترجم «کلیله و دمنه» از عربی بفارسی است . اثر او معروفترین تراجم کلیله است وی یکی از بزرگترین نثرنویسان فارسی در سده ششم هجری است و از افتخارات کم نظیر ادب ایران زمین است .

مقتول: بعد از سال ۵۵۵ هـ. ق = ۱۱۶۰ میلادی و پیش از

۵۸۳ هـ. ق = ۱۱۸۷ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ صفحات ۹۴۹ تا ۹۵۲ - کارنامه بزرگان

ایران ص ۱۲۹ - سبک شناسی ملک الشعراء بهار ج ۱ ص ۲۴۸ تا ۲۹۶

ابوالمؤید بلخی - از شاعران و نویسندگان مشهور ایران است. وی در

نیمه اول قرن چهارم میزیسته و نخستین کسی است که «یوسف و زلیخا» را بنظم آورد و بجز آن اشعار دیگری داشته که معدودی از آنها در دست است. از آثار منشور او کتاب «گرشاسب» و «عجائب البلدان» است و «شاهنامه» که در دست نیست (در تاریخ بلعمی که مقارن سال ۳۵۲ تألیف شده است نامش آمده است).

عصر زندگانی او = نیمه اول سده چهارم هـ. ق =

نیمه اول سده دهم میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۹۱

ابو النجیب ضیاء الدین عبدالقاهر بن عبدالله

رك : سهروردی

ابو النظام نجم الدین یا افصح الدین - محمد فلکی شروانی

شاعر قصیده سرای ایرانی او آخر قرن ششم هجری، مولدش شهر «شماخی» بود. وی بدان جهت «فلکی» تخلص میکرد که در آغاز بتحصیل علم فلک اشتغال داشته و در این علم مهارت یافته بود. او مداح «منوچهر بن فریدون شروانشاه» و پسرش «اخستان» بود. «فلکی» ادب و شعر را مانند «خاقانی» نزد «ابوالعلاء گنجوی» آموخت. «دیوان فلکی» را تا ۷۰۰ بیت نوشته اند، ولی آنچه در دست است به دوهزار بیت نمیرسد. و دوبار بطبع درآمده است.

وفات: ۵۷۷ یا ۵۸۷ هـ. ق = ۱۱۸۱ یا ۱۱۹۱ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲، ص ۷۷۴ - فرهنگ معین ج ۵

ص ۱۳۷۵

ابوالوفاء «محمد بن محمد بن یحیی بن اسماعیل بن العباس البوزجانی» از «بوزجان نیشابور» است. تحصیلات خود را در ریاضی نزد عم و خال خویش در «نیشابور» انجام داد و در ۲۰ سالگی (۳۴۸ هـ. ق) به «عراق» رفت و بتألیفات مهم پرداخت. وی از مترجمان بزرگ کتب ریاضی از یونانی به عربی است. اختصاصش بیشتر به هندسه و نجوم بود. از آثار او کتاب «المجسطی» - کتاب «فی مایحتاج الیه الکتاب والعمال فی علم الحساب» - «کتاب الکامل» - «کتاب الهندسه» و... .

تولد: ۳۲۸ هـ. ق = ۹۳۹ میلادی.

وفات: ۳۸۷ هـ. ق = ۹۹۷ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۳۴ - کارنامه بزرگان ایران
ص ۱۰۶ و ۱۰۷

ابو بشر متی بن یونس القنائی - از مشاهیر مترجمان و دانشمندان
اوائل قرن چهارم هجری استاد «ابونصر فارابی» است. از آثار او:
ترجمه کتاب «الشعر» (ابوطیقا) ترجمه «انولو طیقای ثانی» از
«ارسطو». و با «سیرافی» مباحثه داشته است.
وفات: ۳۲۸ ه. ق = ۹۳۹ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ صفحات ۲۸۱ و ۲۸۷ و ۲۹۳ و
۳۵۳ و ۲۹۹

ابوبکر احمد بن الحسین البیهقی - مصنف بزرگ در حدیث و فقه
مؤلف کتاب «السنن الکبیر و السنن الصغیر» متکلم و مفسر سده پنجم
هجری است.

وفات: ۴۵۸ ه. ق = ۱۰۶۵ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۷۴

ابوبکر احمد بن محمد همدانی
رك : ابن فقيه

ابوبکر احمد بن محمد البرقی الخوارزمی - از معاریف عهد
«بوعلی سینا» که «شیخ الرئيس» رساله «أضحویه» خود را بنام او
نوشته است.

زندگانی: نیمه دوم سده چهارم و نیمه اول سده پنجم
هجری = نیمه دوم سده دهم و نیمه اول سده یازدهم هجری.
تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۰۵

ابوبکر بن اسحق البخاری - (ابوبکر بن اسحق بن محمد بن ابراهیم بن
یعقوب بخاری کلابادی) مؤلف کتاب «التعرف لمذهب التصوف»
بزبان عربی که از قدیم در میان مشایخ صوفیه شهرت داشته است و
در باره آن گفته اند: «لولا التعرف لما عرف التصوف» و بهمین جهت
چند بار آن کتاب را شرح کرده اند و از جمله «شرح تعرف» است
از «امام ابو ابراهیم اسماعیل بن محمد بن عبد الله مستملی بخاری»
(م/ ۴۳۴ ه. ق) بزبان فارسی.

سده چهارم هجری = سده دهم میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۵۷ و ۶۲۸ - فرهنگ معین

ج ۵ ص ۳۹۲

ابوبکر بن فورك (معروف به ابن فورك) اصفهانی که در «نیشابور»
در مدرسه‌یی که برای او ساخته بودند، تدریس می کرد . اصولی و
متکلم بزرگ بود و تا سال ۴۰۶ ه. ق که سال وفات اوست در همان

مدرسه بتدریس پرداخته است. در حدود ۱۰۰ تألیف دارد و از کبار
متکلمین اشاعره است.

وفات: ۵۴۰۶ ق. = ۱۰۱۵ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۶۵ و ۲۷۸

ابوبکر خجندی

رك : امام. ابوبکر محمد بن ثابت خجندی.

ابوبکر عبدالله بن احمد مروزی - معروف به «تقی‌زانی» از فقهای
بزرگ شافعی معاصر «محمود غزنوی» است که بوسیله او محمود از
مذهب حنفی دست کشید و بمذهب شافعی گرایید.

تولد: ۵۳۲۷ ق. = ۹۳۸ میلادی.

وفات: ۵۴۱۷ ق. = ۱۰۲۶ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۱۱ و ۲۳۸

ابوبکر عتیق - (ابوبکر عتیق بن محمد هروی سورآبادی)

یا (سوریانی) از معاصران «البارسلان سلجوقی» (۴۵۳-۴۶۵

ه.ق.) و پسر او ملکشاه (۴۶۵ تا ۵۴۸ ه.ق.) صاحب تفسیری بر «قرآن

کریم» بزبان فارسی است. که آن را در حدود ۴۷۰ تا ۴۸۰ ه.ق. =

۱۰۷۷ تا ۱۰۸۷ میلادی بتألیف درآورده است.

سده پنجم هجری = سده یازدهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۹۰۲۔ فرهنگ معین ج ۵ ص ۹۲
 - تفسیر قرآن کریم تألیف ابوبکر عتیق سورآبادی از انتشارات
 بنیاد فرهنگ ایران.

ابوبکر محمد بن جعفر نرشی - از فضلالی نیمه اول سده چهارم
 هجری صاحب کتاب «تاریخ بخارا» عربی است که در قرن ششم
 سال ۵۲۲ ه. ق بوسیله «ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی»
 ترجمه شده است و تلخیص آن بوسیله «محمد بن زفر بن عمر» در سال
 ۵۷۴ ه. ق = ۱۱۷۸ میلادی انجام یافته.

تولد: ۲۸۶ ه. ق = ۸۹۹ میلادی.

وفات: صفر ۳۴۸ ه. ق = ۹۵۹ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۹۷۷۔ تاریخ بخارا به تصحیح
 و تحشیة استاد محمد تقی مدرس رضوی .

ابوبکر محمد بن زکریاء بن یحیی الرازی - از پزشکان و شیمی-
 دانان بزرگ ایران . از نوابغ علماء روزگار قدیم است . او را
 در طب شاگرد «علی بن ربن الطبری» دانسته اند و شاید نادرست باشد.
 «البلخی»، شاید «احمد بن سهل بلخی»، استاد او در فلسفه بوده است.
 «ابوریحان بیرونی» فهرست کتب او را ترتیب داده است . از آثار
 او: «القوانین الطبیعیة فی الحکمة الفلسفیه» - «الطب الروحانی» -
 «السیرة الفلسفیه» . «پل کراوس» از آثار «محمد بن زکریا»

مجموعه‌ای بنام «رسائل فلسفیه لابی بکر بن زکریاء الرازی» ترتیب داده است. دیگر از آثار او در طب «الحاوی» است که اکنون تمام آن در دست نیست. «الطب المنصوری» - «من لایحضره الطیب» - «برء الساعة» و «کتاب الاکسیر».

تولد : غرة شعبان ۵۲۵۱ هـ ق = ۸۶۵ میلادی درری.

وفات: ۵ شعبان ۳۱۳ = ۹۲۵ میلادی درری.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ صفحات ۲۸۹ و ۲۹۳ و ۳۴۴ و ۳۴۵

۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۵۰ - کارنامه بزرگان ایران ص ۸۸ تا ۹۰

ابوبکر محمد بن سیرین بصری (ابن سیرین) - از مشاهیر تابعین و از معاصران «حسن بصری» است. وی در «بصره» دنیا آمد و به حرفه بزازي اشتغال داشت. در فقه و حدیث سرآمد بود، و مخصوصاً در تعبیر خواب اقوال و آراء مشهور داشت و بعضی از تعبیرات منسوب به او را بعداً مؤلفان دیگر ضبط و تدوین کرده اند که در صحت انتساب آنها بدو جای تردید است .

تولد : ۳۳۳ هـ ق = ۶۵۳ میلادی.

وفات: ۱۱۰ هـ ق = ۷۲۸ میلادی.

دائرة المعارف ص ۲۰

ابوبکر محمد بن عباس خوارزمی - که اصلش از «خوارزم» و مادرش از «طبرستان»، خواهر محمد بن جریر الطبری، بوده است. او در حفظ اشعار و ایام و اخبار عرب و لغت و نحو و شعر و ادب عربی یگانه بود و از آثار او «رسائل خوارزمی» باقیمانده است و قصیده‌یی به عربی در رثاء «خسروی سرخسی» ساخته . «خوارزمی» از استادان برجستهٔ نثر و نظم تازی بشمار است.

تولد : ۳۲۳ هـ. ق = ۹۳۴ میلادی.

وفات : ۳۸۳ هـ. ق = ۹۹۳ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ صفحات ۴۳۳ و ۴۳۹ و ۴۴۴ -
الوسیط ص ۲۱۳ و ۲۱۴

ابوبکر محمد بن منذر نیشابوری - از ائمهٔ بزرگ حدیث در اواخر سدهٔ سوم و اوائل سدهٔ چهارم هجری است.

وفات : ۳۱۶ هـ. ق = ۹۲۸ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۷۴

ابوبکر نقاش معتزلی - صاحب کتاب «التفسیر الکبیر» که دو اوده هزار ورق بوده است.

وفات : ۳۵۱ هـ. ق = ۹۶۲ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۶۹

ابوبکر واسطی - (محمد بن موسی واسطی) صوفی و عارف بزرگ سده چهارم هجری. از مردم «خراسان» بود و در «مرو» اقامت داشت. بصحبت «جنید بغدادی» و دیگر مشایخ رسید. در تصوف مقامی بلند یافت. حالات و سخنان شوق انگیز و مؤثر و جالب او را در کتب صوفیه نقل کرده اند:

وفات: ۳۳۰ = ۵۹۴۱ ق

دائرة المعارف ص ۲۹

ابو جعفر احمد بن حسین عتبی اول
رك : عتبی اول

ابو جعفر احمد بن علی بن محمد المقرئ البیهقی - معروف به -
«ابو جعفر المقرئ البیهقی» از فقهاء معروف «نیشابور» در تفسیر و لغت و ادب و قراءت صاحب اطلاع وافر بود. مؤلف کتابهای «المحیط» در لغات قرآن - «ینابیع اللغه» و «تاج المصنوع» است بیهقی. «تاج - المصنوع» را از عربی بفارسی در گزارش معانی مصادر عربی خصوصاً مصادر «قرآن» نوشته است و یکبار در «هند» به چاپ رسیده.

تولد: ۴۷۰ هـ ق = ۱۰۷۷ میلادی.

وفات: ۵۴۴ هـ ق = ۱۱۴۹ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۳۲۱ - فرهنگ معین ج ۵
ص ۳۱۵

ابوجعفر الخازن الخراسانی - ازدانشمندان سده چهارم هجری است.
در نجوم و ریاضیات تألیفات متعدد دارد. از آن جمله «الآلات -
العجیبة الرصدیه» و «تفسیر مقاله دهم» از کتاب «الاصول اقلیدس».
وفات: میان سالهای (۳۴۹-۳۶۰ ق.ه) = (۹۶۰-۹۷۰
میلادی).

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۳۵

ابوجعفر محمد بن ایوب حاسب طبری - از منجمان و ریاضی دانان
ایرانست در سده چهارم هجری قمری. از کتب اوست «شش فصل در
مسأله استخراج».

زندگانی: سده چهارم هجری = سده دهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۶۳۲ - کارنامه بزرگان
ایران ص ۱۶۴

ابوجعفر محمد بن علی بن حسین - فرزند «ابوالحسن علی بن
حسین قمی» ملقب به «صدوق» از بزرگترین علمای شیعه است
در سده چهارم هجری. از اساتید بسیار از جمله پدر خود و
«محمد بن حسن الولید» ادب و فقه را فرا گرفت. وی با پادشاهان و

اعاظم شیعه زمان خود آمیزش داشت . کتاب «من لایحضره الفقیه» خود را که از کتب معتبر شیعه و از جمله «کتب اربعه» است بنام «الولید» نوشته . مدتی در «بغداد» تدریس کرد و اواخر عمر در «ری» متوطن شد و «صاحب بن عباد» وزیر «رکن الدوله» او را گرامی میداشت . و «ابن بابویه» کتاب «عیون اخبار الرضا» را بنام «صاحب بن عباد» نوشت . از کتب دیگر اوست : «اکمال الدین» و «امالی» - «معانی الاخبار» و ...

وفات : ۳۸۱ هـ ق = ۹۹۱ میلادی .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۲ - ریحانة الادب ج ۲ ص ۴۷۰ تا ۴۷۴

ابو جعفر محمد بن جریر طبری

رک : محمد بن جریر الطبری (امام ابو جعفر)

ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی

رک : کلینی (شیخ اجل ثقة الاسلام ابو جعفر محمد بن

یعقوب بن اسحق کلینی)

ابو حاتم احمد بن حمدان الوریسنانی الرازی - از دعوات اسماعیلیه

است . او دعوت «خلفیه» را در «عراق» پراکند . مخصوصاً در «دبلم» و

«طبرستان» و «اصفهان» و «ری» بفعالیّت پرداخت . او از مهمترین دعوات

«اسماعیلیه» است. و «اسفار بن شیرویه» و سردار او «مرداویج بن زیاردیلی» و بسی دیگر از کبار رجال سیاسی و نظامی این حدود را بمذهب اسماعیلی در آورد و «یوسف بن ابی الساج» عامل «ری» را چنان فریفته خلیفه فاطمی کرد که تصمیم داشت خلع طاعت عباسی و قبول طاعت فاطمی کند.

وفات : ۵۳۲۲ ق = ۹۳۳ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۱۳

ابوحاتم المظفر اسماعیل اسفزاری - ریاضی دان معاصر و همکار «خیام» در علم هیئت و اثقال و حیل متبحر بوده است . ترازوی «ارشمیدس» را ساخت و بخزانة «سلطان سنجر» داد و وی با همکاری «خیام» و «عبدالرحمن خازنی» و «میمون بن نجیب واسطی» و «حکیم لوکری» در مدت ۱۸ سال باصلاح تقویم پرداخت. از آثار او ست: «اختصار اصول اقلیدس» - «آثار علوی» - «کائنات جو» و ...

وفات: در ۵۱۵ هـ ق = ۱۱۲۱ میلادی در گذشته بوده

است.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۳۱۳ - کارنامه بزرگان ایران

ص ۲۲۹ و ۲۳۰

ابوحاتم سجستانی - (سهل بن محمد) - از علماء علم قراءت و از

مصنفان «کتاب القراءات» و از روایات کثیر الروایه است.

وفات: ۲۵۵ هـ. ق. = ۸۳۹ میلادی

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ صفحات ۶۸ و ۱۲۴ و ۱۲۸

ابو حامد اسفرائینی - از مشاهیر ائمه «أشاعره» است که مبانی آن
مذهب را استوار کرده اند. از سال ۳۷۰ تا ۴۰۶ در «بغداد»
مشغول تدریس بود.

وفات: ۴۰۶ = ۱۰۱۵ میلادی در بغداد.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۷۸

ابو حفص سغدی سمرقندی (حکیم بن أحوص) - اهل «سغد سمرقند»
و در شعر و موسیقی قوی دست بود. «ابو نصر فارابی» در کتاب
خویش ذکر او را آورده است و اختراع «شهرود» را که از آلات
موسیقی بوده است، باو نسبت داده. او را از نخستین شاعران زبان
دری دانسته اند.

وفات: ۳۰۰ هـ. ق. = ۹۱۲ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و

۱۷۸ و ۱۷۹ - کارنامه بزرگان ایران ص ۱۱

ابوحفص عمر سهروردی

رك : شيخ شهاب الدين ابو حفص عمر بن محمد بن عبد الله
ابن محمد بن عمویة بكری سهروردی ومؤسس طریقه سهروردیه.

ابوحفص عمر بن فرخان طبری

رك : عمر بن فرخان طبری.

ابوحنیفه احمد بن داد بن وند دینوری - ازدانشمندان بزرگ
سده سوم هجری، در نحو و لغت و ادب و هندسه و حساب و نجوم
و روایت استاد بوده است. از آثار او «كتاب الشعر والشعراء»، «كتاب
الفصاحة»، «كتاب النبات»، «كتاب الاخبار الطوال»، «كتاب
الوصایا». در ریاضیات نیز تألیفاتی داشته است.

وفات: در حدود ۴۸۱ ه. ق = ۸۹۴ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ص ۱۷۸ و ص ۱۸۹

ابوحنیفه اسکافی - بنوشتۀ «خواجۀ بیہقی» از مردم «غزنین» بود و
«عوفی» وی را «مروزی» شمرده است. از آنچه «بیہقی» نگاشته است
برمیآید که: استاد فقیہ «ابوحنیفه اسکافی» که بیہقی در اواخر سلطنت
«فرخزاد بن مسعود» (۴۴۴-۴۵۱ ه. ق) با او دوستی یافته بود، جوانی

فاضل و فقیهی دانشمند بود که هم در جوانی در فضل و ادب و علم سخت مشهور آمده و «بیہقی» او را بعد از دیدار بالاتر از خبر دیده و این بیت «متنبی» را در باره او صادق یافته بود:

واستکبر الاخبار قبل لقائه فلما التقينا صغر الخبر الخبر.
و کمتر فضل او را شعر دانسته است و گفته: «در سخن موی شکافد و دست بسیار کس در خاک مالد» و در مورد دیگر چنین آورده است که:

«چون [پیش تا] تخت بخداوند سلطان اعظم «ابراہیم» رسید، بخط «بوحنیفه» چند کتاب دیده بود و خط و لفظ او را پسندیده... چون بتخت ملک رسید از بوحنیفه پرسید و شعر خواست. وی قصیده‌یی گفت و صلت یافت و بر اثر آن قصیده دیگر خواست... و بوحنیفه منظور گشت و قصیده‌های غرا گفت...». چون «سلطان ابراہیم غزنوی» (م/ ۴۹۲. ق) در سال ۴۵۱. ه. ق بر تخت سلطنت بنشست، بنا بر این «ابوحنیفه اسکافی» بعد از این سال در دربار او بسر برده و نیکویی و احسان دیده است.

«ابوحنیفه» افزون بر شاعری، بی‌اجری و مشاھرہ، درس ادب و علم میگفت و مردمان را بر ایگان دانش میآموخت.

اشعار او در «تاریخ بیہقی» و «لباب الالباب» بیامده است. و دیوان وی بدست نیست. از آثار بازمانده وی، توان گفت که در شاعری سخت استادی و چیرگی داشته است.

زندگانی: سده پنجم هجری = سده یازدهم میلادی .

وفات پس از سال ۴۵۱ هـ. ق = ۱۰۵۹ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۳۹۸ تا ۴۰۳ - تاریخ بیهقی
طبع دکتر غنی و دکتر فیاض ص ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۳۸۰ و ۳۷۱ - دائرة
المعارف ص ۲۹ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۹۲

ابو حیان توحیدی - «علی بن محمد بن العباس» ادیب و فیلسوف و
معتزلی مشهور قرن چهارم هجری قمری است.

اورا «جاحظ ثانی» لقب داده اند. علوم ادبی را نزد «ابو سعید
سیرافی» آموخت. از آثار او «کتاب الامتاع والمؤانسة» - «کتاب
الهوامل والشوامل» - «کتاب المقایسات» - «کتاب البصائر» و
«رسالة فی الصداقه» (= الصداقة والصديق) و «اشارات الهیه»
است.

وفات : ۴۰۰ هـ. ق = ۱۰۰۹ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ صفحات : ۲۶۰ و ۲۸۴ و ۲۸۶
۲۸۸ و ۳۰۰ و ۳۲۱ و ۳۵۳ و ۳۷۳ و ۳۷۶ و ۴۴۲

☆☆☆

ابو ریحان بیرونی (محمد بن احمد بیرونی خوارزمی) بزرگترین
عالم ریاضی و نامدارترین محققان آخر سده چهارم و نیمه اول سده
پنجم هجری است. از تربیت «ابو نصر منصور بن علی بن عراق»
ریاضی دان بزرگ او آخر سده چهارم و اوائل سده پنجم برخوردار
بوده است. از آثار اوست: «آثار الباقیه عن القرون الخالیه» -

«تحقیق ماللهند» - «قانون مسعودی» - «الدستور» - «الجماهر فی معرفة الجواهر» - «التفهیم لاوائل صناعة التنجیم» - «عربی و فارسی» - «ابوریحان» ده ایراد بر «ارسطو» وارد دانست و این سؤالات را برای «ابوعلی» فرستاد...

«استاد ابوریحان» بیش از ۱۱۳ کتاب در علوم مختلف تألیف کرده است.

تولد : ۳۶۲ هـ ق = چهارم سپتامبر ۹۷۲ میلادی در «خوارزم».

وفات : ۴۴۰ هـ ق = ۱۰۴۸ میلادی در غزنه.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۲۷ و ۳۴۲ - کارنامه بزرگان ایران ص ۷۷ و ۷۹ - شرح حال نابغه شهیر ایران ابوریحان تألیف دهخدا

ابوزکریا نجیب الدین یحیی بن احمد بن یحیی بن حسن بن سعید حلی.

رك : یحیی بن سعید.

ابوزکریا یحیی بن عدی - از حکما و مترجمان بزرگ عهد خود بود. از جمله ترجمه های او نقلی از «سوفسطیقای ارسطو» است که «ابوزکریا» آن را از سریانی به عربی ترجمه کرده و موجود است و غیر از این نیز ترجمه ها و تألیفات داشته.

وفات : ۳۶۴ هـ ق = ۹۷۴ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ صفحات ۲۶۰ و ۲۸۱ و ۲۹۹

ابوزکریا یوحنا (= یحیی) بن ماسویه - معروف به «ابن ماسویه» از پزشکان بنام «جندی شاپور» و شاگرد «جبرئیل بن بختیشوع» طبیب «هارون الرشید» بود. «حنین بن اسحق» شاگردی او کرد. «ابن ماسویه» از روزگارا «هارون» بیعد در «بغداد» بتعلیم طب وترجمه کتب طبّی اشتغال ورزید و مدتی ریاست «بیت الحکمه» با او بود. بتازی و سریانی مینوشت. در زمان «مأمون» و «معتمد» و «واثق» نیز به پزشکی می پرداخت. می نویسند که: «ابن ماسویه» در کنسار «دجله» مکانی برای تشریح بوزینگان بنیاد نهاده بود و «معتمد» خلیفه میمون به اختیارش میگذاشت. وی در طب و تشریح آثار فراوانی دارد. بعضی آثار طبّی یونانی را به سریانی ترجمه کرد. از آثار مترجم او کتاب «الحمیات المشجر» باقی است. از تألیفات او کتاب «دغل العین» قدیمترین کتب علمی بتازی در فن کحالی است و دیگر «النوادر الطبیه» که در قرون وسطی شهرت بسیاری داشته.

پدرش «ماسویه» در «جندی شاپور» داروسازی و طبابت میکرد و برادرش «میخائیل بن ماسویه» همچون پدر و برادر از پزشکان معروف عصر خود و از اطبای دربار «مأمون عباسی» بود.

وفات: ۸۲۴ ق. = ۸۵۷ میلادی در سامرا.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۰۹ و ۱۱۸ و ۱۱۹

تاریخ بزرگیدگان ص ۲۶۵ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۲۲

ابوزید احمد بن سهل البلخی - متکلم و حکیم معروف نیمه دوم سده سوم و اوائل سده چهارم هجری و از شاگردان «الکندی» بود . از تألیفات او «صورة الاقالیم» و «نظم القرآن» است . وی استاد «ابوبکر محمد بن زکریای رازی» است . او را در علم کلام تالی «جاحظ» دانسته اند و «جاحظ الخراسان» لقب داده . قریب ۶۰ کتاب تألیف کرده است : «اقسام العلوم» و «شرايع الادیان» و «کتاب السياسة الكبير والصغير» هم از آثار مشهور اوست .

وفات : ۳۲۲ هـ . ق = ۹۳۳ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۱۷ و ۱۴۴ و ۱۸۷ - فرهنگ

معین ج ۵ ص ۹۳

ابوزید کاشانی : از هنرمندان کاشی کار نیمه دوم سده ششم و نیمه اول سده هفتم هجری است و از آثار او کاشیهای کتیبه محراب حرم مطهر «حضرت امام رضا» (ع) در «مشهد» موجود است که تاریخ ۶۰۱ هـ . ق دارد . و در موزه اسلامی «قاهره» يك مجموعه کاشی از او که تاریخ ۶۰۹ هـ . ق دارد و کاشی طلائی ستاره شکل با تاریخ ۶۰۰ هـ . ق از آثار این هنرمندنگاهداری میشود .

زندگانی : تا سال ۶۰۹ هـ . ق = ۱۲۱۲ میلادی زنده بوده است .

کارنامه بزرگان ایران ص ۷۲

ابو سعید ابوالخیر - (ابو سعید فضل الله بن ابی الخیر محمد بن احمد میهنی و یا میهنه ای) از عرفای بزرگ سده چهارم و نیمه اول سده پنجم هجری است. مقدمات ادب، صرف و نحو و لغت، را در «میهنه» زادگاه خویش بخواند و در «مرو» پنج سال بحوزه درس «امام ابو عبد الله خزری» حاضر شد و پس از مرگ وی ۵ سال دیگر پیش «امام ابو بکر قفال مروزی» فقه خواند و سپس به «سرخس» شد و نزد «امام ابو علی زاهر بن احمد» تفسیر و حدیث بیاموخت و با «لقمان سرخسی» از عقلای مجانین ملاقات کرد. وی او را بدرخانقاه «پیر ابو الفضل سرخسی» برد و پس از آن مشایخ دیگر دید. غیر از گفتار منظوم عربی و فارسی، دویستی و رباعی و مآثورات و حکایات از و باقی مانده است که این جمله در «اسرار التوحید فی اقامات شیخ ابی سعید» تألیف نوّه دختر وی «محمد بن منور» و کتاب «حالات و سخنان ابو سعید» که محتملاً مؤلف آن «کمال الدین محمد» پسر عم مؤلف «اسرار التوحید» است آمده. تولد: روز یکشنبه غره ماه محرم ۳۵۷ ه. ق. = ۹۶۷ میلادی در «میهنه» از توابع «خراسان».

وفات: شب آدینه چهارم شعبان ۴۴۰ ه. ق. = ۱۰۴۸ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۶۰۳ و ص ۶۰۶ - کارنامه
بزرگان ایران ص ۱۳۸ و ۱۴۰

ابوسعید احمد بن محمد بن عبدالجلیل السجزی منجم و ریاضی -
دان بزرگ سده چهارم با «عضدالدوله» معاصر بود. از آثار او «کتاب»
فی مساحة الاکر» - «تحصیل قوانین الهندسه المحدوده» «الجامع
الشاهی» - «کتاب المدخل فی النجوم» و...

وفات: ۴۱۴ هـ. ق = ۱۰۲۳ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۳۵

ابوسعید سیرافی (حسن بن عبدالله)

رک: سیرافی (ابوسعید حسن بن عبدالله بن مرزبان).

ابوسعید عبدالحمی بن ضحاک بن محمود گردیزی - معاصر
غزنویان است، مولف کتاب «زین الاخبار» (شامل وقایع از آغاز
خلقت تا پایان دوره «مودود بن مسعود غزنوی» است (۴۳۲-۴۴۰
ه. ق)؛ و متضمن اطلاعاتی در تواریخ و اعیاد و رسوم ملل و حوادث
عالم و دارای نثری روان و ساده است. در اواخر زندگی «استاد
ابوریحان» با او ملاقات کرده است.

تولد: ظاهراً در حدود ۴۰۰ هـ. ق = ۱۰۰۹ میلادی.

وفات: تا حدود سال ۴۴۰ هـ. ق = ۱۰۴۸ میلادی ظاهراً

زنده بوده است.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۶۳۵ -

مقدمه زین الاخبار طبع بنیاد فرهنگ ایران بمقابله عبدالحی
حبیبی

ابوسعید عبیدالله یا عبدالله بن جبرائیل بن عبیدالله بن بختیشوع
صاحب کتابی در معرفت حیوان که امروز در دست است، با اسم
«طبایع الحیوان و خواصها و منافع اعضائها» و «کتاب الروضة
الطبیعیه».

وفات : در حدود ۴۴۹ یا ۴۵۰ هـ ق = ۱۰۵۷ یا ۱۰۵۸
میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۴۸ - کارنامه بزرگان
ایران ص ۲۰۷

ابوسعید

رك : هیشم بن کلب بن شریح بن معقل.

ابوسامه خلال - (حفص بن سلیمان الخلال الهمدانی) از مردم «ایران»
ونخستین «وزیر آل عباس» بود و به «وزیر آل محمد» شهرت
داشت و نخستین کسی است که در اسلام لقب وزیر گرفت. وی
در «کوفه» میزیست و مردی توانگر بود. و در پیشرفت دولت
عباسی مال بسیار خرج کرد. اما چون در باطن بخلافت «آل علی»

متمايل بود، چهار ماه پس از خلافت «سفاح» و وزارت خود به فرمان
 سفاح و شاید به دستياری و دستور «ابو مسلم»، که در آن زمان به-
 «خراسان» بود، جمعی در شهر «انبار» در حالی که از خدمت خلیفه
 باز می‌گشت، وی را به شمشیر مقتول ساختند. «ابو مسلم» مردی
 سخی و فاضل و فصیح و شاعر بود.

قتل: ۱۳۲ هـ. ق = ۷۲۹ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۰ - تاریخ برگزیدگان

ص ۱۸۱

ابوسلیك گرگانی - معاصر «عمرو لیث» و «فیروز مشرقی» بود
 «منوچهری» او را در شمار شاعران قدیم «خراسان» ذکر
 کرده. ابیاتی از او در تذکره‌ها ثبت است.

زندگانی: در نیمه دوم سده سوم هجری = سده نهم
 میلادی میزیسته است.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۸۱ و ۱۸۲ - فرهنگ معین

ج ۵ ص ۹۶

ابوسلیمان داود بن علی بن داود اصفهانی - معروف به «داود -
 الظاهری» مؤسس فرقه «داودیه» است: فقه رانزد «امام شافعی»
 فراگرفت، ولی بعد مذهب مستقلی بنام «مذهب ظاهریه» آورد.

مذهب او نقیض مذهب «حنفی» است. وی بکلی منکر قیاس بود.

وفات: ۸۲۷۰ ق = ۸۸۳ میلادی در بغداد.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۷۹

ابوسلیمان منطقی سیستانی - (محمد بن طاهر بن بهرام) از دانشمندانی بود که از نزدیک شدن فلسفه بادیین ممانعت میکردند. از شاگردان «متی بن یونس» و «یحیی بن عدی»، و در عین نابینایی و خانه نشینی از حکما و مردی مشهور بود؛ و خانه اش مجمع دانشمندان «عضدالدوله» با توجهی خاص داشت.

از آثار او: «رسالة فی المحرك الاول» و مقالة «طبیعت اجرام علوی» و اختصاری از «صوان الحکمة» - او از شاگردان «ابو حیان توحیدی» است.

وفات: بعد از سال ۳۹۱ هـ ق = ۱۰۰۰ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۹۹ و ۳۰۰

ابوسهل عیسی بن یحیی المسیحی الجرجانی - طبیب بزرگ و معاصر «ابن سینا» و بقولی از استادان او در طب بود. در دربار «آل مأمون» در «خوارزم» زندگی میکرده است. کتاب مشهور او «صد باب» = «المائة فی الصناعة الطیبه» در دست است و کتب دیگری در هندسه و نجوم داشته است.

وفات: ۴۰۳ هـ ق = ۱۰۱۲ میلادی در بیابان «خوارزم».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۴۶- کارنامه بزرگان ایران

ص ۱۷۳ و ۱۷۴

ابوسهل فضل بن نوبخت - از مشاهیر خاندان «نوبخت» و از بزرگان اهل کلام و مترجمان و از «خاندانی شیعه» و بنام و اهل علم- بود در عهد «هارون الرشید» میزیست. و خزانه کتب خلیفه بوی سپرده شده بود. وی در ریاضی و نجوم استاد می داشت و تألیفاتی در نجوم از وی نقل کرده اند.

زندگانی: سده دوم هجری = سده هشتم میلادی.

خاندان نوبختی ص ۳ و ۱۴ و ۲۰- ریحانة الادب ج ۵ ص ۹۶ و

۹۷- کارنامه بزرگان ایران ص ۴۳

ابوسهل نوبخت (خرشاذماه طیماذ اما از ریاد خسرو بهمشاد) فرزند «نوبخت اهوازی» (منجم منصور خلیفه) از مترجمان و مؤلفان کتب ریاضی از پهلوی عبری بوده است. از تاریخ بنای «بغداد» سال ۱۴۴ هـ. ق تا وفات «منصور» ۱۵۸ هـ. ق در خدمت وی زیست و ازندمای وی بود و بعد از آن نیز مدتی تا اوائل خلافت «هارون الرشید» در این جهان بزیست. از تألیفات اوست: «تحویل سنی الموالد»- «التشبيه والتمثيل» - «الفال النجومی»- «المدخل» و «المنتحل من اقوال المنجمین» در اخبار و مسائل و موالد و غیرها و «الموالد».

فرزند وی «ابوالعباس، فضل بن ابی سهل نوبخت» حکیم و فیلسوف و از مشاهیر پیشوایان امامیه عهد خود بود.

زندگانی: نیمه دوم سده دوم هـ. ق = اواخر سده هشتم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۱۴ - تاریخ برگزیدگان ص ۲۶۰ -

ریحانة الادب ج ۴ ص ۲۳۸ تا ۲۴۰

ابوسهل و یجن بن رستم الکوهی - دانشمندی است در علم نجوم که در رصدخانه ای که «شرف الدولة بن عضد الدولة» (۳۷۶-۳۷۹ ه.ق) در «بغداد» بنا کرد، برصد «کواکب سبعة» پرداخت. از رجال «طبرستان» است و بنا بر رسم آن ولایت: به «کوهی» مشهور شده، «وپکه» (Pr. Woepcke) بعضی از آثار او را در کتاب «جبرخیام» نقل و بفرانسه ترجمه کرده است. از آن جمله است: «مراکزالدوائر المتماسه على الخطوط بطريق التحليل» و کتاب «اخراج الخطین من نقطة على زاوية معلومة بطريق التحليل».

وفات: ۴۰۵ = ۱۰۱۴ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۳۳ و ۳۳۵ - کارنامه

بزرگان ایران ۱۸۴ و ۱۸۵

ابوشرف ناصح بن ظفر بن سعد المنشی جرفادقانی (کلیایگانی) - مترجم «تاریخ یمینی» (تصنیف ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی رازی متوفی ۵۲۷ ه.ق) است. کتاب مترجم در آغاز سده هفتم بوسیله «جرفادقانی» به نثری مصنوع فراهم آمده است.

وی از دبیران و شاعران فاضل اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم هجری است که در نثر و نظم تازی و پارسی استاد و چیره دست بود. وی به سفارش «ابوالقاسم علی بن حسن» وزیر

«جمال‌الدین الخباریگ آیه» به نثری مصنوع و استادانه به ترجمه «تاریخ بمینی» پرداخت و آن را بسال ۶۰۳ به پایان برد و خاتمتی سودمند بر آن افزود.

زندگانی : او آخر سده ششم و اوائل سده هفتم هجری = سده دوازدهم و سیزدهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۶۴۱ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۲۷ - ترجمه تاریخ بمینی باهتمام دکتر جعفر شمار - فرهنگ ادبیات فارسی دکتر زهرای خانلری.

ابوشکور بلخی - در او آخر عصر «رودکی» و اوائل عهد فردوسی میزیست. اثر معروف او «آفرین نامه» است که در حدود ۳۳۳ ه. ق یا ۳۳۶ ه. ق (۹۴۷ میلادی) بنظم آن مشغول بوده است، ابیاتی پراکنده از این مثنوی باقی مانده.

«بوشکور» مثنویهای دیگری هم داشته است. وی از نخستین شاعرانی است که مثنوی داستانی ساخته.

زندگانی : اوائل سده چهارم = اوائل سده دهم میلادی زندگی میکرده است.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۴۰۱ و ۴۰۸ - کارنامه بزرگان ایران ص ۲۹ - فرهنگ ادبیات فارسی ص ۲۳

ابوطاهر خاتونی - (موفق الدوله کمال) مستوفی و دبیر دستگاه «گوهر خاتون» همسر «سلطان ابوشجاع محمد بن ملکشاه» (۴۹۸-۵۱۱ ه.ق) و از رجال و کاتبان و شاعران روزگار سلجوقیان است، وی بمناسبت انتساب بدستگاه «گوهر خاتون» بدین عنوان شهرت یافته . چون «سلطان محمد» در سال ۵۰۴ ه.ق «خطیر الملک میبدی» را وزارت داد، «خاتونی» را برای آنکه چندی از درگاه دور باشد، بشغلی به «گران» فرستادند. ولی او این شغل را دون پایگاه خویش میسر د و موجب این منزل مقام را، «مختص الملک» صاحب دیوان استیفا می دانست. بدین روی وی را هجاکفت. در بازگشت از «گران» میان سالهای ۵۰۶ ه.ق و ۵۱۱ ه.ق «مختص الملک» بادیگر دشمنان، وی را بتهمت اختلاس و تفریط متهم کردند. «خطیر الملک» او را به بند کشید و مصادره کرد. «خاتونی» به تنگدستی افتاد، وی تارو زگار «سلطان مسعود بن محمد بن ملکشاه» (۵۲۷-۵۳۴ ه.ق) بزیست.

از آثار او کتابی بنام «مناقب الشعراء» بوده است که «دولت شاه سمرقندی» در کتاب تذکره خود، یکجا از آن نام برده است و دیگر «شکارنامه ملکشاه» که مولف «راحة الصدور» آن را بخط خود او دیده و دیگر کتاب «تاریخ آل سلجوق»، و امروز هیچ يك از آثار او در میان نیست .

«ابوطاهر خاتونی» را در بعضی از مآخذ «معین الملک اصم»

خوانده اند .

وفات: حدود ۵۳۰ ه.ق = ۱۱۳۵ میلادی.

یا ۵۳۲ هـ ق = ۱۱۳۷ میلادی.

دائرة المعارف ص ۳۲ - فرهنگ ادبیات فارسی ص ۲۳

فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۷۲

ابوطیب مصعبی - (محمد بن حاتم المصعبی) صاحب دیوان رسائل
«نصر بن احمد» و از کتاب مشهور بود و بعد از عزل «ابو الفضل بلعمی»
در ۵۳۲ هـ ق = ۹۳۷ میلادی چندی منصب وزارت داشت و بنقل
«ثعالبی» در «یتیمه الدهر» فرمان آن پادشاه گشته شد. وی در شعر
فارسی و تازی چیره دست بوده است.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۹۳ و ۳۹۴

ابو عبد الرحمن خلیل بن احمد فراهیدی از دی بصری

رک : خلیل بن احمد

ابو عبد الرحمن سلیمی نیشابوی (محمد بن الحسین بن محمد بن
موسی) از بزرگان صوفیه صاحب «حقایق التفسیر» یا «الحقایق»
و کتاب «طبقات الصوفیه» است. از دیگر آثار او «تاریخ اهل
الصفه» - «جوامع آداب الصوفیه» - «کتاب الزهد» - «الاخوة و
الاخوات من الصوفیه» در حدود ۲۰ مجلد و.....

تولد : روز سه شنبه دهم جمادی الاخره ۳۲۵ هـ.ق
= ۹۳۶ میلادی در «نیشابور».

وفات : روز یکشنبه سوم شعبان ۴۱۲ هـ.ق = ۱۰۲۱
میلادی در «نیشابور» و در خانه خود مدفون شد.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۵۶ و ۲۵۷ - کارنامه بزرگان
ایران ص ۱۰۸ و ۱۰۹

ابوعبدالله احمد بن محمد جیهانی - از سال ۳۶۵ هـ.ق = ۹۷۵
میلادی بوزارت «ابوصالح منصور بن نوح» انتخاب شد و در سال
۳۶۷ هـ.ق = ۹۷۷ میلادی معزول و «عتبی» به جای او منصوب گردید.
کتابی در جغرافیا تألیف کرد بنام «المسالك والممالك» که
«المقدسی» وصف مفصلی از آن کرده است و کتاب «رسائل» از
اوست .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۹۸ - فرهنگ معین ج ۵ ص

۴۳۶

ابوعبدالله جیهانی - وزیر نصر بن احمد سامانی، مردی دانشمند و
فاضل بود. سال ۲۷۹ هـ.ق = ۸۹۲ میلادی کتابی در جغرافیا
نوشت که اکنون از میان رفته است. وی حضور یکی از امرای «هند»
را در دربار سامانی غنیمت شمرده در موقع مراجعت «ابودلف»

شاعر عرب راباوی همراه ساخت تماشادات خود را برشته تحریر در آورد. این شاعر به «تبت» رفت و از جانب «هند» و «افغانستان» و «سیستان» بوطن خود بازگشت و کتاب قابل توجهی در جغرافیا تألیف نمود.

رك : جیهانی

وفات: ۳۰۶ هـ. ق = ۹۱۸ میلادی.

کارنامه بزرگان ایران ص ۲۶۳ و ۲۶۴

ابو عبدالله محمد بن احمد جیهانی - وی در دوره‌ی که «امیر نصر بن احمد سامانی» (۳۰۱ هـ. ق - ۳۳۱ هـ. ق) هنوز به حد بلوغ نرسیده بوده است متکفل وزارت و متعهد تربیت این شهریار بوده. گویند: چون بوزارت رسید، بهمه جا نامه‌ها نوشت و قواعد و آیین مملکت‌داری بخواست تاب‌بهترین را برگزید. وی بکومک «حمویة بن علی» در دوره وزارت خویش دستگاه سامانیان را بنظم آورد.

«ابو عبدالله جیهانی» کتابی در «مسالك وممالك» داشت و به ثنویت و زندقه نیز متهم بود. برادرش «عبیدالله بن احمد جیهانی» در زمان «امیر نصر» حاکم «بست» و «رخج» بوده است. پسر «ابو عبدالله»، «ابو علی محمد بن ابی محمد جیهانی» (م/ ۳۳۰ هـ. ق) نیز بوزارت «امیر نصر» رسید (۳۲۶ هـ. ق). نواده «ابو عبدالله»، «ابو عبدالله احمد

ابن محمد جیهانی»، وزیر «منصور بن نوح» و نیز وزیر «نوح بن- منصور» بوده است. آخرین وزیر این خاندان «ابوالفضل محمد بن احمد جیهانی» وزارت «امیر منصور بن نسوح» داشته است و وزارت سامانیان هم بدو ختم شد.

وفات: ۳۰۶ هـ ق = ۹۰۸ میلادی.

دائرة المعارف فارسی ص ۷۸۴

ابوعبدالله حسین بن احمد زوزنی در لغت و نحو و عربیت استاد بود . از آثار او کتاب «المصادر» و «شرح سبعة معلقة» و «ترجمان القرآن» است . در کتاب «المصادر» «زوزنی» شرح لغوی هر مصدر را بفارسی آورده است .

وفات: ۴۸۶ هـ ق = ۱۰۹۳ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۳۱۹

ابوعبدالله حسین بن علی الکاغدی از بزرگان معتزله بود و رسالاتی در رد «محمد بن زکریای رازی» و کتبی در «مسائل کلامی» دارد .

تولد: ۳۰۸ هـ ق = ۹۲۰ میلادی .

وفات: ۳۹۹ هـ ق = ۱۰۰۸ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۷۹

ابو عبدالله حسین معروف به کله دیر «ماکان کاکلی» بود و بعد از کشته شدن «ماکان» به اسارت به «خراسان» رفت و در آنجا بهمد سلطنت «نوح بن نصر» (۳۳۱ تا ۳۴۳ هـ. ق = ۹۴۲ تا ۹۵۴ میلادی) صاحب دیوان رسائل شد و به «عمید» معروف گردید و بهمین جهت ابو الفضل پسر او را «ابن العمید» گفته اند.

زندگانی: سده چهارم هجری = سده دهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۶۳۹

ابو عبدالله حمزة بن الحسن الاسفهانى مؤلف كتاب مشهور تاريخ «سنی ملوک الارض و الانبیاء» و کتاب «التصحیف» و کتاب «کبار البشر» و کتاب «الامثال» که همه را در دست داریم. کتاب «سنی ملوک الارض و الانبیاء» دارای اهمیت فراوانست و همین کتاب است که در تألیف کتاب «مجمل التواریخ و القصص» اساس قرار گرفته.

ولادت: ۲۷۰ هـ. ق = ۸۸۳ میلادی.

وفات: در حدود ۳۵۰ تا ۳۶۰ هـ. ق = ۹۶۱ تا ۹۷۰

میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۶۴۳

ابو عبدالله زنجانی (حاج میرزا) از دانشمندان سده چهاردهم هجری در «زنجان» از مادر بزرگوارش «تاریخ القرآن» - «الفلسوف الفارسی» - «الکبیر صدرالدین شیرازی» (در شرح حال ملا صدرا) - «سرانتشار

اسلام» و جز اینهاست .

تولد: ۱۳۰۹ هـ . ق = ۱۸۹۱ میلادی .

وفات: ۱۳۶۰ هـ . ق = ۱۹۴۱ میلادی .

دائرة المعارف ص ۳۲

ابو عبدالله محمد بن احمد المعصومی از شاگردان نامدار «ابن سینا» است و «ابو علی سینا» «رسالة العشق» خود را با اسم این شاگرد و بخواهش او نوشت. «رد اعتراضات ابوریحان» را بسوی نسبت می دهند. قتل او را در «ری» بحکم «محمود غزنوی» دانسته اند . کتاب «المفارقات و اعداد العقول و الافلاك و ترتيب المبدعات» ازوست .

قتل: احتمالاً ۴۲۰ هـ . ق = ۱۰۲۹ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۱۹

(ابو عبدالله محمد بن خفیف اسفکشار) از بزرگان مشایخ متصوفه پدرش از جمله سرهنگان «عمر ولیث صفاری» و از مردان «کلاشم» از شهرهای «دیلمان» و مادرش از شهر «نیشابور» بود . وی علم حدیث خوانده بود و با «جنید» مصاحبت داشت و خرقة ارشاد از شاگرد «جنید» «ابو محمد رویم» گرفته و با «حلاج» در زندان ملاقات کرده است . وی صاحب مصنفات بسیار است چون: کتاب «شرف الفقر» - «شرح

الفصائل» - «جامع الارشاد» و «الفصول فی الاصول» و «الجمع
والتفرقة» و.....

تولد : احتمالاً در سال ۲۶۱ هـ . ق = ۸۷۲ میلادی
در «شیراز» .

وفات : شب چهارشنبه ۲۳ رمضان ۳۷۱ هـ . ق = ۹۸۱
میلادی در «شیراز» .

تاریخ ادبیات در ایران ص ۲۵۵ - کارنامه بزرگان ایران
ص ۹۹ تا ۱۰۱

ابو عبدالله محمد بن عمر بن الحسین بن الحسین بن علی تیمی بکری
طبرستانی رازی
رك : امام فخرالدین رازی .

ابو عبدالله محمد بن عیسی الماهانی ریاضی دان بزرگ ایران در قرن سوم
هجری مترجم کتاب «مثلاث کروی منالاوس»

زندگانی: سده سوم هجری = سده نهم میلادی .
تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۶۸

ابو عبدالله (یا: ابوالحسن) علی بن حمزه مشهور به «کسائی فارسی»
رك : کسائی فارسی .

ابو عبدالله محمد بن موسی بن شاکر الخوارزمی
رک : محمد بن موسی بن شاکر الخوارزمی (ابو عبدالله)

ابو عبدالله ناتلی (ابو عبدالله ابراهیم بن حسین ناتلی) از دانشمندان و
ریاضی دانان سده چهارم هجری و استاد «ابوعلی سینا» در علم
منطق و هندسه اقلیدس و مجسطی است. وی رساله‌ی «در وجود»
و رساله‌ی «در کیمیا» نوشت .

زندگانی : سده چهاره هجری = سده دهم میلادی

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۰۳ - فرهنگ ادبیات فارسی

ص ۲۳ و ۲۴

ابو عبید القاسم بن سلام که اصلاً بنده یکی از مردم هرات بود و
بحديث و ادب وفقه اشتغال داشت و متفنن در علوم مختلف و از
مختصان «عبدالله بن طاهر» بود. او صاحب کتب متعددی در «غریب
الحديث» و «معانی القرآن» و ادب و شعر و لغت و نحو است .

وفات : ۲۲۲ هـ ق = ۸۳۸ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۲۴ و ص ۱۲۷

ابو عبید عبد الواحد بن محمد جوزجانی که از سال ۴۰۳ هـ ق = ۱۰۱۲

میلادی هنگامی که «ابن سینا» از دهستان به «گرگان» میرفت، بخدمت «ابوعلی» پیوست و تا پایان حیات استاد در خدمتش بسر میبرد و مشوق استاد در تألیفاتش بود و پس از «ابوعلی سینا» آثار او را گردآوری کرد اختصاص او بیشتر در ریاضیات بوده است. تکمیل قسمت ریاضیات «نجات» ابوعلی سینا و قسمت ریاضی و موسیقی «دانشنامه علائی» را نیز او افزوده است. دیگر «شرح حال ابوعلی سیناست» که قسمت نخستین آن از خود «ابوعلی سینا» است و «ابوعبید» حوادث حیات شیخ را بعد از سال ۴۰۳ هـ. ق = ۱۰۱۲ میلادی بر آن افزوده. دیگر «شرح رساله حی بن یقظان» است.

زندگانی: اواخر سده چهارم و نیمه اول سده پنجم هجری

= اواخر سده دهم و نیمه اول سده یازدهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۲۸ - دائرة المعارف ص ۳۲ -

فرهنگ معین ج ۵ ص ۹۴

ابو عثمان سعید بن حمید بختگان - از نجیب زادگان ایرانی، مؤلف کتاب «انتصاف العجم من العرب» و «فضل العجم علی العرب وافتخارها» و از شعوبیان بوده است.

زندگانی: سده سوم هجری = سده نهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۹

ابوعلی احمد بن عمر بن رسته

رك : ابن رسته .

ابوعلی بلخی (ابوعلی محمد بن احمد بلخی) از نویسندگان نیمه دوم سده چهارم و از قدیم ترین کسانی است که به نوشتن شاهنامه منشور پرداخته اند . و بنا بر روایت «ابوریحان بیرونی» در « آثار الباقیه »، « شاهنامه ابوعلی بلخی » بسیار معتبر و مورد اطمینان و بیشتر مستند به روایات کتبی بوده است تاشفاهی؛ و چون ذکر وی در کتاب « آثار الباقیه » مؤلف بسال ۳۹۱ هـ . ق آمده است، ناچار پیش از دهه آخر سده چهارم هجری میزیسته .

زندگانی: پیش از دهه آخر سده چهارم هجری = اواخر سده دهم و اوائل سده یازدهم میلادی میزیست.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۴۰۹ و ۶۱۲ و ۶۱۳

ابوعلی احمد بن اسماعیل بن عبدالله قمی معروف به «ابن سمکه»

رك : ابن سمکه

☆☆☆

ابوعلی جبائی از «جبای خوزستان» و رئیس فرقه «جبائیه» بود. وی از جمله بزرگترین مفسران معتزله بوده است و «ابولحسن اشعری» شاگرد وی کرده و خصم قوی او شده است. «جبائی» بر «قرآن کریم» تفسیری نوشته است .

ابوعلی جبائی از «جبای خوزستان» و رئیس فرقه «جبائییه» بود . وی از جمله بزرگترین مفسران معتزله بشمار است . «ابو الحسن اشعری» شاگردی او کرده و خصم وی شده است . «جبائی» بر «قرآن کریم» تفسیری نوشته است .

وفات: ۳۰۳ هـ ق = ۹۱۵ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۷۸

ابوعلی حسن بن احمد فارسی شاگرد «ابو سعید حسن بن عبد الله سیرافی» از بزرگان نحو و لغت و فقه و حدیث و علوم قرآنی است . در فقه بیشتر به «قیاس» اتکاء داشت . مولد او «فارس» است و به «حلب» نزد «سیف الدوله حمدان» رفت و با «متنبی» در آنجا مناظراتی داشت . سپس به «فارس» بازگشت و بمصاحبت «عضد الدوله» نائل گردید و کتاب «الایضاح» و «التکمله» را در نحو برای او تدوین کرد .

تولد: ۳۰۷ هـ ق = ۹۱۹ میلادی .

وفات: ۳۷۷ هـ ق = ۹۸۷ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۵۴ - ابوعلی الفارسی تألیف
الدکتور عبدالفتاح اسماعیل شلبی طبع مصر .

ابوعلی دقاق نیشابوری از مشایخ صوفیه در «نیشابور» در سده چهارم و اوائل سده پنجم هـ ق بوده است :

وفات: ۴۰۵ هـ ق = ۱۰۱۴ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۵۵

ابوعلی سینا

رك : ابن سینا (حجة الحق شیخ الرئيس شرف الملك ابوعلی
حسین بن عبد الله بن سینا)

ابوعلی قالی (اسماعیل بن قاسم بن عیذون بن هارون بغدادی قالی) شاگرد
«ابوبکر محمد بن دریدالازدی البصری» است و در لغت و ادب
عرب مشهور و از بزرگان نامدار است. «ابوعلی قالی» از استاد خود
قصص ادبی در کتاب معروف خود «امالی» نقل کرده است و کتاب
«نوادر» و کتاب «بارع» و کتاب «مقاتل الفرسان» و جزاینها .
و چون در سال ۳۰۳ ه. ق با کاروان «قالی قلا» به «بغداد» رسید، به
«قالی» مشهور شد. «ابن خلدون» درباره کتاب «نوادر» او نوشت که
از اساتید فن شنیدم که گفتند: اساس ادب بر چهار کتاب است «ادب
الکاتب ابن قتیبه» و «کامل مبرد» - «البيان والتبيين جاحظ» و
«نوادر ابوعلی قالی» و آنچه غیر از این چهار کتاب باشد، فروع
و شاخه های ادب است.

تولد : ۲۸۰ ه. ق = ۸۹۳ میلادی در «منازجرد» از
قرای «دیار بکر».

وفات : ۳۵۶ ه. ق = ۹۶۶ میلادی در «قرطبه».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۵۲ و ۳۵۳ - راهنمای
دانشوران ج ۲ ص ۲۶۸

ابوعلی محمد بن ابوالفضل بلعمی - وزیر معروف «امیرمنصور بن
نوح سامانی» مترجم و مؤلف «تاریخ بلعمی» از اکابر رجال قرن
چهارم است. انتساب او و پدرش به «بلعمی» از آنست که نیاکان ایشان
به «بلعمان» از قراء «مرو» منسوب بوده اند، یا بقولی به «بلعم» که از
«بلاد روم» است.

وفات: ۳۶۳ هـ. ق = ۹۷۳ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۶۱۹

ابوعلی مروزی - (سید اجل ابوعلی بن حسین مروزی) از شاعران
اواخر رسده ششم و آغاز رسده هفتم هجری است.

«عوفی» شرحی مبسوط در ذکر لطافت طبع و مهارت او در
بیان معانی دارد و اشعاری که از او بنقل آورده مؤید این گفتار
است. وی ستایشگر «علاءالدین اسکندر ثانی محمد بن علاءالدین
تکش خوارزمشاه» (۵۹۶-۵۶۱ هـ. ق) بود. «عوفی» با او در «نیشابور»
دیدار کرد و مدتی با وی مجالست داشت. دو قصیده از او در «لباب»
الالباب» بیاورد که چیرگی وی را در ابداع معانی و ایراد الفاظ
متین نشان میدهد و رباعیاتی را که بنام وی ثبت کرده همه مطبوع

و منتخب است .

زندگانی: میان سالهای ۵۹۷ هـ ق = ۱۲۰۰ میلادی -
۱۶۱۷ هـ ق = ۱۲۲۰ میلادی زنده بوده است.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۸۴۴ و ۸۴۵ - فرهنگ
ادبیات فارسی ص ۲۷۰

ابوعلی مسکویه

رك : ابن مسكويه (ابوعلی الخازن احمد بن یعقوب).

ابوعمر و احمد بن محمد بن ابراهیم زوزنی - از « زوزن خراسان »
میان « نیشابو » و « هرات »، از آثارش « شرح معلمات سبعه » است .
که دلالت بر وسعت اطلاع او در لغت و نحو و تصریف دارد.
وفات : ۳۷۴ هـ ق = ۹۸۴ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۵۵

ابو محمد روزبهان بن ابونصر شیرازی دیلمی - صاحب تفسیر
« قرآن » بنام « عرایس البیان فی حقایق القرآن » است. اصلاً در شهر
« نسا » ولادت یافت و زندگی او بیشتر در « شیراز » بمجاهدت و وعظ و
تذکیر سپری شد .

تولد: ۵۲۲ هـ ق = ۱۱۲۸ میلادی .

وفات: ۸۶۰۶ ق. - ۱۲۰۹ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۵۷

ابومحمد عبدالله بن المقفع

رك : ابن المقفع (ابومحمد عبدالله)

ابومحمد عبدالله بن جعفر بن درستویه

رك : ابن درستویه.

ابومحمد عبدالله بن محمدالمسرتعش نیشابوری - در زمان خود از

مشایخ بزرگ «بغداد» بود .

وفات: ۸۳۲۸ ق. = ۹۳۹ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۵۵

ابومحمود حامد بن خضر خجندی - از ریاضی دانان بزرگ سده

چهارم هجری بوده است، معاصر «فخرالدوله دیلمی» و مقرّب او که

کارهای علمی خود را بنام وی انجام داده ؛ از جمله برای رصد

کواکب و یافتن طول فلکی آنها اسبابی بنام «سُدس فخری» ساخته

بود .

وی با «ابوالوفای بوزجانی» که در زمره راصدان بزرگ «بغداد» است، معاصر بود. کتابهایی از او در مثلثات خطی و مثلثات کروی باقی مانده است.

زندگانی: سده چهارم ه.ق = سده دهم میلادی.

کardنامه بزرگان ایران ص ۱۴۵

ابومسلم خراسانی صاحب الدعوة - (عبدالرحمن بن مسلم مرورودی) که اصلاً به «ابراهیم» موسوم بود و خود را از فرزندان «بوذرجمهر حکیم» میدانست. نام و نسب وی را چنین نوشته اند: «بهزادان فرزند بناد هر مز فرزند شیدوش فرزند رهام». در سال ۱۲۹ ه.ق از جانب «ابراهیم بن محمد بن علی» بدو فرمان رسید که دعوت خود را آشکار کند و او که ریاست دعوت «شیعه بنی عباس» را داشت، با «نصر بن سیار» والی «بنی امیه» در «خراسان» از در جنگ در آمد و او را شکست داد. چون سال ۱۳۱ ه.ق «نصر» در «ساوه» در گذشت، «ابومسلم» حکومت «بنی عباس» را بنیاد نهاد. و عاقبت «منصور خلیفه» او را بغدر و پیمان شکنی از میان برد.

وی کوتاه قد و گندم گون و سیاه چشم و بهن پیشانی و درازموی و بامحاسن انبوه بود و ساقهایی کوتاه داشت. کم می خندید و همیشه گره به پیشانی می افکند.

تولد: ۹۸ یا ۱۰۰ یا ۱۰۹ ه.ق = ۷۱۶ یا ۷۱۸ یا ۷۲۷ میلادی.

مقتول: ۱۳۷ ه.ق = ۷۵۴ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۳ و ۱۷ - تاریخ برگزیدگان
ص ۱۱۷ و ۱۱۸

ابومعشر بلخی - (ابومعشر جعفر بن محمد) از اجله ریاضی دانان سده
سوم هجری است و از تألیفات اودوازده کتاب در دست است.
از جمله: «رساله در اتصال کواکب و قرائات» که ترجمه فارسی و اصل
عربی آن باقی مانده است. دیگر «کتاب الادوار والالوف» و «کتاب -
الموالید» و «احکام تحویل سنی الموالید» و «کتاب الاصل» و
«سرائر الاسرار» و «المدخل فی علم النجوم» و «احکام تحاویدل
سنی العالم» .

وفات : ۲۷۲ هـ . ق = ۸۸۵ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۱۶ و ۱۱۷

☆☆☆

ابومعین ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی بلخی ملقب به حجت
رک: ناصر خسرو (حکیم ابومعین ناصر بن خسرو بن حارث
قبادیانی بلخی مروزی) .

ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی - صاحب «کتاب
الاحتجاج علی اهل اللجاج» که متضمن سخنان حضرت رسول (ص)
و حضرت فاطمه علیها سلام و ائمه اطهار (ع) با پیروان مذاهب وادیان

و علماء فرق مختلف است. از ثقات محدثان و علمای شیعه در قرن
ششم هجری است.

زندگانی: سده ششم ه.ق = سده دوازدهم میلادی .
تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۶۲ - فرهنگ معین ج ۵
ص ۱۰۷۹

ابومنصور ثعالبی نیشابوری - (عبدالمک بن محمد) ادیب و
نویسنده و مورخ بزرگ «ایران» در اواخر سده چهارم و اوایل سده پنجم
هجری، وی استاد نثر مرسل و مصنوع بوده است. از آثارش:
«یتیمه الدهر» در شرح احوال شعرای بزرگ عهد مؤلف است،
از «شام» تا «ماوراءالنهر». و «تتمة الیتیمه» که ذیل کتاب «یتیمه الدهر»
است. دیگر کتابهای «اعجاز و الایجاز» - «خاص الخاص» -
«ثمار القلوب فی مضافات و المنسوب» - «نثر النظم» - «کتاب
التمثیل و المحاضرة». - مهمترین اثری که بنام او قلمداد شده است،
«غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم» در «تاریخ ایران قدیم» است،
مؤلف در تألیف این کتاب مخصوصاً از کتاب «شاهنامه»
ابومنصوری استفاده بسیار کرده است. و این کتاب را بنام
«نصر بن ناصر الدین سبکتکین» برادر «سلطان محمود غزنوی»
و سپهسالار «خراسان» در آورده و بنا بر این محققاً پیش از سال ۴۱۲
ه.ق، یعنی سال فوت آن امیرزاده، بتألیف آن توفیق یافته است.

وفات: ۴۲۹ ه.ق = ۱۰۳۷ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۶۴۲ و ۶۴۱ - هم رک: ابومنصور
حسین بن محمد مرغنی در ص ۱۳۷ و ۱۳۸ کتاب حاضر.

ابومنصور حسن بن نوح القمري البخاري - از اطباء اوائل سده چهارم هجری که نوشته اند: «ابوعلی سینا» چندی در خدمت او تحصیل فن طب میکرده است. از و کتابی بنام «غنی و منی» در سه مقاله در دست است.

وفات: ظاهر اوائل سده چهارم هجری = اوائل سده دهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۰۵ و ۳۴۵

ابومنصور حسین بن محمد بن طاهر بن عمر بن زیله اصفهانی - مشهور به «ابن زیله»، وی از شاگردان «ابوعلی سینا» است که در علوم ریاضی و موسیقی مهارت داشته. از تصانیف او ست: «الاختصار من طبیعیات الشفا» و «شرح رساله حی بن یقظان» و «الکافی فی الموسیقی». وفات: ۴۲۰ ه. ق. = ۱۰۴۸ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۶۷ و ۲۷۰ - دائرة المعارف

ج ۱ ص ۱۹

ابومنصور حسین بن محمد بن مرغنی - صاحب کتاب «غرر سیر - الملوك» به تازی در تاریخ شاهان ایران که میان سالهای ۴۰۸ تا ۴۱۲ ه. ق. به تألیف در آورده است. و «زوننبرگ» آن را تصحیح کرده و بنام «غرر اخبار ملوك الفرس و سیرهم» بطبع رسانیده و مؤلف آن را «ابومنصور ثعالبی» معرفی کرده است. ولسی ظاهرأ نام اصلی

کتاب «غرر سیر الملوک» است و مؤلف آن «ابومنصور حسین بن محمد مرغنی» است .

استاد مینوی مقدمه توقیعات کسری انوشیروان

ابومنصور قطران - (شرف الزمان حکیم ابومنصور قطران عضدی تبریزی) از مشاهیر شاعران «ایران» در سده پنجم هجریست. از دهقانی به شاعری رسیده و از معاصران «ناصر خسرو قبادیانی» است. بغیر از دیوان شعر، «حاج خلیفه» کتاب لغتی با و منسوب داشته است بنام «تفاسیر فی لغة الفرس»، و «دولت شاه سمرقندی» منظومه بی را بنام «قوسنامه» از «قطران» میدانند... وی نخستین کسی است که در «آذربایجان» بررسی دری آغاز سخنوری کرده.

وفات: ۴۶۵ ه. ق = ۱۰۷۲ میلادی.

آتشکده آذر بخش اص ۱۳۵ تا ۱۳۷ - تاریخ ادبیات در ایران
ج ۲ ص ۴۲۱ - کارنامه بزرگان ایران ص ۱۱۷

ابومنصور محمد بن احمد الازهری هروی - از جمله بزرگترین علمای ادب در سده چهارم هجری و صاحب کتاب «التهذیب» است در لغت. صاحب «لسان العرب»، در مقدمه کتاب خود، کتاب «التهذیب» را از امهات کتب لغت می شمارد.

وفات: ۳۷۰ ه. ق = ۹۸۰ میلادی در «هرات».

ابو منصور محمد بن عبدالرزاق سپهسالار خراسان - خود را از نژاد اسپهبدان «ایران» میدانست و نسب خویش را به «گیو پسر گودرز» میرساند. در جمادی الاخر سال ۳۴۹ ه. ق رسماً از جانب «ابو الفوارس عبدالملك بن نوح سامانی» (۳۴۳-۳۵۰ ه. ق) بسپهسالاری «خراسان» برگزیده گشت کتاب «شاهنامه منشور» بفرمان او بوسیله پیشکارش «ابو منصور معمری» فراهم کرده آمد . و همین «شاهنامه ابو منصور» است که بعدها مأخذ کار «دقیقی» و «فردوسی» قرار گرفت .

وفات: ذی حجه ۳۵۰ ه. ق = ۹۶۱ میلادی. - گویند: بوسیله «یوحنای طبیب» با اشاره «وشمگیر بن زیار» مسموم شد.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۲۰ - کارنامه بزرگان ایران

ص ۲۸۴ و ۲۸۵

ابو منصور موفق بن علی هروی - صاحب «کتاب الابنیه عن حقایق الادویه» در مفردات طب بزبان فارسی که در آن ۵۸۵ دارورا معرفی کرده است. نسخه منحصر این کتاب بخط «اسدی طوسی» شاعر در کتابخانه «وین» موجود است و در شوال ۴۴۷ ه. ق = ۱۰۵۴ میلادی کتابت آن با تمام رسیده.

زندگانی: نیمه دوم سده چهارم و نیمه اول سده پنجم ه. ق = نیمه دوم سده دهم و نیمه اول سده یازدهم میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۴۸ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۹۵

ابو نصر حسن بن علی منجم قمی - از ریاضی دانان و منجمان سده چهارم هجری است. مؤلف کتاب «البارع المدخل فی احکام النجوم والطوالع» مشتمل بر ۵ مقاله و ۴۶ فصل است که عربی تألیف شده و بعداً بوسیله خود مؤلف بفارسی ترجمه گردیده است . این کتاب در علم احکام نجوم شهرت داشته و مورد استفاده بسیاری از علماء نجوم قدیم بوده است و در نوشته های خود از آن یاد و بدان استناد کرده اند .

کارنامه بزرگان ایران ص ۱۵۳

ابو نصر سراج طوسی - ملقب به «طاووس الفقراء» زاد و بودش در «طوس» بود و مدفن او همانجا است. تصانیف بسیار دارد. از جمله آنهاست کتاب «اللمع فی التصوف» که چندین بار بطبع رسیده .

وفات : ۳۷۸ هـ . ق = ۹۸۸ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۵۷ - کتاب اللمع فی التصوف
تصحیح نیکلسن طبع بریل ۱۹۱۴ میلادی .

ابو نصر صباغ : صاحب دو کتاب : «الشامل» و «الکامل» در فقه و از مدرسان مشهور «نظامیه بغداد» بود .

وفات : ۴۷۷ هـ . ق = ۱۰۸۴ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۶۴

ابونصر عراق

رك : ابونصر منصور بن علی بن عراق.

ابونصر فارابی - (ابونصر محمد بن محمد طرخان الفارابی) فیلسوف بزرگ اسلام در نیمه دوم سده سوم و نیمه اول سده چهارم هجری است. از «ماوراءالنهر» برای تحصیل به «بغداد» رفت و در حلقه درس «ابوبشر متی بن یونس» حضور یافت و بعد به «حرّان» شد و از «یوحنا بن غیلان» بخشی از منطق را فرا گرفت و به «بغداد» بازگشت و بتکمیل فلسفه پرداخت و در تفسیر و تحقیق همه آثار «ارسطو» مهارت یافت. او را «ارسطوی ثانی» یا «معلم ثانی» گفته اند. وی در مرحله اول شارح همه کتب «ارسطو» است و در مرحله ثانی دارای آثار مهمی است که تصنیف خود اوست. از آثار اوست: «الجمع بین الرأیی الحکیمین افلاطون و ارسطو» «فصوص الحکم» - «رسالة فی مبادی» - «آراء اهل المدينة الفاضله».

«ابن رشد» در چند مورد در کتاب «تهافت التهافت» بر «فارابی» تاخته است و او را در شمار متکلمان آورده. «فارابی» در حدود ۱۰۰ تألیف داشته است ، از جمله :

«رسالة فی معانی العقل» - «عیون المسائل» - «رسالة فی السیاسة» - «المسائل الفلسفیه» - «احصاء العلوم» - «اغراض

ارسطوطاليس» - «كتاب ما بعد الطبيعة» - «رسالة في اثبات
المفارقات».

تألیفات اوراد فلسفہ، منطق، اخلاق، سیاست، ریاضیات،
کیمیا و موسیقی از پنجاه متجاوز شمرده اند. اختراع «قانون» را که
آلتی موسیقی است، با و منسوب میدانند.

تولد: ۲۶۰ ق.هـ = ۸۷۴ میلادی یا ۲۵۷ ق.هـ = ۸۷۰
میلادی. در «فاراب».

وفات: ۳۳۹ ق.هـ = ۹۵۰ میلادی در «دمشق».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۹۳ تا ۲۹۹ - فرهنگ
معین ج ۵ ص ۱۲۸۹ - تاریخ برگزیدگان ص ۲۷۱ و ۲۷۲

ابونصر فراهی - (ابونصر بدرالدین مسعود بن ابوبکر بن حسین بن
جعفر فراهی سجزی = سگری) نام او را نیز «ابونصر بدرالدین
محمد یا محمود» نوشته اند. وی از شعرای دربار «الملك الغازی
یمین الدوله بهرامشاه بن تاج الدین حرب» (م/ ۶۱۸ ق.هـ) امیر
«سیستان» است. از آثار او است: «نصاب الصبیان» - نظم کتاب
«جامع الصغیر فی الفروع» در فقه که تألیف «محمد بن حسن شعبانی»
بوده است و «ابونصر فراهی» آن را در جمادی الاخر ۱۷۶ ق.هـ به تازی
بنظم در آورده....

وفات: تا سال ۶۴۰ ق.هـ = ۱۲۴۲ میلادی بنا بنوشته

«کشف الظنون» زنده بوده است.

مقدمه نصاب الصبيان چاپ دکتر مشکور ص ۶ - تاریخ ادبیات
در ایران ج ۳ ص ۲۸۴

ابو نصر محمد بن عبد الجبار عتبی - نویسنده معروف ایرانی نیمه
دوم سده چهارم و اوایل سده پنجم هجری، از مردم «ری» بود. دردستگاه
«ابو علی سیمجور» و «ناصرالدین سبکتکین» بسر میبرد و چندی هم
سمت نیابت «شمس المعالی قابوس» را در «خراسان» داشت و چند
گاهی نیز در «نیشابور» نزد «نصر بن ناصرالدین سبکتکین» سپهسالار
«خراسان»، از طرف «سلطان محمود»، بسر میبرد. اثر مشهور او «تاریخ
یمینی» است که در شرح سلطنت «سبکتکین» و «سلطان محمود»
تا سال ۴۱۲ ه. ق نوشته. این کتاب بوسیله «ابوشرف ناصح بن ظفر
جرفادقانی» در سده هفتم ه. ق بفارسی مصنوع ترجمه گردیده است.
وفات: ۴۲۷ ه. ق = ۱۰۳۵ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۶۴۱ - فرهنگ معین ج ۵
ص ۱۱۶۰

ابو نصر مشکان

رك : ابو نصر منصور بن مشكان

ابو نصر منصور بن علی بن عراق - از خانواده «عراق» است که زمانی از پادشاهان «خوارزم» بوده و تازمان «سامانیان» نیز قدرتی داشته اند؛ و از این روی «ابو نصر» به «امیر ابو نصر» معروف شده است. معاصر «ابو ریحان بیرونی» است و بطوری که «بیرونی» در مقدمه «آثار الباقیه عن القرون الخالیه» مینویسد: این امیر دوازده کتاب بنام او تألیف کرده است. «ابو نصر» در مثلثات خطی و کروی مهارت کامل داشته است. وی در سده چهارم ه. ق. میزیسته و ظاهراً اوائل سده پنجم ه. ق. را دریافته است.

زندگانی: نیمه دوم سده چهارم و اوائل سده پنجم ه. ق.
 = سده دهم و اوائل سده یازدهم میلادی.
 کارنامه بزرگان ایران ص ۱۳۷

ابو نصر منصور بن مشکان - از کتاب بزرگ عهد غزنوی و صاحب دیوان رسائل «محمود غزنوی» است. و ظاهراً بعد از انتخاب «شمس الکفاة احمد بن حسن میمندی» بوزارت (۱۰۴۰ ه. ق) و خالی ماندن محل منصب صاحب دیوان رسائل «ابو نصر» باین سمت برگزیده شد. و در عهد «محمود» و «مسعود» این شغل را با امانت و تدبیر عهده دار آمد و در نشر عربی و فارسی استاد بود.

«ابو الفضل بیهقی» نوزده سال در دیوان رسائل «محمود» و «مسعود» شاگردی وی کرد و او را چون پدری مهر بان دوست میداشت. چند نامه پارسی وی را در تاریخ خود نقل کرده است و آنچه را که از مشاهدات وی شنیده بود، در کتابی بنام «مقامات محمودی

ابونصر مشکان» گرد آورده که تا قرن نهم در دست بوده است و اکنون قسمتی از آنها باقی است . - «بیهقی» در مرگ او می نگارد: «ختمت الکفایة والبلاغة والعقل به»: بمرض لقوه وفالج از این جهان درگذشت .

وفات: ۵۴۳۱ ق. = ۱۰۳۹ میلادی .

سلطنت غزنویان تألیف استاد خلیلی طبع افغانستان ص ۲۹۹ تا ۳۰۱ - تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۶۳۴ - کارنامه بزرگان ایران ص ۱۰۷ و ۱۰۸ - تاریخ برگزیدگان ص ۱۶۷

ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی - از ثقات حافظان و راویان حدیث است . وی در طلب علم به «عراق» و «حجاز» و «خراسان» سفرها کرد، و در حدیث شهرت تمام یافت. کتاب «حلیة الاولیاء» و «ذکر اخبار اصفهان» و چند کتاب دیگر از آثار اوست .

تولد: ۳۳۴ یا ۳۳۶ هـ ق. = ۹۴۵ یا ۹۴۷ میلادی .

وفات: محرم یا صفر ۴۳۰ هـ ق. = ۱۰۳۸ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۷۴ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۳۶

ابونواس حسن بن هانی اهوازی - شاعر تازیگوی ایرانی شعوبی که «قصاید خمریه» و غزلهای او مشهور است و همچنین «ملمعات» یا

«فارسیات» او که در آن از طریق «تلمیح» کلمات فارسی را با عربی در آمیخته در دست است. دیوانش را «حمزة بن الحسن الاصفهانی» جمع آوری کرده است و مکرر بطبع رسیده.

تولد: ۵۱۴۵.ق = ۷۶۲ میلادی .

وفات: ۵۱۹۹.ق = ۸۱۴ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۹۱ - الوسيط ص ۲۵۷ تا ۲۵۹

ابوهلال عسکری - منسوب به «عسکر مکرّم» از بلاد «خوزستان»، از ادبا و نویسندگان و مؤلفان ادبی بزرگ سده چهارم ه.ق است . از آثار اوست کتاب «الصناعتین» - «دیوان المعالی» - «جمهرة الامثال» - «تفضیل بین بلاغة العرب والعجم».

وفات: ۵۳۹۵.ق = ۱۰۰۴ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۶۲۳

ابویزید بسطامی - (طیفور بن عیسی بن سروشان) . استاد و پیر اودر تصوف معلوم نیست. از اقربان «احمد خضرویه» و «ابو حفص حداد» و «یحیی بن معاذ» است و «شقیق بلخی» را دیده. از حکایات و مآثورات و گفتار او کتابی باسم «النور من کلمات ابی یزید طیفور» است که منسوب به شیخ «سهلکی» است و پاره‌یی دیگر را «عطار» در «تذکرة الاولیاء» آورده است .

تولد: حدود سال ۱۸۸۸ ه. ق. - ۸۰۳ میلادی در شهر «بسطام»
در محله مؤبدان در خاندانی زاهد و مسلمان.

وفات : ۸۲۶۱ ه. ق. = ۸۷۲ میلادی در «بسطام» .
آتشکده آذربخش نخست ص ۲۵۷ تا ۲۵۹ - کارنامه بزرگان
ایران ص ۶۹ و ۷۰

ابو یعقوب سکزی - (اسحاق بن احمد سجستانی) معروف به «بندانه» از
نویسندگان اسماعیلی و مؤلف کتاب «کشف المحجوب» . وی
در اواخر سده چهارم ه. ق بنشر دعوت «اسماعیلیه» می پرداخته
است .

زندگانی: سده چهارم ه. ق = سده دهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۵۳ و ۶۳۳ و ۶۳۴ - فرهنگ معین
ج ۵ ص ۹۶ - کشف المحجوب تصنیف ابو یعقوب سجستانی باهتمام هنری کر بین.

ابو یعقوب یوسف بن الحسین الرازی - از بزرگان صوفیه در «ری»
بوده است .

وفات: ۳۰۳ یا ۳۰۴ ه. ق. = ۹۱۵ یا ۹۱۶ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۵۵

ابو یعقوب یوسف بن ایوب همدانی
رك : خواجه یوسف همدانی .

ابو یعقوب سراج الدین یوسف خوارزمی
رك : سكاكى (سراج الدین ابو یعقوب یوسف) خوارزمی.

ابو یوسف - قاضی القضاة «هارون الرشید» شاگرد «ابو حنیفه» و صاحب
تالیفات متعدد. از آن جمله است «کتاب الخراج».

وفات: ۱۸۲ هـ. ق = ۷۹۸ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۷۶ - فرهنگ معین ج ۵

ص ۹۶

ابو یوسف یعقوب بن اسحاق
رك: ابن السکیت. (ص ۳۱ کتاب حاضر)

ابو یوسف قزوینی معتزلی - از دانشمندان و متکلمان سده پنجم
هـ. ق است. گفته اند: هنگامی که وارد «بغداد» می شد، ده بار شتر

کتاب با خود داشت .

وفات: ۲۸۸ هـ. ق = ۱۰۹۵ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۶۲

اتابك ابوبكر بن سعد بن زنگی - آبادنگاهدارنده «شیراز» در عصر
«مغول» و ممدوح و حامی «سعدی» و بسیاری دیگر از بزرگان ادب
فارسی است .

جلوس : ۶۲۳ هـ ق = ۱۲۲۶ میلادی .

وفات : ۶۵۸ هـ ق = ۱۲۶۰ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۶۰۲ - نوروز ملت در تاریخ
ادبیات ایران ص ۱۵۴

اتابك سعد بن زنگی - از اتابکان «سلغری فارس» و از مشوقان فرهنگ
و ادب فارسی است .

جلوس : ۵۹۹ هـ ق = ۱۲۰۲ میلادی .

وفات : ۶۲۳ هـ ق = ۱۲۲۶ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۳۸۸

اثیرالدین ابهری - (مفضل بن عمر بن مفضل ابهری سمرقندی) . از
دانشمندان ریاضی سده هفتم هجری است . در «منطق» و «ریاضی» و
«نجوم» دست داشت . شاگرد «امام فخر رازی» و معاصر و همکار
«خواجه نصیرالدین طوسی» در «رصد مراغه» است . صاحب کتاب
«هدایة الحکمة» در منطق و طبیعی و الهی که «قاضی میرحسین
مبیدی» (م/ ۸۹۱۱ هـ ق) شرحی معروف بر آن نوشته است و از
کتب درسی است و بعد از آن شروح گوناگون بر آن نوشته اند .

«ایساغوجی» و «تنزیل الافکار فی تعدیل الاسرار» در منطق از اوست.
کتاب «المغنی» و «تهذیب النکت» او از کتب علم جدل است.
«کتاب النکت فی علم الجدل» را «ابواسحق ابراهیم بن
علی شیرازی» (م / ۴۷۶ هـ.ق) نوشته بود .

«ابهری» علوم ریاضی را «حکمت نظری» خوانده است
و آن را به چهار شاخه اصلی: «هندسه» ، «حساب» ، «موسیقی» و
«هیأت» تقسیم کرده . از آثار او در ریاضی کتابی است بنام
«اصلاح هندسه اقلیدس»....

وفات: ۶۶۳ هـ.ق = ۱۲۶۴ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ صفحات ۲۴۷ و ۲۵۴ - کارنامه
بزرگان ایران ص ۲۸۶

اثیرالدین اخسیکتی - شاعر معروف او اخر سده ششم هجری، نسبت او
به «اخسیکت» از قرای «فرغانه» بوده است. نشأت او در بلاد مشرق
«ایران» بود . ولی پس از زوال دولت سنجری و هجوم «غزان»،
از آن سامان روی به «عراق» آورد از قصیده سرایان درجه اول
ادب فارسی است .

وفات: ۵۷۷ یا ۵۷۹ هـ.ق = ۱۱۸۱ یا ۱۱۸۳ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۷۰۹ - فرهنگ معین ج ۵

ص ۱۰۶

اثیرالدین عبدالله اومانی - از گویندگان معروف «ایران» در نیمه اول
سده هفتم هجری است .
ولادت : در آغاز سده هفتم و بحسب اقرب بصواب در
دهه آخر سده ششم = آخر سده دوازدهم و آغاز سده سیزدهم
میلادی.

وفات: ۶۵۶ یا ۶۶۵ ه. ق = ۱۲۵۸ یا ۱۲۶۶ میلادی .
تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ صفحات ۳۹۴ و ۳۹۵ و ۳۹۹

احمد بن حسن میمنندی - (خواجه بزرگ شمس الکفاة ابو القاسم
احمد بن حسن کاتب میمنندی) وزیر «محمود و مسعود غزنوی»، وی
قبل از وزارت صاحب دیوان رسالت «محمود» بود. بفضل و کتابت
مشهور و دیوان های فارسی را که بروزگار وزارت «ابوالعباس
اسفراینی» از تازی پبارسی در آمده بود، دیگر بار از پبارسی بتازی
در آورد. مردی ادیب و سیاست پیشه و مددوح شاعران بود .
وفات: بیست و پنجم محرم ۴۲۴ ه. ق = ۱۰۳۲ میلادی .
تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۵۳۸ - فرهنگ معین -
ج ۵ ص ۱۰۲ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۶۳ و ۶۲ - سلطنت غزنویان از استاد
خلیلی طبع افغانستان ص ۲۸۴ تا ۲۹۴

احمد بن حسین همدانی
رک: بدیع الزمان همدانی (ابو الفضل احمد بن حسین بن

سعید بن بشر همدانی).

احمد بن محمد المنوفی الهروی - مترجم «تاریخ اعثم کوفی» از
عربی به فارسی.

ولادت: در نیمه اول سده ششم .ه ق = نیمه اول سده
دوازدهم میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۹۹۳

احمد بن محمد بن حنبل
رك : امام ابو عبدالله (یا ابو عبدالرحمن) احمد بن محمد
ابن حنبل.

احمد بن محمد بن عبدالجلیل سجزی - منجم و ریاضی دان معروف
نیمه دوم سده چهارم و اوائل سده پنجم هجری. وی با «ابو جعفر
احمد بن محمد صفاری» و «عصداالدوله دیلمی» معاصر بوده است
و از جمله آثار او «جامع شاهی» است .
وفات: ۴۱۴ .ه ق = ۱۰۲۳ میلادی .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۰۳

احمد بن محمد بن عبدالصمد شیرازی - مکنی به «ابو نصر» وزیر
مشهور و از رجال بزرگ عصر غزنویان است. وی نخست صاحب

دیوان «آلتونناش» حاجب (خوارزمشاه ازدست سلطان محمود غزنوی) و پسرش «هارون» بود. پس از درگذشت «احمد بن حسن میمنده» (م/ ۵۲۲۴ ق) سلطان «مسعود» «خواجہ احمد بن عبد الصمد» را از «خوارزم» بخواست و وزارت بدو داد. وی تا پایان روزگار «سلطان مسعود» و دو سال از زمان «مودود» در این شغل بیود. عاقبت بسعایت گرفتار حبس شد و سپس او را مسموم کردند. وی مردی سیاست پیشه و درست اندیشه و مدوح شاعران است.

وفات: (مسموم) ۵۲۳۲ ق = ۱۰۴۰ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۰۳ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۶۳

احمد بن موسی بن شاکر خوارزمی - (برادر محمد و حسن) این هرسه برادر در «بیت الحکمة» «مأمون» تربیت شدند و هرسه در ریاضی متبحر بودند و به «بنی موسی» یا «بنی شاکر» یا «بنی منجم» معروف آمدند. «احمد» در علم «مکانیک» دانا بود، ولی بر سر هم بدان دو برادر نمیرسید.

زندگانی و شهرت: سده سوم ه. ق = سده نهم میلادی.

کارنامه بزرگان ایران ص ۵۱ - ریاضی دانان ایرانی از ابوالقاسم

قربانی ص ۵۱ تا ۶۲

احمد سرخسی - (احمد بن محمد بن مروان) طبیب، یکی از بزرگان فلاسفه «ایران» است، شاگرد «یعقوب بن اسحق کندی». مشهور است که «علوم یونانی» را با آداب عربی جمع کرد. و در انواع علوم

مهارت داشت . و کتب علمی را مختصر میکرد - رده است و عبارات شیرین مینوشته . «معتضد خلیفه» (۱۷۹-۵۱۸۹ ق) شاگردی او کرده بود و در دوره خلافت وی را مشاور خویش ساخته . از کتب او «قفطی» و «ابن الندیم» یاد کرده اند . وی بحسادت یکی از امرای «معتضد» بقتل رسید . از آثار او ست :

« کتاب السياسة » - « کتاب منفعة الجبال » - « کتاب اللهو والملاهی » - « کتاب زاد المسافر » - « کتاب حساب وجبر ومقابله » - « کتاب المدخل الی الطب » و سه کتاب در موسیقی

زندگانی : سده دوم هجری = سده هشتم میلادی .

کارنامه بزرگان ایران ص ۹۳ و ۹۴

احمد غزالی

رك : غزالی (شیخ المشایخ ابو الفتح مجدالدین احمد ابن محمد بن محمد بن احمد طوسی)

اخفش - (ابو الحسن سعید بن مسعدة مجاشعی بالولاء خوارزمی بلخی) شارح کتاب «سیبویه»، ملقب به «اخفش اوسط»، از علماء نحو ایرانی و از موالی «بنی مجاشع بن دارم» و از بصریان است . او شاگرد «سیبویه» و یکی از اصحاب اوست . - از آثار او ست : «کتاب الاوسط فی

النحو»، «كتاب تفسير معاني القرآن»، «كتاب المقاييس في النحو»،
«كتاب الاشتقاق»، «كتاب العروض»، «كتاب معاني الشعر»، «كتاب
الملوك»، «كتاب الاوسط في العروض» و «القوافي» .

وفات: ۲۲۱ ق.هـ = ۸۳۵ میلادی . وبقولی ۲۱۵ ق.هـ

= ۸۳۰ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۷۱ و ۱۲۶ و ۱۲۹ - فرهنگ
معین ج ۵ ص ۱۰۷ - تاریخ برگزیدگان ص ۲۶۴ و ۲۶۵

ادیب الممالک فراهانی - (میرزا صادق خان فراهانی قائم مقامی)

متخلص به «امیری» پسر «حاج میرزا حسین» پسر «میرزا صادق» پسر
«میرزا معصوم» پسر «میرزا عیسی قائم مقام اول»، ابتدا ملقب به -
«امیر الشعرا» بود و بعد ملقب به «ادیب الممالک» شد.

مدتی با «حسنعلی خان گروسی امیر نظام» در «کرمانشاه» و
«تبریز» بسر میبرد. اشعر شعرای ایران در دوره مشروطیت است .

تولد : ۱۲ دقیقه بطلوع آفتاب مانده روز پنجشنبه
چهاردهم محرم ۱۲۷۷ ق.هـ = ۱۸۶۰ میلادی در قریه «کازران»
از توابع «اراک».

وفات: ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۵ ق.هـ = ۲۱ فوریه ۱۹۱۷

میلادی در «تهران» .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۱۸ - تاریخ رجال ایران
ص ۱۵۹ تا ص ۱۶۱ - رساله خان ملک ساسانی - مجله کاوه شماره ۲۰
دوره قدیم - ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۲۱۸ - دیوان ادیب الممالک
طبع وحید دستگردی.

ادیب پیشاوری - (سیداحمد بن سید شهاب الدین پیشاوری) ادیب و شاعر و دانشمند نامدار، از سادات معروف به «اجاق» بود که در «پیشاور» بسر میبردند و نسبتشان به سلسله «سهروردیه» میرسد. پدرش در حوادث سیاسی «هندوستان» تباه شد و ادیب مدتی در شهرهای «افغانستان» و «خراسان» بتحصیل علوم معقول و منقول پرداخت و سرآمد آمد. در ۱۳۰۰ هـ. ق = ۱۸۸۲ میلادی به «تهران» مهاجرت کرد و تا پایان عمر در این شهر بماند. دیوانش بطبع رسیده است، مثنوی «قیصرنامه» او هنوز بطبع در نیامده. - وی خط نیز نیکو می نوشت.

تولد: ۱۲۶۰ هـ. ق = ۱۸۴۴ میلادی.

وفات: ۳ صفر ۱۳۴۹ هـ. ق = ۱۹۳۰ میلادی. در «تهران»

به منزل شادروان «بهاء الملك قراگزلو».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۱۱ - تاریخ رجال ایران ج ۱ ص

۷۷ و ۷۸ - دیوان ادیب پیشاوری طبع عبدالرسولی.

ادیب شهاب الدین وصاف الحضرة

رك : وصاف الحضرة

ادیب نیشابوری - «عبدالجواد بن ملاعباس» در چهار سالگی يك چشم او بر اثر آبله کور شد. تاشانزده سالگی در «نیشابور» بخواندن مقدمات

مشغول بود ، سپس به «مشهد» رفت و فنون ادب را بیاموخت. از آثار اوست : «رساله در جمع عروض فارسی و عربی» و «رساله در شرح معلمات سبعة» و چند جزوه در تلخیص «شرح خطیب تبریزی بر حماسه ابوتمام» که بطبع نرسیده است . وی تا پایان عمر مجرد زیست. و شاگردان بزرگ و نامدار پرورد. «استاد بدیع الزمان فروزانفر» و بسیاری دیگر از ادبا و دانشمندان شاگردی او کرده اند.

ولادت : ۱۲۸۱ هـ . ق = ۱۲۴۲ هـ . ش = ۱۸۶۴ میلادی .
در «نیشابور».

وفات : ۱۳۴۴ هـ . ق = ۱۳۰۵ هـ . ش = ۱۹۲۵ میلادی .
فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۱۲ - دیوان ادیب نیشابوری طبع
زین قلم .

اردشیر میرزا - ملقب به «رکن الدوله» پسر نهم «عباس میرزا نایب - السلطنه» از ممدوحان «قاآنی» ، شاهزاده یی فاضل و ادیب و شاعر بود و در شعر «آگاه» تخلص میکرد.

وفات : ۱۲۸۲ هـ . ق = ۱۸۶۵ میلادی .

تاریخ رجال ایران ج ۱ ص ۱۰۶ و ص ۱۰۷

ازرقی - (ابوبکر زین الدین بن اسماعیل و راق هروی) از شاعران بزرگ

سده پنجم هجری است و به «خواجه عبدالله انصاری» ارادت داشته و با «ابو الفوارس طغان شاه بن البارسلان سلجوقی» آشنایی و ارتباط پیدا کرده. در قصیده از استادان مسلم است. داستان «الفیه و شلفیه» و داستان «سندباد حکیم» را بنظم آورده است.

ولادت: اوائل سده پنجم = سده یازدهم میلادی.

وفات: حدود ۴۶۵ ه.ق = ۱۰۷۲ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۴۳۲ - دائرة المعارف ص ۱۱۵
- آتشکده آذر بخش دوم ص ۷۴۱ تا ۷۵۰

استاد

رك : ابو اسحق اسفراینی.

استاد سیس - یکی از مخالفان سلطه بیگانگان بر «ایران» است که در روزگار خلافت «منصور» بسال ۱۵۰ ه.ق در «خراسان» قیام کرد و در اندک مدتی سیصد هزار تن بر او فراهم شد. بنا بر نوشته «ابن اثیر» وی پدر «مراجل» مادر «مأمون» است. و پدرش «غالب» خال «مأمون» بود که به فرمان وی «فضل بن سهل ذوالریاستین» را بکشت.

«استاد سیس» در «خراسان» امارت داشت و مردی محتشم و بانفوذ بود. سرانجام پس از جنگهای سخت سرداران «منصور»، باحیله، وی و فرزندانش را دستگیر کرده به «بغداد» فرستادند و در آنجا به قتل رسید.

مقتول: ۱۵۱ هـ. ق = ۷۶۸ میلادی.

تاریخ برگزیدگان ص ۱۳۲ و ۱۳۳ - دائرة المعارف ج ۱

ص ۱۲۱

استاد قوم‌الدین بن زین‌الدین شیرازی - معمار معروف سده نهم هجری است. از آثار جاویدان او بنای تاریخی «مسجد گوه‌رشاد» در جوار مزار «حضرت امام رضا» (ع) در «مشهد» مقدس است که تاریخ ۸۲۱ هـ. ق دارد، و احتمالاً مسجد «نایب‌اد خراسان» نیز از ساختمان‌های اوست که بنای آن را شروع کرد و در تاریخ ۸۴۸ هـ. ق بدست‌یاری شاگرد خود او، استاد «غیاث‌الدین شیرازی» بنای آن با تمام رسید.

وفات: غره شوال ۸۴۴ هـ. ق = ۱۴۴۰ میلادی.

کاردنامه بزرگان ایران ص ۱۳۴

استاد محمد رضا بن حسین، بنای اصفهانی - از زبردست‌ترین استادان هنرمند سده دهم و سده یازدهم هـ. ق است. اثر جاویدان او بنای «مسجد شیخ لطف‌الله» زیباترین بنای تاریخی اسلامی جهان است که در زمان سلطنت «شاه عباس بزرگ» در مدت ۱۶ سال از ۱۰۱۲ تا ۱۰۲۸ هـ. ق مطابق ۱۶۰۳ تا ۱۶۱۸ میلادی ساخته شده است.

زندگانی: نیمه دوم سده دهم و نیمه اول سده یازدهم

ه.ق = نیمه دوم سده شانزدهم و نیمه اول سده هفدهم میلادی.

کارنامه بزرگان ایران ص ۲۱۱ و ۲۱۲

استاد یوسف بن تاج الدین معمار اصفهانی - از هنرمندان سده دهم هجری است و از آثار او زیر طاق بزرگ ابوان جنوبی «مسجد جامع اصفهان» است که در تاریخ ۵۹۳۸ ه.ق مطابق ۱۵۳۱ میلادی ساخته شده است .

زندگانی : ظاهراً او آخر سده نهم و نیمه اول سده دهم ه.ق = او آخر سده پانزدهم و نیمه اول سده شانزدهم میلادی.

کارنامه بزرگان ایران ص ۱۶۷ و ۱۶۸

اسحق بن ابراهیم (یا : ابواسحق ابراهیم) بن منصور بن خلف نیشابوری - از دانشمندان سده پنجم هجری مؤلف «قصص الانبیاء» است که بطبع رسیده .

زندگانی : سده پنجم ه.ق = سده یازدهم میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۳۸ - قصص الانبیاء تألیف ابواسحق

نیشابوری باهتمام حبیب یغمایی، طبع بشکاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۰ ه.ش

اسحق موصلی ارجانی فارسی فرزند ابراهیم بن میمون تمیمی - مکنی

به «ابو محمد» در علم و ادب و موسیقی ماهر بود. نزد «منصور

زلزل» و «عائکه» دختر «شده» موسیقی و غناء آموخت و در دربار

«هارون» و «مأمون» منزلتی داشت ، تصنیفات بسیار دارد.

تولد: ۱۵۰ ه.ق = ۷۶۷ میلادی.

وفات : ۲۳۵ هـ.ق = ۸۴۹ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۳۹ - کارنامه بزرگان ایران ص ۲۱

۲۲ و ۲۳

اسدی (حکیم ابو نصر علی بن احمد اسدی طوسی) - از شاعران بزرگ سده پنجم هجری و بی شک پس از «استاد حکیم ابوالقاسم فردوسی» بزرگترین حماسه سرایان ادب فارسی و یکی از نامورترین سرایندگان «ایران» است.

وی نخست در «خراسان» میزیست، ولی در اختلافاتی که بهنگام فتنه و غلبه «سلاجقه» در آن سرزمین روی نمود، به «آذر بایجان» شد و «امیر ابودلف» پادشاه «نخجوان» و «امیر اجل شجاع الدوله ابوشجاع منوچهر بن شاوور» پادشاه «شدادی آنی» از بلاد «ارمنستان» را بستود و با دربار آنها مربوط بود.

از آثار اوست : «گرشاسبنامه» ببحر متقارب در ده هزار بیت - «لغت فرس» - «قصائد مناظرات»؛ و دستنویس بخط او از کتاب «الابنية عن حقایق الادویه» تألیف «ابو منصور موفق هروی» که قدیمترین دستنویس هاست بزبان فارسی دری، در «کتابخانه ملی وینه» موجود است.

ولادت: در اواخر سده چهارم یا اوائل سده پنجم هـ.ق
= اواخر سده دهم و اوائل سده یازدهم میلادی.

وفات: بنوشته «هدایت» ۴۶۵ هـ.ق = ۱۰۷۲ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۴۰۳ تا ۴۲۱ - کارنامه بزرگان
ایران ص ۱۰۵ و ۱۰۶ - آتشکده آذر بخش دوم ص ۴۵۷ تا ۴۶۲

اسفار بن شیرویه - (= اسوار = سوار) از رجال متنفذ دستگاه فرزندان
«ناصر کبیر»، مردی سخته گیر و شجاع بود. «گرگان» و «مازندران»
را فتح کرد به همراهی سردار خود «مرداویج» به «طبرستان»
ناخت و «داعی صغیر» بدست «مرداویج» کشته آمد. (م/۳۱۶
ه.ق) ... «اسفار» عاقبت در «طالقان» گرفتار لشکریان «مرداویج»
شد و بقتل رسید.

مقتول: ۳۱۸ ه.ق = ۹۳۰ میلادی بروایت «ابن اسفندیار»
یا ۳۱۶ ه.ق = ۹۲۸ میلادی. بروایت «ابن اثیر».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۴۲ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۳۷

اسکافی - (ابو القاسم علی بن محمد) دبیر «نوح بن نصر» و «عبد الملك بن
نوح» بود. در اوائل سلطنت پادشاه اخیر (۳۴۳ - ۳۵۰ ه.ق)
در گذشته است.

وفات: دهه پنجم سده چهارم هجری = دهه ششم سده
دهم میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۴۴

اسکندر بیگ ترکمان - منشی دربار «شاه عباس اول» و ندیم او بود. صاحب کتاب تاریخ «عالم آرا» یا «عالم آرای عباسی» است. این تاریخ تا وفات «شاه عباس» و جلوس جانشین او «شاه صفی» در ۱۰۳۸ ه. ق. به پایان آمده است.

تولد: ۹۶۲ ه. ق. = ۱۵۵۶ میلادی.

وفات: ۱۰۳۸ ه. ق. = ۱۶۲۸ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۲۲۵ - کارنامه بزرگان ایران ص ۲۹۱ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۴۱

اسماعیل آشتیانی

رک: آشتیانی (میرزا اسماعیل فرزند حاج شیخ مرتضی فرزند حاج میرزا حسن آشتیانی). (کتاب حاضر ص ۱۶ و ۱۷)

اسماعیل بن حماد جوهری فارابی - از دانشمندان ادب و لغت عربی است. عاقبت پس از فراهم آوردن ذخائری از میان قبایل عرب در جمع لغت، به «نیشابور» رفت؛ و در آنجا بتدریس پرداخت و کتاب «الصحاح فی اللغة» را تألیف کرد.

وفات: ۳۹۸ ه. ق. = ۱۰۰۷ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۵۴

اسماعیل بن یسار - از موالی ایرانی نژاد و شاعر عهد «هشام بن عبد-
الملك» بود، و از شعوبیه ایرانی که در تفاخر باجداد خود و
ترجیح آنان بر عرب مردانه سخن می گفت. بفرمان خلیفه اموی
او را در آب انداختند و خفه کردند.
وفات: ۱۳۰ ه. ق = ۷۴۷ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۰ و ۱۹۱ - دائرة المعارف

ج ۱ ص ۱۴۵

اشرف الکتاب - «زین العابدین محمد تقی اصفهانی» استاد خط نسخ
دربار «ناصرالدین شاه قاجار» بود و «سلطانی» رقم میکرد و بلقب
«اشرف الکتاب» از طرف شاه مفتخر شد.
اوشاگرد «آقا محمود اصفهانی» بود و از روی خط
«میرزا احمد نیریزی» مشق میکرد.

تولد: در حدود ۱۲۰۰ ه. ق = ۱۷۸۵ میلادی.

وفات: ۱۳۰۰ ه. ق = ۱۸۸۲ میلادی در «اصفهان».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۵۲ - کارنامه بزرگان ایران ص

۳۴۷ و ۳۴۸

اصطخری - (ابواسحاق ابراهیم بن محمد فارسی اصطخری) معروف به «کرخی»، دانشمند بنام، صاحب کتاب «مسالك والممالك» است. این کتاب معول است بر کتاب «صور الاقالیم ابوزید احمد ابن سهل بلخی» دانشمند معروف سده سوم و چهارم هجری.

وفات: ۳۴۶ ق.ه = ۹۵۷ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۵۴ - تاریخ برگزیدگان ص ۲۷۱ -

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۴۴ و ۲۱۹ و ۳۵۱

اعتصام الملك - (اعتصامی) یوسف «اعتصام دفتر» و سپس «اعتصام الملك» پسر «ابراهیم اعتصام الملك آشتیانی» مقیم «تبریز»، از نویسندگان دانشمند و مترجمان مشهور «ایران» در عصر حاضر است. وی ریاست «کتابخانه مجلس شورای ملی» را بعهده داشت و از آثار او دو مجلد از فهرس «کتابخانه مجلس شورای ملی» و دو دوره مجله «بهار» و ترجمه جلد اول «تیره بختان و یکتور هوگو» از زبان فرانسه منتشر شده و معروف است، و از زبان عربی «شرح اطواق الذهب زمخشری»؛ و داستانی بنام «الثورة الهندية» را ترجمه کرده است که در «مصر» بطبع رسیده. دختر نامور و گرانقدر وی «پروین اعتصامی» است.

تولد: ۱۲۹۲ ق.ه = ۱۲۵۳ ش.ه = ۱۸۷۴ میلادی.

وفات: ۱۳۵۵ ق.ه = ۱۳۱۶ ش.ه = ۱۹۳۷ میلادی.

تاریخ رجال ایران ج ۴ ص ۴۹۳ و ۴۹۴ - فرهنگ معین

ج ۵ ص ۱۵۶ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۶۷

اعتصامی- (پروین) دختر «اعتصام الملك» توانا ترین شاعر
زن ایرانی و یکی از نامبردارترین شاعران روزگار اخیر است.
تولد: ۱۳۲۵ ه. ق = بیست و پنجم اسفندماه ۱۲۸۵
ه. ش = ۱۹۰۷ میلادی در «تبریز».

وفات: ۱۳۶۱ ه. ق = پانزدهم فروردین ماه ۱۳۲۰
ه. ش = ۱۹۴۱ میلادی در «تهران».

گنج سخن ج ۳ ص ۲۹۱ تا ۳۰۸ - تذکره شرای معاصر
ایران ج ۱ ص ۶۵ تا ۸۲

* * *

اعتضاد السلطنه - (شاهزاده علی قلی میرزا) پسر پنجاه و چهارم از زن
پنجاه و دوم «فتحعلی شاه قاجار» - وی پس از فوت «محمدشاه قاجار»
(م/ ۱۲۶۴ ه. ق) در «تهران» تا ورود «ناصرالدین شاه»، پیشکار «مهدعلیا»
مادر او بود. در ۱۲۷۲ ه. ق لقب «اعتضاد السلطنه» گرفت و در ۱۲۷۴ ه. ق
ریاست «دارالفنون» را داشت و در ۱۲۷۵ ه. ق نخستین خط تلگراف
میان «تهران» و «سلطانیه» را با تمام رسانید و وزیر علوم شد. وی
مردی با ذوق و صاحب تألیف است. تأسیس روزنامه هفتگی بنام
روزنامه «ملت سنیه ایران» بچاپ سنگی در سال ۱۲۸۳ ه. ق در دو
شماره که بعد نام آن «روزنامه ملی» شد و ۳۴۴ شماره آن از سال
۱۲۸۳ ه. ق تا ۱۲۸۷ ه. ق در «تهران» بسرپرستی «میرزا حسن حکیم
سامانی» فرزند «قاآنی» انتشار یافت و «روزنامه علمیه دولت علیه
ایران» در ۵۳ شماره بسه زبان فارسی-عربی-فرانسه از آثار اوست.
گورگاهش در مزار «حضرت عبدالعظیم» است. از تألیفات اوست:
«تاریخ وقایع و سوانح افغانستان» (تهران ۱۲۷۳ ه. ق) «فلك السعادة»
در رد اقوال ستاره شناسان و کهنه (تهران ۱۲۷۸ ه. ق) - ترجمه

کتاب «الآثار الباقية»، «اکسیر التواریخ»، «تاریخ متنبئین»، این سه کتاب اخیر بصورت نسخه خطی است.

تولد: ۱۲۳۴ ه.ق = ۱۸۱۸ میلادی «تهران».

وفات: ۱۲۸۹ ه.ق = ۱۸۷۲ میلادی «تهران».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۵۶ - تاریخ رجال ایران ج ۲ ص

۴۴۲ تا ۴۴۸ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۶۷ و ۱۶۸

اعتماد السلطنه - (محمد حسن خان پسر حاج علی خان مراغه‌یی) ملقب

به «صنیع الدوله» که بعدها معروف و ملقب به «اعتماد السلطنه»

گردید. از مقر بان دربار «ناصرالدین شاه قاجار» و وزیر انطباعات

و دارای تألیفات متعدد است چون:

«مرآة البلدان» - «مطلع الشمس» - «خیرات الحسان» -

«المآثر والآثار» - «منتظم ناصری» در تاریخ و غیره.

تولد: ۲۱ شعبان ۱۲۵۹ ه.ق = ۱۸۴۳ میلادی.

وفات: شوال ۱۳۱۳ ه.ق = ۱۸۹۵ میلادی در «تهران».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۵۷ - تاریخ رجال ایران ج ۳ ص ۳۳۰

تا ۳۴۸ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۶۸ - روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه.

افشین (خیدر بن کاووس بن سارخره) - شاهزاده‌یی ایرانی بود. پدرانش

از روزگاران قدیم بالقب «افشین» پادشاهی «اسروشنه» یا «اشروسنه»

را در اقصای «ماوراءالنهر» داشتند. بدین جهت «خیدربن کاووس» نیز بدین نام شهرت یافت. در سال ۲۰۷ ه. ق که «مأمون» حکومت «خراسان» را به «طلحه» فرزند «طاهر ذوالیمینین» داد، «احمد بن ابی خالد» را به پیشکاری او به «ماوراءالنهر» فرستاد. وی با «کاووس» پسر سارخره، افشین آن دیار بجنگید و او را بادو فرزندش «خیدر» و «فضل» اسیر کرد و به «بغداد» گسیل داشت. «کاووس» در «بغداد» بماند و در گذشت؛ و فرزندانش از نزدیکان دربار «مأمون» شدند. «افشین» بروزگار «معتصم» بزرگترین امیر دربار «بغداد» بود و میل دل بجانب «ایران» داشت و از آداب پدران خود روی در نکشید. و چنانکه نوشته اند: با «مازیار» و «بابک» در برانداختن اساس خلافت «بغداد» هم پیمان شد؛ و چون دانست که «معتصم» بر او بدگمان است، بفرمان خلیفه در سال ۲۲۰ ه. ق بجنگ «بابک» شتافت و پس از سه سال که در «آذربایجان» با او بجنگید، در پایان کار «بابک» را بسال ۲۲۳ ه. ق بحیله بگرفت و به «بغداد» آورد. «افشین» سرانجام مغلوب رقبای خویش در دربار خلافت شد و بفرمان «معتصم» بقتل آمد. مقتول: ۲۲۵ ه. ق = ۸۳۹ میلادی در «بغداد».

بعضی هم نوشته اند که در ماه شعبان سال ۲۲۶ ه. ق = ۸۴۰ میلادی در زندان از گرسنگی بمرد.

تاریخ برگزیدگان ص ۱۳۵ و ۱۳۶ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۷۸

افضل الدین ابو حامد احمد بن حامد کرمانی - ملقب به «افضل

کرمان» از نویسندگان بزرگ اواخر سده ششم هجری است.
 آثار او: «عقد العلی للموقف الاعلی» که در محرم ۵۸۴ ه. ق بنام
 «ملک دینار» نوشت. «بدایع الازمان فی وقایع کرمان» و «المضاف
 الی بدایع الازمان فی وقایع کرمان» است.
 وفات: تا محرم سنه ۶۱۳ ه. ق = ۱۲۱۶ میلادی زندگانی
 او قطعی است.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۳ تا ۱۰۲۶

افضل الدین بدیل (ابراهیم) بن علی خاقانی شروانی
 ر ک : خاقانی حسان العجم افضل الدین بدیل (ابراهیم)
 خاقانی .

افضل الدین بن ناما وراخونجی - اهل «خونا» یا «خونج» از اعمال
 «آذربایجان» است، میان «مراغه» و «زنجان»، صاحب «کشف الاسرار
 عن غوامض الافکار» که «نجم الدین دبیران» و دیگران آن را شرح
 کرده اند و دیگر «الموجز» - روزگاری از عمر خود را در «شام» و
 «مصر» بگذراند و در مدرسه «صلاحیه قاهره» مدتی تدریس کرد.
 تولد: ۵۹۰ ه. ق = ۱۱۹۴ میلادی.
 وفات: ۶۴۹ ه. ق = ۱۲۵۱ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۴۴

افضل الدين كاشاني- (خواجہ افضل الدين محمد بن حسن مرقی کاشانی مشهور به «بابا افضل»)، در شعر «افضل» تخلص میکرد. از حکماء بلند پایه «ایران» در اواخر سده ششم و اوائل سده هفتم ه. ق است. نسب تعلیم «خواجہ نصیر الدین طوسی» بیک واسطه باو میرسد. «مصنفات افضل الدین» در دو مجلد بسالهای ۱۳۳۱ ه. ش و ۱۳۳۷ ه. ش باهتمام «دکتر یحیی مهدوی» و «مجتبی مینوی» بچاپ رسیده است.

وفات: ۶۰۶ یا ۶۶۷ یا ۷۰۷ ه. ق = ۱۲۰۹ یا ۱۲۶۸ میلادی. یا ۱۳۰۷ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۴۲۶ و ۴۲۷- دیوان حکیم افضل الدین محمد مرقی کاشانی (بابا افضل) از انتشارات اداره فرهنگ و هنر کاشان.

افضل الملك، شیخ محمود کرمانی- پرسوم «آخوند ملامحمد جعفرته باغلهیی» و برادر کهنتر «شیخ احمد روحی»، در ایراد هر گونه سخن و نویسندگی و حسن خط ماهر بود. از تألیفات وی «جغرافیای بلوچستان» است که بهنگام مصاحبت با «حاج غلامرضا خان آصف الدوله شاهسون» والی «کرمان» نگاشته و بسیاری از عبارات آن بی ذکر مأخذ از نوشته های «میرزا مهدی خان سرتیپ مهندس»، مطبوع در «مرآة البلدان»، برداشته شده است. با این همه کتابی محققانه است. وی آثار ادبی و تاریخی دیگری هم دارد و

مانند برادر از مریدان «سید جمال‌الدین اسدآبادی» است.

تولد: ۱۲۶۷ ق.ه = ۱۸۵۰ میلادی .

وفات: ۱۳۲۲ ق.ه = ۱۹۰۴ میلادی .

تاریخ رجال ایران ج ۴ ص ۳۵۳۴

اقبال (میرزا عباس‌خان اقبال آشتیانی) - محقق و مورخ و نویسنده

نامدار روزگار اخیر، در آغاز جوانی شاگرد درودگر بود و سپس به تحصیل پرداخت و دوره «دارالفنون» را پایان رسانید و معاونت کتابخانه معارف انتخاب گردید. آنگاه در «دارالفنون» بتدریس آغاز کرد و بعدها بمعلمی «مدارس نظام»، «مدرسه علوم سیاسی» و «دارالمعلمین عالی» منصوب شد. در سال ۱۳۰۴ ه.ش بمنشی - گری هیئت نظامی ایران به «پاریس» رفت و در آنجا بتحصیل ادامه داد و به اخذ درجه لیسانس از «سربین» نائل آمد و در آن شهر با «علامه قزوینی» آشنایی یافت و از محضروی استفاده‌ها کرد. پس از بازگشت به «ایران»، در سمت استادی، بتدریس در «دانشگاه تهران» پرداخت و عضو پیوسته «فرهنگستان» شد و نماینده فرهنگی ایران در «ترکیه» و «ایتالیا» گردید. وی در ۵۹ سالگی در «ایتالیا» وفات یافت. جنازه او را به «تهران» آوردند و در قریب مقبره «ابوالفتح رازی» در «حضرت عبدالعظیم» به خاک سپردند.

از آثار اوست: «تاریخ مفصل ایران در دوره مغول» -

«خاندان نوبختی» - «ترجمه سیره الفلسفیه محمد زکریای رازی» -

«دوره تاریخ ایران بعد از اسلام تا عصر حاضر برای دبیرستانها» -

«دوره پنجاه مجله یادگار» و مقالات فراوان و بسیاری آثار دیگر.

تولد: ۱۳۱۴ ه. ق = ۱۲۷۵ ه. ش = ۱۸۹۶ میلادی.

وفات: ۱۳۷۵ ه. ق = ۲۱ بهمن ۱۳۳۴ ه. ش = ۱۹۵۵

میلادی در ۵۹ سالگی در «رم».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۶۳ - کارنامه بزرگان ایران ص ۴۱۶

تا ۴۱۸ - دائرة المعارف ص ۱۸۲ و ۱۸۳

الایبوردی - (ابوالمظفر محمد بن ابی العباس احمد بن محمد الایبوردی)

شاعر و ادیب بزرگ تازیگوی سده ششم که از اولاد «معاویه الاصر»

از اعقاب «ابی سفیان» بوده است. صاحب کتاب «تاریخ ایبورد»...

وفات: ۵۵۷ ه. ق = ۱۱۶۱ میلادی در «اصفهان».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۱۰۳۹ و ۱۰۴۰

الباخرزی

رك: باخرزی (ابو القاسم علی بن الحسن بن ابی الطیب).

کتاب حاضر ص ۲۱۳ و ۲۱۴

البنداری الاصفهانی - (فتح بن محمد البنداری الاصفهانی) مترجم «شاهنامه»

حکیم ابو القاسم فردوسی طوسی» به زبان تازی، مترجم در حدود سال

۶۲۰-۵۶۲۴.ق=۱۲۲۳-۱۲۲۶ میلادی.

زندگانی : نیمه دوم سده ششم و نیمه اول سده هفتم
ه.ق = نیمه دوم سده دوازدهم و نیمه اول سده سیزدهم میلادی.
تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۴۷۳ و ۴۷۶ - الشاهنامه
باهتمام الدكتور عبدالوهاب عزام طبع مصر ۱۳۵۰.ه.ق=۱۹۳۲ میلادی.

الف - رك: ميرزا محمد باقر الف اصفهانی.

الف (میرزا محمد قلی افشار) متخلص به «الف» از شعرای نامدار اوائل
عصر «قاجار»، دیوانش را «هدایت» قریب به پنجاه بیت شمار
داده است.

وفات : ۱۲۴۰.ه.ق=۵-۱۸۲۴ میلادی.

ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۲۲۲ - مجمع الفصحاء
ج ۱ ص ۷۲

الله وردی خان - اصلاً «ارمنی» و از مردم «گرجستان» است. در جوانی
به غلامی فروخته شد و سرانجام در حلقه غلامان «شاه طهماسب»
اول درآمد و مسلمان گشت. «شاه عباس بزرگ» در سال ۱۰۰۴
ه.ق او را برخلاف میل سرداران قزلباش منصب «امیرالامرائی»
داد و به حکومت «فارس» و سپهسالاری «ایران» برگماشت و از
همه سرداران خود گرامی تر داشت و در جنگهای بزرگ بیشتر
به نیروی نظامی او متکی بود.

پل معروف «الله وردی خان» که به «سی و سه پل» مشهور
است، بدستور وی بر «زاینده رود» ساخته شد.

وفات : چهاردهم ربیع الاول ۱۰۲۳ هـ . ق = ۱۶۱۴ میلادی . مدفون در مقبره خویش در جوار «آستان قدس رضوی» .
تاریخ برگزیدگان ص ۱۲۰ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۲۲۱

المقنّع - (هشام بن حکیم - یا هاشم یاعطاء بن حکیم) معروف به «المقنّع» از دبیران «ابو مسلم خراسانی» بود و مذهب «حلولیه» داشت . و پیروان او را که «مقنّعیّه» یا «مبیتضه» یا «سپیدجامگان» می گفتند، در «ماوراءالنهر» بودند . «المقنّع» خود را خدا میخواند و میگفت: روح خداوند در «آدم» و «نوح» و «ابراهیم» و «موسی» و «عیسی» و «محمد» و «علی» و اولاد او، و سرانجام به «ابو مسلم» و از او به «المقنّع» حلول کرد . وی با اتحاد با طوایف کرد، با سپاهیان اسلام در حال جنگ بود؛ تا در سال ۱۶۱ هـ ق شکسته شد و خود را بسوخت . پیروانش تا اوائل سده ششم هـ ق شهرت داشتند .
گویند: «المقنّع» در شهر «نخشب» ماهی ساخته بود که از قعر چاهی بیرون میآمد و چهار فرسخ در چهار فرسخ را روشن میکرد .
وفات: ۱۶۱ هـ . ق = ۷۷۷ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۱ و ۶۳ - کادنامه بزرگان ایران ص ۲۳۸ تا ۲۴۱ - تاریخ برگزیدگان ص ۱۳۳ و ۱۳۴

الناقلی - (ابو عبد الله ابراهیم بن الحسین) از مشاهیر رجال سده چهارم هـ ق است . او پس از ورود به «بخارا» بخانه «عبد الله» پدر «بوعلی سینا»

فرود آمد و بتربیت «حسین بن عبدالله» (ابن سینا) همت گماشت و کتب «منطق» و «مجسطی» و «اقلیدس» را به وی بیاموخت و تا آنگاه که «ناتلی» از «بخارا» «به خوارزم» رفت، در این کار بود. زندگانی: سده چهارم ه.ق = سده دهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۰۳ و ۳۰۶

الیاس بن یوسف نظامی گنجوی - سخن سالار شعرای «عراق» و خداوندگار اشعار بزمی و صاحب «پنج گنج».
رک: نظامی گنجوی (حکیم جمال الدین ابو محمد الیاس ابن یوسف بن زکی بن مؤید).

امام ابوالبراهیم اسماعیل بن محمد بن عبدالله مستملی بخاری - از نویسندگان و عرفای سده ششم ه.ق، صاحب کتاب «شرح تعرف» (یا «نور المریدین و فضیحة المدعین») که ترجمه‌ی است بفارسی بر کتاب «التعرف لمذهب التصوف». و از جمله قدیمترین کتب متصوفه است بفارسی. این کتاب در چهار مجلد ترتیب یافته و در «هند» در مجلدی بچاپ رسیده است.

زندگانی: سده ششم ه.ق = سده دوازدهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۲۷ - فرهنگ معین ج ۵

ص ۸۹۱

امام ابو الفتح مطرزی خوارزمی - (ناصر بن ابی المکارم عبدالسید ابن علی) از فقهای حنفی و از نحّات و لغویان بزرگ «ایران» در سده ششم ه. ق است. از آثار او: «المغرب فی لغة الفقه» که لغات غریبه مستعمل در نزد فقها در آن نقل شده است، و کتاب «المغرب» را به تفصیل بیشتر در شرح آن نوشته. وی راجانشین «زمخشری» دانسته اند.

تولد: ۵۳۸ ه. ق = ۱۱۴۳ میلادی.

وفات: ۶۱۰ ه. ق = ۱۲۱۳ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۳۲۱

امام ابو بکر محمد بن ثابت خجندی - نخستین فرد مشهور خاندان «خجندیان» است که در «مرو» سکونت داشت. مردی فاضل و بلیغ بود. «نظام الملك» او را برای تدریس در «نظامیه اصفهان» بدان شهر برد و او همانجا بماند و خاندانش در آنجا شهرت و ریاست یافتند. «خواجه نظام الملك» بدو ارادت فراوان داشت و مکرّر بمجلس او میرفت. کتاب «روضة المناظر و زواهر الدرر» از اوست.

وفات: ۴۸۳ ه. ق = ۱۰۹۰ میلادی.

دائرة المعارف ص ۲۸ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۲

امام ابو عبدالله (یا ابو عبدالرحمن) احمد بن محمد بن حنبل -
اصلاً از مردم «مرو» است . در «بغداد» تولّد یافت و از «امام
شافعی» کسب دانش کرد .

وی در فقه کتابی ننوشت، ولی پاسخهای او را به پرسش-
های مردم، شاگردانش مرّقّب و مّدوّن ساخته‌اند.

توجه خاص وی به علم حدیث است. کتاب «مسند» از او
است. مذهب حنفی یکی از چهار مذهب اهل سنت و جماعت است.
ولادت: ۱۶۴ هـ . ق = ۷۸۰ میلادی در «بغداد».

وفات : ۱۲ ربیع الاول ۲۴۱ هـ . ق = ۸۵۵ میلادی در
«بغداد» و در مقبره «باب الحرب» مدفون شد .

تاریخ برگزیدگان ص ۲۳ و ۲۴ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۰۲

امام اعظم ابوحنیفه نعمان بن ثابت بن زوطی - از بزرگان فقها و
بقولی از طبقه «تابعین» و یکی از ائمه چهارگانه اهل سنت و جماعت
و مؤسس مذهب «حنفیه» است. جدش «زوطی» از مردم «کابل»
یا «طخارستان» و بقولی اهل «نسا» بود و خود او در «کوفه» از مادر
بزاد . وی در اوایل زندگانی خود برآزی یا خزفروشی میکرد.
سپس بکسب دانش پرداخت و در حدیث و بویژه در فقه از همگنان
پیشی و پیشی گرفت و به مباحث کلامی توجه نمود و بامتکلمان

مر او ده پیدا کرد و نیز چون بزآزی کرده بود، در امور عملی اجتماعی هم وارد می نمود و از چگونگی اوضاع و احوال اقتصادی و تجاری روزگار خود آگاهی داشت. هر چند در فقه در عصر خویش شهرتی فراوان بهم رسانید، از قبول مسند قضا که در زمان «منصور دوانیقی» یا بقولی در خلافت «مروان حمار» بدو پیشنهاد شد، سرباز زد. و با وجود تقویت و تأییدی که «بنی عباس» از وی میکردند، به «علویان» تمایل فراوان داشت. - گویند: در پایان عمر مورد بدگمانی خلیفه عباسی آمد و به تهمت هواداری از نهضت «نفس زکیه» و برادرش «قتیل باخمیری» بفرمان خلیفه در «بغداد» بزندان افتاد و هم در بند بود که از زخم تازیانه و شکنجه بدروند حیات گفت و همانجا مدفون گشت.

«ابویوسف»، قاضی القضاة «هارون الرشید»، از شاگردان او بود. «ابوحنیفه» در پذیرفتن احادیث بسیار سخت گیری میکرد و بیش از هفده حدیث را پذیرفتار نیامد و همین موجب شد که به قیاس و استحسان رأی روی آورد. از آثار اوست: «الفقه الاکبر» و «المقصود».

ولادت: ۸۰ یا ۸۲ هـ. ق = ۷۰۱ یا ۷۰۶ میلادی در «کوفه».

وفات: ۱۵۰ هـ. ق = ۷۶۷ میلادی در «بغداد».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۷۶ - تاریخ برگزیدگان

ص ۲۲ و ۲۱ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۲۹ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۹۲

۹۳۰

امام الاجل ابو الفتح اسعد بن محمد بن ابو نصر المیهنی - شاگرد
«ابو العباس لو کری» بود در «حکمت» و «خلاف» و «فقه» شهرت
داشت و در «نظامیه بغداد» تدریس کرد
وفات : بعد از سال ۵۲۰ یا ۵۲۷ ه. ق = ۱۱۲۶ یا
۱۱۳۲ میلادی در «همدان».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۹۴

امام البغوی الشافعی (امام محیی السنة ابو محمد حسین بن مسعود الفراء
البغوی) - منسوب به «بغ» یا «بغشور» در میان «مرو» و «هرات»،
صاحب کتاب «الکفایة فی فروع الشافعیة» بفارسی و تألیفات دیگر
است.

وفات: ۵۱۶ ه. ق = ۱۱۲۲ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۶۰ و ۲۸۹

امام الحرمین جوینی - (عبد الملك بن عبد الله بن يوسف جوینی)
بزرگترین علمای «شافعی اشعری» در عصر خود بود. در «خراسان»
شاگرد پدرش «رکن الاسلام ابو محمد جوینی» (م/ ۴۳۸ ه. ق) و
«حافظ ابو نعیم اصفهانی» (م/ ۴۳۰ ه. ق) و «امام ابو القاسم اسفرائینی»
(م/ ۴۵۲ ه. ق) بود. در «نظامیه نیشابور» تدریس پرداخت. چهارصد

شاگرد داشت. صاحب کتاب «ارشاد» در کلام و «شامل» و «غیاث الامم» و «مغیث الحق» است. از شاگردان مشهور او «کیاها راسی طبرستانی» است و «امام غزالی طوسی».

ولادت: در حدود ۴۱۹ ق.ه = ۱۰۲۸ میلادی.

وفات: ۴۷۸ ق.ه = ۱۰۸۵ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۶۴ و ۲۶۶ و ج

۲ ص ۲۶۸

امام عمادالدین ابوالمظفر شاهپور شافعی - صاحب تفسیر معروف

به «تفسیر اسفراینی»، «حاج خلیفه» این تفسیر را در ذیل «تاج

التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم» ذکر کرده و مؤلف آن را «امام

شاهپور طاهر بن محمد اسفراینی» دانسته است.

وفات: ۴۷۱ ق.ه = ۱۰۷۸ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۹۰۳

امام عمادالدین محمد بن محمد بن حامد الاصفهانی - مؤلف

کتاب «تاریخ دولت آل سلجوق» که اختصاری است از تاریخ

«فتح بن علی بن محمد البنداری الاصفهانی» صاحب «ترجمه

هر بی شاهنامه»، کتاب «تاریخ دولت آل سلجوق» که بسال ۶۲۰ ق.

= ۱۲۲۳ میلادی تلخیص و تألیف شده است.

وفات: تا سال ۶۲۰ ه.ق = ۱۲۲۲ میلادی زندگانی

میکرده است.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۱۰۳۹

امام فخرالدین رازی- (ابو عبدالله محمد بن عمر بن الحسین بن الحسن بن علی تیمی بکری طبرستانی رازی = فخرالدین محمد بن عمر رازی) فقیه شافعی اشعری اصول شافعی فروع، معروف به «ابن الخطیب» و «ابن خطیب الرّی» و «شیخ الاسلام هرات» و مشهور به «امام فخر». در «ری» از مادر بزاد و در «هرات» روی از جهان برگاشت. وی از دانشمندان بزرگ و کم نظیر نیمه دوم سده ششم و سر آغاز سده هفتم هجری است. جامع علوم عقلیه و نقلیه روزگار خود بود و در کلام و فقه و اصول و تفسیر و حکمت و علوم ادبی و ریاضی و نجوم و طبّ تبصری شگرف داشت و در همه این علوم و فنون تألیفات بسیار کرد. در حوزه درسی او همواره گروهی بسیار از فضلا و دانشمندان گرد میآمدند. وی به روزگار «خوارزمشاهیان آل نوشتکین» میزیست و جاه و منزلت و نفوذ کلام او در نزد «سلطان محمد خوارزمشاه» (۵۹۶ ه.ق - ۶۱۷ ه.ق) بسیار بود. گویند: میان او و پدر «مولانا جلال الدین»، «بهاء الدین ولد»، دشمنی روی نمود. در «مثنوی شریف» و «معارف بهاء ولد» و «معارف برهان الدین محقق ترمذی» نسبت به «امام فخر» تعریضاتی آمده است.

«امام فخر» بواسطه دقت و تعمق ویژه‌ی که در اقوال

حکمای یونان داشت، شبهات و شکوک بسیاری در مطالب عقلی و دینی ابراز کرده که گاه خود از حلّ و مدافعه آنها درمانده است، و از همین بابت به «امام المشتهتین» نامبردار آمده.

بسیاری از فلاسفه و متکلمان بعد از او، چون: «خواجه نصیر الدین طوسی» و «قطب الدین رازی» و «میرداماد» و «ملاصدرا» روزگاری دراز در پی جواب دادن به شبهات وی در تکاپو افتاده اند. بطور کلی، تأثیر وجودی این دانشمند در علوم اسلامی کم نظیر است؛ و بندرت کتابی توان یافت که در حکمت یا کلام و تفسیر و رجال تألیف یافته باشد، و از یاد او خالی مانده. از اوست: الف - در کلام: «کتاب الاربعین فی اصول الدین» - «البیان والبرهان فی الردّ اهل الزيغ والطغیان» - «اجوبة المسائل النجارية» - «ارشاد النظار الی لطائف الاسرار» - «محصل افکار المتقدّمین والمتأخّرين من العلماء والحکماء والمتکلمین» و... ب - در حکمت و منطق: «الانارات فی شرح الاشارات» - «تعجیز الفلاسفة» - «شرح عیون الحکمة» - «لباب الاشارات» - «المباحث المشرقیّة» - «المختص» و «النهاية»...

ج - در اصول فقه: «رسالة فارسی در اصول عقاید اهل سنت» - «المحصل فی اصول الفقه» - «المعالم فی اصول الفقه». د - در تفسیر: «تفسیر کبیر» بنام «مفاتیح الغیب» که بارها بطبع رسیده است و هر چند ناتمام بوده، ولی بعد از وی بدست مفسرانی مانند: «ابن الخوئی» (م/ ۵۶۳۷ ق) و «سیوطی» (م/ ۵۹۱۱ ق)

تمام شده است - «اسرار التنزیل و انوار التأویل» - «التنبیه علی بعض المودعة فی بعض سور القرآن» - «درة التنزیل» در متشابهات قرآن کریم.

ه - در ادب : «شرح سقط الزند للمعری» (گویند که نوشت) - «شرح المفصل فی النحو للزمخشری» (گویند که نوشت) - «مؤاخذات جیدة علی النحاة» - «مختصر فی الاعجاز» یا «نهاية الايجاز فی علم البیان یا فی درایة الاعجاز».

و - در نجوم : «الاختیارات العلائقة» یا «الاحکام العلائقة فی الاعلام السماویة» - «اسرار النجوم» - «اسرار المکتوم».

ز - در طلسمات : «السر المکنون» - «شرح اسماء الله الحسنی».

ح - در مناقب : «فضائل الصحابة» - «مناقب الامام الشافعی».

ط - خلاف وجدل : «الطریقة فی الخلاف والجدل».

ی - در طب : «شرح کلیات قانون ابن سینا».

یا - تألیفات دیگر او «اللطائف الغیائیة» - «شرح نهج-البلاغة» - «رسالة فی علم الفراسة» و مهم تر از همه کتاب نفیس «جامع العلوم» یا «حدائق الانوار فی حقائق الاسرار» مشهور به «ستینی» که دائرة المعارف علوم آن روزگار است و بسال ۵۷۴ هـ ق بتألیف در آورده.

چنانکه ارباب تاریخ و سیر و تذکره نویسان نوشته اند:

«فخرالدین رازی» بتازی و پارسی اشعاری سروده است. از آن
جمله به بیتی تازی و به رباعی پارسی کفایت شد:
المرء مادام حیاً یستهان به
و یعظم الرزء فیه حین یفتقد

در رهگذرم هزار جا دام نهی!
گویی: کشت اگر در آن گام نهی
یك ذره زمین ز دام تو خالی نیست
گیری و کشی و عاصیم نام نهی؟!
با این همه تخصص کامل او در علم کلام و معقولات بود.
تولد: بیست و پنجم رمضان ۵۲۳ یا ۵۲۴ هـ. ق. = ۱۱۲۸
یا ۱۱۴۹ میلادی در «ری».
وفات: روز دوشنبه اول شوال (عید فطر) ۵۶۰ هـ. ق. =
۱۲۰۹ میلادی در «هرات».
تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۵۵ و ۲۵۸ و ۳۰۵ -
آتشکده آذر بخش سوم ص ۱۱۰۶ تا ۱۱۱۱

امام فریدالدین عمر بن غیلان بلخی - که «امام فخر رازی» اورا
«فرید غیلانی» نامیده است. در ۵۲۳ هـ. ق. در «نظامیه مرو» تحصیل
میکرده و قسمتی از عمر خود را در «سمرقند» گذرانیده است. در ۵۸۲
هـ. ق. «امام فخر» در «سمرقند» بخانه آورفته و گویا رساله‌ی هم در رد او
نوشته است. «ابن غیلان» در فلسفه شاگرد «ابوالعباس لوکری» و او

شاگرد «بهمنیار» و او شاگرد «بوعلی سینا» بوده است. اما «ابن خیلان» از مخالفان افکار «بوعلی» و از نویسندگان ردّبر اوست. «ابن خیلان» استاد «فریدالدین داماد نیشابوری» بود که «خواجه نصیرالدین طوسی» «اشارات» شیخ را نزد او خوانده است.

زندگانی: سده ششم ه. ق = سده دوازدهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۷۸ و ۲۹۴

امام قلیخان پسر الله وردیخان قوللر آقاسی - از مادر و پدری گرجی

بود که این پدر و پسر نخست به «الله وردی بیگ» و «امام قلی بیگ» ملقب بودند. پس از آنکه پدر امیر الامراء «فارس» و سپهسالار «ایران» شد و به «الله وردیخان» نامبردار آمد، «امام قلی بیگ» با پدر به «فارس» رفت و هنگامی که پدرش باشاه در «خراسان» بود، بسال ۱۰۱۰ ه. ق لشکر به «جزایر بحرین» فرستاد و آن جزایر را که در قلمرو حکومت «هرمز» و در دائرة نفوذ «پرتقال» بود، در اواسط رمضان این سال بگرفت و چون در همان سال حکومت مستقل «لار» بدست «الله وردیخان» منقرض گردید، «شاه عباس» حکومت آنجا را به «امام قلیخان» سپرد و مقام امیر دیوانی (وزارت دادگستری) را بر منصبهای او بیفزود. وی پس از درگذشت پدر، امیر الامراء «فارس» و سپهسالار «ایران» شد و در سال ۱۰۳۱ ه. ق بدستور و فرمان «شاه عباس بزرگ»

دست «پرتقالیان» را از جزایر «قشم» و «هرمز» کوتاه ساخت، و از مغرب تا حدود بندر «بصره» پیش رفت؛ چنانکه سراسر خاک «فارس» و «کوه کیلویه» و «لارستان» و «بنادر جنوب»، از بندر «جاسک» تا «اروند رود»، همه جزایر «خلیج فارس» در سیطره فرمانروایی او بود.

«امام قلیخان» مردی برمنش و بلند همت وجود پیشه و فربه و درشت استخوان و بامتانت بود. در هنگام پادشاهی «شاه صفی» بمناسبت نافرمانی برادرش «داودخان» و اینکه گمان میرفت یکی از فرزندان «امام قلیخان» فرزند «شاه عباس بزرگ» و از کنیز کی است که شاه بدو بخشیده، با فرزندانش و خویشان و ندان بقتل رسید. «مدرسه سپهسالار شیراز» (= مدرسه خان) را او ساخت.

مقتول: اول جمادی الاولی ۱۰۴۲ هـ ق = ۱۶۳۲ میلادی

در «قزوین».

تاریخ برگزیدگان ص ۱۲۲ تا ۱۲۴ - قصص الخاقانی ولی قلی بیگ شاملو

امام ناصر الدین مطرزی خوارزمی - صاحب کتاب «المصباح» در

نحو که «محمود بن عمر خجندی» بر آن شرحی بعنوان «مقالید» نوشته است.

وفات: ۱۰۶۱ هـ ق = ۱۲۱۳ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۹۰



امامی هروی (ملك الشعراء رضی الدین ابو عبدالله محمد بن ابی بکر بن عثمان هروی متخلص به «امامی» - از شاعران معروف «ایران» در سده هفتم هجری است. وی از مردم «هرات» و از علما و شعرای آن دیار بود و ملوك «آل كرت» را مدح می گفت. سپس مدتی در «كرمان» سکونت گزید و بمدح سلاطین «قراختایی کرمان» و امرای ایشان سرگرم شد و چندی هم در «یزد» مصاحب «شمس الدین محمد تازیگوی» کار گزار «خواجه شمس الدین محمد صاحب دیوان» آمد و آنگاه به «اصفهان» رفت و بقیة عمر را در آنجا بگذراند. وی را بسبب فضل و دانش فراوان و تسلط بر زبان و ادب تازی و فارسی و آگاهی از دانشهای گوناگون معقول و منقول شهرتی بسیار بوده است؛ چنانکه حتی در مقام مقایسه او با شیخ اجل «سعدی» برمی آمده اند و او را بر بسیاری از شاعران ترجیح می نهاده ... از «دیوان» وی که شامل مدایح پادشاهان و امرا و وزرای روزگار در «هرات» و «کرمان» و «اصفهان» است، نسخی در دست است و تا حدود دوهزار بیت یا اندکی بیشتر از قصیده و غزل و رباعی و قطعه و ترجیع بند و ترکیب بند دارد و اثر دیگر او رساله بی است به تازی در «شرح قصیده ذوالرمة» (ما بال عينك منها المآء ینکسب). «امامی» از جمله شاعران بزرگی است که در سده هفتم شیوة شاعران «خراسان» و حتی زبان و غالب ترکیبات و مضامین شعری آنان را در نظم قصاید خود حفظ کرد و مانند بیشتر آنان مداحی

زبردست و غزلسرایی خوش سخن است و در عین حال بنا بر ذوق
اهل زمان گاه به بیان خویش چاشنی عرفان می دهد. زیرا خود در
مراحل سلوك سیر میکرد و در راه فقر غاشیه «سلطان اولیاء
زین الدین پیرهند» را بردوش میکشید.

«دیوان امامی هروی» در مهرماه ۱۳۴۳ ه.ش. بسوسله
آقای «همایون شهیدی» بطبع درآمده است.

وفات: ۱۷ محرم ۶۸۶ ه.ق = ۱۲۸۷ میلادی در شهر
«رفسنجان».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۵۳۱ - ۵۴۶ تا ۵۵۷ -
فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۷۸ - آتشکده آذر بخش ۲ ص ۷۵۲ تا ۷۵۹

امیدی تهرانی (ارجاسب) - از علما و فضلاء سرشناس او اواخر سده نهم
و اوائل سده دهم هجری است. گاهی بنظم شعر التفات میکرد و
مخصوصاً قصیده را استادانه میسرود. نامش «ارجاسب» بود و
دو برادر دیگرش هم «لهراسب» و «گشتاسب» نام داشتند. وی در
جوانی روز از «ری» به «شیراز» شد و بردانای روزگار خود،
«مولانا جلال الدین دوانی»، شاگردی کرد و اکثر کتب متداول را
بخواند. ا مادر طب بیشتر کوشید و آموختار گشت. «علامه دوانی»
از غایت التفات او را «مسعود» نام نهاد و به «سعدالدین» ملقب آمد.
«امیدی» بروزگار دولت «شاه اسماعیل نخستین» به دربار
اوراه یافت و این پادشاه را ستایشگر بود. و در آن هنگام که میان

«شاه اسماعیل» و «سلطان سلیم خان»، پیکار در گرفت، در عرصه

کارزار قصیده‌یی بدین مطلع سرود:

قضا در کسارگاه کبریایی

کشیده طرح «اسلیمی» «خطائی».

«امیدی» نزد ارکان دولت «صفوی» احترامی شایان توجه

بدست آورد و در نزد هردو وکیل الدولة «شاه اسماعیل»: «نجم

اولی» و «نجم ثانی»، و «دورمش خان» لالای «سام میرزا»، مقرب شد...

«امیدی» بتحریر «قوام الدین نوربخشی» در «تهران» بقتل رسید.

وی صاحب «ساقی نامه» و «قصاید مدحیه» است، در شاعری

استادی و نغزگویی کرده.

مقتول: ۹۲۵ ه. ق = ۱۵۱۹ میلادی یا ۹۲۷ ه. ق = ۱۵۲۱

میلادی یا ۹۲۹ ه. ق = ۱۵۲۲ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۳۳۵ - آشکده آذر بخش ۳

ص ۱۰۶۷ تا ۱۰۷۵ - ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۱۷۶

امیر ابوالمعالی - (محمد بن عبیدالله بن علی بن الحسن بن الحسین بن

جعفر بن عبیدالله بن حسین بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب

علیهم السلام) صاحب کتاب «بیان الادیان» مؤلف بسال ۴۸۵ ه. ق

= ۱۰۹۲ میلادی.

زندگانی: سده پنجم هجری = سده یازدهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۶۶ - لغت نامه

امیر اسماعیل سامانی- پادشاه دادگستر و مردم دوست سامانی، فرزند «احمد» فرزند «نوح» فرزند «سامان خداده» بود که او بگفته مورخان نژاد خود را به «بهرام چوبینه» میرسانیده است و در قریه «سامان» نزدیک «سمرقند» فرمانروایی و بزرگی داشته.

«امیر اسماعیل» پس از مرگ برادرش «نصر» در سال ۲۷۹ ه. ق. فرمانروای مستقل «ماوراءالنهر» شد و در سال ۲۸۷ ه. ق. در «بلخ» بر «عمرو لیث صفاری» چیره آمد و پادشاهی «ماوراءالنهر» و «خراسان» و «گرگان» و «طبرستان» و «ری» تا حدود «اصفهان» بر او مسلم گشت و حدود کشور سامانی از کنار «سیحون» تا واسط «عراق عجم» بسط یافت. وی مردی شجاع و جوانمرد و پرهیزگار و دادپیشه بود و سرسلسله شهریارانی است که به همه حال در پیشبرد فرهنگ و ادب ایرانی اسلامی کوشا بوده اند. «ابوالفضل بلعمی» وزارت او داشت.

جلوس: ۲۷۹ ه. ق. = ۸۹۲ میلادی.

وفات: ۲۹۵ ه. ق. = ۹۰۷ میلادی.

سامانیان تألیف احمد علی مجیبی طبع افغانستان ص ۷ تا ۱۷-
تاریخ برگزیدگان ص ۶۸

امیر حسن دهلوی- (امیر نجم الدین حسن بن علاء سجزی دهلوی) معروف به «حسن سجزی» و «سعدی هندوستان» به یکی از خاندانهای بزرگ سادات تعلیق داشت. «دیوانش» ۸۰۰ غزل دارد،

و بر سر هم در ۱۰ هزار بیت از غزل و قطعه و رباعی است. دیگر آثارش مثنوی «عشق نامه» در ۶۰۶ بیت بوزن «لیلی و مجنون نظامی» از افسانه عامیانه «رجستنی» هندی و از آثار منشورش «فوائد الفوائد» در باره شیخش «نظام الدین اولیاء» است.

تولد : ۶۵۱ ه. ق. = ۱۲۵۳ میلادی.

وفات : ۷۳۷ ه. ق. = ۱۳۶۶ میلادی یا ۷۳۸ ه. ق. =

۱۳۳۷ میلادی در «دولت آباد دهلی».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۸۱۷ تا ۸۳۱

امیر حسینی۔ (امیر فخر السادات سیدرکن الدین حسین بن عالم بن حسن یا ابوالحسن یا : ابوالحسین حسینی غوری هروی) معروف به «امیر حسینی» یا «حسینی سادات» از بزرگان عرفای سده هفتم و هشتم و از جمله شاعران و نویسندگان معروف پارسی گوی است که در شعر «حسینی» تخلص میکرد. مولد وی شهر «غزویو» یا «گزویو» از بلاد «غور» بود. بیشتر عمرش در «هرات» گذشت و بدین سبب بدان شهر نسبت یافته و به «هروی» معروف شده است. محله‌یی از «هرات» که «امیر حسینی» در آن ساکن بوده هنوز به نام او به «محله میر حسینی سادات» معروف است. تولدش ظاهرأ حدود سال ۶۷۱ ه. ق. روی داده است. «امیر حسینی» اوایل عمر خود را در تحصیل علوم و آداب و بعد از آن در سیر و سلوک در طریق تصوف و عرفان

گذرانید و بهمین سبب چنانکه «جامی» گفته است : معلوم‌ظاهری و باطنی عالم بوده.

حقیقت‌حال درباره‌سلوک «امیرحسینی» آن است که او دوران مجاهدات خود را در خدمت «شیخ بهاءالدین زکریای مولتانی» و پسرش «شیخ صدرالدین عارف مولتانی» پایان برد و درباره‌کیفیت تغییر حال «امیرحسینی» و سفر او از «خراسان» به «مولتان» و درآمدن او بخدمت «شیخ زکریا» شرحی در «نفحات الانس» آمده است، از جنس غالب توضیحات که درباره‌تغییر حال مشایخ صوفیه و توجه آنان به مجاهدت و ریاضت معمول است. «زکریای مولتانی»، همچنانکه می‌دانیم، از تربیت شدگان «شهاب الدین سهروردی» بود و از این راه نسب تعلیم «امیرحسینی سادات» به «شیخ المشایخ شهاب الدین سهروردی» میرسد. «امیرحسینی» بعد از اتمام دوره مجاهدت در «مولتان» به «هرات» بازگشت و در آنجا بساط ارشاد بگسترده، تا بقول «خواندمیر» در شانزدهم شوال ۷۱۷ ه. ق و بقول «جامی» در شانزدهم شوال ۷۱۸ ه. ق و بقول «دولتشاه» در همان روز و ماه از سال ۷۱۹ ه. ق درگذشت و در گورستان «قهندز مصرخ» بیرون گنبد «سیدالسادات عبدالله ابن معاویه» مدفون شد و مقبره او اکنون باقی است.

از آثار اوست : ۱ - مثنوی عرفانی «زادالمسافرین» بوزن «لیلی و مجنون نظامی» در حدود ۱۲۵۰ بیت. ۲ - مثنوی عرفانی «کنز الرموز» بوزن «مثنوی مولوی» در حدود ۷۲۰ تا

۷۵۰ بیت و بطبع رسیده ۳۰- «سی‌نامه» در ۱۲۰۰ بیت برمنوال «ده‌نامه»‌هایی که درسدهای هفتم و هشتم می‌سرودند که موضوع عشق در آنها عرفانی و بوزن «خسرو و شیرین نظامی» است .
 ۴- «پنج‌گنج» که مجموعه‌یی است از پنج قصیده در «توحید و تحقیق» . ۵- «دیوان امیرحسینی» مرکب از : قصائد «پنج‌گنج» و غزلها و ترکیبات و ترجیعات و مقاطعات و رباعیات در حدود ۱۵۰۰ بیت .

دیگر از آثار او رسالات عرفانی «طرب المجالس» و «نزهة الارواح» و «صراط المستقیم» است . وی در نظم و نثر سبکی نسبتاً ساده و پخته دارد.

تولد: حدود ۶۷۱ هـ ق = ۱۲۷۲ میلادی در شهر «غزوی» از بلاد «غور» .

وفات: ۱۶ شوال ۷۱۷ هـ ق یا ۷۱۸ یا ۷۱۹ هـ ق = ۱۳۱۷ یا ۱۳۱۸ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۱۷۶ و ۵۷۴ و ۷۵۱ تا ۷۶۳ - آتشکده آذر بخش ۲ ص ۵۹۷ تا ۶۰۵

امیر خسرو دهلوی - بزرگترین شاعر «هندوستان» و صاحب آثار بسیار . پدر وی «سیف‌الدین محمود» از مردم کش (ترکستان) بود و در غائله «مغول» از «بلخ» به «هند» گریخت . «امیر خسرو» در «دهلی» نشأت یافت و در زبان و ادب فارسی متبحر شد و در حلقه

ارادت «شیخ نظام الدین اولیا» در آمد. در غزل پیرو «سعدی» بود و از الفاظ و معانی شاعران متصوف ایرانی استفاده می کرد . دیوان او مشتمل بر پنج قسمت است : ۱- «تحفة الصغر» ۲- «وسط» - الحیاة»، ۳- «غرة الکمال»، ۴- «بقية النقیة»، ۵- «نهاية الکمال». «امیر خسرو» بتقلید «نظامی گنجوی» پنج مثنوی ساخته است شامل: ۱- «مطلع الانوار»، ۲- «خسرو و شیرین»، ۳- «مجنون و لیلی» ، ۴- «آینه اسکندری»، ۵- «هشت بهشت» - علاوه بر اینها، تصانیف و منظومه های دیگر مانند «قران السعدین» ، «نه سپهر» و «مفتاح الفتح» دارد .

از مؤلفات منشور او: «خزائن الفتح» یا «تاریخ علایی» «تاریخ دهلی» - «قانون استیقا» و «اعجاز خسروی» و غیره .

تولد : ۵۱۰ هـ ق = ۱۲۵۳ میلادی در «دهلی» .

وفات : ذی قعدة ۷۲۵ هـ ق ۱۳۲۵ میلادی در «دهلی» .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۷۷۱ تا ۷۹۷ - ریپکا - فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۷۹ - نور و ظلمت ص ۱۲۳ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۲۵۲

امیر سید علی بن شهاب بن محمد همدانی - عارف مشهور سده هشتم هجری که در علوم مختلف دست داشت و کتاب های : «اسرار النقطه» ، «شرح ... اسماء الله» ، «شرح فصوص الحکم» ، «شرح قصیده خمريه ميميه ابن فارض» از جمله مصنفات اوست .

وفات : ۷۸۶ هـ ق = ۱۳۸۴ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۱۷۲

امیرشاهی سبزواری - (آق ملک بن ملک جمال الدین فیروز کوهی سبزواری) از شاعران بنام شیعی نیمه اول سده نهم هـ ق است. نیاکانش از «سربداران» بودند و او خواهرزاده «خواجه علی مؤید سربداری» است. وی بندیمی «بایسنقر» نائل آمد و مانند «کاتبی ترشیزی» و «امیریمین الدین نزل آبادی» و «بابا سودائی» و «مولانا- سیف امیری» مدح شاهزاده می گفت و مورد احترام همه شعرا و فضلا بود. مردی نیک محضر و خوش خط و هنرمند و در «نقاشی» و «موسیقی» استاد بود. در شاعری تنها به «غزلسرای» اکتفا کرده و دیوانش دارای هزار بیت است. وی را به لطافت ذوق و دقت خیال متصف داشته اند.

وفات : ۸۵۷ = ۱۴۵۳ میلادی در «سبزوار». و نعش او را

به بلده «سبزوار» در خانقاهی که اجداد او ساخته بودند ، مدفون ساختند .

آتشکده آذربخش ۱ از ص ۴۰۰ تا ۴۰۴ - نور و ظلمت ص ۱۶۵ -
دیوان امیرشاهی سبزواری بتصحیح سعید حمیدیان سال ۱۳۴۸ هـ . ش -
فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۸۳

امیرعلیشیر نوائی

رك : (امیر نظام الدین علیشیر نوائی) .

امیر عنصر المعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر ابن زیار- از امرای دانشمند «آل زیار» در سده پنجم ه. ق. مزیتست. وی درزمره زیارانی است که پس از «منوچهر بن قابوس» و مخصوصاً پس از تسلط ترکان سلجوقی حکومت مستقلی نداشته اند و تنها بعنوان امیرزاده در قسمتی از «طبرستان» باقی مانده بودند. «کیکاووس» پدر خود «اسکندر» را «امیر ماضی» می خواند و چون زن او فرزند «سلطان محمود غزنوی» بود، هشت سال در دستگاه «سلطان مودود» بسربرد و چندی به غزودر «هندوستان» گذرانید... وی فرزندی بنام «گیلان شاه» داشته و خود کتاب «قابوسنامه» را میان سالهای ۴۵۷-۴۶۲ ه. ق. برای او تألیف کرده است. و این بنا بر روایت «ابن اسفندیار» است، ولی در همه نسخه «قابوسنامه» آغاز بتألیف آن سال ۴۷۵ ه. ق. آمده است. لیکن پس از مسلم شدن وفات «ابن اسفندیار» در سال ۴۶۲ ه. ق. تاریخ اتمام «قابوسنامه» را میان سالهای ۴۵۷ ه. ق. - ۴۶۲ ه. ق. دانستن، بحقیقت نزدیکتر مینماید.

نویسنده خود از این کتاب بنام «نصیحت نامه» یاد کرده و در قدیمترین نسخه این کتاب نام آن «کتاب پندنامه امیر کبیر ملک

جیلان ...» آمده است . ولی بروزگار به «قابوس نامه» مشهور شده است و تداول یافته .
«عنصرالمعالی» مردی مطلع ودانشمند بود وبزبانهای فارسی وطبری اشعاری میسرود . «قابوسنامه» در نوع خود از تألیفات کم نظیر و گرانقدر است .

تولد : ۴۱۲ هـ . ق = ۱۰۲۱ میلادی .

وفات : ۴۶۲ هـ . ق = ۱۰۶۹ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۸۹۸ تا ۹۰۲ - قابوسنامه
باهتمام وتصحیح دکتر غلامحسین یوسفی .

امیر کبیر - «میرزاتقی خان فراهانی» ملقب به «امیر نظام» و «وزیر نظام» که بعدها مشهور به «اتابك اعظم امیر کبیر» گردید . صدراعظم بسیار معروف «ناصرالدین شاه» وبانی «مدرسه دارالفنون» و خدمتگزار بزرگ مردم ایران وازبزرگترین رجال سیاسی دوره «قاجاریه» است . اصلاً فراهانی است و پدرش «مشهدی قربان» نخست طباح و بعد ناظر «میرزا ابوالقاسم قائم مقام» بود . در جوانی در «تبریز» وارد دستگاه ولیعهد شد و جزء هیئت اعزامی به «روسیه» بریاست «خسرو میرزا» بآن کشور رفت (۱۲۴۴ هـ . ق) . . . و صدارت عظمی یافت ... با تأسیس «دارالفنون» بنیاد فرهنگ نوین را در «ایران» بنهاد . امام مخالفان اوشاه را وادار بمزل او کردند و حکم قتل وی را از شاه بگرفتند ...

تولد: ۱۲۲۲ ه. ق = ۱۸۰۷ میلادی .

مقتول: ۱۲۶۸ ه. ق = ۱۹ دیماه ۱۲۳۰ ه. ش = ۹ جانوری

۱۸۵۲ میلادی در حمام «باغ فین کاشان» . گورش در «کربلای معلی»
است .

کارنامه بزرگان ایران ص ۳۶۱ و ۳۶۲ - فرهنگ معین ج
۵ ص ۳۹۴ - ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۱۴۶ و ۱۴۷ - امیر کبیر
و ایران تألیف دکتر فریدون آدمیت .

امیر نظام‌الدین علیشیر نوائی - فرزند «امیر گیچگنه» از ملازمان
درگاه «سلطان ابوسعید گورکان» است. در «هرات» از مادر بزاد.
بروزگار کودکی بسیار فطن بود . سوره‌های گوناگون «قرآن
مجید» را از بر میخواند و با شاهزادگانی چون حسین میرزا فرزند
«بایقرا» همدرس و هم‌پیمان شد. پادشاه زمان «ابوالقاسم بابر» را
چنان از هوش و ذکای او خوش آمده بود که او را «فرزند» خطاب
می‌کرد. «ابوسعید تیموری» خاندان «علیشیر» را به «سمرقند» تبعید
کرد. وی در آنجا با تنگدستی در مدرسه «خواجه فضل‌الله ابواللیثی»
بتحصیل پرداخت و هم‌در دوران جوانی از «سمرقند» به «مشهد» شد.
در حدود سال ۸۷۲ ه. ق، هم‌مکتب وی «سلطان حسین میرزا بایقرا»
در «هرات» سلطنتی مستقل تشکیل داد و بیاد عهد دیرین افتاد و
«علیشیر» را که در آن هنگام جوانی بیست و هشت ساله بود، بکار
گماشت و در سال ۸۷۶ ه. ق منصب «مهرداری» داد و همچنان به -

عزت و جلال میزیست تا در سال ۸۹۲ ه. ق حکومت «مازندران» و «استرآباد» یافت و پس از یکسال به «هرات» باز آمد و مشیر و مشار سلطان گشت. بقول «لطائف نامه هراتی» در «ترجمه مجالس النفائس»: کار او بجایی رسید که برادران و فرزندان سلطان در ملازمت او افتخار خویش می جستند. «امیر علیشیر» حامی و طرفدار کریمی برای ادب و فضیلتی روزگار خود بشمار میرفت و کتابخانه‌یی بزرگ ترتیب داده بود که مرجع استفاده مورخ مشهور «خواندمیر صاحب حبیب السیر» و فاضلان دیگر بود. شوق او را بر اعمال نیک و ابقای آثار فرخنده حد نبود. در حدود ۳۷۰ مسجد و مدرسه و صومعه و بقاع متبرکه در «خراسان» بنا نهاد و یا تعمیر و مرمت کرد. تا ۲۹ تألیف از وی بر شمرده اند که آخرین آنها بنام «محاكمة اللغین» است که در سال ۸۹۰ ه. ق بتألیف آورده و در آن کوشیده است که زبان ترکی را بر فارسی ترجیح نهد. بطور کلی این امیر در ترکی شاعری بیمانند است و به «ترکی جغتائی» چهار دیوان غزلیات و برونش نامگذاری «جامی» و «امیر خسرو دهلوی» بنامهای: «غرائب الصغر» یا «غرائب النوائب» و «نواذر الشباب» و «بدایع الوسط» و «فوائد الکبر» سروده است. و پنج مثنوی مفصل برونش و گونه «خمسه نظامی» ساخته و یک مثنوی به تقلید از «منطق الطیر عطار» موسوم به «لسان الطیر» بنظم آورده است. وی در شعر ترکی «نوائی» و در شعر فارسی «فنائی» یا «فانی» تخلص میکرد. در علم عروض «میزان الاوزان» را نوشت. «مجالس»

النفاثس» او بترکی جغتائی ذیل بر « تذکرة الشعراء دولتشاه سمرقندی» است که تا بحال سه ترجمه از آن بعمل آمده است. یکی «لطائف نامه» از «سلطان محمد فخری هراتی» و دیگری از «حکیم شاه محمد بن مبارک قزوینی» که این هر دو باهتمام جناب آقای «علی اصغر حکمت» بطبع رسیده است و ترجمه سومی نیز از «شاه علی ابن عبدالعلی» معاصر «شاه عباس بزرگ» دارد که در «بریتیش میوزیم» انگلستان محفوظ است. «خمسة المتحیرین» را پس از مرگ «جامی» در احوال و آثار او نگاشت.

تولد: ۸۴۴ هـ. ق = ۱۴۴۰ میلادی .

وفات : دوازدهم جمادی الثانیة ۹۰۶ هـ. ق = ۱۵۰۰

میلادی .

کاردنامه بزرگان ایران ص ۳۲۷ و ۳۲۸ - آتشکده آذر
بخش ۱ ص ۸۰ تا ۸۲ - تاریخ برگزیدگان ص ۱۷۲

امیر نظام حسنعلی خان گروسی - فرزند «محمد صادق خان سرتیپ»، ملقب به «سالار عسکر» و بعد «سالار لشکر» و بعد «امیر نظام». یکی از رجال جلیل القدر دوره «قاجار» است که در کفایت و فضل و کمال و حسن خط و انشاء از مبرزان آن عصر بشمار میرود. در حدود سال ۱۲۵۳ هـ. ق تا بیستم رمضان ۱۳۱۷ هـ. ق یعنی تا پایان حیات، دائماً در خدمت بود و مشاغل نظامی و سیاسی و اداری مهم در داخل و

خارج «ایران» برعهده داشت که عمده آنها پیشکاری و حکومت «آذربایجان» است. وی از خاندان قدیمی و از ایل کرد «کبودوند» ساکن «گروس» است. نیاکان وی هم در دوره های «صفویه» و «افشاریه» و «زندیه» و «قاجاریه» مصدر خدمات مهم دولتی بوده اند. «منشآت امیر نظام» از و بیادگار مانده است و «پندنامه» بی که بخط بسیار زیبای خود برای فرزندش «یحیی» در روز دوشنبه ۲۶ محرم ۱۲۷۰. ق. نوشته است و تسلط وی را به ادبیات فارسی و تازی و نگارش خط شکسته نستعلیق ثابت می کند. وی ممدوح و پرورش دهنده شعرائی چون «ادیب الممالک فراهانی» بوده است.

تولد: ۱۲۳۷. ق. = ۱۸۲۱ میلادی.

وفات: پنجم رمضان ۱۳۱۷. ق. = ۱۸۹۹ میلادی در «کرمان» و مدفون در «ماهان».

تاریخ رجال ایران ص ۳۵۹ تا ۳۶۷ - تاریخ برگزیدگان
ص ۱۸۸ تا ۱۹۱

امین الدوله - (میرزا علی خان) فرزند «میرزا محمدخان مجدالملک سینکی» از رجال دوران «قاجاریه» مردی مطلع و نویسنده بود. «مظفرالدین شاه قاجار» پس از عزل «امین السلطان» او را به صدارت برگزید... امین الدوله در قریه «لشت نشای گیلان» بعلت مرض کلیه در گذشت. از و «سفرنامه» بی بچاپ رسیده است و نسخه خاطراتی بخط و انشاء وی در دست است که هم بطبع در آمده. «سفرنامه»

امین الدوله» در روز جمعه ۱۳ شوال ۱۳۱۶ هـ. ق آغاز شده است و در سه شنبه ۱۶ رجب ۱۳۱۷ هـ. ق پایان یافته.

وی از پیشروان آزادی و از نویسندگان ساده نویس قرن اخیر است. پدرش «مجدالملک» رساله‌یی بنام «مجدیه» دارد که نخستین اثر انتقادی و سیاسی است که قبل از مشروطیت در «ایران» انتشار یافته، لیکن مرحوم «ناظم الاسلام»، در کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان»، «رساله مجدیه» را اثر «امین الدوله» دانسته است. «امین الدوله» از بنیان‌گذاران مدارس جدید «ایران» است. شادروان «میرزا حسن رشیدی» به کمک و همت «امین الدوله» توانست مدرسه خود را در «تهران» در جنب «پارک امین الدوله» افتتاح کند.

«امین الدوله» برای تأسیس این مدرسه دوازده هزار تومان پرداخت. بر سر در این مدرسه نوشته آمده بود: «انامدینة العلم وعلی بابها». دیگر از کارهای او «تأسیس کارخانه قند کهریزک» با سرمایه‌های داخلی و خارجی بوسیله مهندسان بلژیکی و «تأسیس کارخانه کبریت سازی الهیه» است. وی از مؤسسان «اداره پست» به سبک جدید است.

تولد: ۸ ذی‌قعدة ۱۲۵۹ هـ. ق = ۱۸۲۳ میلادی.

وفات: در اواخر رجب یا ۲۶ ماه صفر ۱۳۲۲ هـ. ق = ۱۹۰۴ میلادی به مرض کلیه در «لشت‌نشا» و همانجا مدفون شد.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۸۰ - تاریخ برگزیدگان ص ۱۹۱ تا ۱۹۴ - تاریخ رجال ایران ج ۲ ص ۳۵۴ تا ۳۶۶

امین بلیانی - (شیخ الاسلام امین الدین محمد بن زین الدین علی بن ضیاء الدین یا امام الدین مسعود بن نجم الدین محمد بن علی بن احمد ابن عمر بن اسماعیل بن ابی علی الدقاق بلیانی کازرونی) از مشایخ و عارفان مشهور سده هشتم هجری و از پیشوایان طریقه «مرشدیه کازرونیه» یعنی پیشوای صوفیانی بود که حلقه ارادت «شیخ ابواسحق ابراهیم بن شهریار کازرونی» صوفی مشهور (م/ ۴۲۶ ه.ق) را برگوش داشتند. وی از شاعرانی است که نسخ دیوان او کمیاب ولی موجود است و بفارسی و تازی شعر گفته .

یکی از مریدان صادق او «محمود بن عثمان» مؤلف «فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه» در سیرت «شیخ ابواسحق» ، کتابی دیگر جامع و بزرگ در شرح اوصاف و مقامات «امین الدین» نوشته است بنام «جوهر الامینیه» که خلاصه آن هم به قلم وی بنام «مفتاح الهدایه و مصباح العنایه» در «کتابخانه اسعد افندی ترکیه» موجود است؛ و از این کتاب برمیآید که «شیخ الاسلام امین الدین» کتابی بنام «بدایه الذاکرین» داشته است. وی ابنیه بسیار در «کازرون» ساخته و وقف کرده است. «خواجو» و «حافظ» بوی ارادت ورزیده اند. «حافظ» او را «بقیه الابدال» گفته است.

وفات: ۷۴۵ ه.ق = ۱۳۴۴ میلادی در «کازرون» و در خانقاه خود در آن شهر مدفون شد .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۸۶۸ تا ۸۸۶

انصاری - (شیخ مرتضی بن محمد امین بن شمس الدین بن احمد بن نورالدین بن محمد صادق شوشتری دزفولی).

رك : شیخ مرتضی بن محمد امین انصاری شوشتری دزفولی معروف به «شیخ» .

انوری - (اوحالدین محمد بن محمد یا اوحالدین علی بن اسحق) «انوری ابیوردی» از گویندگان نامدار نیمه دوم سده ششم ه. ق. و یکی از ستارگان قدر اول آسمان ادب فارسی است و از کسانی است که در تغییر سبک سخن فارسی اثر بین و آشکاری دارد . مولدش «بدنه ابیورد» است. در «فلسفه» و «ریاضیات» صاحب فضل بود و به کتب «بوعلی سینا» اظهار علاقه می نموده است . مداح «سنجر» و بسیاری دیگر از پادشاهان و بزرگان و مردم روزگار خویش بود و استاد در «قصیده» و «قطعه» و از پیشوایان غزلسرایان. دیوانش با تصحیح انتقادی استاد مدرس رضوی در دو مجلد بطبع در آمده است .

تولد: اوائل سده ششم هجری = اواخر سده یازدهم یا اوائل سده دوازدهم میلادی.

وفات: ۵۸۱ ه. ق (برون) - ۵۸۵ ه. ق (اته) - ۵۸۷ ه. ق

(ژوکوفسکی) = ۱۱۸۵ - ۱۱۸۹ - ۱۱۹۱ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۶۵۶ تا ۶۸۱ - کارنامه بزرگان
ایران ص ۱۹۱ و ۱۹۲ - آتشکده آذر بخش ۱ ص ۲۱۳ تا ۲۵۴

انوشروان بن خالد - از کبار نویسندگان سده ششم ه. ق و از وزرای
سلاجقه است و صاحب کتابی در «تاریخ سلاجقه».

ولادت : ۴۵۹ ه. ق = ۱۰۶۶ میلادی .

وفات : ۵۳۲ ه. ق = ۱۱۳۷ میلادی در «بغداد» .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۱۰۳۹

اوحدالدین (ابو حامد) - یا (حامد کرمانی) عارف مشهور سده ششم و
هفتم ه. ق. گویند: از فرزندان «توران شاه» از سلاطین «آل سلجوق
کرمان» بوده و ولیمهدی پدر را داشته است. وی از «رکن الدین سجاسی»
خرقه و اجازه ارشاد گرفت و بصحبت «محبی الدین عربی» رسید .
در سال ۶۳۲ ه. ق «مستنصر خلیفه» وی را خلعت داد و بسمت
شیخی رباط «مرزبانیه» منصوب کرد . اهل «بغداد» نزد او میرفتند
و از مجالس او فواید برمیگرفتند . روش وی در تصوف مبتنی
بر عشق به مظاهر بود .

تولد : احتمالاً ۵۵۲ ه. ق = ۱۱۵۷ میلادی در «بردسیر

کرمان».

وفات : ۶۳۵ یا ۶۳۸ ه. ق = ۱۲۳۷ یا ۱۲۴۰ میلادی در

«بغداد» و همانجا مدفون شد .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۵۳۳ و ۵۳۴ و ۵۳۵ -

کارنامه بزرگان ایران ص ۲۳۲ و ۲۳۳ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۷۱

و ص ۱۹۳ - آتشکده آذر بخش دوم ص ۶۱۲ تا ۶۱۶

اوحدالدین مراغی - (شیخ اوحدالدین یا رکن الدین بن حسین
اوحدی مراغی اصفهانی) از شاعران معروف سده هفتم و هشتم هجری
و از عارفان مشهور عهد خویش است . صاحب «دیوان قصاید و
ترجیعات و غزلهای رباعیات» متجاوز از هشت هزار بیت - «ده نامه»
یا «منطق العشاق» . و مثنوی «جام جم» که در «آذربایجان» آن را
سروده است . وی قسمت آخر عمر خود را در «آذربایجان» بسر
آورده است .

اوحدی بسبب تولد در «مراغه» به «مراغی» یا «مراغی» و بسبب
مسکن گزیدن در «اصفهان» به «اصفهانی» مشهور آمده است . تخلص
او از لقب «اوحدالدین ابوحامد کرمانی» که بیک واسطه مریدش
بوده مأخوذ است .

ولادت : تقریباً در حدود ۶۷۳ ه. ق = ۱۲۷۹ میلادی در

«مراغه» .

وفات : ۷۳۸ ه. ق = ۱۳۳۷ میلادی در «مراغه» .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۸۳۳ و ۸۳۴ - فرهنگ معین
ج ۵ ص ۱۹۳ - آتشکده آذر بخش ۱ ص ۲۰۶ تا ۲۰۸

اهلی ترشیزی - از شعرای دربار «سلطان حسین میرزا بایقرا» و
«امیرعلیشیرنوائی» که بعنوان «تورانی» و «خراسانی» نیز معروف
است. در شاعری به «سبک هندی» یا طرز تازه متمایل بود و نثری
مصنوع و مطمئن داشت.

وفات: ۸۹۳۴.ق = ۱۵۲۷ میلادی.

ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۱۷۷ - آتشکده آذر
بخش ۱ ص ۲۶۵ و ۲۶۶

☆☆☆

اهلی شیرازی - در «تجنیس» و سایر صنایع پر تکلف بدیعی مهارت
داشت. وی در فنون شاعری توانا و در ایراد سخنان دشوار و
ابداع معانی بلند مشهور است. «دیوان غزلیات و قصاید و
رباعیات» دارد و مثنوی «سحر حلال» ازوست که آنرا در جواب
«تجنیسات» و «مجمع البحرین» «کاتبی ترشیزی» بدو بحر و دو قافیه
و دیگر مثنوی «شمع و پروانه». «اهلی» قصاید متعدد در مناقب
سروده «حضرت رسول ص» و رثاء «شهیدان کربلا» دارد. رباعیات
او بسیار است. یک مجموعه از رباعیات خود را «ساقی نامه» نام نهاده
است. وی معاصر «شاه اسماعیل اول» و اوائل روزگار «شاه طهماسب

صفوی» بوده است. پس از مرگ او را در جوار قبر «خواجہ حافظ»
مدفون گردانیدند .

وفات : ۹۴۲ھ ق = ۱۵۳۵ میلادی در «شیراز» .
ترجمہ تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۱۷۷ و ۱۷۸ - فرهنگ
معین ج ۵ ص ۲۰۳

ایران شاه (ابن ابی الخیر) - از شاعران اواخر سده پنجم و اوائل سده
ششم هجری که با سلطان «محمد بن ملکشاہ سلجوقی» معاصر بود
و گویا پس از سال ۵۱۱ھ ق (= ۱۱۱۷ میلادی) نزیسته باشد . وی
داستان «بہمن پسر اسفندیار» را «ببحر متقارب» در حدود سال ۵۰۰
ھ ق (= ۱۱۰۶ میلادی) یا اندکی پس از آن بنظم آورده است .
زندگانی: او اواخر سده پنجم و اوائل سده ششم ھ ق =
اواخر سده یازدهم و اوائل سده دوازدهم میلادی .

وفات: حداکثر ۵۱۱ھ ق = ۱۱۱۷ میلادی .
فرهنگ معین ج ۵ ص ۲۱۱

ایرج میرزا (جلال الممالک ایرج میرزا بن صدر الشعراء غلامحسین میرزا
گویند نامبردار سده اخیر است . پدرش هم شاعر بود .
وی نواده «فتحعلی شاه قاجار» است و در فارسی و عربی
و فرانسه مهارت داشت و روسی و ترکی نیز میدانست و خط را
خوب مینوشت . تحصیلاتش در «دارالفنون تبریز» صورت

گرفت. در نوزده سالگی هنگام ولیعهدی «مظفر الدین میرزای قاجار» لقب «صدرالشعرا» یافت؛ لیکن بزودی از شاعری دربار کناره جست و به خدمات دولتی پرداخت. شعرا و ساده و حاوی تعبیرات عامیانه بود. وی سبک قدیم را که در آن توانایی داشت رها کرد. چه میخواست افکار نو در شعر بگنجاند و سبکی خاص بوجود آورد. مسائل اجتماعی و کلمات نیشدار و هزل و شوخی و مضامین مختلف که گاه از ادبیات خارجی اقتباس شده بود، در شعر بگنجانید و زبان شعر را ساده کرد؛ بحدی که نزدیک بزبان تخاطب شد. شاهکار او «زهره و منوچهر» و «عارفنامه» است.

تولد: ۱۲۹۱ ه. ق = ۱۸۷۲ میلادی در «تبریز».

وفات: ۱۳۲۳ ه. ق = ۲۲ اسفند ۱۳۰۴ ه. ش =

۱۹۲۲ میلادی در «تهران». مدفون جنب مقبره «ظهیرالدوله».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۲۱۲ - تاریخ رجال ایران ج ۱ ص ۱۷۴

و ص ۱۷۵

ایلاقی (محمد بن یوسف ملقب به شرف الزمان) یا (شرف الدین). شاگرد مشهور «لوکری»، وی در مسائل نظری و عملی و حکمت و طب ماهر بود و تصنیفات بسیار داشت. از جمله: «اللواحق» - «دوست نامه» - «سلطان نامه» - «الحيوان» - «الفصول الایلاتیه» و

غیره. اودرجنگ «قطوان» که بسال ۵۳۶ ه. ق اتفاق افتاد، کشته شد.

مقتول: ۵۳۶ ه. ق = ۱۱۴۱ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۷۰ و ۲۹۴ و ۳۱۶ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۲۱۶

باباشاه اصفهانی خطاط - شاگرد «سید احمد مشهدی» بود. در «اصفهان» بدرویشی وانزوا روزگار میگذانید و از راه کتابت زندگانی میکرد. وی مؤلف رساله‌یی است بنام «آداب المشق» که بخط آن را به «میرعماد» نسبت داده‌اند. از آثار او کتابهایی است که در نهایت ملاحظت نوشته و تاریخ‌های میان ۹۷۷-۹۹۴ ه. ق دارد.

وفات: ۹۶۶ ه. ق = ۱۵۵۸ میلادی در «اصفهان».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۲۲۳

باباطاهر عریان همدانی - متصوف و ترانه‌گوی بزرگ اواسط سده پنجم، معاصر «طغرل بیک سلجوقی» است. از «باباطاهر مجموعه‌یی از کلمات قصار» «عربی» در عقاید عرفانی بجای مانده است. دیگر «مجموعه ترانه‌ها» ی اوست بلهجه لری. - بنابر مشهور «طغرل» آنگاه

که به «همدان» رفت، در حدود ۴۴۷ ه. ق، با او و «بابا جعفر» و «شیخ حمشاد» در «کوه خضر» دیدار کرد. «بابا طاهر» او را اندرز داد و سر ابریقی شکسته که سالها از آن وضو کرده بود، در انگشت سلطان کرد و گفت: «مملکت عالم چنین در دست تو کردم بر عدل باش.»

ولادت: در اواخر سده چهارم ه. ق

وفات: بنقل «هدایت» ۴۱۰ ه. ق = ۱۰۱۹ میلادی در «همدان».

والبته اشتباه است. زیرا در حدود ۴۴۷ ه. ق = ۱۰۵۵ میلادی که «طغرل» به «همدان» آمد، مسلمان حیات داشته است.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۳۸۳ تا ۳۸۶ - کارنامه بزرگان ایران ص ۱۳۶

بابا افغانی - از بنیانگذاران سبک هندی (طرز تازه) شاعر ایرانی اوائل سده

دهم ه. ق است. وی علاوه بر «شیراز» مدتی در «تبریز» در خدمت «سلطان یعقوب آق قوینلو» گذرانید. و اواخر عمر خود را در «خراسان» بعزالت سپری کرد. «افغانی»، با ذوق و شور بسیار و زبان ساده و مضمون جویی و نازك خیالی، سبکی خاص در غزل پدید آورده است که در سده های دهم و یازدهم پیروان بسیار یافته.

وفات: ۸۹۲۵ ه. ق = ۱۵۱۹ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۳۷۱ - ترجمه تاریخ ادبیات برون
ص ۱۵۴ و ۱۷۵ - دیوان بابافانی بکوشش احمدسهیلی خوانساری.

بابك خرمی یا «بابك خرم دین» یا «بابك خرم دینی» یا «عبدالله بابك»
پدرش مردی از مدائن و روغن فروش بود. در جوانی در خدمت
دهقانی بنام «جاویدان» در «اردبیل» بزراعت مشغول بود.
در زمان «مأمون خلیفه» علیه او قیام کرد و پیروان بسیاری در «آذربایجان»
گرداوجمع شدند و وی با سپاهیان و عاملان خلیفه مبارزه کرد و
از سال ۲۰۱ تا ۲۲۳ ه. ق گروهی کثیر از سپاهیان «خلفای عباسی» را
نابود ساخت. با «مازیار بن قارن» هم دست شد. «خیدر بن کاووس»
مشهور به «افشین» از طرف «معتصم خلیفه» بجنگ بابك شتافت
و «بابك» به حيله دستگیر شد و او را به «بغداد» نزد «معتصم»
فرستادند و بسخت ترین و فجیع ترین وضعی وی را بکشتند. ولی
«بابك» تا آخرین لحظه خلیفه را شمتت کرد. طرفداران «بابك»
را که سرخ می پوشیدند، در «ایران» «سرخ جامگان» و در میان تازیان
«محمرة» می گفتند. اصول عقاید «بابك» بر آیین «مزدك» و هدف او
بر هم زدن اساس خلافت و احیاء آداب و سنن ایرانی و تجدید استقلال
«ایران» است.

گویند: بدان روی پیروان «بابك» را «خرم دین» می گفتند
که پس از قتل «مزدکیان» بروزگار «انوشیروان»، همسر «مزدك» بنام
«خرمه» دختر «فاده» (= فادك) از «مداین» بگریخت و در «ری» ظهور

کرد و بعدها «خرم‌دینان» نام خود را از نام وی که «خرمه» بود گرفتند.

مقتول: ۲۲۳ هـ. ق = ۸۳۷ میلادی به فرمان «معتصم».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۲۲۴ - تاریخ برگزیدگان ص ۱۳۴ و ۱۳۵
نشریه لاینز ایران باشگاه بابک شمارة مخصوص کنگره سالانه ۱۳۵۲ ص
۵۲ تا ۴۵ مقاله بعنوان «شیرمردی از آذربایجان» از حسن سادات ناصری -
بابک خرم دین دلاور آذربایجان از استاد سعید نفیسی - لغت نامه دهخدا

باخرزی (ابوالقاسم علی بن الحسن بن ابی الطیب) - از شاعران و
نویسندگان بزرگ پارسی گوی و تازی سرای «ایران» در سده پنجم
هـ. ق است. وی نخست شاگرد «شیخ ابی محمد جوینی» پدر
«امام الحرمین جوینی» بود و باتباع در علم دین بزودی از آن
منصرف شد و بعلوم ادبی پرداخت و در شعر و کتابت تازی و
پارسی شهرت گرفت. بنابه نوشته «عوفی»: «باخرزی» در جوانی
کاتب «سلطان رکن الدین طغرل سلجوقی» بود، لیکن انزو اختیار
کرد و دست از کار بکشید و «روز و شب با حریفان اهل و ظرفان
بافضل بمعاشرت عمار و معاشقت دلدار مشغول شد....» و قتل او
هم در یکی از همین مجالس انس بردست ترکی بسال ۴۶۷ هـ. ق
(ابن خلکان) یا ۴۶۸ هـ. ق (عوفی) اتفاق افتاد.

«دیوان تازی باخرزی» هم از روزگاران قدیم شهرت
یافت. اثر مشهور او کتاب معتبر و معروف «دمية القصور و عصره

اهل العصر» است که از جمله مشهورترین کتب در ذکر احوال و آثار ادبای تازی گوی است و بمنزله ذیلی است «بریتیمه الدهر ثعالبی» و همین کتاب است که «علی بن زید البیهقی» کتاب «وشاح الدمیه» را بعنوان ذیل آن تألیف کرد. «عوفی» مجموعه‌ای از رباعیات پارسی اورا بنام «طرب نامه» ذکر کرده و چند رباعی از آن در «لباب الالباب» آورده است.

مقتول : ۴۶۷ یا ۴۶۸ هـ . ق = ۱۰۷۴ یا ۱۰۷۵ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۱۰۳۷ و ۱۰۳۸ - فرهنگ معین

ج ۵ ص ۵۳۹

باقرخان سالارملی - از اهالی «تبریز» و در «انقلاب مشروطیت ایران» یکی از دو مدافع معروف «تبریز» بود. وی در اوائل کار به بنائی روز میگذاشت و از بزن بهادران محله «خیابان تبریز» و مدتی هم کدخدای آن محلت بود و مدتی هم فراشی «مظفرالدین میرزا» و لیعهد میکرد. وی دوش بدوش «ستارخان» مدت یازده ماه تمام از تاریخ ۲۳ جمادی - الاولی ۱۳۲۶ هـ . ق تا اواسط ربیع الثانی ۱۳۲۷ هـ . ق در برابر نیروی دولتی بهمراهی اکثریت مردم از جان گذشته «تبریز» از این شهر مردانه دفاع نمود و کار ایشان به فتح ملیون منتهی شد. وی پس از برافتادن «محمدعلی شاه قاجار» همراه «ستارخان» محترماً به «تهران» آمد و پس از قضیه «پارک اتابک» هنگام مهاجرت ملیون از «تهران» به «کرمانشاهان»، هنگام بازگشت به «تهران» در نزدیکی مرز در

«قصر شیرین» با ۱۸ نفر از مجاهدان و کسان در قلعه و خانه «شیخ وهاب»
و «محمد امین کرد طالبانی» چند روزی بماند و صاحب خانه
(محمد امین) بطمع اموال آنان شبانه جملگی را بقتل رسانید .
مقتول : ۱۳۳۵ هـ . ق = ۱۹۱۶ میلادی .

تاریخ رجال ایران ج ۱ ص ۱۷۹ و ۱۸۰ - تاریخ برگزیدگان
ص ۱۴۸ و ۱۴۹ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۱۱

بایسنقر میرزا - فرزند «شاهرخ بن امیر تیمور گورکان»، از شاهزادگان
خوش طبع و هنرمند و هنرپرور و کتاب دوست بود . در دربار
وی چندان خوشنویس و نقاش و موسیقی‌دان و دیگر هنرمندان
بوده اند که در هیچ دوره‌ای در میان امراء پیش از او آن مایه هنرمند
نبوده و سرپرستی جمله این هنرمندان با «میرزا جعفر تبریزی
بایسنقری» خوشنویس معروف و نویسنده نسخه «شاهنامه فردوسی»
مشهور به «بایسنقری» بوده است . «بایسنقر» در خطوط اصول
شاگرد «شمس الدین محمد» و در خط ثلث از خوشنویسان برجسته
است . کتیبه پیش طاق «مسجد گوهرشاد» در آستان قدس رضوی از
آثار جاویدان اوست . «قرآن» بزرگی نیز نوشته است که مدتها
در «مسجد قوچان» بود و امروز اوراق پراکنده آن را بگران‌ترین قیمتها
می‌خرند .

تولد : ۸۰۲ هـ . ق = ۱۳۹۹ میلادی .

وفات: ۸۳۷ هـ. ق = ۱۴۳۳ میلادی.

صاحب «حبیب السیر» ماده تاریخ وفات اورادر ابن قطعه

بیاورده است :

سلطان سعید « بایسنقر » سحرم

گفتا که: بگو به اهل عالم خبرم

من رفتم و تاریخ وفاتم این است :

« بادا بجهان عمر دراز پدرم ».

از سعدی تاجامی ج ۲ ص ۱۵۶ و ۵۰۹ و ۵۲۹ و ۵۳۷ و ۵۳۸ و

۵۵۴ و ۵۵۵ و ۶۱۰ و ۶۱۵ و ۶۶۲ - کارنامه بزرگان ایران ص ۳۶۹

بحر العلوم - آية الله سيد محمد مهدی بن مرتضی بن محمد بن

عبدالکریم حسنی طباطبائی بر و جردی الاصل نجفی المسکن، از

سوی جده های مادری بخاندان «مجلسی» منتسب است. از مجتهدان

بنام شیعه است.... از مؤلفات او «اثنی عشریات» (مراثی) - «اجتماع

الامر والنهی» «ارجوزه فی الجمل والعقود» - «اصالة البراهة»

«تاریخ مکه ومسجد الحرام» که موسوم به «تحفة الکرام» است .

«الاجازات» «الفوائد الرجالية» و جزاینها.

تولد: ۱۱۵۴ یا ۱۱۵۵ هـ . ق = ۱۷۳۱ یا ۱۷۳۲ میلادی

در «کربلا» .

وفات: نجف ۱۲۱۲ هـ. ق = ۱۷۹۷ میلادی در «نجف» و

نزدیک قبر «شیخ طوسی» مدفون است .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۲۴۴ - ریحانة الادب ج ۱ ص ۱۴۸ و
۱۴۹ - ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۲۸۵ - کارنامه بزرگان
ایران ص ۴۱۹

بدایع نگار - (محمد ابراهیم نواب پسر آقا محمد مهدی نواب) از منشیان و
مورخان و شعرای عهد «ناصرالدین شاه» و مؤلف مقتل معروف به
«فیض الدموع» و مترجم «نامه حضرت امیر المؤمنین علی (ع) به
مالك اشتر» و مؤلف کتابی در تاریخ بنام «عقد اللالی» .

وفات : نیمه ماه ربیع الاول سال ۱۲۹۹ ه . ق = ۱۸۸۱
میلادی در «تهران» و در «نجف» مدفون شده است .

تاریخ رجال ایران ج ۳ ص ۲۹۱

بدرالدین جاجرمی (ملك الشعراء بدرالدین بن عمر جاجرمی) از
شاعران معروف سده هفتم ه . ق سفینه «مونس الاحرار» ازوست .

وفات : ۶۸۶ ه . ق = ۱۲۸۷ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۵۳۱ و ۵۵۰ - مونس الاحرار
باهتمام میر صالح طیبی در دو مجلد .

بدیع الزمان ابو عبدالله حسین بن ابراهیم نطنزی - از ادبا و لغت نویسان بزرگ سده پنجم هجری است. بتازی و پارسی شعر میسرود. از این رو به «ذواللسانین» و «ذوالبیانین» شهرت یافته است. از آثار او «دستور اللغة» یا «کتاب الخلاص» است. که متن آن در لغت تازی است و یک پیش گفتار و یک خاتمه در صرف و نحو تازی دارد. گفتارها بتازی و واژه ها بفارسی گزاری شده است و بسیاری از قواعد دستوری را بنظم آورده. این کتاب نزدیک به هفت هزار بیت نوشته دارد. و بحدس بعضی برای «خواجه نظام الملک» نوشته آمده است و شاعری درباره این کتاب گفته:

کتاب الخلاص کتاب به

خلاص النطنزی يوم الحساب.

کتاب دیگر که بحدس قریب به یقین ازوست: کتاب «مرفقات» یا «صحائف» است که آن را مؤلف برای مبتدیان در دروازده باب ساخته و این تقسیم بندی در دیباچه «دستور اللغة» نیز دیده میشود.

وفات: محرم ۴۹۷ یا جمادی الثانیة ۴۹۹ هـ ق = ۱۱۰۳

یا ۱۱۰۵ میلادی.

مقدمه لفت نامه دهخدا ص ۲۷۰ تا ۲۷۳ - تاریخ ادبیات در ایران
 ۲۳ ص ۳۱۸ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۳۰ - کتاب المرفقات بتصحیح
 دکتر سید جعفر سجادی طبع بنیاد فرهنگ ایران.

بدیع الزمان فروزانفر - فرزند آقا شیخ علی در آبادی «زیرک» از محال

«بشرویه» در خانواده‌یی اهل دانش از مادر بزاد . تحصیلات خود را نخست در مولد خویش و سپس در «مشهد» محضر درس استاد شهیر «شیخ عبدالجواد» مشهور به «ادیب نیشابوری» (م/ ۱۳۰۵ ه . ش) ادامه داد. در سال ۱۳۰۴ ه . ش در بیست و شش سالگی به «تهران» آمد و در «مدرسه عالی سپهسالار» حجره‌یی بگرفت و بادامه مطالعه و استفاده از محضر استادانی چون: «سید کاظم عصار» و «میرزا طاهر تنکابنی» پرداخت . چندی معلم ادبیات «مدرسه دارالفنون» بود، بعد استاد «دانشگاه تهران» شد و سالیان دراز «معاون و رئیس» دانشکده الهیات و معارف اسلامی» (معقول و منقول) بود . وی از استادان بنام «دانشگاه تهران» بشمار می‌آمد و قدرت اندیشه و وسعت و حدت حافظه‌اش او را از همگان ممتاز می‌ساخت . در دوره اول مجلس سنا «سناتور انتصابی» گشت و پس از بازنشستگی از خدمات دانشگاهی «استاد ممتاز» شد. و از طرف وزارت دربار - شاهنشاهی به ریاست «کتابخانه سلطنتی» منصوب آمد.

از آثار اوست : ۱ - «سخن و سخنوران» ۲ - «جزوه تاریخ ادبیات از انتشارات مؤسسه وعظ و خطابه» ۳ - «رساله در احوال و آثار مولانا جلال الدین» ۴ - «فرهنگ تازی بهارسی ج اول» ۵ - شرکت در تألیف «دستور پنج استاد» ۶ - یک دوره کتاب «قراءت فارسی برای دبیرستانها» با همکاری دیگران در پنج جلد ۷ - «تصحیح معارف بهاء ولد در دو مجلد» ۸ - «تصحیح معارف برهان الدین محقق ترمذی» ۹ - «تصحیح

فیه مافیہ مولانا جلال الدین « ۱۰ - « تصحیح مصباح الارواح »
 ۱۱ - « تصحیح ترجمه رساله قشیریه » ۱۲ - « خلاصه و شرح دو
 دفتر اول مثنوی » برای دبیرستانها ۱۳ - « شرح مثنوی شریف » که
 سه مجلد آن در شرح دفتر اول مثنوی بطبع رسیده است ۱۴ - تصحیح
 « کلیات شمس مولانا جلال الدین » در هشت مجلد ۱۵ - « شرح
 احوال و تحلیل آثار عطار نیشابوری » ۱۶ - « ترجمه و شرح
 حی بن یقظان بوعلی سینا » ۱۷ - « مجموعه مقالات » که جداگانه
 بطبع رسیده است و جزاینها.

این استاد « قرآن مجید » را به فارسی خوش و شیرین و استادانه ترجمه
 کرده است و برای طبع بوزارت فرهنگ و هنر سپرده.
 تولد : ۱۳۱۷ ه. ق. = ۱۲۷۸ ه. ش. = ۱۸۸۹
 میلادی در « زیرک بشرویه خراسان ».

وفات : ۱۳۸۹ ه. ق. = ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۹ ه. ش.
 = ۱۹۷۰ میلادی در « تهران » مدفون در « حضرت عبدالعظیم » .
 آرامگاه « مهبد » . - یادداشت های حسن سادات ناصری

بدیع الزمان نطنزی

رک : بدیع الزمان ابو عبدالله حسین بن ابراهیم نطنزی
 کتاب حاضر ص ۲۱۸

بدیع الزمان همدانی (ابو الفضل احمد بن حسین بن سعید بن بشر
 همدانی) ملقب به « بدیع الزمان » شاعر و نویسنده معروف ایرانی

بزبان‌تازی است. وی شاگرد «ابن فارس رازی» (م/ ۳۹۰ هـ.ق) بود و از محضر «ابوبکر خوارزمی» (م/ ۳۸۳ هـ.ق) فایده‌ها برد. بسال ۳۸۰ به «ری» آمد و نزد «صاحب بن عباد» (م/ ۳۸۵ هـ.ق) مقرب گشت و از آنجا به «گرجان» رفت و بسال ۳۸۲ هـ.ق به «نیشابور» شد و با «ابوبکر خوارزمی» مناظره کرد و و سپس سفرهایی بشهرهای «خراسان» کرد. از آثار او «مقامات» است که بنام «خلف بن احمد» (م/ ۳۹۹ هـ.ق) نوشت و در این کار او را «مبدع» شمرده‌اند. دیگر «مجموعه رسائل یامکاتیب» اوست. «دیوان اشعار» وی نیز بدست است.

ولادت: ۳۵۸ هـ.ق = ۹۶۸ میلادی.

وفات: ۳۹۸ هـ.ق = ۱۰۰۷ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۶۴۰ - کارنامه بزرگان ایران ص ۵۹ و ۵۸ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۲۴۸ - بدیعات الزمان بحث تاریخی فی مقامات الهمدانی بقلم الدكتور فیکتور الکک.

بدیع بلخی - (ابو محمد بدیع بن محمد بن محمود بلخی) از شاعران معاصر «ابویحیی طاهر بن فضل بن محمد چغانی» و نیز معاصر «دقیقی» و «منجیک» بوده است.

وفات: ۳۸۱ هـ.ق = ۹۹۱ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۴۲۲ و ۴۲۳

برهان‌الدین محقق ترمذی - لالا و استاد و پیر و مرشد «مولانا خداوندگار
جلال‌الدین محمد بلخی» است. مجموعه مواعظ و کلمات او
بعنوان «معارف» به‌مراه «تفسیر سورة محمد وفتح» با تصحیحات
و حواشی استاد اجل شادروان «بدیع الزمان فروزانفر» بسال
۱۳۳۹ هـ . ش بطبع رسیده است .

وفات : ۶۳۸ هـ . ق = ۱۲۴۰ میلادی .

معارف سید برهان‌الدین محقق ترمذی - ترجمه مقدمه رومی
نیکلسن ص ۵

برهان‌الدین نفیس بن عوض کرمانی - صاحب «شرح قانون» مؤلف
بسال ۸۴۱ هـ . ق = ۱۴۳۷ میلادی و شرح «الاسباب والعلامات
نجیب‌الدین سمرقندی» مؤلف بسال ۸۲۷ هـ . ق ۱۴۲۳ میلادی .
زندگانی : سده نهم هجری = سده پانزدهم میلادی .
تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۵۷

برهان بلخی (مولانا برهان‌الدین مظفر بن شمس بن علی بن حمیدالدین
بلخی) متخلص به «برهان» که نژادش به بیست واسطه به «ابراهیم
ادهم» میرسد . از شاعران متوسط سده هشتم هجری است که
زندگانی وی در «هندوستان» گذشت .

او از مریدان «شرف‌الدین احمد بن یحیی» از مشایخ
سرزمین «بهار» بود و چند گاهی در «مکه» بگذرانید . از وی «دیوان

اشعار» - «مجموعه نامه‌ها و رساله‌بی در بدایت و نهایت درویشی»
 باقی مانده است. و جزاینها، کتب و رسالاتی داشته که از میان رفته
 است. اشعار «برهان بلخی» از حیث ارزش ادبی متوسط و بیشتر
 مقصور است بر بیان مطالب عرفانی در صورت غزلیات عاشقانه یا
 صوفیانه.

وفات: ۵۷۸۸. ق = ۱۳۸۶ میلادی و بنا بر بعض اقوال
 ۵۸۰۳. ق = ۱۴۰۰ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۱۰۵۶ تا ۱۰۶۸

برهان رازی (ابوالرشید مبشر بن احمد بن علی) - معروف به «برهان»
 اصلش از «ری» است. وی هوش و ذکاوتی وافر داشت و در غالب
 علوم زمان خود خاصه در ریاضیات، یعنی، «حساب» و
 «هندسه» و هیأت و «نجوم» تبحر یافت. در دستگاه خلیفه
 «الناصر لدین الله» منزلتی داشت. از وی تألیفاتی نمانده است، اما
 حوزه درس ریاضی داشته. انتخاب کتب برای «وقف نظامیه»
 بغداد از طرف خلیفه باو محول شد.

تولد: ۵۳۰. ه. ق = ۱۱۳۵ میلادی.

وفات: ۵۸۹. ه. ق = ۱۱۹۳ میلادی در «موصل».

کارنامه بزرگان ایران ص ۲۸۰ و ۲۸۱

برهانی (امیرالشعراء عبدالملك برهانی) از جمله شاعران متقدم عهد سلجوقی است و پدر «امیرمعزی نیشابوری».

وفات: نیمه دوم سده پنجم هجری = نیمه دوم سده یازدهم میلادی در «قزوین».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۴۳۱

بزرجمهر قاینی (امیرابومنصور بزرجمهرقسیم بن ابراهیم) از شاعران وادیان و امیران دوره «سبکتکین» و «محمود غزنوی» و در شعر تازی و فارسی استاد بود.

زندگانی: نیمه دوم سده چهارم ه. ق و اوائل سده پنجم ه. ق = نیمه دوم سده دهم و سرآغاز سده یازدهم میلادی

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۵۷۰ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۲۶۷

بساسیری از پیروان «مستنصر بالله فاطمی» بود. در حدود سال ۴۴۸ ه. ق فتنه‌یی عظیم برپا کرد و «واسط» را بگرفت و بر «بغداد» مستقر خلیفه عباسی استیلا یافت (۴۵۰ ه. ق) و خلیفه القائم بامر الله (۴۲۲-۴۶۷ ه. ق) را از «بغداد» بیرون راند و نامش را از خطبه بیفگند و بنام «مستنصر» خطبه خواند و آیات سپید را که شعار «علویان» بود بجای شعار «عباسی» برافراشت و فرمود تا بر منابر «آل علی» را تبجیل کردند و در

مساجد بآیین شیعه در اذان «حی علی خیر العمل» گفتند. ولی بعدها
خلیفه عباسی یوسیفه «طغرل سلجوقی» «بساسیری» را از «بغداد»
دور ساخت و وی در ۴۵۱ ه. ق کشته شد.

مقتول: ۴۵۱ ه. ق = ۱۰۵۹ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۲۶۸

بشار بن برد - مکی بنی به «ابو معاذ» ملقب به «مرعث» (= گوشواره دار) شاعر
بزرگ و خطیب و ادیب نامدار تازیگوی از شاهزادگان «تخارستان»
است. از مادر نابینا بزاد. در کودکی با سارت در میان «بنی عقیل بن»
کعب آمد و در این قبیله تربیت شد. او را پیشرو شعراء «محدثین»
شمرده اند. در تفاخر به نسب خود و «تحقیر» تازیان و وصف جواری
و کنیزکان و اظهار «زندقه» و هجو و آوردن تشبیهات و استعارات
دقیق و حکم و امثال مشهور است. سه مجلد از دیوان مفصل او در
«قاهره» بچاپ رسیده است. «مهدی» خلیفه و «خالد برمکی» از جمله
ممدوحان او هستند. با اتهام زندقه بفرمان «مهدی» در «بطائح» به
باتلاقی افکنده شد.

تولد: ۸۹۶ ه. ق = ۷۲۴ میلادی.

مقتول: ۸۶۷ ه. ق = ۷۸۳ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۳ و ۲۴ و ۲۷ و ۳۰ و ۱۹۱-

دائرة المعارف ج ۱ ص ۴۳۰

بشر حافی (ابونصر بشر بن حارث بن عبدالرحمن بن مروزی بغدادی) معروف به «حافی» در یکی از قرای «مرو» بنام «بکرد» در سه فرسنگی «مرو» و یا «ما برسام» در چهار فرسنگی «مرو» روی داد. وی مردی زاهد و صوفی و محدث بود. هجده مجلد کتاب حدیث خود را دفن کرد. «ماثورات» و «منقولات» او در همه کتب عرفان و تصوف آمده است.

تولد: احتمالاً ۱۵۲ هـ ق. = ۷۶۹ میلادی.

وفات: روز چهارشنبه دهم محرم ۲۲۷ هـ ق. = ۸۴۱

میلادی در «بغداد».

کارنامه بزرگان ایران ص ۵۳ و ۵۴ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۴۳۰

بقلی (شیخ صدرالدین ابومحمد روزبهان بزرگ فرزندی نصر فرزند روزبهان سایر بقلی دیلمی فسایی شیرازی) چون وی در آغاز دکانی داشت که در آن بقول می فروخت، به «بقلی» معروف آمد. وی به «شیخ شطاح» و «شیخ روزبهان» نیز معروف است. آثار او: «لطائف الایمان فی تفسیر القرآن» و «عرائس البیان فی حقائق القرآن» است. در این تفسیر نخست رأی خویش و آنگاه تأویلات مشایخ تصوف را در باره هر آیه ذکر میکند. نسخ متعدد از آن در دست است و بطبع رسیده. «الموشح فی مذاهب الاربعة» و «عبر العاشقین» و

«شرح شطحیات» بفارسی و دیگر کتاب «طواسین»...

ولادت : ۵۲۲ هـ ق = ۱۱۲۸ میلادی در «فسا» .

وفات : نیمه محرم ۵۶۰ هـ ق = ۱۲۰۹ میلادی در «شیراز» .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۲۷۳ و ۱۶۶ - شرح شطحیات تصنیف شیخ
روز بهان «بقلی شیرازی» بتصحیح هنری کربن - روز بهان نامه
بکوشش محمدتقی دانش پژوه - «بهرالماشوقین بتصحیح هنری کربن»
و دکتر محمد معین .

بلعمی (ابوالفضل محمد بن عبدالله) بمناسبت انتساب او و نیاکان او به

«بلعمان» از قرای «مرو» و بقولی بسبب نسبت وی به «بلعم» از

بلاد «روم»، به «بلعمی» شهرت یافت . وی از ادبا و رجال

معروف عهد سامانی و وزیر «اسماعیل بن احمد سامانی»

و پسرش «احمد» و پسر «احمد» «نصر» بود و در ۳۲۶ هـ ق از

وزارت برکنار شد . او پدر «ابوعلی بلعمی» است .

«ابوالفضل بلعمی» ممدوح «رودکی» بود و این استاد

بدستور وی کتاب «کلیله و دمنه» را بنظم فارسی در آورد .

«بلعمی»، گذشته از شاعر پروری و ادب دوستی، به آبادانی

نیز همت گماشت و «اصطخری» از بناهایی که به فرمان او در «بخارا»

بنیاد گرفته بود، یاد کرده است .

وفات : شب دهم صفر ۳۲۹ هـ ق = ۹۴۰ میلادی .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۲۷۶ - تاریخ برگزیدگان ص ۱۶۵ -
دائرة المعارف ج ۱ ص ۲۷

بلعمی (بلعمی دوم) (ابوعلی محمد بن محمد بن عبدالله) مشهور به «امیرک»
وزیر «منصور بن نوح سامانی» و پسر «ابو الفضل محمد بن عبدالله
بلعمی» است. چندی وزیر «عبدالملک بن نوح» و «منصور بن نوح»
بود و فرمان پادشاه اخیر بترجمه و تألیف «تاریخ بلعمی» مبادرت
کرده است، و این کار را بسال ۳۵۲ پایان رسانیده. «تفسیر طبری»
نیز با نظارت او ترجمه شد.

وفات: ۳۶۳ هـ . ق = ۹۷۳ میلادی به قول «گردیزی».
دائرة المعارف ج ۱ ص ۳۳ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۲۷۶ - کارنامه
بزرگان ایران ص ۳۷۸

بلفرج رونی (ابو الفرج بن مسعود رونی) از استادان مسلم شعر فارسی
در دوره دوم غزنوی است. مولد او را در «لاهور» یا بروایت اصح
در «رونه» از نواحی نزدیک «نیشابور» گفته اند. بدربار «سلطان
ابراهیم بن مسعود غزنوی» راه یافت. «مسعود سعد» خود را شاگرد او
خوانده است. «دیوان ابو الفرج» مورد علاقه «انوری» بوده است،
و شعر «ابو الفرج» نزد وی مثل متانت و استحکام شمرده آمده. دیوان
«ابو الفرج» باهتمام «پرسور چایکین» و آقای «محمد علی ناصح» در

حدود دوهزار بیت بطبع رسیده است.

وفات : بعد از سال ۴۹۲ هـ . ق = ۱۰۹۸ میلادی .

وبقولی ۵۲۵ هـ . ق = ۱۱۳۰ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۴۷۰ تا ۴۷۶ - دائرة المعارف

ج ۱ ص ۲۷۲۶ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۹۱

بنی موسی - پسران « موسی بن شاکر خراسانی » یا « بنی منجم » یا

« بنی شاکر » (محمد ، احمد ، حسن) پسران موسی بن شاکرند .

« موسی » خود در « علم هندسه » استاد بود و فرزندان او از جمله

دانشمندان بزرگ « ایران » در سده سوم هـ . ق بشمار میروند و از آن میان

« محمد بن موسی » از همه مشهورتر است . و از آثار او کتاب

« المخروطات » در دست است . دیگر از کتب « بنی موسی » کتاب

« معرفة الاشكال البسيطة والكرية »

وفات محمد : ۲۵۹ هـ . ق = ۸۷۲ میلادی .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۲۸۸ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۴۵۵

بوجعفر ك مقبرى بيهقى

رك : ابوجعفر احمد بن على بن محمد المقرئ البيهقى

بوشکور بلخی معاصر «رودکی» و اوایل عهد «فردوسی» است. اثر معروف او «آفرین نامه» است که در حدود ۳۳۳ ه. ق = ۹۴۲ میلادی یا ۳۳۶ ه. ق = ۹۴۷ میلادی بنظم آن مشغول بوده و ظاهراً «بوشکور» مثنویهای دیگری هم داشته است .

زندگانی : تا سال ۳۳۶ ه. ق = ۹۴۷ میلادی از زندگانی او خبر داریم .

گنج سخن ج ۱ ص ۲۱ تا ۲۵ - تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۴۰۳ تا ۴۰۸ - اشعار پراکنده بکوشش استاد ذیلبرلازار ص ۷۸ تا ۸۷

ابونصر مشکان

رک: ابونصر منصور بن مشکان

به آفرید - پسر «ماه فروردین» ایرانی خراسانی از مردم «زوزن» در قرن اول و دوم هجری میزیست. وی در زمان «ابومسلم خراسانی» آیینی جدید آورد و مبنای آن همان دیانت «زرتشت» بود که با تعلیمات اسلام ممزوج شده . کتاب مذهب او بفارسی بود. او دستود داد پیروانش «خورشید» را پرستش کنند . و ثروتشان نباید از ۴۰۰ درهم افزون باشد پیروان او را «به آفریدیه» گویند. «موبدان زرتشتی» با او مخالفت کردند و او رانزد «ابومسلم»

بردند و فرمان وی کشته شد. خلاصه‌ی از تعالیم» به آفرید» را
«ابوریحان بیرونی» در «آثار الباقية» بیاورده است.

زندگانی : نیمهٔ دوم سدهٔ اول و نیمهٔ اول سدهٔ دوم
هجری = نیمهٔ دوم سدهٔ هفتم و نیمهٔ اول سدهٔ هشتم میلادی.

وفات: پیش از سال ۵۱۳۷ ق. = ۷۵۴ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۳۰۳ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۴۷۶

بهاء الدین ابوبکر محمد بن احمد بن ابی بشر الخرقی المروزی
منسوب به «خرق» از قراء «مرو» بسال ۵۳۶ ه. ق با «اتسز» به «خوارزم»
رفت. در تاریخ و جغرافیا و ریاضی تألیفات فراوان دارد. از آثار او
«منتهی الادراك فی تقسیم الافلاك»، «التبصرة فی علم الهیئة» که
مختصری از کتاب مذکور اوست. و «ویدمن» Wiedmann آنرا
ترجمه کرده است ...

وفات: ۵۳۳ ه. ق = ۱۱۳۸ میلادی. بقول «حاج خلیفه».

وفات: ۵۳۶ ه. ق = ۱۱۴۱ میلادی. بقول «ابن اثیر».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۳۰۹

بهاء الدین زکریای مولتانى از مشایخ «سلسلهٔ شهروردیهٔ مقیم هندوستان»
رك : زکریای مولتانى (بهاء الدین مشهور به بهاء الحق)

بهاء الدین (شیخ الاسلام) شیخ محمد بن حسین بن عبدالصمد عاملی
منسوب به «جبل عامل» معروف به «شیخ بهائی» دانشمند بنام عهد
«شاه عباس بزرگ». پدرش «عزالدین حسین» به «ایران» مهاجرت
کرد و «بهاء الدین» در «ایران» نشأت یافت و در علوم مختلف آگاهی
فراوان بدست آورد و بیشتر کوشش او در فقه و حکمت و ریاضیات
بود و تألیفاتی بتازی و فارسی دارد که مجموع آنها به ۸۸ کتاب
و رساله بالغ میشود. از آن جمله منظومه های «نان و حلوا» و
«شیر و شکر» و کتب: «جامع عباسی» - «خلاصة الحساب» -
«تشریح الافلاک» - «مفتاح الفلاح» - «کشکول» و عده ای از
دانشمندان نزد او شاگردی کرده اند. مانند: «ملاحسن فیض»، «سید
ابوعلی ماجد بحرانی» - «مجلسی اول» - «ملاخلیل قزوینی» -
«ابن خاتون» و غیر از اینها.

تولد: غروب روز پنجشنبه هفدهم ذی الحجة ۹۵۳ ه. ق =
۱۵۴۶ میلادی در شهر تاریخی «بعلبک لبنان».

وفات: روز سه شنبه دوازدهم شوال ۱۰۳۱ ه. ق = ۱۶۲۲
میلادی یا ۱۰۳۰ ه. ق = ۱۶۲۱ میلادی در «اصفهان».
مرقدش در «آستان قدس رضوی» است.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۳۰۰ - کارنامه بزرگان ایران ص ۳۲۴ و
۳۲۵ - آتشکده آذربخش سوم ص ۹۲۶ و ۹۲۷ - ترجمه تاریخ ادبیات
برون ج ۴ ص ۱۹۱ و ۳۰۰

بهاء الدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب

رک : ابن اسفندیار.

بهاء الدین محمد بن علی بن محمد بن الحسن الظهیری الکاتب

سمرقندی - از کتاب مشهور سده ششم ه. ق است . آثارش:

«اغراض السياسة» - «سمع الظهیر فی جمع الظهیر» - «سند بادنامه».

وفات: اواخر سده ششم ه. ق = اواخر سده دوازدهم

میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۹۹۹ تا ۱۰۰۳

بهاء الدین محمد بن مؤید البغدادی - نویسنده و شاعر ایرانی در سده

ششم هجری. منشی «علاء الدین تکش خوارزمشاه» (۵۶۸-۵۹۶ ه. ق)

و صاحب کتاب «التوسل الی الترسل» در پایان زندگانی به

حبس افتاد.

وفات: تا سال ۵۸۸ ه. ق = ۱۱۹۲ میلادی زنده بوده است.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۹۷۳ و ۹۷۴ - التوسل الی

الترسل یا مقابله و تصحیح احمد بهمنیار اسفندماه ۱۳۱۵ ه. ش - دائرة المعارف

ج ۱ ص ۴۷۴

بهاء الدین نقشبند (بهاء الدین محمد بن محمد بخاری نقشبند)
 مؤسس «سلسله نقشبندیه» است . وی را نظر قبول از «خواجه
 محمد بابا ساسی» بود و او گفت که : زود باشد که «قصر هندوان»
 «قصر عارفان» شود . بحسب صورت از «سید امیر کلال» تعلیم
 آداب طریقت گرفت ، ولی در حقیقت او یسی بود . وی مریدان بسیار
 داشت . از جمله : «خواجه علاء الدین عطا» و «خواجه محمد پارسا»
 که هر دو از جانشینان وی اند . طریقه او به «بایزید بسطامی» عارف و
 صوفی مشهور میرسد . حکایات و احوالات و مآثورات « او را
 جمع آوری کرده اند . دو کتاب «دلیل العاشقین» در تصوف و
 «حیات نامه» در نصایح و مواعظ بدو منسوب است .

تولد : محرم ۷۱۸ ه . ق = ۱۳۱۸ میلادی در ده «قصر
 عارفان» به یک فرسنگی «بخارا» .

وفات : شب دوشنبه سوم ربیع الاول ۷۹۱ ه . ق = ۱۳۸۹
 میلادی در «قصر عارفان» و مزارش بدانجا است .

کارنامه بزرگان ایران ص ۲۷۳ و ۲۷۴ - نور و ظلمت ص ۱۶۸

بهاء الدین ولد (سلطان العلماء بهاء الدین محمد بن حسین خطیبی بلخی)
 از مشایخ بزرگ تصوف در نیمه دوم سده ششم ه . ق و اوائل سده
 هفتم ه . ق پدر «مولانا جلال الدین محمد بلخی» (م/ ۶۷۲ ه . ق) .
 صاحب کتاب «المعارف» است که با اهتمام استاد اجل شادر و ان «بدیع
 الزمان فروزانفر» در دو مجلد بسالهای ۱۳۳۳ ه . ش و ۱۳۳۸ ه . ش هر

چهار جزو آن بطبع رسیده و مشحون بر مواعظ و سخنان نغز و شیوای او در مطالب عرفانی و دارای اهمیت و مزایای بسیار ادبی و خصائص دستوری و نوادِر لغات و تعبیرات است و با «مثنوی شریف مولانا» ارتباطی فراوان دارد.

وفات: ۵۶۲۸ ه. ق = ۱۲۳۰ میلادی در «قونیه»
تختگاه سلاطین سلجوقی «آسیای صغیر».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۵۸

بهار (ملك الشعراء محمد تقی بن ملك الشعراء محمد كاظم صبوری) شاعر بزرگ و نامدار عصر ما. وی در عین حال استادی و یگانگی در شاعری، محقق و نویسنده و «استاد دانشگاه» و «روزنامه نگار» و مرد سیاست و ادب بود. شش دوره بوکالت مجلس و یکبار بوزارت فرهنگ رسید. «بهار» در شعر شیوه فصیح قدما را با آوردن معانی نو و تازه به نیکوترین صورتی بیان کرده است و از زبان متداول لغات و تعبیرات و اصطلاحاتی را در اشعار خود بعاریت گرفته. - «بهار» با اطلاعی که از «زبان پهلوی» داشت، بایجاد ترکیبات جدید و استعمال مجدد برخی از واژه‌های متروک توفیق یافت.

آثار او: «دیوان اشعار» در دو مجلد - تصحیح و تحشیه «تاریخ سیستان» و «مجمل التواریخ والقصص» و تألیف «سبک شناسی» در سه مجلد و «تاریخ احزاب سیاسی» و طبع و نشر روزنامه‌های

«تازه بهار» و «نوبهار» و «مجله دانشکده» و ...

تولد : ۱۳۰۴ هـ . ق = ۱۲۶۶ هـ . ش = ۱۸۶۶

میلادی در «مشهد مقدس»

وفات : ۱۳۷۰ هـ . ق = ۱۳۳۰ هـ . ش = ۱۹۵۱

میلادی در «تهران».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۳۰۰ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۴۷۵ و ۴۷۶

بهیبهانی (آیه الله سید عبدالله) از روحانیون طراز لول «تهران» و رهبر

شجاع آزادی خواهان در انقلاب مشروطیت است. بوی باهمکاری

«سید محمد طباطبائی» با نیروی استبداد مبارزه کرد. در ۱۲۸۸

هـ . ش در خانه خود بوسیله چندتن تروریست کشته شد .

مقتول : رجب ۱۳۲۸ هـ . ق = ۲۴ تیر - ماه ۱۲۸۸

هـ . ش = ۱۹۱۰ میلادی در «تهران».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۳۰۲ - تاریخ برگزیدگان ایران ص ۱۴۱

تا ۱۴۴

بهرام پژدو «شاعر زرتشتی» او اسط سده هفتم هجری، صاحب «بهاریات

بهرام پژدو» که در سال ۶۵۴ هـ ق = ۱۲۵۶ میلادی بنظم آورده

است .

زندگانی: سدهٔ هفتم ه. ق = سدهٔ سیزدهم میلادی.
وفات: تا سال ۵۶۵۴ ه. ق = ۱۲۵۶ میلادی زندگانی
او مسلم است.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۵۰۸

بهرام بن فرهاد بن اسفندیار پارسی نویسندهٔ کتاب «شارستان چهار
چمن». او را «فرزانه بهرام» نیز گفته‌اند. در حدود ۱۰۳۴ ه. ق
= ۱۶۲۴ میلادی زنده بوده است و کتاب او کهن‌ترین کتابی
است که از «دساتیر» نام برده. ظاهراً نویسنده در این کتاب خواسته
است که میان دین اسلام و آیین زرتشتی سازش دهد.
وفات: تا سال ۱۰۳۴ ه. ق = ۱۶۲۴ میلادی زندگانی
او مسلم است.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۶۰

بهرامی سرخسی (ابوالحسن علی) از مشاهیر شاعران «عصر اول غزنوی»
است. علاوه بر شعر، در علوم ادبی نیز ماهر بوده است. «غایه
العروضین» و «کنز القافیه» بدو منسوب است.
«عوفی» افزون بر این دو کتاب، اثر دیگری بنام «خجسته-
نامه» بدو نسبت داده است و آن را در علم عروض بی نظیر شمرده.

وفات : اوائل سده پنجم ه. ق = سده يازدهم
ميلادی .

تايخ ادبيات در ايران ج ۱ ص ۴۷۹ و ۴۸۰

بهزاد- ملقب به «کمال الدين» نقاش و مينيا تور ساز و اخير «عهد تيموری» و
اوائل «عهد صفوی»، از مردم «هرات» و شاگرد «مير سيد احمد تبریزی»
است. از «امير عليشير نوائي» و «سلطان حسين بايقرا» رعايت ها
يافت. بعدها «شاه اسماعيل» او را از «هرات» به «تبريز» آورد و
رئيس کتابخانه سلطنتی گرديد. او تا اوائل سلطنت «شاه طهماسب
اول» (۹۳۰ - ۹۸۴ ه. ق) حیات داشته است.

تولد: میان ۸۲۴ و ۸۵۵ ه. ق = ۱۴۴۰ و ۱۴۵۱ .
در «هرات» .

وفات : ۹۴۲ ه. ق = ۱۵۳۵ میلادی در «تبریز» . -
گورش در «باغ شيخ کمال» در جنب مزار شيخ واقع
شده است .

فرهنگ معين ج ۵ ص ۳۰۴ - بزرگان ايران ص ۱۱۱ و ۱۱۲

بهمن میرزا فرزند چهارم عباس میرزای نایب السلطنة (فرزند

فتحعلی شاه) و برادر اعیانی «محمد شاه قاجار» از فضلای شاهزادگان این سلسله است. مردی فضل پرور و کتاب دوست و هنر خواه بود. بسیاری از کتب نفیس فارسی بنام او تألیف شده یا بتشویق او بچاپ رسیده است. وی مؤلف «تذکره محمد شاهی» است که بسال ۱۲۴۹ هـ. ق بانجام رسیده، و یکی از چهار شاهزاده فاضل قاجار است. («بهمن میرزا» - «علی قلی میرزا اعتضاد السلطنة» - «فرهاد میرزا معتمدالدوله» - «ابوالحسن میرزا شیخ الرئیس») «بهمن میرزا» از طرف پدر و برادر حکومتها کرد و سرانجام در اواخر سلطنت برادر بفکر سلطنت افتاد و به «روسیه» تبعید شد و در شهر «شیشه» («شوشی» یا «پناه آباد») حاکم نشین «قرباغ» بسر میبرد و همانجا در گذشت. سدر سالهایی که «بهمن میرزا» والی «آذربایجان» بود، از «میرزا عبداللطیف طسوجی» خواست که متن «نثر الف لیلة و لیلة» تازی را به نثر شیوای فارسی در آورد و «میرزا محمد علی خان سروش اصفهانی» اشعار تازی این کتاب را از خود یا دیگران بشعر نغز فارسی برگرداند و هر دو درین کار بخوبی توفیق یافتند.

تولد: ۱۲۲۵ هـ. ق = ۱۸۱۰ میلادی.

وفات: ۱۳۰۱ هـ. ق = ۱۸۸۳ میلادی.

تاریخ رجال ایران ج ۱ ص ۱۹۵ تا ۱۹۸

بهمنیار (احمد بن آقا محمد علی) ادیب و استاد «دانشگاه تهران» بود. وی

علوم مقدماتی را در زادگاه خود «کرمان» نزد پدر و برادر دانشمند خویش «آقا محمد جواد» تحصیل کرد و در نهضت مشروطه در عداد آزادی خواهان در آمد و روزنامه «دهقان» را انتشار داد ، سپس از طرف «مأموران» انگلیس «به شیراز» تبعید شد و محبوس گردید . در سال ۱۳۳۵ هـ . ق رهایی یافت و در «تهران» بخدمت وزارت دارایی در آمد و مأمور «خراسان» شد و در «مشهد» «روزنامه فکر آزاد» را منتشر ساخت .

وی دانش و ذوقی فراوان داشت و در تازی و پارسی استادی گرانقدر بود . نیکو درس میگفت و بتکالیف دانشجویان خود بخوبی میرسید و بسیار شیوا و روان مینوشت و شعر هم خوش میسرود .

باقنفای «استاد رودکی» در مرثیت این بزرگمرد که استادام بود و بر من حقوق بسیار داشت ، چنین سرودم :

از پس اوستاد شعر «بهار» شد خداوند نثر «بهمنیار»
 «از شمار دو چشم یک تن کم» و ز قیاس خرد هزار هزار !!

از آثار او «تحفه احمدیه» در شرح «القیة ابن مالک» - تصحیح «التوسل الی التوسل» - تصحیح «تاریخ بیهق» - تصحیح «اسرار التوحید» - ترجمه «زبدة التواریخ» در تاریخ «آل سلجوق» - «صرف ونحو عربی بفارسی» - کتب درسی پارسی و تازی دبیرستانها با همکاری استادان دیگر - «ترجمه حال صاحب عباد» - کتاب «امثال و حکم» او را بخط شریف وی با مقدمه‌ی سخت فاضلانه

در «بنیاد نیکو کاری نوریانی» نزد آقای «دکتر نصره الله کاسمی»
دبلم. کتابی نیز در «تاریخ ادبیات عرب» نوشته است که بچاپ
نرسیده و

ولادت: ربیع اول ۱۳۰۱ هـ ق = ۱۲۶۲ هـ ش =
۱۸۸۳ میلادی در «کرمان».

وفات: دو ساعت و نیم بعد از ظهر جمعه هجدهم ربیع الاول
۱۳۷۵ هـ ق = ۱۳۳۲ هـ ش = ۲۹۵۵ میلادی در «تهران». مدفون
در «وادی ایمن کربلا».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۳۰۶-مجلس یادبود استاد فقید احمد
بهمنیار مجله دانشکده ادبیات سال سوم شماره ۲

بهمنیار بن مرزبان (ابوالحسن) از «زرتشتیان آذربایجان» بود و از
شاگردان بزرگ «ابوعلی سینا». کتاب «المباحثات» شیخ
بیشتر در جواب سؤالات اوست. از آثار وی «التحصیل»
(«التحصیلات») در منطق والهیات وطبیعیات- «رسالة فی مراتب
الموجودات» و ...

وفات: ۴۵۸ هـ ق = ۱۰۶۵ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۶۹

بیغمی - «مولانا شیخ حاجی محمد بن شیخ احمد بن مولانا علی بن

حاجی محمد طاهری (یا طامری) گوینده یا املاء کننده کتاب « فیروز نامه » یا « داستان فیروز شاه » است که بنام « داراب نامه » دو مجلد آن انتشار یافته است . محرر و کاتب این کتاب، کاتبی بنام « محمود دفترخوان » است .

زندگانی: میان سده هشتم و نهم هجری = میان سده چهاردهم و پانزدهم میلادی .

داراب نامه ج ۲ و ۱ بتصحیح استاد دکتر ذبیح الله صفا - مقدمه داراب نامه ؛ طرسوسی از استاد دکتر ذبیح الله صفا ص سیزده - فرهنگ معین ج ۵ ص ۳۱۲ .

بیهقی

رك: «ابوالفضل بیهقی» - كتاب حاضر ص ۸۴ و ۸۵

بیهقی (ابوجعفر احمد بن علی بن محمد مقری) معروف به «بوجعفر ك» و «مقری بیهقی» .

رك: ابوجعفر احمد بن علی بن محمد المقری البیهقی ...

پوریای ولی - « پهلوان محمود خوارزمی » فرزند « ولی الدین » و ملقب به « پوریای ولی » و نیز ملقب و متخلص به « قتالی »، اصل او از « گنج » است . وی عارفی شجاع و پهلوان بود . « مثنوی کنز الحقایق » ازوست که در سال ۷۰۳ هـ . ق سروده و داستانهای از مردانگی های وی در افواه شایع است .

وفات: ۷۲۲ هـ . ق = ۱۳۲۲ میلادی در « خیوه خوارزم »

فرهنگ معین ج ۵ ص ۳۵۷ - رجانه الادب ج ۱ ص ۲۰۱ - تاریخ
ورزش باستانی ایران از شادروان پرتو بیضائی ص ۱۱۱ - تاریخ برگزیدگان
ص ۱۵۴.

پهلوان اکبر خراسانی - از پهلوانان نامور « ایران » فرزند « پهلوان
سلیم خراسانی » بود . به « تهران » آمد و بر « پهلوان یزدی
بزرگ » فائق شد و بازو بند پهلوانی بگرفت و شهرت یافت و
قاپوچی دربار گردید.

وفات: ۱۳۲۲ هـ . ق = ۱۹۰۴ میلادی « تهران » مدفون در
« آب انبار قاسم خان » واقع در جاده « شهر ری » .
تاریخ رجال ایران ج ۵ ص ۲۹.

پهلوان یزدی - (ابراهیم فرزند غلام رضای یزدی) از بزرگترین
پهلوانان کشتی گیر « ایران » است . از دوازده سالگی آغاز
بورزش کرد . درشت استخوان و بسیار زورمند و با تناسب اندام
بود . ۱۸۳ کیلو وزن داشت . در سال ۱۲۶۶ هـ . ق شب عید
نوروز از « یزد » به « تهران » آمد و پس از چند کشتی که با پهلوانان
پایتخت بگرفت ، صاحب « بازو بند پهلوانی » شد . لکن پهلوان
« اکبر خراسانی » سرانجام براو پیروز گشت . « پهلوان یزدی »
سالها قاپوچی یعنی دربان کاخ سلطنتی بود . وی در « خیابان ناصر
خسرو » از سمت « میدان سپه » کوچه اول دست چپ خانه‌یی داشت .

این کوچه از نهایت تنگی به «کوچه آشتی کنان» و از بابت سکنی
«پهلوان یزدی» به «کوچه پهلوان یزدی» مشهور است.

تولد: ۱۲۴۵ ه. ق = ۱۸۲۹ میلادی در «یزد» .

وفات: روز یکشنبه ۲۲ ذی الحجه ۱۳۳۰ ه. ق - اول فروردین

۱۲۸۲ ه. ش = ۲۲ مارس ۱۹۰۲ میلادی و در «قم» مدفون است .

تاریخ رجال ایران ج ۵ ص ۸ و ۹ - تاریخ برگزیدگان ص

۱۵۴ تا ۱۵۶ .

پیرجمالی

رک: جمالی اردستانی ص ۲۶۲ کتاب حاضر .

پیرنیا - «میرزا حسن خان مشیرالدوله» پسر بزرگ «میرزا -

نصرالله خان مشیرالدوله نایبی» از رجال دوره اخیر «قاجاریه»

و اوائل «پهلوی» است. در «مسکو» بتحصیلات نظامی و حقوقی

پرداخت. مؤلف کتابهای «ایران باستانی» و «تاریخ ایران باستان»

در سه جلد و «داستانهای قدیم ایران» و مؤسس «مدرسه علوم

سیاسی» و «مدرسه نظام» است. در بیست و هفت سالگی وزیر مختار

«ایران» در دربار «روس» شد. در زمان صدارت پدرش از اعضاء

مؤثر تنظیم و تدوین «قانون انتخابات مجلس شورای ملی» بود. وی،

در دوره زندگانی خود، هشت بار وزیر دادگستری - شش بار وزیر

جنگ - چهار بار وزیر امور خارجه - دو بار وزیر پست و تلگراف -

دو بار وزیر کشور - یک بار وزیر تجارت و چهار بار نخست وزیر

شده است .

« مشیرالدوله پیرنیا » مردی درستکار و مین پرست و
فاضل و فضیلت دوست بود.

تولد: ۱۲۵۰ یا ۱۲۵۲ ه. ش = ۱۲۸۹ یا ۱۲۹۱ ق. ه =
۱۸۷۴ میلادی.

وفات : پنجشنبه ۲۹ آبان ماه ۱۳۱۴ ه. ش =
۱۳۵۳ ه. ق = ۱۹۳۴ میلادی بمرض سکتة قلبی در « تهران »
درگذشت و در مقبره خانوادگی در « امام زاده صالح تجریش »
مدفون شد .

تاریخ رجال ایران ج ۱ ص ۳۲۳ تا ۳۲۵ - محیط سیاسی و
زندگانی مشیرالدوله (حسن پیرنیا) از دکتر ابراهیم باستانی پاریزی -
فرهنگ معین ج ۵ ص ۳۶۳.

پیرنیا - « میرزا حسن خان مؤمن الملک »، پسر سوم « میرزا نصرالله خان
مشیرالدوله » از تحصیل کردگان « پاریس » و « لندن ». برادر
« میرزا حسن مشیرالدوله پیرنیا »، وکیل، وزیر و رئیس « مجلس
شورای ملی » شد . - مؤلف « مجموعه معاهدات ایران با دول
خارج » است . بمرض سرطان وفات یافت . نواده عم او
« معاضد السلطنه » سیاستمدار ایرانی در ممالك خارجه سمت سفارت
داشته است . (وفات : ۱۳۱۸ ه. ش) .

تولد : ۱۲۵۲ ه. ش = ۱۲۹۳ ق. ه = ۱۸۷۶
میلادی .

وفات: ۹ شهریور ۱۳۲۶ ه. ش = ۱۳۶۶ ق. ه. = ۱۹۴۶ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۳۶۳ - تاریخ رجال ایران ج ۱ ص ۲۸۸
و ۳۸۹ - تاریخ برگزیدگان ص ۲۳۷ تا ۲۳۹

تاج الدین باخرزی « تاج الدین اسمعیل باخرزی » از اکابر اعیان
« باخرز » و از شاعران دوره « سلجوقیان » است .
وفات : نیمه دوم سده ششم = نیمه دوم سده دوازدهم
میلادی .

تاریخ ادبیات ایران ج ۲ ص ۶۹۲.

تفتازانی « سعدالدین مسعود بن عمر » معروف به « ملا سعد
تفتازانی » دانشمند و ادیب خراسانی تازی نویسنده « تفتازان »
نزدیک « نسا » بود. در شانزده سالگی بتصنیف کتب پرداخت. در
« خوارزم » متوطن شد. بدعوت « تیمور » به « سمرقند » رفت و مورد
احترام بود. وی در فنون ادبی و منطق و کلام و فقه و اصول توانایی
و در بسیاری دیگر از دانشهای روزگار خود آگاهی داشت .
« تفتازانی » را با دانشمندی دیگر روزگار وی ، « میرسید شریف
جرجانی » هم چشمی ها بود. « جرجانی » در بعضی از تألیفات خویش
عقاید « تفتازانی » را مورد طعن و رد ساخته است . وی در

رشته‌های گوناگون بتألیف پرداخته است و بعضی از آثار او از کتب درسی طلاب علوم قدیم است. - از اوست: «شرح التصریف زنجانی» در صرف مؤلف بسال ۷۳۸ ه. ق. - «الارشاد» در نحو - «مطول» - «مختصر المعانی» در علوم فصاحت و بلاغت «شرح شمسیه» در منطق - «تهذیب المنطق و الکلام» در منطق و کلام «مقاصد» در حکمت و کلام - «شرح کشاف» و جزاینها.

تولد: ۷۲۲ ه. ق = ۱۳۲۲ میلادی در «فتازان».

وفات: ۷۹۷ یا ۷۹۱-۷۹۲ = ۱۳۹۴ یا ۱۳۸۹ یا ۱۳۹۰

میلادی در «سرخس».

دائرة المعارف ج ۱ ص ۶۵۰ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۳۹۳

تقوی - «حاج سید نصرالله اخوی» فرزند «سید رضا» از سلسله «سادات اخوی» و از رجال دانشمند دوره اخیر «قاجاریه» و اوائل «پهلوی»، وکیل دوره دوم و سوم «مجلس شورای ملی» از «تهران» و مدعی العموم و رئیس «دیوان عالی تمیز» و مدرس «دانشکده حقوق» و «معقول و منقول» (دانشکده الهیات و معارف اسلامی) و رئیس دانشکده اخیر - از تألیفات اوست: «هنجار گفتار» در معانی و بیان و بدیع فارسی - «تصحیح متن دیوان ناصر خسرو» - کتابخانه‌یی نفیس از وی بجای مانده است.

تولد: ۱۲۸۲ ه. ق = ۱۲۴۴ ه. ش = ۱۸۶۵ میلادی «تهران».

وفات: ۱۳۶۷ هـ. ق = ۱۳۲۶ هـ. ش = ۱۹۴۷ میلادی
در «تهران» .

تاریخ رجال ایران ج ۵ ص ۳۱۵ - فرهنگ معین ج ۵
ص ۳۹۴.

تقی زاده

رك: «سید حسن تقی زاده»

ثقة الاسلام - (میرزا علی آقا ثقة الاسلام تبریزی ، فرزند حاجی
میرزا موسی ثقة الاسلام تبریزی) از علما و آزادیخواهان
سرسخت و شجاع «آذربایجان» بود . در «انقلاب مشروطیت»
و مبارزه با نفوذ «روسیه تزاری» سهم بسزایی داشت . سرانجام
با صد تن دیگر از آزادیخواهان و وطن پرستان غیور در «باغ
شمال تبریز» به دار آویخته شد .

وی در نظم و نشر فارسی مهارت داشت . از آثار او
«سرةالکتاب» در اسلامی مؤلفات شیعه است .

تولد : شب جمعه هفتم رجب سال ۱۲۶۷ هـ . ق =
۱۲۳۹ هـ . ش = ۱۸۶۰ میلادی .

قتل : دهم محرم (عاشورا) سال ۱۳۳۰ هـ . ق = دهم
دیماه ۱۲۹۰ هـ . ش = ۱۹۱۱ میلادی در «تبریز» .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۱۳ - تاریخ برگزیدگان ص ۱۴۴

ثقفی (دکتر خلیل خان ملقب به اعلم الدوله) از پزشکان بنام دوره « قاجار » است . مردی فاضل و متبّع بود . انشائی روان و شیرین و دلنشین داشت . از آثار اوست :

« هزار و یک حکایت » - « همد و پنجاه مقاله » - « یادگار عصر جدید » - « خردنامه جاودان » - و مقالات گوناگون مشتمل بر داستانها و وقایع تاریخی روزگار « قاجار » - بویژه از دوره « مظفرالدین شاه ».

وی در پایان روزگار خویش با اعتقادی تمام به « تسخیر ارواح » سرگرم بود و « هفتاد و یک مقاله معرفه الروح » را منتشر ساخت .

وفات: ۱۳۶۵ ه . ق = ۱۳۲۳ ه . ش = ۱۹۴۴ میلادی .

دائرة المعارف ج ۱ ص ۷۱۳ .

ثنائی

رك: «خواجه حسين ثنائى».

جابر بن حیان بن عبدالله طرسوسی یا « طوسی » یا « خراسانی » یا « کوفی » معروف به « صوفی » و مکنی به « ابوموسی » یا « ابوعبدالله » از مشاهیر حکمای بزرگ اسلامی در سده دوم هجری است . وی از شاگردان و اصحاب « حضرت امام جعفر

صادق (ع) است و از قدمای کیمیاگران و به «استاد کبیر» و «استاد کل» مشهور. تألیفات «جابر» را به مبالغه‌ی شگرف بر شمرده‌اند که البته دلالت بر کثرت آثار او دارد. از آنهاست:

«الاحجار» - «الاسرار» - «اسرار الکیمیا» - «الاصول الکیمیا» - «الایضاح» - «الایجاز» - «السموم» و... بسیاری از آثار او بزبانهای اروپایی ترجمه شده‌است. بعضی از ارباب تحقیق در شخصیت تاریخی او تردید کرده‌اند. وفات: ۲۰۰ هـ. ق = ۸۱۵ میلادی در «طوس».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۴۸ - ریحانة الادب ج ۳ ص ۳۹۹ تا ۴۰۳ - تاریخ برگزیدگان ص ۲۶۳

جاردالله زمخشری

رك : «ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد زمخشری خوارزمی معروف به جاردالله» .

جامی (نورالدین عبدالرحمن بن نظام الدین احمد بن محمد) شاعر و نویسنده معروف ایرانی در سده نهم هجری است. ارادت به «شیخ الاسلام احمد جامی» (م / ۵۳۶ هـ . ق) داشت . سپس بحلقه ارادت مشایخ طریقه «نقشبندیه» درآمد و مخصوصاً به «خواجه عبیدالله احرار» اخلاص خاص ورزید. در دربار «سلطان حسن میرزا»

بایقرا» و در حضرت «امیر علیشیر نوائی» کسی از او بزرگتر نبود. آثارش در نظم و نثر فارسی و عربی فراوان است. مثنوی‌های «هفت اورنگ» و «کتاب نفحات الانس» ازوست. وی را «خاتم الشعرا» لقب داده‌اند. تا ۵۴ اثر و بیشتر از او برشمرده‌اند.

وی درخشانترین چهره ادبی سده نهم هجری و آخرین شاعر بزرگ سبک کلاسیک است.

تولد: ۸۱۷ ه. ق = ۱۴۱۴ میلادی «خرگرد جام خراسان».

وفات: ۸۹۸ ه. ق = ۱۴۹۲ میلادی در «هرات».

کارنامه بزرگان ایران ص ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۱-آتشکده آذربخش نخست ص ۲۹۴ تا ۳۷۵- کتاب جامی تألیف جناب آقای علی اصغر حکمت- فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۲۳- دائرة المعارف ج ۱ ص ۷۲۲.

جبلی - (امام بدیع الزمان عبد الواسع بن عبد الجامع بن عمران ابن ربیع غرجستانی الجبلی) از «خاندان علوی»، در «غرجستان» ولادت یافت. ممدو خان او «طغرل تگین» - «بهرامشاه بن مسعود غزنوی» - «سنجر» و... از پیشروان تغییر سبک است و شعر را به «صنایع لفظی» بیاراست. بقول «عوفی» در پارسی و تازی ذوالبلاغتین بود و از «ملمعانی» در «لباب الالباب» آورده است. وفات: ۵۵۵ ه. ق = ۱۱۶۰ میلادی.

دیوان عبد الواسع جبلی بتصحیح استاد دکتر ذبیح الله صفا - تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۶۵۲. آتشکده آذربخش ۲ ص ۵۱۱ تا ۵۲۹.

جرجیس بن بختیشوع گندیساپوری . ریاست «بیمارستان گندیساپور» داشت و برروزگار «منصور عباسی» (۱۳۶ - ۱۵۸ ه. ق = ۷۵۳ - ۷۷۴ میلادی) در «بغداد» زندگانی میکرد. وی دوستدار ترجمه و تألیف بود و به ترجمه برخی از کتب یونانی به تازی و نیز به تألیف کتبی در طب بزرگان سریانی میپرداخت که مهمترین آنها «الکناش» است . این کتاب به انضمام شرح آن از «ابو یزید چهاربخت» از شاگردان مصنف در دست است .

پسر «جرجیس»، «بختیشوع» و پسر «بختیشوع»، «جبرائیل» از عهد «منصور» تا «هارون» در «بغداد» بترجمه و تألیف اشتغال داشتند و از این خاندان پزشکانی تا اواسط سده پنجم مشهور بوده اند .

زندگانی: سده دوم هجری = سده هشتم میلادی .

تاریخ برگزیدگان ص ۲۵۹ .

جرفادقانی (گلبایگانی) (ابوشرف ناصح بن ظفر بن سعد المنشی الجرفادقانی) از نویسندگان اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم ه. ق = سده دوازدهم و سیزدهم میلادی و مترجم «تاریخ یمنی» . که در سال ۶۰۳ ه. ق = ۱۲۰۶ میلادی آن را پایان داده است . زندگانی: سده ششم و سرآغاز سده هفتم ه. ق =

= سده دوازدهم و سر آغاز سده سیزدهم میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۱۰۱۲ - فرهنگ معین ج ۵
ص ۴۳۷ - ترجمه تاریخ یمینی به اهتمام دکتر جعفر شعار .

جعفر بایسنقری تبریزی خطاط - در جمله خطوط زمان خود بویژه نستعلیق استاد بود . در خطوط ششگانه شاگرد «شمس الدین مشرفی» و در نستعلیق با واسطه «میر عبدالله» فرزند «میر علی تبریزی» شاگرد شخص اخیر بود . وی در خدمت «بایسنقر میرزا» بسر می برد . از مهمترین آثار او «شاهنامه» معروف «بایسنقری» است . این کتاب بخط نستعلیق شیوا و مزین بمجالس تصویر و تذهیبهای عالی است که بسال ۸۳۴ هـ ق پایان رسیده و اکنون در کتابخانه سلطنتی موجود است و در «جشنهای دوهزار و پانصدساله شاهنشاهی ایران» عیناً بگونه‌یی بسیار زیبا بطبع در آمده است . از نوشته‌های «میرزا جعفر» در کتابخانه - های کشورهای خارج نمونه‌هایی موجود است . جامع‌ترین آنها مرقعی است در کتابخانه «دانشگاه توپینگن آلمان» که در آن نیکوترین نمونه‌های خطوط ثلث، ریحان، نسخ، رقاع، نستعلیق و تعلیق عصر خود را بدست داده است .

فوت: حدود ۸۶۰ هـ ق = ۱۴۴۵ میلادی .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۲۸ - دائرة المعارف ص ۷۴۰ - کارنامه
بزرگان ایران ص ۶۳ و ۶۵ .

جعفر برمکی (ابو الفضل جعفر بن یحیی بن خالد برمکی) وزیر و ندیم
 نامدار «هارون الرشید» و یکی از پرکارترین وزرای روزگار و
 یگانه‌ی از نوادراسخیای تاریخی است. وی درس‌خندانی و بلاغت
 نیز شهرت و آوازه دارد و در دربار خلافت قدرت و نفوذ فوق‌العاده
 یافته است.

گویند: «جعفر» بدان پایه مورد توجه و عنایت «هارون» بود که
 دوری از وی نمی‌توانست، و چون در اغلب ملاقاتهای «هارون» و
 «جعفر» خواهر خلیفه «عباسه» نیز حضور داشت، «هارون» خود
 «عباسه» را با «جعفر» عقد بست و آنان را همسر شرعی ساخت و
 «جعفر» را سوگند داد که هرگز بی‌حضور او با «عباسه» دیدار
 ندارد. اما پس از سالها، دریافت که برخلاف پیمان، «جعفر»
 از «عباسه» دوپسر بنام «حسن» و «حسین» آورده است. بدین
 روی فرمان به قتل «جعفر» و زندانی ساختن «یحیی» و «فضل» پدر
 و برادر او داد و در هلاک و نکال «برامکه» بکوشید. وزشت‌نامی
 بزرگ از خود بیادگار گذاشت. اما بسیاری از ارباب تحقیق و
 تألیف این مطلب را استوار ندارند و دژ چشمی و حسد را دلیل
 اصلی قتل «جعفر» و برافتادن خاندان فضیلت پرور «برامکه» دانند.

تولد: ۱۴۹ هـ. ق = ۷۶۶ میلادی.

مقتول: ۱۸۷ هـ. ق = ۸۰۲ میلادی.

تاریخ برامکه - تاریخ برگزیدگان ص ۱۶۳ و ۱۶۴ - دائرة-

المعارف ج ۱ ص ۱۴۰

جلالی هجویری غزنوی

رك : «ابوالحسن علی بن عثمان بن ابی علی جلالی
هجویری غزنوی»

جلال الدین ابوالفوارس شاه شجاع مظفری - «ممدوح حافظ».
پادشاهی شعر دوست بود و شعر هم میسرود.
جلوس: ۷۶۰ ه. ق = ۱۳۵۸ میلادی.
وفات: ۷۸۷ ه. ق = ۱۳۸۵ میلادی و در «شیراز»
مدفون است.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۸۷ - تاریخ عصر حافظ دکتر قاسم
غنی رك: فهرست اعلام آن کتاب.

جلال اسیر - «میرزا جلال» متخلص به «اسیر» پسر «میرزا مؤمن»
شهرستانی اصفهانی از مشاهیر شعرای نیمه اول سده یازدهم هجری
است. «نصر آبادی» نوشته است: او از اجله واعاظم سادات
است وی بمصاهرت «شاه عباس بزرگ» سرافراز شد.
در شاعری شاگردی «فصیحی هروی» کرد. - بقول «نصر آبادی»
دیوانش از قصیده و غزل و مثنوی قریب بیست هزار بیت است
و رطب و یابس در کلامش بسیار است. - «آزاد» او را شاعر ادابند

و موجد اندازه‌های دلپسند میداند و هم دیوانش را باغث و
 ثمین دیده‌گوید مضامین تازه کم دارد. با این همه گرانمایگانی
 چون «صائب» و «کلیم» اوراستوده‌اند و تتبع سخن وی کرده. وی
 بشرب مدام مبتلا بود و بروزگار جوانی از پای درافتاد و غبار
 هستی بیاد فنا داد.

وفات: ۱۰۴۹ ه. ق = ۱۶۳۹ میلادی.

آتشکده آذر بخش سوم ص ۹۲۳ و ۹۲۴ - ترجمه تاریخ ادبیات

برون ج ۴ ص ۱۸۹ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۴۹ (۱).

جلال الدین میرزا - پسر پنجاه و هشتم «فتحعلی شاه قاجار» نویسنده
 کتاب «نامه خسروان» بفارسی سره است. وی از شاهزادگان
 آگاه دل و دانشمند آن روزگار است و بر آن بوده که ایرانی
 نژاده باید پارسی سره را در گفتن و نوشتن خود بکار برد و
 واژه‌های بیگانه بویژه تازی را از زبان شیرین و خوش پارسی
 بدور افکند.

وفات: اوائل سال ۱۲۸۹ ه. ق = ۱۸۷۲ میلادی.

تاریخ رجال ایران ج ۱ ص ۲۵۴ و ۲۵۵

جلال طبیب (مولانا جلال الدین احمد بن یوسف طبیب خوافی) از
 پزشکان و شاعران معروف دربار «شاه شجاع مظفری» (۷۶۰ -
 ۷۸۶ ه. ق) است. «دولتشاه سمرقندی» اورا «شیرازی» میدانند و

«امین احمد رازی» اشاره‌یی به مولد و موطن او نمی‌کند و حال آنکه اصل او از «خواف خراسان» و محل اقامت و شاید مولدش «شیراز» بوده است. عمّ وی «نجم‌الدین محمود بن صابن‌الدین الیاس طبیب خوافی شیرازی» از دانشمندان معروف «شیراز» در اواخر سدهٔ هفتم و سرآغاز سدهٔ هشتم ه. ق و بسیار مورد لطف و عنایت «خواجه رشیدالدین فضل‌الله» بوده است. «نجم‌الدین محمود»، مانند بسیاری از افراد خاندان خود، بشغل طبابت اشتغال داشت و ریاست «بیمارستان اتابکی شیراز» با وی بود و علاوهٔ بر این در ادب و علوم شرعی نیز تألیفاتی پدید آورد.

جلال‌برادر زادهٔ او نیز، در عین اشتغال به طبابت، در ادب تازی و پارسی ماهر و در هر دو زبان استاد بود و در غزل‌سرایی و سرودن مثنوی چیرگی داشت. مثنوی داستانی «گل و نوروز» را بسال ۷۳۴ ه. ق بنظم آورد. وی در شعر غالباً «جلال» و گاهی «طیب» تخلص می‌کند. دیوانش قریب به سه هزار بیت است و علاوه بر غزلیات لطیف تمام فارسی، چندین غزل ملمع خوب دارد. در سال ۷۵۴ ه. ق سفری به «مصر» کرد. مرگش در نیمهٔ دوم سدهٔ هشتم هجری است.

وفات: تا سال ۷۵۴ ه. ق = ۱۳۵۳ میلادی از حیات او

خبر داریم.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۱۰۳۲ تا ۱۰۳۷.

جلال عضد - (سید جلال الدین بن سید عضد الدین بزدی معروف به «جلال عضد» و متخلص به «جلال») از شاعران نیکو سخن «ایران» در سده هشتم هجری است. وی چون پدر شاعر بود و از جوانی به سخنوری روی آورد و در شمار ستایشگران «چوپانیان» و «آل اینجو» هنگام فرمانروایی ایشان در «فارس» است و «آل جلایر» را هم مدح گفته. وی در «شیراز» میزیست «دیوان قصاید و ترجیعات و غزلیات و قطعات و دوبیتی‌ها و رباعیات» او در دست است، و در حدود ۱۶۰۰ بیت دارد؛ و بر شیوه قصیده‌گویان سده هفتم سخنش یکدست و منتخب است. از اشعار معروف او «قصیده هفت رنگ» است که در حقیقت ترکیب‌بندی است که در هر بند آن برای ردیف یکی از رنگها انتخاب شده. وی در غزلهای خود شیوه «سعدی» را پیروی کرده است و آنها را حاوی افکار عاشقانه و در عین حال متضمن ذوق صوفیانه و تجلیات اندیشه‌های عرفانی ساخته.

وفات: ظاهرأ پیش از سال ۷۴۸ ه. ق = ۱۳۵۷

میلادی.

تاریخ ادبیات دایران ج ۳ ص ۹۲۵ تا ۹۳۵

جلال عکاشه - (جلال الدین فریدون عکاشه) از مترسلان و شاعران بزرگ سده هشتم هجری است. وی بدستگاه «جلال الدین مسعود اینجو» و برادرش «شاه شیخ ابو اسحق اینجو» اختصاص داشته

و «مجموعه منشآت» او در «کتابخانه مجلس شورای ملی» و دیگر کتابخانه ها موجود است. وی در شعر «عکاشه» تخلص میکرد و در ساختن اشعار بیارسی و تازی و نظم قصاید مصنوع و موشح دست داشت و از آن جمله است دو قصیده «ربیعیه» و «رحیقیه» در مدح «مسعود شاه اینجو» که برهزیک از آنها مقدمه یی با انشاء مصنوع نگاشته .

زندگانی: سده هشتم هجری = سده چهاردهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۱۰۹۱

جمال الدین ابوالقاسم عبدالله بن علی بن محمد کاشانی - صاحب
تاریخی است بنام «زبدۃ التواریخ» .

وفات: ۸۳۶ ه. ق = ۱۴۳۲ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۴۶

جمال الدین اردبیلی (محمد بن عبدالغنی) صاحب شرح «انموذج»
«علامه جارالله زمخشری» است.

وفات: ۶۴۷ ه. ق = ۱۰۵۵ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۹۰

جمال‌الدین اسدآبادی

رك: سيد جمال‌الدین اسدآبادی بن صفدر.

جمال‌الدین بن حسام خوافی سرخسی هروی

رك: «ابن حسام...» از شاعران سده هشتم هجری.

جمال‌الدین حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی رازی

رك: ابوالفتح رازی... کتاب حاضر ص ۷۹ و ۸۰

جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی - شاعر قصیده‌سرای استاد و غزلگوی مبدع و مذهب‌دوست سده ششم هجری، مدّاح «آل خجند» و «آل صاعد» در «اصفهان» و «ارسلان بن طغرل سلجوقی» و پسرش «طغرل» و «نصرة‌الدین جهان پهلوان محمد بن یلدگز» و دیگران بوده است. وی در آغاز کار زرگر و نقشبند بود و بیشتر روزگار خود را در «اصفهان» بگذرانید. شعرش خالی از تکلف و روان و بیشتر سهل و آسان است و گاه از «سنائی» و گاه از «انوری» پیروی می‌کرد. بابت بعضی از گویندگان روزگار خویش چون: «خاقانی» و «انوری» و «رشیدالدین وطواط» مشاعره و مکاتبه داشت. خلاف او با «مجیرالدین بیلقانی» مشهور است. «کمال‌الدین اسماعیل» شاعر و استاد نامداری یکی از چهار فرزند اوست.

وفات: ۵۸۸ ه. ق = ۱۱۹۲ میلادی بقول «ریو» در

«فهرست نسخ فارسی».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۷۳۱ تا ۷۴۰ - فرهنگ معین
ج ۵ ص ۴۳۲ - کارنامه بزرگان ایران ص ۲۰۰ - دائرة المعارف ج
۱ ص ۷۴۶ - نور و ظلمت ص ۸۶ - دیوان جمال الدین عبدالرزاق بتصحیح
وحید دستگردی - آتشکده آذربخش ص ۳ تا ۹۲۹ تا ۹۳۹.

جمال الدین قرشی (ابو الفضل محمد بن عمر بن خالد) از علمای سنت
مقیم «کاشغر» است. نسبت وی به «قرش» از بلاد «ماوراءالنهر» میرسد.
صاحب «الصراح من الصحاح» (عربی بفارسی) است، در ترجمه و
تلخیص «صحاح اللغة اسمعيل جوهری» - «قرشی» تألیف خود را
بسال ۶۸۱ ه. ق = ۱۲۸۲ میلادی در «کاشغر ماوراءالنهر»
انجام داد. سپس ذیلی بتازی بر آن نوشت و آن را «ملحقات الصراح»
نام نهاد و در آن از بعضی پادشاهان «آسیای مرکزی» و بزرگان
شهر «بلاساغون» یاد کرد و مطالب تاریخی فراوان بدست داد
که بدانستن تاریخ مغول در «کاشغر» و «آسیای مرکزی» یاوری
می کند.

زندگانی: سده هفتم ه. ق = سده سیزدهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۸۵ - الصراح من الصحاح
طبع هندوستان - فرهنگ معین ج ۵ ص ۹۹۷.

جمالی اردستانی (جمال الدین محمد) معروف به «پیر جمالی» عارف و شاعر ایرانی از مردم «اردستان اصفهان» بود. یروزگار «شاهرخ» فرزند «امیر تیمور» می زیست. سلسله «پیر جمالیه» از سلسله های «صوفیان معروفیه»، منسوب به «معروف کرمانی»، بسوی آغاز میشود. کلیات آثارش مشتمل است بر رساله های گوناگون نظم و نثر و شامل قصاید و غزلیات و مثنویات که بر سرهم بیش از پنجاه هزار بیت است. از جمله آثار اوست: «کشف الارواح» - «مصباح الارواح» - «شرح السواصلین» - «روح القدس» - «فتح الابواب» - «تنبيه العارفين» - «مهر افروز» - «ناظر و منظور» - «شرح الكنوز» و «استقامت نامه».

وی را از مریدان «پیر مرتضی علی» که گود گاهش در «اردستان» است نوشته اند. از اوست:

کی بو که سر زلف تو را چنگ زنم؟!
 صد بوسه بر آن دهان گل رنگ زنم؟!
 پیمان پری رخان سنگین دل را
 در شیشه کنم، پیش تو بر سنگ زنم!؟

وفات: ۸۷۹ هـ. ق = ۱۴۷۴ میلادی.

آتشکده آذر بخش سوم ص ۹۲۷ - دائرة المعارف ج ۱

ص ۷۴۷.

جمالی (یحیی) - خطاط معروف معاصر «شاه شیخ ابواسحاق اینجو»

در «شیراز» می‌زیست. آثار مخطوط وی در «موزه پارس شیراز» موجود است.
زندگانی: سده هشتم ه. ق = سده چهاردهم میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۳۳.

جنید بغدادی - (ابو القاسم بن محمد بن جنید) عارف مشهور و عالم دینی، اصل او از «نهاد» و مولد و منشاء او «بغداد» است. او نخستین کسی است که درباره «علم توحید» در «بغداد» سخن گفت و از پیشوایان بزرگ عرفان گشت.
وفات: آخرین روز سال ۲۹۷ ه. ق = ۹۰۹ میلادی در «بغداد».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۳۵ - کارنامه بزرگان ایران ص ۹۱ تا ۹۳.

جنید شیرازی - (شیخ الاسلام معین الدین ابو القاسم جنید بن محمود بن محمد عمری شیرازی متخلص به «جنید») از کبار علما و وعاظ «شیراز» در سده هشتم هجری است. وی از خاندان‌های مشهور «شیراز» بود که بسیاری از علماء و وعاظ از آن برخاستند. نسب این خاندان به «عمر بن الخطاب» میرسد. - تألیف مشهورش،

«شدّ الازار فی حظّ الاوزار عن زوّار المزار» بزبان تازی است مؤلف به سال ۷۹۱ هـ. ق در ترجمه احوال ۳۱۵ تن از معاریف «شیراز» که باهتمام و تصحیح شادروانان: «محمد قزوینی» و «عباس اقبال آشتیانی» بطبع رسیده است و از مدارك و اسناد گرانبهاست. دیوان اشعارش مشتمل بر ۱۰۵۰ بیت شیو است که بهمت شادروان «سعید نفیسی» انتشار یافته .

وفات: بعد از سال ۷۹۱ هـ. ق = ۱۳۸۹ میلادی و گویا
قریب به آن اتفاق افتاده است .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۱۰۵۹ تا ۱۰۶۳

جواهر رقم (سید علیخان فرزند میرزا مقیم از اولاد میرشاهمیر) ساکن « اصفهان » و بفضائل نفسانی متصف بود. شعر میگفت و خط نستعلیق را از پدر خود که شاگرد «میرعماد» بود، تعلیم یافت و باممارست شیوة «میرعماد» رافرا گرفت. وی با «عبدالرشید دیلمی» معاصر و مصاحب است. در عهد سلطنت «شاه جهان» بهمراهی پدر خود به «هندوستان» رفت و بدربار «عالمگیر پادشاه» راه یافت و جزو ملازمان پادشاهی منسلک شد و بخطاب «خان» و لقب «جواهر رقم» سرافراز آمد و کتابداری خاصه بوی تفویض شد. از آثار او در «ایران» و مخصوصاً «هندوستان» بسیار موجود است .

وفات: ۱۰۹۴ هـ. ق = ۱۶۸۲ میلادی در «دهلی» و همانجا مدفون است.

کارنامه بزرگان ایران ص ۲۵۵.

جوهری - (حکیم ابو محمد محمود بن عمر جوهری صایغ هروی) از
شعراي اواسط سده ۵ هجری است.

زندگانی سده پنجم هجری = سده یازدهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۴۳۸ تا ۴۴۳ .

جوهری - (میرزا ابراهیم بن محمد باقر هروی اصل قزوینی مسکن) شاعر
معروف و متخلص به «جوهری» صاحب کتاب مقتل فارسی بنام
«طوفان - البکا» که چندین مرتبه به چاپ رسیده است.

وفات: ۱۲۴۹ ه. ق = ۱۸۳۳ میلادی در «اصفهان» و

همانجا مدفون شد.

تاریخ رجال ایران ج ۳ ص ۳۰۲ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۷۷۵

جهان خاتون - (جهان ملك خاتون دختر جلال الدین مسعود شاه بن
شرف الدین محمود شاه اینجو و نوۀ دختری خواجه غیاث الدین
محمد بن خواجه رشید الدین فضل الله) از شاعران نیمۀ دوم سده
دهم هجری در «شیراز» است و در شعر هم با اسم خود «جهان»
تخلص می کرد. مجموعه اشعارش متجاوز از ۵۵۰۰ بیت است.
وفات: مسلماً پس از سال ۷۸۴ ه. ق = ۱۳۸۲ میلادی

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۱۰۴۵ تا ۱۰۵۶.

جهانگیر خان قشقائی - از تیره «دره شوری» در جوانی «شاهنامه خوان» بود و تار میزد. به «اصفهان» آمد و در مدرسه «الماسیه» حجره‌یی گرفت و با عشق و علاقه مفرط در پی تحصیل رفت و مقام و مرتبه‌اش بدانجا رسید که از بزرگان حکما و فقها و مدرسان «اصفهان» شد. از تألیفات او «شرح نهج البلاغه» است.

وفات: ماه رمضان - ۱۳۲۸ ه. ق = ۱۹۱۵ در «اصفهان»
و در گورستان «تخت فولاد اصفهان» مدفون شد.

تاریخ رجال ایران ج ۱ ص ۲۸۴.

جهانگیر میرزا - پسر سوم «عباس میرزا نایب السلطنه» شاهزاده‌یی فاضل و درس خوانده بود. در «جنگهای ایران و روس» شجاعت کرد و بحکومت «اردبیل» و «خوی» و «ارومیه» رسید. بنا به امر «محمد شاه قاجار» برادر صلبی خود، در سال ۱۲۵۰ ه. ق با برادرش «خسرو میرزا» کور شد. وی مؤلف «تاریخ نو» است
تولد: ۱۲۲۵ ه. ق = ۱۹۰۸ میلادی

وفات: ۱۲۶۹ ه. ق = ۱۵۸۲ میلادی در «خوی».

تاریخ رجال ایران ج ۱ ص ۲۸۴ و ص ۲۸۵.

جیهانی

رك : كتاب حاضر ص ۱۲۰ تا ۱۲۲.

چغانیان- (یا «آل محتاج») نام خاندانی است که پس از اسلام در «چغانیان» حکومت کرده اند. افراد این خاندان عبارتند از: «محتاج بن احمد» - «مظفر بن محتاج» - «ابوبکر محمد بن مظفر بن محتاج» «ابوعلی احمد بن محمد بن مظفر» - «ابوالعباس فضل بن محمد بن مظفر» - «ابوالمظفر عبدالله بن احمد بن محمد بن مظفر» - «ابومنصور بن احمد بن محمد بن مظفر» - «ابوالمظفر طاهر بن فضل بن محمد ابن مظفر» - «فخرالدوله ابوالمظفر احمد بن محمد» - افراد این خاندان شعر دوست و شاعر پیشه و نواز شگر گویندگان بوده اند. این سلسله نخست بدست «غزنویان» و در سال ۴۵۱ ه. ق. = ۱۰۵۸ میلادی در فرمانروایی «سلاجقه» از میان رفت.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۴۲

یغمینی- (محمود بن محمد بن عمر خوارزمی) ریاضی دان و طبیب معروف سده هشتم هجری است، صاحب «الملخص فی الهیئه» که بر آن شروح متعدّد نوشته اند. وی اختصاری بر «قانون» بنام «قانونچه» در ۱۰ مقاله دارد.

وفات: ۷۲۵ ه. ق = ۱۳۴۴ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۷۴ و ۲۷۷.

حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی - فرزند «سیدعلی طباطبائی» از

سلسله «طباطبائیان بروجرد». پس از فرا گرفتن مقدمات به «اصفهان» رفت. فقه را نزد «حاج محمد باقر درچه‌یی» و فلسفه را نزد «آخوند ملا محمد» و «میرزا جهانگیر خان قشقائی» خواند و آنگاه بسال ۱۳۱۸ ه. ق به «نجف» رفت و در محضر آخوند «ملا محمد کاظم خراسانی» ۸ سال شاگردی کرد. سپس در سال ۱۳۲۸ ه. ق با تصدیق علمای اعلام چون «آیه الله خراسانی» و «شریعت اصفهانی» به «بروجرد» بازگشت و مقیم شد و جزو مراجع بشمار آمد. در سال ۱۳۲۳ ه. ش به «تهران» آمد و عازم «مشهد» شد و پس از بازگشت در «قم» اقامت جست و مرجع تقلید شیعیان گردید. از آثار او غیر از «رسائل عملیه» - «رسالة منجزات مریض» - «تعلیقات بر اسفار بصورت حاشیه بر نسخه خطی ایشان» - «طبقات رجال» - «رساله‌یی در منطق» و «جزوه‌های فقه» را باید نام برد که هیچک بطنع نرسیده است.

از آثار خیریّه «مرحوم آیه الله بروجردی» ساختن مدارس و مساجد و طبع کتب مذهبی و وقف کتابخانه‌یی کم نظیر است. «مسجد اعظم» شهرستان «قم» بزرگترین یادگار اوست.

تولد : در اواخر ماه صفر ۱۲۹۲ ه. ق = ۱۸۷۵ میلادی در «بروجرد» .

وفات : ساعت هفت و هشت دقیقه پنجشنبه ۱۲ شوال ۱۳۸۰ ه. ق = ۱۰ فروردین ۱۳۴۰ شمسی = ۱۹۶۰ میلادی در «قم» مدفون در «مسجد اعظم».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۲۶۳ - تاریخ برگزیدگان ص ۴۷ تا ۵۰ - تاریخ رجال ایران ج ۱ ص ۳۷۹ - خاطرات زندگانی آیت الله یروجردی از سید محمد حسین علوی طباطبائی.

حاج ابراهیم کلانتر - وی در زمان «لطفعلی خان زند» کلانتر «شیراز» بود و بهنگام محاصره «شیراز» از طرف «آغا محمدخان» با تباری قبلی وسیله تسخیر شهر را برای «خان قاجار» فراهم آورد. و از این رو مورد توجه شد و بوزارت «باباخان» (فتحعلی شاه آینده) که حاکم ایالات جنوبی «ایران» بود رسید. «فتحعلی شاه» پس از جلوس با آنکه تاج و تخت خود را مدیون او می دانست، بسبب قدرت و نفوذ بسیار وی بیمناک گردید و او و همه افراد خانواده اش را که شاغل مقامات مهم دولتی بودند در يك زمان دستگیر کرد و بقتل رسانید؛ و فقط از قتل یگانه فرزند بیمارش صرف نظر کردند و او با وجود علت مزاج زنده ماند و خانواده «قوام الملك» را تشکیل داد. «حاج ابراهیم کلانتر» در وحدت «ایران» سهمی بسزادارد. مقتول: ۱۲۱۵ هـ. ق = ۱۸۰۰ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۶

حاج اسمعیل امیر خیزی - در «تبریز» از مادر بزاد و پس از تحصیل فارسی و تازی مدتی در دکان پدر شاگرد بزازی کرد. در دوره مشروطیت وارد فعالیت های سیاسی گردید. مدتی پیش «ستارخان

سردار ملی» بود و بسال ۱۳۲۸ هـ. ق هنگام عزیمت «سردار» به پایتخت، با او به «تهران» آمد و بعد سفری به «اسلامبول» نمود. در بازگشت از آنجا به «تبریز» در سال ۱۲۹۸ هـ. ش وارد خدمت فرهنگ شد. نخست معلم ادبیات «دبیرستان محمدیه تبریز» بود و در سال بعد رئیس آن دبیرستان گشت و تا سال ۱۳۱۴ هـ. ش در این کار بود. در این سال به «تهران» آمد و ریاست «دارالفنون» یافت و در سال ۱۳۲۱ هـ. ش رئیس فرهنگ «آذربایجان» شد و تا سال ۱۳۲۳ هـ. ش ریاستش ادامه یافت. بعد به «تهران» بازگشت و تا سال ۱۳۲۵ هـ. ش بازرس عالی وزارت بود. در این سال بار دیگر ریاست «دارالفنون» رسید و در سال ۱۳۲۸ هـ. ش پس از ۳۱ سال خدمت بازنشسته شد. وی در نشر و نظم پارسی استاد و چیره سخن بود. از تألیفات وی «قیام آذربایجان و ستارخان» است که در سال ۱۳۳۹ هـ. ش در «تبریز» بطبع درآمده.

تولد: ۱۲۹۴ هـ. ق = ۱۲۵۵ هـ. ش = ۱۸۷۷ میلادی

در «تبریز» .

وفات: ۱۳۹۰ هـ. ق = ۱۳۴۴ هـ. ش = ۱۹۶۹ میلادی

در «تهران».

تاریخ رجال ایران ج ۵ ص ۲۹ و ۲۸

حاج زین العابدین شیروانی - متخلص به «تمکین»، فرزند «آخوند

اسکندر» در سال ۱۱۹۴ ه. ق در شهرستان «شماخی» تولد یافت و در شش ماهگی همراه پدر با خانواده در «کربلا» مجاور شد و تا ۱۷ سالگی در آنجا مشغول به تحصیل بود و بعد از این تاریخ «معصوم علیشاه هندی» و «نورعلیشاه اصفهانی» سرسلسله «دراویش نعمه الهی» را ملاقات کرد، بمسافرت و سیاحت به «مازندران»، «خراسان»، «سیستان»، «زابلستان» و «افغانستان» پرداخت و هم صحبت علماء و مشایخ آن دیار گردید. وی از مریدان «حاج محمد جعفر کبو در آهنگی مجذوب علیشاه همدانی» بود. از تألیفات او «ریاض السیاحه» بسال ۱۲۴۸ ه. ق و «حداث السیاحه» و «بستان السیاحه» است.

تولد: ۱۱۹۴ ه. ق = ۱۷۸۰ میلادی در «شماخی».

وفات: ۱۲۵۳ ه. ق = ۱۸۳۷ میلادی.

تاریخ رجال ایران ج ۲ ص ۵۲ و ۵۳

حاج سیاح

رك : سیاح (حاج میرزا محمد علی بن ملا محمد رضا

محلانی).

حاج سید رضای فیروز آبادی- فرزند «سید هاشم» در «فیروز آباد شهری» از مادر بزراد و چهار دوره نماینده «مجلس شورای ملی»

بود . در دوره سوم از «شهری» و در دوره های ششم و هفتم و چهاردهم از «تهران» انتخاب شد. در مدتی که نماینده بود، از مجلس حقوق نگرفت. سپس با آن حقوق در «حضرت عبدالعظیم» باغ «حرمة الدولة» را بمساحت ۶۲ هزار متر از وارث او بخريد و شروع بساختمان بیمارستانی بزرگ و زایشگاه و دارالایتام و مسجد نمود. و از خویش آثاری نيك بجای گذاشت. وی یکی از مردان نیکو کار و عزیز «ایران» است.

تولد : ۱۲۹۰ ه . ق = ۱۲۵۱ ه . ش = ۱۸۷۲ میلادی .

وفات : ۱۳۸۵ ه . ق = ۱۳۴۲ ه . ش = ۱۹۶۵ میلادی .

تاریخ رجال ایران ج ۵ ص ۹۸

حاج سید نصرالله تقوی

رك : تقوی (حاج سید نصرالله اخوی) .- کتاب حاضر

ص ۲۴۷ و ۲۴۸

حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی

رك : آقا بزرگ تهرانی (حاج شیخ محمد محسن رازی

مشهور به شیخ آقا بزرگ).

حاج شیخ احمد روحی کرمانی - (فرزند آخوند ملا محمد جعفر کرمانی) است. وی از تعلیم یافتگان مکتب «سید جمال الدین اسدآبادی» و از پیشوایان نهضت مشروطیت است... بهمراهی هم مسلک خود «میرزا آقاخان کرمانی» با ایادی حکومت مطلقه «قاجاریه» بمبارزه برخاست و در این راه شهید شد. نویسنده و شاعر بود و «روحی» تخلص میکرد. ترجمه «ژیل بلاس» از فرانسه بفارسی به قلم اوست و کتاب «هشت بهشت» از تألیفات او.

تولد : ۱۲۷۲ ق. ه. = ۱۲۳۴ ش. ه. = ۱۸۵۵ میلادی
در «کرمان».

مقتول: ۶ صفر ۱۳۱۴ ه. ق. = ۱۲۷۵ ش. ه. = ۱۷ جولای ۱۸۹۶ میلادی در «تبریز».

تاریخ رجال ایران ج ۱ ص ۸۰ تا ۸۴ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۶۴ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۱۸ .

حاج شیخ عباس قمی - از فضلا و محدثان بزرگ عصر حاضر و از شاگردان مرحوم «حاج میرزا حسین نوری» است. وی صاحب « مفاتیح الجنان » در ادعیه و « سفینه البحار » در احادیث و « منتهی الآمال فی مصائب النبی و آل » و « هدیه الاحباب » و « کنی و الالقاب » در رجال و بسیاری کتب دیگر است .

وفات : بیست و سوم ذیحجه ۱۳۵۹ ه. ق. = ۱۳۱۸ ش. ه. = ۱۹۳۹ میلادی در « نجف اشرف » و در « صحن مقدس مرتضوی » کنار قبر استادش مدفون است.

ریحانة الادب ج ۳ ص ۳۱۸ و ۳۱۹ - تاریخ رجال ایران ج ۲ ص ۲۱۵

*

حاج شیخ عبدالکریم یزدی حائری- (آیه الله حاج شیخ عبدالکریم بن محمد جعفر مهرجردی یزدی) از مراجع تقلید شیعیان، مؤسس «حوزه علمیه قم». در عتبات نزد «حاج میرزا محمد حسن شیرازی»- «میرزا محمد تقی شیرازی»- «حاج شیخ فضل الله نوری»- «آخوند ملا محمد کاظم خراسانی» و «سید کاظم یزدی» شاگردی کرد و مخصوصاً از محضر «سید محمد فشارکی» استفاده ها نمود. پس از بازگشت به «ایران» بسال ۱۳۴۰ ه. ق. «حوزه علمیه قم» را تشکیل داد. از آثار اوست: «تقریرات» و آن تحریر تقریرات «سید محمد فشارکی» است. - «درر الفوائد فی الاصول» که سه بار طبع شده است. - «کتاب الرضاع»- «کتاب الصلوة»- «کتاب المواریث»- «کتاب النکاح»- وی در شهرستان «قم» تأسیسات خیریه فراوان دارد. مرحوم «حائری» از «حاج میرزا حسین نوری» صاحب «مستدرک الوسائل» اجازه روایت داشته است.

تولد: ۱۲۷۶ ه. ق = ۱۸۵۹ میلادی در قریه «مهرگرد

یزد».

وفات: شب شنبه هفدهم ذیقعد ۱۳۵۵ ه. ق = بهمن

۱۳۱۵ ه. ش = ۱۹۳۶ میلادی در «قم» مدفون در «مسجد بالا سر».

ریحانة الادب ج ۱ ص ۳۲ و ۳۳ - تاریخ رجال ایران ج ۲

ص ۲۷۷ - تاریخ برگزیدگان ص ۴۵.

حاج علی رزم آرا- از شاگردان «مدرسه نظام» «مشیرالدوله حسن پیرنیا»

و پس از چندی با درجهٔ سروانی به «فرانسه» رفت و از «مدرسهٔ سن سیر» فارغ التحصیل شد و نخستین افسر جوانی است که در مدت کمی بدرجهٔ «سپهبدی» رسید. وی از امرای دانشمند آرتش شاهنشاهی بود. و از تألیفات او چند جلد کتاب «جغرافیای نظامی ایران» است. - در تیر ماه ۱۳۲۹ ه. ش که عهده دار ریاست ستاد آرتش بود، بسمت نخست وزیری برگزیده شد. و در سن ۴۹ سالگی بقتل رسید.

تولد: ۱۲۸۰ ه. ش = ۱۳۱۹ ه. ق = ۱۹۰۱ میلادی

مقتول: مقارن ساعت ۱۲ روز ۴ شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۲۹

ه. ش = ۱۳۷۰ ه. ق = ۱۹۵۰ میلادی.

تاریخ رجال ایران ج ۱ ص ۳۰۲ و ۳۰۳.

حاج علیقلی خان سردار اسعد-یکی از رؤسای معروف «بختیاری»، یکی از دو فاتح مشهور «تهران» در عهد «محمد علی شاه قاجار» بود؛ و آن دیگری «محمد ولی خان تنکابنی سپهدار اعظم» است. چندین بار به نمایندگی «مجلس شورای ملی» و وزارت رسید. به تشویق وی کتب بسیاری چون: «سفرنامه‌های برادران شرلی» و «تاورنیه» و مجلدات «کتب آبی انگلیس» راجع به «ایران» ترجمه شد و کتاب «تاریخ بختیاری» از محفوظات اوست که به قلم «میرزا عبدالحسین ملک المورخین» (ت/ ۱۲۴۸ ه. ش - م/ ۱۳۱۲ ه. ش) تألیف و چاپ گردید. - بدستور وی عده‌ای از جوانان بختیاری برای دانشجویی بخارجه روانه شدند.

تولد : ۱۲۷۴ هـ . ق = ۱۳۳۶ هـ . ش = ۱۸۵۷ میلادی .

وفات : روزپنجشنبه هفتم محرم ۱۳۳۶ هـ . ق = ۱۲۹۶

هـ . ش = ۱۹۱۷ میلادی و در «تخت پولاد اصفهان» مدفون است .

تاریخ برگزیدگان ص ۱۹۸ تا ۲۰۰ - تاریخ رجال ایران

ج ۲ ص ۴۴۸ تا ص ۴۵۱ .

حاج محمد آقای نخجوانی - فرزند «حاج علی عباس نخجوانی» از

فضلا و ارباب اطلاع «آذربایجان» است . تحصیلات خود را در

زادگاهش «تبریز» آغاز کرد و بمروربو واسطه کثرت مطالعات تکمیل

نمود . شغل اصلی او تجارت بود ، ولی همه فراغت خود را بمطالعه

کتب علمی و ادبی پرداخت . وی پس از سفر حج ، که به سال

۱۳۱۶ هـ . ش همراه پدر موفق آمد ، علاقه مفراطی به جمع آوری

کتب ، مخصوصاً کتب خطی ، پیدا کرد و کتابخانه گرانبهای ترتیب

داد و در سال ۱۳۳۵ هـ . ش همه آن کتب را که در حدود ۳۷۰۰

مجلد بود ، به «کتابخانه ملی تبریز» واگذار کرد .

از جمله آثار اوست : « فهرست کتب خطی کتابخانه و

قراءت خانه تربیت تبریز » - تصحیح و طبع « دیوان قطران

تبریزی » - « ترجمه خمسة المتحیرین امیرعلیشیرنواپی » - نسخه

عکسی رساله اخیر را اینجانب بخواست «جناب آقای علی اصغر

حکمت» برای طبع به مؤسسه «ابن سینا» سپرده ام و در دست چاپ است .

تولد : ۱۲۸۵ هـ . ش = ۱۲۹۷ هـ . ق = ۱۸۷۹ میلادی در

«تبریز» .

وفات : پانزدهم مرداد ماه ۱۳۴۱ هـ . ش = پنجم -

ربیع الاول ۱۳۸۲ هـ. ق = ۱۹۶۲ میلادی در «تبریز».

تاریخ رجال ایران ج ۳ ص ۲۸۰ و ۲۸۱

حاج محمد جعفر آباده‌یی

رك : آباده‌یی حاج محمد جعفر . - كتاب حاضر ص ۱

حاج محمد جعفر کبودرآهنگی قراغزلو - فرزند «حاج صفرخان»
فرزند «عبدالله بیگ همدانی»، متخلص به «مجدوب» و ملقب به
لقب طریقتی «مجدوب علیشاه» از اعظم فضلا و اماجد عرفای
«ایران» در سده سیزدهم هجری است. «ملا مهدی نراقی» و «میرزای
قمی» را شاگردی کرد و اجازه اجتهاد داشت. دارای تألیف و تصنیف
فراوان بویژه در عرفان است. از اوست: «اثبات النبوة الخاصة» -
«مرآت الحق» - «مراحل السالکین» - شعر هم چنین میگفت:

من نگویم خدمت زاهد گزین یا می فروش

هر که حالت خوش کند، در خدمتش چالاک کوش!

وفات: ۱۲۳۹ هـ. ق = ۱۸۲۳ میلادی در «تبریز» مزارش

در «سید حمزه تبریز» است .

تاریخ رجال ایران ج ۳ ص ۳۲۸ - دیحانة الادب ج ۳ ص ۴۵۳ و ۴۵۴

حاج محمد حسن نایینی کوزه کنانی - فرزند «حاج رجبعلی» از
مشایخ عرفا و جانشین و همسر نوۀ «حاج عبدالوهاب نایینی»
عارف معروف بوده است.

تولد: در حدود ۱۱۵۲ هـ. ق = ۱۷۳۵ میلادی .

وفات: ۱۲۴۷ هـ. ق = ۱۸۳۱ میلادی در «نایین»

مدفون شد.

تاریخ دجال ایران ج ۳ ص ۳۷۲

حاج محمد طاهر میرزا ۱ - پسر اکبر و افضل « اسکندر میرزا »
(م/ ۱۱۷۳ هـ. ق) فرزند « عباس میرزای نایب السلطنة » (م/ ۱۲۴۹ هـ. ق)
است. وی شاهزادگی فاضل و ادیب بود و در ادبیات فارسی و تازی
و زبان فرانسه اطلاعاتی وسیع داشت و از فضلا و دانشمندان روزگار
خود بشمار است و حتی الامکان از کارهای دیوانی کناره گیری
داشت و با استغنائی طبع و عزت نفس میزیست. از آثار او ست: ترجمه
کتاب « لو کنت دومنت کریستو » Le Comt de Monte Cristo
تألیف « الکساندر دوما پدر » Alexandre dumas père که در
۲۳ صفر ۱۳۰۹ هـ. ق در « تبریز » آغاز به ترجمه کرد و در غرة
محرم ۱۳۱۰ هـ. ق در « کرمان » پایان برد. این کتاب را « معزالذوله
اسماعیل میرزا » پسر اکبر و ارشد « بهرام میرزا » پسر دوم « عباس
میرزا نایب السلطنة » در سال ۱۳۱۲ هـ. ق تصحیح کرده با خط
نستعلیق خوب با چاپ سنگی بطبع رسانیده است. ترجمه « سه
تفنگدار » تألیف « الکساندر دوما ی پدر » Les trois
Mousquetaires نیز از اوست.

تولد: ۱۲۵۰ هـ. ق = ۱۲۱۳ هـ. ش = ۱۸۳۴ میلادی.

وفات: ۱۳۱۶ هـ. ق = ۱۲۷۷ هـ. ش = ۱۸۹۸ میلادی.

تاریخ دجال ایران ج ۵ ص ۲۵۲ تا ۲۵۴

حاج محمد علی پیرزاده - معروف به «حاجی پیرزاده» فرزند «آقا محمد اسمعیل» پسر «حاج محمد حسن کوزه کنانی» در «نابین» از مادر بزاد و پس از درگذشت پدر، سال ۱۲۷۲ ه. ق به «تهران» آمد و پس از مدتی به سیاحت پرداخت. در «اسلامبول» به «حاج میرزا صفی» ارادت ورزید و از طرف او به «حاجی پیرزاده» ملقب شد و بوسیله او با «سپهسالار» (حاج محمد حسین خان) آشنا گشت. دوبار به «اروپا» رفت و بیشتر کشورها را به قدم سیاحت بپیمود. در سال ۱۳۰۶ ه. ق به «ایران» بازگشت و «سفرنامه» خود را که اخیراً بوسیله «دانشگاه تهران» در دو مجلد بطبع رسیده است، بنگاشت؛ «برون» لقب طریقتی خود «مظهر علی» را از او برگرفت. با «میرزای جلوه» فیلسوف مشهور آشنا بود.

تولد: حدود ۱۲۵۱ ه. ق = ۱۸۳۵ میلادی در «نابین».

وفات: ۱۳۲۱ ه. ق = ۱۹۰۴ میلادی مدفون در

«صفائیة شهری».

تاریخ رجال ایران ج ۳ ص ۴۱۴ و ۴۱۵

حاج محمد کریم خان - پسر بزرگ و ارشد «ابراهیم خان ظهیرالدوله» قاجار قوانلو» و دخترزاده «میرزا رحیم تفلیزی» است. وی شاگرد «حاج سید کاظم رشتی» و او شاگرد «شیخ احمد احسائی» بود. «حاج محمد کریم خان» بنابستور «سید کاظم رشتی» در «کرمان» به ترویج «طریقه شیخیه» پرداخت و مریدان فراوان یافت. وی

از دانشمندان و مؤلفان پرکار زمان خود بوده است و در رشته های مختلف علوم آن روزگار کتب و رسائل بسیار نوشته. فهرست مؤلفات او که در کتاب «تذکرة الاولیاء» نقل شده، از ۲۲۷ کتاب و رساله متجاوز است. پس از وی دو تن از پسرانش به نامهای «حاج محمد خسان» (ت/۱۲۶۳ ه. ق. م/۱۳۲۴ ه. ق) و «حاج زین العابدین خان» (ت/۱۲۷۶ ه. ق. م/۱۳۶۰ ه. ق) یکی پس از دیگری پیشوایی «شیخیه» حاج محمد کریمخانی» یافتند.

تولد: ۱۸ محرم ۱۲۲۵ ه. ق = ۱۸۱۰ میلادی در «کرمان».

وفات: ۲۲ شعبان ۱۲۸۸ ه. ق = ۱۸۷۱ میلادی هنگام عزیمت به «بین النهرین» (عراق) در «قهرود» در گذشت.
تاریخ رجال ایران ج ۴ ص ۱ تا ۵

حاج ملا احمد نراقی

رك : ملا احمد نراقی.

حاج ملا سلطان فعلی شاه گنا بادی. (سلطان محمد بن حیدر محمد بن سلطان محمد بن دوست محمد بن نور محمد بن حاج محمد بن حاج قاسم علی) ملقب به «سلطان علی شاه» از عرفای مشهور دو قرن اخیر است. پدرش در

کودکی وی بدست «ترکمانان» اسیر شد. و او در دامان مادر بنا کومک و مراقبت برادر بزرگتر خود پرورش یافت... در «مشهد مقدس رضوی» فقه و تفسیر و حدیث آموخت و سپس به «سبزوار» شد. و مدتی در محضر درس فیلسوف شهیر «حاج ملاهادی سبزواری» بتحصول حکمت پرداخت. چون «حاج محمد کاظم سعادتعلی» - شاه اصفهانی قطب سلسله نعمة اللهی» به «مشهد» آمد و او را بدید، ترك علوم و رسوم ظاهر کرد و در پی او به «اصفهان» شتافت و از او خرقه ارشاد گرفت. و سفری به «مکه» رفت، و با وجود مخالفان، ارادتمندان بسیار یافت. از تألیفات اوست: «بیان السعادة» در تفسیر «قرآن» - «مجمع السعادات» در شرح «اصول کافی» و «ولایت نامه» در سیر و سلوک - «سعادت نامه» در مراتب سلوک - دو کتاب «ایضاح» و «توضیح» در شرح کلمات «بابا طاهر» و چند تألیف دیگر.

تولد: شب سه شنبه ۲۸ جمادی الاولی ۱۲۵۱ هـ. ق = ۱۸۵۹ میلادی در «بیدخت گناباد».

مقتول: شب بیست و ششم ربیع الاول ۱۳۲۷ هـ. ق = ۱۹۰۹ میلادی. در «بیدخت» و مزارش نیز در مقبره یی باشکوه بدانجا است. کارنامه بزرگان ایران ص ۴۰۴ تا ۴۰۶ - نایفه علم و عرفان سلطان علیشاه بقلم حاج سلطان حسین تابنده.

حاج ملاعلی بن قربانعلی بن قاسم بن محمد علی آملی کنی تهرانی -
 از فقهای نامدار «امامیه» است. در بیست سالگی به «عراق» شد و نزد
 «سید ابراهیم موسوی قزوینی» (م/ ۱۲۶۴ هـ. ق) صاحب
 «ضوابط الاصول» و «شیخ محمد حسن نجفی» (م/ ۱۲۶۶ هـ. ق)
 صاحب کتاب «جواهر الکلام» به تحصیل فقه و اصول پرداخت
 و بعد به تألیف و تصنیف مشغول گردید.

مؤلفات او همه در فقه و اصول و رجال است. وی در
 دوره «ناصرالدین شاه قاجار» نافذ الکلمه بود.

از آثار اوست: «تلخیص المسائل» - «تحقیق الدلائل فی
 شرح تلخیص المسائل» - «توضیح المقال فی علم الدراية
 والرجال» - «القضاء والشهادات» - «الاستصحاب» - «الاوامر» -
 «ایضاح المشتبهات فی تفسیر الکلمات المشکلة القرآنیة» - «الصلوة
 والطهارة».

ولادت: ۱۲۲۰ هـ. ق = ۱۸۰۵ میلادی در «قریه کن»
 مغرب «تهران».

وفات: صبح روز پنجشنبه ۲۷ محرم ۱۳۰۶ هـ. ق =
 ۱۸۸۸ میلادی در «تهران» و مدفون در «حضرت عبدالعظیم مقبره
 جیران» (= مقبره ناصرالدینشاه)

تاریخ رجال ایران ج ۲ ص ۳۴۹ تا ۳۵۲ - تاریخ برگزیدگان
 ص ۴۰ و ۴۱.

حاج ملاهادی سبزواری - فرزند «حاج مهدی» فیلسوف متأله و دانشمند معروف سده سیزدهم ه.ق است. در مورد وی نوشته‌اند که بروزگار «ناصرالدین شاه قاجار» چنان بود که «ملاصدرا» در زمان «شاه عباس بزرگ»، در شاعری «اسرار» تخلص میکرد و در اصطلاح اهل فضل به «حاجی» یا «حاجی سبزواری» شهرت یافته است. در حدود هفت و هشت سالگی به تحصیل صرف و نحو پرداخت. ده ساله بود که پدرش هنگام بازگشت از حج، در «شیراز» درگذشت. عمه زاده‌اش «حاج ملاحسین سبزواری» که مردی عالم و زاهد و دین‌دار بود و در «مشهد» مقدس میزیست، تربیت وی را عهده‌دار آمد. و او را مدت ده سال ادبیات تازی و فقه و اصول و علوم نقلی بیاموخت و با ریاضت و مجاهدت خوی‌گر ساخت. سپس بعزم تحصیل به «اصفهان» شد. و هشت سال دیگر در آنجا نزد «ملا اسمعیل اصفهانی» و «ملاعلی نوری» به فراگرفتن فلسفه سخت بکوشید تا آنکه اساس حکمت اشراق را استوار داشت. آنگاه به «خراسان» رفت و پنج سال به تدریس فقه و اصول و حکمت بگذرانید. پس از آن به حج شتافت. و بزادگاه خویش «سبزوار» باز آمد و یکدله بتدریس حکمت اشتغال جست و بنهایت زهد و تقوی و قناعت بزیست.

تالیفات وی فراوان است و اکثر مورد نیاز دانشجویان و فضلاست. از جمله: «اسرارالحکم» بپارسی که مکرر بطبع درآمده است. - «اسرارالعباده» در فقه - «اصول الدین» - «الجبر و الاختیار» - «حاشیه‌اسفار ملاصدرا» که در حواشی «اسفار» بطبع

رسیده است. - «حاشیة زبدة الاصول شیخ بهائی» - «حاشیة شرح سیوطی بر الفیة ابن مالک» - «حاشیة شواهد الربوبیة ملاصدرا» که در حواشی آن کتاب بطبع درآمده است. - «حاشیة مبدأ و معاد ملاصدرا» که همراه آن کتاب طبع شده است. - «حاشیة و شرح مثنوی» بفارسی بعنوان «شرح اسرار» که در «تهران» بطبع رسیده است. «شرح الاسماء الحسنی» که به دعای «جوشن کبیر» معروف است. «شرح دعای صباح» - «غرر الفرائد» که منظومه یی است در حکمت. - «لآلی المنتظمة» که منظومه یی است در منطق و هر دو در یکجا با شرح آنها از خود مؤلف مکرر بطبع درآمده. «محاکمات» در ردّ شیخیة - «مقیاس» در فقه - «نبراس» در فقه. «هدایة المسترشدين» و «دیوان اسرار» که در «تهران» بطبع درآمده است.

از سروده های اوست:

موسی نیست که دعوی انا الحق شنود

ورنه این زمزمه اندر شجوی نیست که نیست

گوش اسرار شنو نیست، وگرنه «اسرار»

برش از عالم معنی خبری نیست که نیست!

تولد: ۱۲۱۲ هـ ق = ۱۱۷۶ هـ ش = ۱۷۹۷

میلادی.

وفات: در دهة آخر ذیحجة ۱۲۸۹ هـ ق = ۱۲۵۰ هـ ش

= ۱۸۷۱ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۴۶۶ - تاریخ رجال ایران
ج ۵ ص ۳۲۶ - ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۲۸۶ - ریحانة -
الادب ج ۲ ص ۱۵۵ تا ۱۵۹

حاج میرزا ابوالقاسم سلطان الحکماء - پسر «میرزا جعفر»، وی از
طلاب «مدرسه نیرمیاورد اصفهان» بود و بعد در «مدرسه صدر تهران»
مشغول تدریس شد. در سال ۱۲۸۰ ه. ق «حکیم باشی
وزارت امور خارجه» گردید و در سال ۱۲۹۴ ه. ق بسمت
معلمی طب ایرانی «دارالفنون» انتخاب شد و در سال ۱۳۰۲ ه. ق
به «سلطان الحکماء» ملقب گشت. سمرخوم «قزوینی» می نویسد:
«سلطان الحکماء» شهر و افضل و احذق اطباء قرن اخیر بسبب
قدیم بود که اغلب طبای آن دوره بیواسطه یا باواسطه از
شاگردان او بودند. سوی از اطباء بزرگ دربار «ناصرالدین شاه»
بود و شاه او را بسیار دوست میداشت و از هر حیث مرد بسیار مرتب
منظمی شمرده میشد. از آثار اوست: «تحفة ناصری» «عربی
و «ناصر الملوك» بفارسی.

تولد: ۱۲۴۵ ه. ق = ۱۲۰۸ ه. ش = ۱۸۲۹ میلادی.

وفات: ۱۳۲۲ ه. ق = ۱۲۸۲ ه. ش = ۱۹۰۴ میلادی در

«کلاک کرج» که ملک او بود، از مرض و بادر گذشت و در امانزاده
همانجا مدفون شد.

تاریخ رجال ایران ج ۱ ص ۵۲ و ۵۸

حاج میرزا ابوالقاسم قائم مقام ثانی - ملقب به «سیدالوزرا»، فرزند دوم «میرزا عیسی فراهانی» مشهور به «میرزا بزرگ قائم مقام اول» از «سادات حسینی فراهان» و از رجال بزرگ ادب و سیاست و از مفاخر گرانقدر «ایران» بشمار میرود. وی و پدر و نیاکانش بوزارت و خدمت پادشاهان «قاجاریه» و «زندیه» و «صفویه» پرداخته‌اند و او به «عباس میرزای نایب السلطنه» و فرزندش «محمد شاه قاجار» خدمات فراوان کرد. درنثر فارسی دستی بیمانند داشت. بوصیت «عباس میرزا»، صدر اعظم «محمد شاه» شد و پس از یک سال به فرمان این پادشاه در «باغ نگارستان تهران» (محل کنونی وزارت فرهنگ و هنر و سازمانهای دیگر) پس از شش روز حبس و گرسنگی بقتل آمد.

از آثار اوست: «منشآت» که به سعی و اهتمام و جمع - آوری «فرهاد میرزا معتمد الدوله» ترتیب یافت و مکرر بطبع رسیده است. - «شمائل خاقان» در تاریخ «قاجاریه» که افسانه گونه‌یی است، بسبک قدیم و بی مدرک نوشته شده؛ و باو نسبت می‌دهند. وی درنثر فارسی موجد سبکی تازه و ذوقی بی‌اندازه است که در روانی و شیرینی و متانت و جزالت کم نظیر مینماید. نامه‌های او نمونه فصاحت و بلاغت زبان فارسی است و او را بهترین مقلد سبک «سعدی» درنثر فارسی شمرده‌اند.

«قائم مقام» شعر هم خوب می‌گفت و «ثنائی» تخلص میکرد و اشعار انتقادی و سیاسی فراوان دارد. دیوان وی به چاپ رسیده است.

تولد: ۱۱۹۳ ه. ق = ۱۱۵۷ ه. ش = ۱۷۷۹ میلادی.

قتل: سلخ صفر ۱۲۵۱ ه. ق = ۱۲۱۴ ه. ش = ۱۸۳۵

میلادی مدفون در جنب مقبره «شیخ ابو الفتوح رازی».

تاریخ برگزیدگان ص ۱۷۵ تا ۱۷۸ - تاریخ رجال ایران

ج ۱ ص ۶۰ - کادنامه بزرگان ایران ص ۳۴۸ تا ۳۵۱

حاج میرزا ابو عبدالله زنجانی

رک: ابو عبدالله زنجانی (حاج میرزا ۱۰۰۰) - کتاب حاضر

ص ۱۲۳ و ۱۲۴

حاج میرزا حبیب خراسانی - (حاج میرزا حبیب بن حاج میرزا

هاشم بن میرزا هدایت الله بن میرزا مهدی خراسانی شهید) .

عالم وشاعر خراسانی، وی پس از طی دوره کودکی در دامن

علم و ادب و فضل تربیت یافت. از عرفان و قوفی کامل داشت .

دیوانش بطبع رسیده است.

در شاعری استاد و چیره سخن است و طبعی پر شور و

حال دارد. ازوست:

بالله که یکی از خود بخود آ بگذر ز خودی، بنگر بخدا

جز ما و توی، کی بوده دوی از قول الست، تا حرف بلی

من جز تو کیم؟ من جز تو نیم! تو صوت ندا، من رجع صدا

با خویشتم، بی خویشتم هم با تو منم، هم از تو جدا

هر لحظه زند ، نایی دونوا يك نغمه الست، يك نغمه بلی...
تولد: ۱۲۶۶ ه. ق = ۱۲۲۸ ه. ش = ۱۸۴۹ میلادی در
«مشهد».

وفات: ۱۳۲۷ ه. ق = ۱۲۸۸ ه. ش = ۱۹۰۹ میلادی .
فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۵۴ - دیوان حاج میرزا حبیب
خراسانی طبع مشهد بسعی و اهتمام علی حبیب.

حاج میرزا حسن آشتیانی - (حاج میرزا محمد حسن) از علما و مجتهدان
و اصولیان سده اخیر، مقیم «تهران» و از شاگردان «شیخ مرتضی
انصاری» بود . عمده شهرت او به مناسبت دخالت وی در
«قضیه تنباکو» در سال ۱۳۰۹ ه. ق است.

آثار او : حاشیه بسیار مفصل و مبسوط بر «فرائد -
الاصول» مشهور به «رسائل شیخ انصاری» است که در سال ۱۳۱۵
ه. ق در «تهران» بعنوان «بحر الفوائد فی شرح الفرائد» بطبع رسیده
است. - «کتاب الاجارة» - «کتاب الاجزاء و احکام الاوانی» -
«احیاء الموات» - «ازاحة الشکوک عن حکم اللباس المشکوک»
که چاپ سنگی شده است و «التقریرات» که از گفته های استاد
اوست و «الوقف».

وفات: ۲۸ جمادی الاولی ۱۳۱۹ ه. ق = ۱۹۰۱ میلادی .
بمرض سل در «تهران» درگذشت و در «نجف» اشرف «مقبره شیخ
جعفر شوشتری» مدفون گشت .

تاریخ رجال ایران ج ۱ ص ۳۱۶ و ۳۱۷ - ریحانة الادب
ج ۱ ص ۱۹ - تاریخ برگزیدگان ص ۴۲ - فرهنگ معین ج ۵
ص ۳۸.

حاج میرزا حسن تبریزی - معروف به «رشدیه» یکی از مؤسسان مدارس
سبک جدید در «ایران» است . «رشدیه» اصطلاحی است که
«ترکان عثمانی» به مدارس ابتدائی به شیوه جدید داده اند.
تولد: ۱۲۶۷ ه. ق = ۱۲۲۹ ه. ش = ۱۸۵۰ میلادی
در «تبریز» .

وفات: ۱۳۶۳ ه. ق = ۱۳۲۲ ه. ش = ۱۹۴۴ میلادی
در «قم» .

تاریخ رجال ایران ج ۲ ص ۳۲۶ و ۳۲۷

حاج میرزا حسن فسایی - از فضلا و طبّای سده سیزدهم و اوایل سده
چهاردهم هجری قمری است . در سلك اهل تصوف و طریقه
«ذهبیّه» منسلک بود. کتاب «فارس نامه ناصری» تألیف خود را در
دو مجلد تنظیم و تدوین نموده است . وی نیای مادری جناب
آقای «علی اصغر حکمت» استاد ممتاز دانشگاه تهران است.
تولد: ۱۲۳۷ ه. ق = ۱۲۰۰ ه. ش = ۱۸۲۱ میلادی.
وفات: ۱۳۱۶ ه. ق = ۱۲۷۷ ه. ش = ۱۸۹۸ میلادی.
تاریخ رجال ایران ج ۱ ص ۳۴۲

حاج میرزا حسین بن حاج میرزا خلیل - مجتهد معروف از
ارکان سه گانه مشروطه در عتبات عالیات است . در حدود ۹۰
سالگی درگذشت.

دو همطراز و همکار وی « شیخ عبدالله مازندرانی » و
« آخوند ملا محمد کاظم خراسانی » بودند.

تولد: در حدود ۱۲۳۶ هـ . ق = ۱۱۹۹ هـ . ش = ۱۸۲۰
میلادی .

وفات: بین الطلوعین روز جمعه دهم شوال ۱۳۲۶ هـ . ق
= ۱۲۸۶ هـ . ش = ۱۹۰۷ میلادی در «مسجد سهله کوفه» و مدفون
در «نجف» .

دائرة المعارف ج ۱ ص ۸۲۶ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۶۱
- ریحانة الادب ج ۱ ص ۴۰۹ و ۴۱۰

حاج میرزا حسین نوری- پسر «محمد تقی» محدث معروف سده گذشته
و سر آغاز سده حاضر و صاحب تألیفات عدیده است که اغلب آنها
در «ایران» و «هندوستان» بطبع رسیده . مانند: «نفس الرحمن فی
فضائل سلمان» و «مستدرک الرسائل» در سه جلد بزرگ و «فصل
الخطاب فی کتاب رب الارباب» که بامر «ناصر الدین شاه» نسخ آن
را جمع کردند و «الفیض القدسی فی احوال المجلسی» و جز آنها ...
تولد: ۱۲۵۴ هـ . ق = ۱۲۱۷ هـ . ش = ۱۸۳۸ میلادی
در «نور مازندران» .

وفات: ۱۷ جمادی الثانیة ۱۳۲۰ هـ . ق = ۱۲۸۱ هـ . ش

= ۱۹۰۲ میلادی در «نجف اشرف».

تاریخ رجال ایران ج ۱ ص ۴۳۰

حاج میرزا عباسعلی کیوان قزوینی

رك : ملاعباسعلی کیوان قزوینی.

حاج میرزا محمد حسن بن محمد بن اسماعیل بن فتح الله از سادات «حسینی شیرازی» و از علمای عالیقدر شیعه است که به «میرزای شیرازی» شهرت یافته است. وی را «مجدد مذهب امامیه در رأس مائۀ چهاردهم» گویند. در اوائل زندگانی بسال ۱۲۴۸ ه. ق از مولد خود «شیراز» به «اصفهان» آمد و نزد علمای آن شهر مخصوصاً «سید حسن مدرس اصفهانی» و «حاجی کلباسی» بتحصیل علوم عقلیه و نقلیه پرداخت و از آنجا بعتبات رفت و در حوزه علمیه «نجف اشرف» اجتهادش مورد تصدیق شیخ الفقها «شیخ محمد حسن» صاحب «جواهر الکلام» قرار گرفت و هم نزد «شیخ مرتضی انصاری» به شاگردی اشتغال ورزید و پس از چندی در سال ۱۲۹۱ ه. ق از «نجف» به «سامره» رهسپار شد و در آنجا اقامت گزید. در همان شهر به مرض سل بدروود حیات گفت و جنازه اش را بدوش به «نجف اشرف» برده بخاک سپردند. این مجتهد دقیق سیاست، پس از «شیخ مرتضی انصاری» مرجع تقلید شیعه و رئیس

فقه‌های امامیه محسوب میشد. قوت حافظه و متانت و حسن خلقتش را بسیار ستوده‌اند و هموست که در «قضیه رژی» بسال ۱۳۰۹ ه. ق. حکم بتحریم تنباکو داد.

از وی بمناسبت کثرت اشتغالات به مهمات حوزه علمیه «نجف» و «سامره» و شرکت در بعض امور سیاسی تألیفی تدوین نیافته است، ولسی شاگردان نامداری پرورده ؛ چون : « حاج آقا رضای همدانی»- «حاج شیخ فضل الله نوری» - «حاج میرزا ابوالفضل طهرانی کلانتری» - « حاج شیخ احمد شانه ساز» - «سید میرزا حسین علوی» و فرزند نامدار او «میرزا محمد تقی شیرازی» که مردی دانشمند و با استغنای طبع بوده است.

تولد: ۱۲۳۰ ه. ق = ۱۸۱۴ میلادی در «شیراز».

وفات: چهارم شعبان ۱۳۱۲ ه. ق = ۱۸۹۴ میلادی در

شهر «سامره» و مدفون در «نجف اشرف».

کارنامه بزرگان ایران ص ۳۹۳ - ریحانة الادب ج ۴ ص ۱۲۴

و ۱۲۵- تاریخ برگزیدگان ص ۴۱- تاریخ رجال ایران ج ۱ ص ۳۳۵ تا ۳۳۹

حاج میرزا محمد کاظم متخلص به «صبوری»

رك : ملك الشعراء حاج میرزا محمد کاظم.

حاج میرزا معصوم (معصوم علی شاه) نعمة اللهی شیرازی

رك: معصوم على شاه (حاج ميرزا معصوم)

حاج ميرزا مهدی آشتیانی فیلسوف - وی پسر «میرزا جعفر آشتیانی» است که از اجله علماء عصر خویش بود و برادر زاده «میرزا حسن آشتیانی». اکثر آثار او که بیش از ۷۰ جلد است، به چاپ نرسیده. وی در تألیفات «ابن سینا» تبهر داشت و بر اسفار «ملا صدرای شیرازی» حاشیه‌یی بزبان تازی و شرحی بزبان فارسی نوشته است. و نیز حاشیه‌یی بر منظومه «حاج ملاهادی سبزواری» و شرحی بر «مفتاح الغیب» «صدرالدین قونوی» نگاشته که عرفان محض است.

تولد: ۱۳۰۷ ه. ق = ۱۲۶۸ ه. ش = ۱۸۸۹ میلادی.

وفات: ۱۳۷۲ ه. ق = ۱۳۳۱ ه. ش = ۱۹۵۲ میلادی

در «تهران».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۳۸

حاج میرزا یحیی دولت آبادی - پسر دوم «حاج میرزا هادی دولت آبادی» (م/ ۱۳۲۶ ه. ق) فرزند «میر محمد هادی» (م/ ۱۲۵۸ ه. ق) فرزند «میر عبدالکریم» هم زمان «ملا محمد باقر مجلسی» و از اولاد «قاضی نورالله شوشتری» است. نیاکانش از معاریف علمای «اصفهان» بودند.

وی نسبت به فرهنگ و بیداری افراد مملکت خدماتی

انجام داده است و پیش از همه کس در «تهران» بسال ۱۳۱۵ ه. ق به تأسیس مدارس ابتدائی بطرز جدید پرداخته است؛ چون : مدرسه «سادات» و «ادب» و غیره.

«حاج میرزا یحیی» در دوره های دویم و پنجم در سالهای ۱۲۸۸ ه. ش و ۱۳۰۳ ه. ش از «کرمان» نماینده «مجلس شورای ملی» شد و در سال ۱۹۱۱ میلادی نماینده ایران در «کنگره بین المللی لندن» گردید.

از تألیفات وی کتاب «علی» در آموزش ابتدائی و «حیات یحیی» در چهار مجلد است.

تولد : ۱۲۷۹ ه. ق = ۱۲۴۱ ه. ش = ۱۸۶۲ میلادی.

وفات : ۱۳۵۹ ه. ق = آبان ماه ۱۳۱۸ ه. ش = ۱۹۴۰

میلادی در «تهران» بسن هشتاد سالگی .

تاریخ رجال ایران ج ۴ ص ۴۳۷ و ۴۳۸ - فرهنگ معین

ج ۵ ص ۵۴۳

حاجی میرزا ابوالفضل ساوجی - (مجدالدین ابوالفضل محمد بن حاج میرزا فضل الله) از طایفه «شاملو» از اطبایا حاذق و از جمله چندتن از دانشمندان است که در تألیف «نامه دانشوران» و دیگر کتب منسوب به «اعتماد السلطنه» دست داشته اند ... در طب و ادب و شاعری و خوشنویسی شهره بود. از خطوط مختلف، خط نستعلیق خفی و جلی را خوش مینوشت. بسیاری از کتبه های سلطنتی و

دولتی و آستان «حضرت عبدالعظیم» بخط اوست. دیگر آثار خطی وی «دیوان اشعار» خود اوست که به قلم نستعلیق و شکسته تعلیق عالی نوشته است. - دیگر آثار او: «تهذیب المنطق» - «آداب - المشق» - «کلام الملوك» و قطعات و مرقعات متعدد است. وی پدر دانشمند و محقق و شاعر فقید سعید شادروان «ذبیح بهروز» (م/ ۱۳۴۹ ه. ش) است.

تولد: ۱۲۴۸ ه. ق = ۱۸۳۲ میلادی در «ساوه».

وفات: ۱۳۱۲ ه. ق = ۱۸۹۴ میلادی در «تهران».

تاریخ رجال ایران ج ۱ ص ۵۴ - اطلس خط ص ۵۸۹ و

۵۹۰

حافظ ابرو (شهاب الدین عبدالله فرزند لطف الله بن عبدالرشید معروف به «حافظ ابرو») متولد «خواف» از مورخان مشهور سده نهم هجری است. وی در چند لشکر کشی همراه «تیمور» بود و سپس در دستگاه بازماندگانش بویژه «شاهرخ» منزلتی عالی داشت و بدرخواست او و تشویق «بایسنقر» تاریخ مفصل خود را، که زبده تواریخ «طبری» و «رشیدی» و «ظفرنامه شامی» است، بنام «زبده التواریخ بایسنقری» در چهار جلد فراهم آورد و با تحقیقات خویش وقایع را از آغاز جهان تا سال ۸۳۰ ه. ق نگاشته است. وی بدستور «شاهرخ» کتابی هم در جغرافیای «فارس» و «خراسان» شامل دو جلد نوشت.

وفات : شنبه سوم شوال ۸۳۴ هـ . ق = ۱۴۳۰ میلادی
 در «سرچم زنجان» همراه «شاهرخ» درگذشت و همانجا مدفون شد .
 فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۵۰ - کارنامه بزرگان ایران ص
 ۲۳۱ و ۲۳۲ .

حافظ ابو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی
 ر ك : ابو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی .- کتاب حاضر
 ص ۱۴۵

حافظ شیرازی - (خواجه شمس الدین محمد بن محمد حافظ شیرازی)
 یکی از بزرگترین شاعران نغزگوی «ایران» و از اعظم گویندگان
 جهان و از اکابر گرانقدران شعر فارسی است . نزد «قوام الدین
 عبدالله» به تحصیل علوم پرداخت و در تفسیر و حکمت و ادبیات عرب
 دست یافت و «قرآن مجید» را با ۱۴ روایت از برداشت و بهمین
 مناسبت «حافظ» تخلص کرد . دوره زندگانی او با امرای «اینبجو»
 (جلال الدین مسعود شاه - شاه شیخ ابواسحق) و سلاطین «آل
 مظفر» که در «فارس» حکومت داشتند و ملوک «ایلخانی» (= ایلکانی)
 مقارن است . او آخر عمر او مصادف با چیرگی و جهانگیری «امیر
 تیمور» است . استادی وی در غزل یگانه و بی بدل است .

«دیوان خواجه» بیش از هر شاعر فارسی زبان بطبع رسیده است و در احوال و آثار وی بیش از هر سخنور ایرانی سخن رفته .

تولد: سر آغاز سده هشتم در حدود ۷۲۷ هـ ق = ۷۰۵ هـ ش
۱۳۲۷ میلادی در « شیراز » .

وفات: ۷۹۲ هـ ق = ۷۶۸ هـ ش = ۱۳۸۹ میلادی در «شیراز»
و مدفن وی در «حافظیه شیراز» است.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۱۰۶۴ تا ۱۰۸۹ - فرهنگ
معین ج ۵ ص ۴۵۰ - کارنامه بزرگان ایران ص ۲۷۱ و ۲۷۲ .

حبش - (حاسب احمد بن عبدالله مروزی) منجم و ریاضی دان سده دوم و سوم هجری است. بسبب تبعّر در محاسبات به «حاسب» معروف گردید و در زمان خلافت «مأمون» در دربار «بغداد» منزلتی داشت. سه زیج از وی بجای مانده است: «زیج ممّحن» - «زیج دمشقی» - «زیج ماهونی» و اثر دیگر او «عمل با اسطرلاب» است. وی ظاهراً نخستین کسی است که ظلّ را وارد مثلثات کرد و جدول ظلّی فراهم ساخت. فرزندش «ابو جعفر بن حبش» منجمی ممتاز و سازنده آلات رصد بوده است.

تولد : میان سالهای ۱۵۰ و ۱۶۱ هـ ق = ۷۶۶ و ۷۷۷ میلادی.

وفات: میان سالهای ۲۵۰ و ۲۶۱ هـ ق = ۸۶۳ و ۸۷۴

میلادی .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۵۳ - کارنامه بزرگان ایران

ص ۷۷ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۸۳۰

حبیبش تفلّیسی - (ابو الفضل ابراهیم بن محمد) ملقب به «کمال الدین»
در حکمت، هیئت، نجوم، هندسه، لغت، تفسیر، طب و غیره نامبردار
و صاحب تصانیف است. - از آثار اوست: «تقویم الادویه» - «تلخیص
علل القرآن» - «بیان النجوم» - «قانون الادب فی ضبط کلمات
العرب» - «جوامع البیان» - «وجوه القرآن» - «ترجمان القوافی»
- «کامل التعبير» - پنج کتاب اخیر او بفارسی است.

وفات: حدود ۶۲۵ هـ. ق = ۱۲۲۷ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۵۴ و ۴۵۵.

حجة الاسلام امام زین الدین ابو حامد محمد بن محمد بن احمد
غزالی طوسی.

رك: غزالی حجة الاسلام ...

حجة الاسلام رشتی شفتی - سید محمد باقر بن محمد تقی موسوی شفتی
رشتی) از بزرگان علمای امامیه در سده سیزدهم هجری است. - وی «فقیه
اصولی»، «ادیب نحوی» و «رجالی» و «ریاضی» بود. شاگردی «وحید
بهبهانی» و «سید مهدی بحر العلوم» و «کاشف الغطا» و «شیخ جعفر

شوشتري» و «ملازمهدی نراقی» و «میرزای قمی» و دیگران کرد. آثار عمده او عبارتست از: «آداب صلوة اللیل و فضلها» - «الاجازات» - «الاستقبال فی شرح مبحث القبلة فی التحفة» - «اصحاب الایماعات» - «اصحاب العدة للکلینی» - «تحفة الابرار» در احکام شرعی بفارسی و... وی در شانزده سالگی برای تکمیل تحصیلات به «عراق» رفت و در ۱۲۱۷ هـ. ق = ۱۸۰۲ میلادی به «اصفهان» بازگشت و یکی از اعظم علمای شیعه از حیث دانش و مال و قدرت و نفوذ کلمه گردید. بنای «مسجد بید آباد اصفهان» (مسجد سید) بسعی اوست. در اجرای حدود شرعی سعی فراوان داشت. کتابخانه نفیس وی یکی از معتبرترین کتابخانه‌ها بشمار می‌رفت.

تولد: در حدود ۱۱۸۰ هـ. ق = ۱۷۶۶-۷ میلادی در «شف‌گیلان».

وفات: یکشنبه دوم ربیع الاول ۱۲۶۰ هـ. ق = ۲۳ مارس ۱۸۴۴ میلادی بمرض استسقاد در «اصفهان» در گذشت و در «مسجد سید» مدفون گشت.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۵۵ - ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۲۸۵ و ۲۸۶ - تاریخ رجال ایران ج ۳ ص ۳۰۴ تا ۳۰۷ - ریحانة الادب ج ۱ ص ۳۱۵ و ۳۱۶

حجة الحق حکیم ابو الفتح عمر بن ابراهیم الخیام (الخیامی)
النیشابوری - «حکیم»، «ریاضی دان»، «طیب» و «صاحب رباعیات»
است. اشعاری پیارسی و تازی سروده و رباعیات او مشهور

است. کتاب «مختصر فی الطبیعیات»، «رسالة فی الوجود» و «رسالة فی الکون و التکلیف» از آثار اوست. کتابی بنام «نوروزنامه» با و منسوب است. در سال ۴۶۵ ق.ه = ۱۱۲۳ میلادی. با همکاری چند تن از دانشمندان باصلاح تقویم پرداخت و «زیج جلالی» را بنام «سلطان محمد ملکشاه» ترتیب داد. وفات: ۵۰۹ یا ۵۱۷ ق.ه = ۱۱۱۵ یا ۱۱۲۳ میلادی در «نیشابور».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۹۵ و ۵۲۳ تا ۵۳۵ - کارنامه بزرگان ایران س ۱۶۲ و ۱۶۳ - آتشکده آذربخش دوم ص ۶۷۴ تا ۶۸۵

حر عاملی - (احمد بن حسن بن علی بن حسین مشغری عاملی) از بزرگان علمای امامیه در روزگار صفویان است. بعد از مرگ برادرش محمد (شیخ حر عاملی) شیخ الاسلام «مشهد مقدس رضوی» شد. و در سال ۱۱۱۵ ه. ق = بفرمان «شاه سلطان حسین صفوی» به «اصفهان» رفت. از آثار اوست:

«تاریخ صغیر»، «تاریخ کبیر»، «تفسیر القرآن»، «جواهر الکلام فی الخصال المحموده من الانام» و «حاشیه مختصر نافع». وفات: تا سال ۱۱۲۰ ه. ق = ۱۷۰۸ میلادی زنده بوده است.

ریحانة الادب ج ۱ ص ۳۱۸

حر عاملی - «محمد بن حسن بن علی بن حسین مشغری عاملی» از بزرگان علمای امامیه در روزگار «صفویان» است. تا ۴۰ سالگی در «سوریه» و «جبل عامل» نزد استادان شیعی تعلیم یافت و به «عراق» و «خراسان»

رهسپار شد و بمنصب « شیخ الاسلامی » و « قاضی القضاتی »
« مشهد » منصوب گشت . از آثار او ست : « اثبات الهداة بالنصوص
والمعجزات » و « وسائل الشیعة » ...

ولادت : شب جمعه ۸ رجب ۱۰۳۳ هـ . ق = ۱۶۲۳
میلادی . در « مشغرة جبل عامل » .

وفات : ۱۱۰۴ هـ . ق = ۱۶۹۲ میلادی در « مشهد » .
ریحانة الادب ج ۱ ص ۳۱۸ تا ۳۲۰ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۵۷ .

حزین لاهیجی - (شیخ محمد علی بن ابوطالب لاهیجی اصفهانی)
شاعر و دانشمند و مورخ بنام سده دوازدهم هجری از اعقاب « شیخ
زاهد گیلانی » است . پدرش از « لاهیجان » به « اصفهان » رفت .
از آثار او ست : « تذکرة حزین » که در احوال شاعران روزگار خود
نگاشته و دیگر سرگذشت خویش که بنام « تاریخ حزین » نوشته است .
« دیوان اشعار » او به ۴ قسمت مدون شده است . سخنش با همه نازکی
مقرون بسادگی و روانی است . وی از طرفداران « طرز تازه » (سبک
هندی) است .

ولادت : دوشنبه ۲۷ ربیع الآخر ۱۱۰۳ هـ . ق = ۱۶۹۱
میلادی در « اصفهان » .

وفات : شب ۱۱ جمادی الاولى ۱۱۸۱ هـ . ق = ۱۷۶۷
میلادی در « بنارس هند » .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۵۸ - مقدمه دیوان حزین - رپیکا

حسام الدین حسن بن محمد بن حسن ارموی -، معروف به «چلبی» و «ابن اخی ترک» خلیفه «مولانا جلال الدین بلخی رومی» از علما و بزرگان و مشایخ «قونیه» است و پدرش از «اخیا» یعنی ارباب فتوت و جوانمردان بود. «مثنوی مولوی» که روشن ترین و برجسته ترین آثار فکری بشر است، یادگار روزگار صحبت «مولانا» و «حسام الدین چلبی» است.

تولد: ۶۲۲ ه. ق = ۶۰۳ ه. ش = ۱۲۲۴ میلادی در «قونیه».

وفات: چهارشنبه ۲۲ یا ۱۲ شعبان ۶۸۳ ه. ق = ۶۶۳ ه. ش = ۱۲۸۴ میلادی در «قونیه».

مقدمه رومی ص ۱۹ و ۲۰ - رساله در تحقیق احوال و زندگانی مولانا جلال الدین محمد مشهور به مولوی از شادروان استاد اجل بدیع الزمان فروزانفر ج ۲ ص ۱۰۲ تا ۱۰۶ و ص ۱۷۲

حسام الدین خویی - (حسن بن عبدالمؤمن) از ادبای سده هفتم ه. ق «آذربایجان» است که در دستگاه «چوپانیان قسطنطینی روم» می زیست. صاحب کتب: «نزهة الکتب» در انشاء - «نصیب الفتیان» و «نسیب التبیان» و «تحفه حسام» (لغت منظوم پارسی بترکی) و «قواعد الرسائل» در انشاء است.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۸۵ - فرهنگنامه های عربی و فارسی منزوی ص ۸۴ و ۱۳۰

حسام السلطنة - (سلطان مراد میرزا فرزند عباس میرزا نایب السلطنة)
 فتنه «سالار» را در ۱۲۶۵ ه. ق دفع کرد و در همان سال پس از فوت
 «محمد تقی میرزا» پسر «فتحعلی شاه»، «حسام السلطنة» لقب یافت.
 هموست که «هرات» را بسال ۱۲۷۲ ه. ق گشود و در ۱۲۷۳ ه. ق
 والی «فارس» شد.

وی چهار بار فرمانروای «خراسان» گشت . سالاری بانام
 کارآمد بود ...

تولد: ۱۲۳۳ ه. ق = ۱۸۱۷ میلادی.

وفات: ۱۳۰۰ ه. ق = ۱۸۸۲ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۵۸ - تاریخ رجال ایران ج ۲ ص
 ۱۰۴ تا ۱۱۰

حسن بن الصباح - از داعیان فرقه «نزاریه» بود. بعد از فوت «المستنصر بالله
 فاطمی» میان دو فرزند او «مصطفی بالله» مشهور به «نزار» و «المستعلی
 بالله» اختلاف افتاد و شیعیان طرفدار «نزار» در «عراق» و «شام» و
 «قومس» و «خراسان» و «لرستان» بودند و حتی در «مصر» طرفدارانی
 داشتند. و «حسن بن صباح» مؤسس فرقه «صباحیه» در «ایران» طرفدار
 «فرقه نزاریه» بود. «حسن» در «قم» ولادت یافت. «عبدالمملک عطاش»
 در ۴۶۴ ه. ق، هنگامی که به «ری» رفت، «حسن» را پسندید و نیابت
 دعوت باو داد. در سال ۴۷۱ ه. ق (زمان اختلاف نزار و مستعلی)
 «حسن» به «مصر» شد و طرفدار «نزار» بود در ۴۷۳ ه. ق به «ایران»

باز آمد. و در ششم رجب ۴۸۳ ه. ق به «الموت» صعود کرد. مردی
دیندار و زاهد و خردمند و سیاست و دانش دوست بود.
وفات: شب ۲ شنبه ۲۶ ربیع الآخر ۵۱۸ ه. ق = ۱۱۲۴
میلادی در «الموت».

تاریخ ادبیات در ایران. ج ۲. ص ۱۶۸ و ۱۶۹ - کارنامه بزرگان
ایران ص ۲۹۹ و ۳۰۰ - جلد سوم جهانگشای جوینی.

حسن بن زید عاوی - سرسلسله «علویان طبرستان» است. بکومک «محمد بن
ابراهیم» یکی از داعیان مذهب «زیدیه» توانست همه مردم «دیلیم»
و «چالوس» و «رویان» و «آمل» و «ساری» را در زیر حکم آورد
و سپس «ری» را نیز تحت انقیاد کشد و بتشکیل سلسله بی مستقل
پردازد.

جلوس: ۲۵۰ ه. ق = ۸۶۴ میلادی.
تسلط بر «گرگان» ۲۵۷ ه. ق = ۸۷۰ میلادی.
وفات: ۲۷۰ ه. ق = ۸۸۳ میلادی.
کارنامه بزرگان ایران ص ۲۵۷ و ۲۵۸

حسن بن سوار بن بهرام بن ابی الخیر - از فلاسفه و مترجمان معروف
اوائل سده چهارم ه. ق است. از آثار او ترجمه چند کتاب از زبان
«سریانی» عبری است و از تصانیف وی که نام برده اند کتابی در

«تفسیر ماده» و دو کتاب در شرح «کلیات خمس» و کتابی در «آثار جو» است .

تولد : ۳۳۱ هـ . ق = ۹۴۲ میلادی .

کارنامه بزرگان ایران ص ۱۰۱

حسن بن سهل بن عبدالله سرخسی - برادر «فضل بن سهل» است . چون «مأمون» «فضل» را بغدر بکشت ، وزارت را به برادرش «حسن» داد . شاعران را در مدح او قصاید است . وی در پایان عمر بمرض سویداء گرفتار و دیوانه شد و او را زنجیر کردند . وی پدر «پوران» همسر «مأمون» است و از رجال بزرگ خدمتگزار «ایران» .
وفات : ۲۰۳ هـ . ق = ۸۱۸ میلادی .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۵۹

حسن بن موسی بن شاکر خراسانی - از منجمان بزرگ سده سوم هجری است .

زندگانی : سده سوم هـ . ق = سده نهم میلادی .

رك : بنی موسی کتاب حاضر ص ۲۲۹ .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۰۳ - ریاضی دانان ایرانی پژوهش

و نگارش ابوالقاسم قربانی ص ۵۱ تا ۶۲

حسن خان شاملو - فرزند «حسین خان»، از اعظام امرای «شاملو» است. روزگاری در زمان پادشاهی «شاه عباس دوم صفوی» و «شاه سلیمان» فرمانروایی «هرات» داشت. مجلس وی هیچگاه از ارباب کمال خالی نبود. شعر میگفت، در حسن خط نستعلیق مشهور است. فرزندش «مرتضی قلیخان» مدتها از جانب «شاه سلیمان» حکومت «قم» داشت، و در خط شکسته نستعلیق از پیشوایان این هنر است.

وفات: ۱۱۰۰ ه. ق = ۱۶۸۸ میلادی در «هرات» و همانجا مدفون است.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۶۰ - بزرگان ایران ص ۲۲۴ و ص ۲۲۵ - آتشکده آذر بخش نخست ص ۵۶ و ۵۵ - احوال و آثار خوشنویسان (بخش اول) نوشته دکتر مهدی بیانی ص ۱۴۲ تا ۱۴۴

حسن فسائی

رك: حاج میرزا احسن فسائی كتاب حاضر ص ۲۸۹ و ۲۹۰

حسن قطان مروزی (عین الزمان) - از دانشمندان سده ششم ه. ق شاگرد «ابوالعباس لوکری» است. پزشک و ریاضی دان و فیلسوف بود. اصل او از «بخارا» است و در «مرو» میزیست. تا سال ۵۴۸ ه. ق در فتنه «غزان» بدست آن وحشیان کشته شد. از آثار اوست: کتاب «گیهان شناخت» در علم هیئت.

ولادت: ۴۶۵ ه. ق = ۱۰۷۲ میلادی در «مرو».

مقتول: ۵۴۸ ه.ق = ۱۱۵۳ میلادی در «مرو» .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۹۴ و ۳۱۲ - بزرگان

ایران ص ۲۶۵.

حسن کاشی آملی (= مولانا حسن کاشانی آملی) - از شاعران معروف سده هشتم هجری است . در اصل از مردم « کاشان » بود، اما چون در « آمل مازندران » ماندگار آمده ، به « آملی » نیز شهرت یافته است . وی از ستایش شهریاران و بزرگان روزگار روی در کشید، و چون مذهب شیعه داشت ، بیشتر اشعارش در مناقب معصومان (ع) بویژه « حضرت علی بن ابیطالب » (ع) است؛ بموجب روایت « دولتشاه » ، يك بار بزیارت کعبه رفته است؛ و هنگام بازگشت به « نجف » شده و قصیده‌یی در مدح « امیر المؤمنین علی » (ع) سروده است. بعضی سروده‌های وی در « مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری » آمده است. در عهد سلطنت « الجایتو » = سلطان محمد خدا بنده (۷۰۳-۷۱۶ ه.ق = ۱۳۰۳ - ۱۳۱۶ میلادی) میزیسته است . در جوانی وفات یافته و در « سلطانیه » مدفون است. « محتشم کاشانی » در سرودن ترکیب‌بند مشهور خود ، اقتفای وی کرد.

شهرت: سر آغاز سده هشتم ه.ق = سده چهاردهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۷۴۵ - دائرة المعارف ج ۱

ص ۸۵۱

حسن متکلم - «تاج الدین حسن متکلم نیشابوری» از شاعران سده هشتم
ه. ق و از ستایشگران شهریاران «آل کرت هرات» بود. بموجب
روایت مجمع الفصحاء، شاگرد «مظفر هروی» است.

وفات: ۷۴۱ ه. ق (بقول تقی الدین کاشانی) = ۱۳۴۰ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۸۴۵ تا ۸۵۱ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۸۵۱

حسن و ثوق

رك: و ثوق الدوله

حسین بن منصور حلاج بیضاوی (ابو مغیث عبدالله بن احمد بن ابی طاهر
حسین بن منصور حلاج) از مردمان «بیضای فارس» معروف به «حلاج»
از بزرگترین مشایخ «صوفیه» بود که در «بغداد» اقامت داشت و
به فتوای فقها و فرمان مقتدر خلیفه با شقاوت بسیار او را بقتل رسانیدند.
وی متهم بود که در حال جذبه ندای «انا الحق» بر میآورد. از «حلاج»
کتابهای فراوان نقل شده است. از آنهاست: «طواسین»
«طاسین الازل والجوهر الاکبر» - «کتاب الهیاکل» - «الکبریت»
«الاحمر» - «نور الاصل» - «الجسم الاکبر» - «الجسم الاصغر»

«بستان المعرفة» - «قرآن القرآن» و اشعاری نیز از او باقی است.
تولد: احتمالاً^۴ ۱۲۴۴ ه. ق = ۱۸۵۶ میلادی در «بیضای
فارس» .

مقتول: نزدیک نوروز ۷ روز مانده به ذیقعد ۱۳۰۹ ه. ق
= ۱۹۲۱ میلادی در «بغداد» .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۲۰ و ۲۲۲ - فرهنگ
معین ج ۵ ص ۴۶۲ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۸۶۱

حسین ثنائی

رك: خواجه حسین ثنائی.

حسین سخنیار - متخلص و مشهور به «مسرور» فرزند «حاج محمد جواد»
در بلوک «کوپای اصفهان» تولد یافت. در هفت سالگی برای
تحصیل همراه خانواده به «اصفهان» آمد و علوم مقدماتی و متوسطه
و صرف و نحو فارسی و تازی و دروس معمول عصری را در
مدارس مختلف بیاموخت و در «اصفهان»، «شیراز»، «مشهد»،
«کاشان» و «تهران» از محضر اساتید نامدار بهره‌ور شد؛
چنانکه در «اصفهان» از «دهقان سامانی» شاعری و در «شیراز»
از «فرصة الدوله» زبانهای قدیم و خطوط باستانی آموخت. در

«شیراز» دو سال ریاست چاپارخانه‌ها با او بود. سپس در سال ۱۳۴۲ ه. ق = ۱۳۰۲ ه. ش بخدمت معارف درآمد و حدود سی سال در دبیرستانهای «تهران»، بخصوص «دارالفنون»، بتدریس پرداخت؛ و از بهترین معلمان ادبیات فارسی شمرده میشد. وی فاضلی دانشمند و شاعری گرانقدر و نویسنده‌ی شیوا قلم بود.

از آثار اوست: «امثال سائره» - «فرهنگ زبان» - «داستان تاریخی محمود افغان» - سلسله داستانهای تاریخی «ده نفر قزلباش» - «داستان تاریخی قرآن» - «گوشه‌یی از زندگانی لطفعلی خان زند» - مجموعه داستانهای کوتاه بنام «نی‌زن بیابان» و بیش از سیصد رساله و مقالات علمی و ادبی و تحقیقی از آثار قلمی وی به طبع رسیده است. مقدار اشعارش را در حدود شش هزار بیت نوشته‌اند. و در حیات او مجموعه‌ی نزدیک به دو هزار بیت بنام «راز الهام دیوان اشعار حسین مسرور» از سروده‌های او که از جمله بهترین آثار منظوم ادبیات فارسی معاصر است، بطبع درآمده. «مسرور» در بعضی از سخن آزمایی‌ها شرکت میکرد و به مقام اول میرسید.

تولد: بیستم صفر ۱۳۰۸ ه. ق = ۱۸۹۰ میلادی.

در «کوپای اصفهان».

وفات: ۱۳۸۹ ه. ق = ۱۳۴۷ ه. ش = ۱۹۶۹ میلادی.

تذکره شعرای معاصر از انتشارات کتابخانه طهوری ص ۳۶۲ تا ۳۶۸ - تاریخ رجال ایران ج ۵ ص ۷۹ - مقدمه دیوان اشعار مسرور (راز الهام).

حکیم ابوالقاسم منصور بن حسن یا اسحق بن شرفشاه «فردوسی
طوسی» خداوندگار شعر حماسی و ارجمندترین بزرگان ادب پارسی
و سراینده نامدار «شاهنامه» زوال‌ناپذیر است .

تولد: ۳۲۹ ه. ق = ۹۴۰ میلادی.

آغاز سرودن شاهنامه: بعد از سال ۳۶۰ ه. ق = ۹۷۰

میلادی .

پایان بخشیدن به شاهنامه ۳۸۴ ه. ق = ۹۹۴ میلادی .

سال تکمیل و تقدیم شاهنامه ۴۰۰ ه. ق = ۱۰۰۹ میلادی.

وفات: ۴۱۱ یا ۴۱۶ ه. ق = ۱۰۲۰ یا ۱۰۲۵

میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۴۰۸ تا ۵۲۱-آتشکده آذر

بخش ۲ ص ۴۷۵ تا ۴۹۵-حماسه سرایی در ایران از استاد دکتر ذبیح‌الله صفا.

حکیم الملك (حکیمی) - «ابراهیم» ملقب به «حکیم الملك» از رجال
دوره اخیر «قاجاریه» و روزگار درخشان «پهلوی» است. مکرر بنخست
وزیری و نمایندگی مجلسین «شورای ملی» و «سنا» انتخاب شد.
وی مردی میهن‌پرست و خوش‌نام و آزادیخواه بود .

وفات: ۱۳۷۹ ه. ق = ۱۳۳۸ ه. ش = ۱۹۵۹ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۶۴

حکیم روحی و لوالجی - از مردم « و لوالج » از مضافات « بدخشان
 ماوراءالنهر » از شعرای سده ششم ه. ق = سده دوازدهم میلادی
 است. بعد از « قطران » و « خواجه مسعود سعد سلمان » (م/ ۵۱۵ ه. ق)
 میزیسته و در « ماوراءالنهر » و « خراسان » روزگاری گذرانیده است.
 در هزل یگانه زمان خود بود. در وصف اسب کندرو خود
 شعری مقرون بتفريح خاطر ساخته است.
 از اوست:

بیش از این نیست کاز سخا و سخن

خواجه مسعود سعد سلمانم

مطلع و مقطع قصاید را

سیوم فرخی و قطرانم

که به ولوالجم، ولایت خویش

که به و خش و به گنج و ختلانم.

وفات: بعد از ۵۱۵ ه. ق = ۱۱۲۱ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۶۳۷ تا ۶۳۹

حکیم سنائی غزنوی

رك: سنائی (حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنائی

غزنوی)

حکیم سوری - میرزا تقی‌ملقب به «ضیاء لشکر» (در پانزده سالگی) و «مستشار اعظم» و متخلص به «دانش» و معروف به «حکیم سوری»، فرزند «میرزا حسین وزیر تفرشی» معروف به «بلور» (چون سیاه چرده بود) است. در «تفرش» تولد یافت و در «تهران» نشو و نما کرد. در روزگار جوانی در خدمت مرحوم «میرزا علی محمد صفا» به فراگرفتن هنر خطاطی پرداخت و در محضر «ملا عبد الصمد یزدی» و «میرزا ابوالحسن جلو» فنون عربیت و حکمت و علوم متداول آن زمان را بیاموخت و به تصفیح دو این شعرای تازی و پارسی متمایل شد. وی در «دیوان استیفا» (وزارت مالیه) «مستوفی اول» بود و مدتی در دستگاه «میرزا یوسف مستوفی الممالک» و «ظل السلطان» و «میرزا علی اصغر خان اتابک» و در «دیوان انشاء و لיעهد» منشی گشت و چند گاهی هم به «کرمانشاه» در دستگاه «ناصر - الملک» به کتابت می پرداخت. «دانش» در اوائل مشروطیت در زمره آزادیخواهان درآمد و آثاری منظوم در حمایت آزادی و نکوهش استبداد سروده است. قانون اساسی بخط او به امضاء «مظفرالدین شاه قاجار» رسیده است. بعد از سقوط «محمد علی شاه» حدود بیست سال ریاست عدلیه و ریاست بلدیّه و ریاست کابینه ایالتی «فارس» بر عهده او بود. وی دانشمندی ادیب و فاضل و شاعری توانا و صاحب سبک و منشی قابل و خطاطی چیره دست است و چندین تألیف از وی بیادگار مانده.

اشعار فکاهی و مطایبات «دانش» بنام «دیوان حکیم سوری» بطبع رسیده است و الحق در تتبع دیوان «بسحق اطعمه شیرازی» و

«اشتهای اصفهانی» داد استادی داده و در تذکره «آش کشکیان» سبک « یخچالیه آقا محمد علی مذهب اصفهانی » را بسیار خوب پیروی کرده و «دیوان قصائد - هزار غزل و مقطعات» وی که به نفقه «دانشگاه تهران» در حدود نهصد صفحه بطبع درآمده است، نشانه استادی اوست در تتبع استادان قدیم؛ و در روشنگری اوضاع و احوال اجتماعی عصر و زمان خود، اثری اصیل و گرانبهاست. از دیگر آثار او «تذکره صدر اعظمی» و تألیفات عدیده‌یی است که در مقدمه دیوان وی نا اندازہ‌یی معرفی شده.

تولد: ۱۲۷۸ ه. ق = ۱۲۴۰ ه. ش = ۱۸۷۱ میلادی در
« تفرش » یا «تهران» .

وفات: ۱۳۶۷ ه. ق = بیست و پنجم اسفند ماه ۱۳۲۶ ه. ش = ۱۹۴۷ میلادی در «تهران» .

تاریخ رجال ایران ج ۵ ص ۴۵ و ۴۶ - «دیوان قصائد - هزار غزل - مقطعات» از «تقی دانش» مستشار اعظم طبع دانشگاه تهران .

حکیم شفائی - (حکیم شرف الدین حسن بن حکیم ملا محمد حسین اصفهانی - ملقب به «حکیم شفائی» و متخلص به «شفائی») طبیب دربار «شاه عباس بزرگ» و شاعر مشهور عصر صفوی است .
بقول «هدایت»: «فضل «حکیم» را طبابت و طبابت اورا

شاعری محبوب داشته است. - غزلیات و هجویات دارد. مثنوی «نمکدان حقیقت» از وست که بتقلید «حدیقه سنائی» ساخته. همچنین «یست باب» و «قرا با دین» «شفائی» را در طب نوشت و «مثنوی دیده بیدار» را بنام «شاه عباس» سرود و «مجمع البحرین» را در برابر «تحفة العراقین خاقانی» بنظم آورد و مثنوی «مهر و محبت» نیز از اوست.

آثار منظوم «حکیم شفائی» یکدست نیست. در غزلسرایی، چون بسیاری دیگر از شعرای آن روزگار، مقفّد «بابا فغانی شیرازی» بود.

«نصر آبادی» نوشته است: «نوّاب میرزا محمد باقر داماد» میفرمود: «شاعری فضیلت حکیم شفائی را پوشیده و شعرش راهجا پنهان ساخته».

از اوست:

بحشرم وعده دیدار اگر دادی، نمی رنجم
وصال چون توی را صبر این مقدار می باید!

این جور دیگر است، که آزار عاشقان
چندان نمیکنی که به بیداد خو کنند!

دیدی که خون ناحق پروانه شمع را
چندان امان نداد که شب را سحر کند؟!
تولد: ۹۹۶ ه. ق = ۱۵۸۷ میلادی.
وفات: ۱۰۳۷ ه. ق = ۱۶۲۷ میلادی و بروایت صاحب

«عالم آرا» ۱۰۳۸ ه. ق = ۱۶۲۸ میلادی .

آتشکده آذر بخش سوم ص ۹۵۰ تا ۹۵۴ - ترجمه تاریخی

ادبیات برون ج ۴ ص ۱۸۹

حکیم شیرازی - (محمود بن محمد شفیع وصال شیرازی متخلص به «حکیم») دومین فرزند «وصال» است. نخست «طوبی» تخلص داشت و چون به آموختن حکمت الهی و طب یونانی پرداخت، «حکیم» تخلص کرد. در شاعری پیرو روش «ناصر خسرو» و «سنائی» بود. در خط نستعلیق مهارتی بسزا داشت و آن را با قلم خفی نیکو مینوشت. «مثنوی مولوی» - «دیوان خاقانی» - «دیوان انوری» «دیوان خواجه» را با آن خط زیبا نگاشت. چهار سال پس از درگذشت «وصال»، بنا بر خواست «نظام دکن»، همراه برادر بزرگش «وقار» و سه تن از دوستان یگانه که یکی از آنها «آقا فتحعلی خوشنویس» متخلص به «حجاب»، شاگرد قدیم «وصال»، بود به «هندوستان» شد؛ و در «بمبئی» «آقا خان» آنها را بنویشتن کتب مشغول داشت. «وقار» بنویشتن «مثنوی مولوی» بقطع کوچک با قلم خفی با شرح و «حکیم» به کتابت «دیوان حافظ» پرداخت .

«وقار» در «بمبئی» با ممداد و عصر درس میگفت و «حکیم» جز نوشتن طبابت هم میکرد. این سفر یکسال مدت گرفت تا بنا بر دلنمودگی یاران و نامه «فیروز میرزا فرمانفرما» و اصرار و

شعر برادرشان «داوری» که «آقاخان» را شفیع آورده بود، هر دو برادر به «شیراز» باز آمدند. «حکیم»، هنگام بازگشت، کتابت «حدیقه سنائی» را که به نیمه رسانیده بود، برای اتمام به «اولیاءسمیع» خوشنویس هندی باز گذاشت. پس از رسیدن به «شیراز» چندی نگذشت که به «تهران» شتافت و پس از سالی به «شیراز» باز آمد و با دختر «نایب الصدر رحمت علیشاه» صاحب «طرائق - الحقایق» پیوند زناشویی بست و فرزندش «عبدالله» متخلص به «رحمت» از این پیوستگی پدید آمد. «حکیم» پس از چهل سال زندگانی در وبای عام «شیراز» درگذشت و برادران و اهل علم و ادب را سوگوار ساخت.

تولد: ۱۲۳۴ هـ. ق = ۱۸۱۸ میلادی در «شیراز».

وفات: ۱۲۷۲ هـ. ق = ۱۸۵۸ میلادی در «شیراز»

و در «حرم شاه چراغ» نزدیک تربت پدر مدفون شد.

گلشن وصال س ۲۷۵ تا ۲۹۳ - ترجمه تاریخ ادبیات برون

ج ۴ ص ۳۵ و ۲۲۷

حکیم مؤمن - (امیر محمد مؤمن بن میرزا محمد زمان حسینی تنکابنی

دیلمی) طبیب مخصوص «شاه سلیمان صفوی» (۱۰۷۸ هـ. ق -

۱۱۰۵ هـ. ق) صاحب کتاب «تحفه حکیم مؤمن» یا «تحفه -

المؤمنین» در طب که آن را در سال ۱۰۸۰ هـ. ق = ۱۶۶۹ میلادی برای

این پادشاه بزبان فارسی نوشت و نسخ بسیار خطی و چاپی از این کتاب

در دست است و به ترکی و تازی نیز ترجمه شده. کتاب تحفه اکثر مطالب طبّی را در بردارد و مؤلف اغلب تجربیات خود و پدرش را در نباتات و معاجین و شربت‌های متفرقه و حبوبات و سفوفات گوناگون و ادویه مفرده و مرکبه جمع آوری کرده است. این کتاب قریب سه قرن کتاب مطالعه اطبّا بوده است.

سال پایان رسیدن تحفه: ۱۰۸۰ ه. ق. = ۱۶۶۹ میلادی است.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۳۸۰ - ترجمه تاریخ ادبیات

برون ج ۴ ص ۳۰۹ - ریحانة الادب ج ۱ ص ۳۳۹ - دائرة المعارف

ج ۱ ص ۶۱۵

حکیم نزاری قهستانی

رک: نزاری قهستانی (حکیم سعدالدین بن شمس‌الدین

محمد نزاری بیرجندی قهستانی).

حکیم نظامی گنجوی

رک: نظامی گنجوی (حکیم جمال‌الدین ابو محمد الیاس

ابن یوسف بن زکی بن مؤید).

حلاج

رک: حسین بن منصور حلاج بیضاوی (ابو مغیث عبدالله بن

احمد بن ابی طاهر حسین بن منصور حلاج) . - کتاب حاضر
ص ۳۰۸ و ۳۰۹

حمدالله مستوفی (حمدالله بن ابوبکر بن محمد بن نصر قزوینی) مورخ
و شاعر و جغرافیا دان نامدار سده هشتم ه. ق، نسب خود را به «خر بن
یزید ریاحی» میرسانید. صاحب «تاریخ گزیده» - «ظفرنامه» - «نزهة
القلوب» است .

«ظفرنامه» او، در هفتاد و پنج هزار بیت، در حقیقت دنباله
«شاهنامه فردوسی» است تا عصر مؤلف (سال ۷۳۲ ه. ق). «حمدالله»
در بیان وقایع دقت کامل داشته است . نسخه‌ی ازین کتاب در
«موزه بریتانیا» موجود است . آرامگاه او در «قزوین» است.
تولد: ۶۸۰ ه. ق = ۱۲۸۱ میلادی.

وفات: ۷۵۰ ه. ق = ۱۳۴۹ میلادی مدفون در «قزوین».
تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۶۰ - فرهنگ معین ج ۵ ص
۴۶۶ و ۱۱۱۴ - کارنامه بزرگان ایران ص ۲۱۸ و ۲۱۹

حمدون قصار نیشابوری - (ابو حامد صالح حمدون بن احمد) عارف و
صوفی معروف «ایران» در سده سوم ه. ق و از یاران «ابوتراب
نخشب» ، ناشر طریقه «ملاطیه» در «نیشابور» است . از آنجا
که لقب «قصار» دارد، گمان میرود که پیشه گازی داشته است.

وفات: ۲۷۱ هـ ق = ۸۸۴ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۲۲۰ - دائرة المعارف ج ۱

ص ۸۶۵

حمزة بن آذرك شاری - معروف به «حمزة بن عبدالله خارجی» از پیشوایان «خوارج سیستان» است. وی نسب خود را به «زو» فرزند «تهماسب» میرساند. بر خلیفه عباسی «هارون الرشید» قیام کرد و «علی ابن عیسی» را که از جانب پدر ولایت «سیستان» داشت، بشکست. و در «سیستان» و «کرمان» بگردنکشی پرداخت. «هارون» برای دفع وی از «بغداد» به «خراسان» شتافت. ولی پیش از فرونشاندن اغتشاشات او، در «طوس» درگذشت و «حمزه» به حدود «کابل» و «سند» تاخت و چندی در آنجا به غزو و جهاد پرداخت.

بعضی گمان میبرند میان داستان «حمزه خارجی» و حکایات عامیانه معروف به «امیر حمزه صاحبقران» ارتباطی باشد.

وفات: ۲۱۳ هـ ق = ۸۲۸ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۶۷ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۸۶۶

۸۶۷

حمزة بن الحسن الاصفهانی - (ابو عبدالله حمزة بن حسن اصفهانی)
 ازدانشمندان و مورخان سده سوم هجری است. صاحب کتابهای
 تاریخ «سنی ملوک الارض والانباء» و «التنبیه علی حدوث التصحیف» -
 «کبار البشر» و «الامثال» است که همه را در دست داریم.
 نویسنده تاریخ «مجمل التواریخ والقصاص» بیشتر از
 هر مأخذ از کتاب «سنی ملوک...» استفاده کرده است.
 تولد: حدود ۲۷۰ ه. ق = ۸۸۳ میلادی.
 وفات: حدود ۳۵۰ تا ۳۶۰ ه. ق = ۹۶۰ میلادی تا ۹۷۰
 میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۴۱ - دائرة المعارف ج ۱
 ص ۸۶۶ - کارنامه بزرگان ایران ص ۵۱ و ۵۲

حمیدالدین عمر بن محمود بلخی و لوالجی - متخلص به «حمیدی» در شهر
 «بلخ» مسند قاضی القضاتی داشت. از آثار او ست: «مقامات حمیدی» -
 «وسيلة العفاة الى اكفی الكفاة» - «مثنوی سفرنامه مرو» - وی
 «مقامات» خود را بسال ۵۵۱ ه. ق بتقلید «مقامات حریری» و
 «مقامات بدیع الزمان همدانی» به نثری مسجع و متکلف و مصنوع
 بتألیف درآورد .
 شاعران روزگار وی، مانند «انوری»، او را در اشعار
 خود ستوده اند.

وفات : ۵۵۹ هـ. ق = ۱۱۶۳ میلادی بقول «ابن اثیر»

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۶۶۰ تا ۶۶۲ و ص ۹۵۷ - کارنامه
بزرگان ایران ص ۱۵۳ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۸۶۷

حنظله باد غیسی - از نخستین شاعران زبان فارسی است و از معاصران
دولت «آل طاهر» بوده . بنابراین در نیمه دوم سده دوم و نیمه
اول سده سوم هـ . ق میزیسته است .

وفات : ۲۲۰ هـ. ق = ۸۳۵ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۵۷ - نور و ظلمت ص ۴۰

حیدر بن محمد خوافی - (یا شیرازی) صاحب «شرح الايضاح خطیب
قزوینی» است.

وفات : ۸۲۰ هـ. ق = ۱۴۱۷ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۹۴.

حیدر - (قطب الدین حیدر) از عرفای معروف ایران که «تربت حیدری»
بمناسبت آرامگاه وی بدین نام خوانده شده و طایفه «حیدری»
(مقابل نعمتی) بدو منسوب است. در شهر «تون خراسان» از
مادر بزاد و مدتی در «تبریز» اقامت جست و مذهب شیعه دوازده

امامی را مروج بود۔ - گویند: نسب وی به چندین واسطه به
 «عبدالله بن موسی بن جعفر (ع)» میرسد. اورا صاحب کرامات نوشته اند.
 دستنویسی بنام « دیوان قطب الدین حیدر » بشماره ۲۴۸ در
 «کتابخانه مدرسه سپهسالار» موجود است.

وفات: ۵۶۱۸ هـ. ق = ۱۲۲۱ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۷۰ - ریحانة الادب ج ۳ ص ۳۰۳ -
 دائرة المعارف ج ۱ ص ۸۷۱ و ۸۷۲

حیرت - «میرزا اسمعیل» متخلص به «حیرت» مترجم معروف « تاریخ
 ایران » تألیف « سرجان ملکم » از انگلیسی به فارسی که دوبار در
 « بمبئی » بطبع رسیده است. وی در « بمبئی » وفات یافت و در
 قبرستان ایرانیان مدفون است.

تولد: ۱۲۵۴ هـ. ق = ۱۸۳۸ میلادی.

وفات: بیست و چهارم جمادی الاولی ۱۳۱۶ هـ. ق =
 ۱۸۹۸ میلادی در « بمبئی ».

تاریخ رجال ایران ج ۱ ص ۱۳۱

خاتونی

رك: «ابوطاهر خاتونی» (موفق الدولة كمال) - كتاب
حاضر ص ۱۱۸ و ۱۱۹. هـ.م رك: «معین الملك اصم».

خازنی «ابوالفتح عبدالرحمن منصور خازنی» (یا خازن) معروف به
«زاهد» غلام رومی مملوك «ابوجعفر الخازن» ریاضی دان و
فیزیک دان و دانشمند مشهور اواخر سده پنجم و اوائل سده
ششم هجری و همکار «خیام» در ترتیب «تقویم جلالی» است.
وی در «مرو» پرورش یافت و ریاضیات و فلسفه آموخت و
اگرچه نزد «سلطان سنجر» و بزرگان دربار وی مقرب بود، مانند
«ابوریحان بیرونی» در کمال سادگی زندگانی میکرد. مؤلف
کتاب «زیج سنجری» یا «مقتبر سنجری» که کتابی است در نجوم
بعربی و نسختی از آن در دست است.

دیگر آثار او: «رسالة فی الآلات العجیبة»، درباره آلات
رصد. وی در حدود سال ۵۱۳ هـ. ق با توجه به «ترازوی ارشمیدس»
ترازویی ساخت که برای تعیین وزن مخصوص اجسام بکار
میرفت و آنرا «میزان الحکمة» نامید. و نیز نوعی ساعت ساخت
که آنرا «میزان الساعة» گفت. (حدود سال ۵۱۵ هـ. ق).
وفات: بعد از ۵۲۵ هـ. ق = ۱۱۳۰ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۳۱۰ - کارنامه بزرگان

ایران ص ۲۴۲ و ۲۴۳ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۸۷۶ - فرهنگ معین
ج ۵ ص ۴۷۲ و ۶۶۲

خاقانی - (حسن العجم افضل الدين بدیل (ابراهیم) بن علی نجار خاقانی
حقایقی شروانی) از بزرگترین شعراء ایران است در سده ششم هجری
معاصر «شروانشاهان» و ستایشگر ایشان بود. از آثار وی «دیوان شعر»
و مثنوی «تحفة العراقین» و «منشآت» است. دیوانش در حدود
۱۷ هزار بیت دارد و یکبار در «هندوستان» و دوبار در «ایران»
بطبع رسیده است.

وی در قصیده سرایی و ترکیب آفرینی و مضمون سازی
و نوآوری در طراز اول استادان شعر فارسی قرار دارد. در شعر تازی
نیز چیرگی داشت.

تولد: ۵۲۰ هـ. ق در «شروان» = ۱۱۲۶ میلادی.
وفات: ۵۹۵ هـ. ق = ۱۱۹۸ میلادی و در مقبرة الشعراء
«سرخاب تبریز» مدفون گردید.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۷۷۶ تا ۷۹۴ - کارنامه
بزرگان ایران ص ۲۰۶ و ۲۰۷ - نور و ظلمت ص ۱۰۶ - آتشکده آذر
بخش ۱ ص ۱۴۹ تا ۱۹۴ - دیوان خاقانی شروانی به تصحیح دکتر ضیاء الدین سجادی

خالد (امیر فخرالدین تاج الافاضل خالد بن ربیع الممتی الطولائی) از

افاضل واعیان «خراسان» و از مشاهیر کتّاب و شاعران زمان بود.
 با «انوری» دوستی داشت. ستایشگر «سلطان سنجر» بوده است.
 وفات: تخمیناً بعد از سال ۵۴۴ ه. ق. = ۱۱۴۹ میلادی.
 تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۶۰۴

خالد برمکی (یا خالد بن برمک) جدّ خاندان ایرانی «برامکه» است.
 نیاکانش منصب پرده داری یعنی ریاست «معبد بودایی نوبهار
 بلخ» داشتند. آخرین «برمک»، یعنی پدر «خالد»، در اواخر عصر
 اموی اسلام آورد.

«خالد برمکی» از فرماندهان سپاه «ابومسلم خراسانی»
 بود که پس از زوال «بنی امیه» به خدمت «ابوالعباس سفّاح»
 پیوست و از جانب او در دیوان خراج اشراف یافت (۱۳۲ ه. ق.)
 و گویند: لقب «وزیر» نیز داشت. «خالد» از سال ۱۴۸ ه. ق تا ۱۵۲
 ه. ق عامل «طبرستان» بود. در طرح نقشه «بغداد» بسال ۱۴۶
 ه. ق و در محروم شدن «عیسی بن موسی» از ولایت عهدی بسال
 ۱۴۷ ه. ق مشورت او با «منصور» مؤثر آمد. چندی پیش از
 درگذشت «منصور» (م/ ۱۵۸ ه. ق)، پس از پرداخت ۲۷۰۰۰۰
 درهم عامل «موصل» شد و در سال ۱۶۳ ه. ق، با وجود کهنسالی،
 در ولایات سرحدی «روم» پیکار میکرد. «یحیی بن خالد برمکی»
 فرزند اوست.

وفات : ۱۶۳ یا ۱۶۴ هـ . ق = ۷۷۹ یا ۷۸۲ میلادی .
تاریخ برگزیدگان ص ۱۶۲ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۸۷۷

* * *

خالد مرورودی - (خالد بن عبد الملك) از «مرور و دخراسان» بود . در
«نجوم» و «هیئت» مقامی ارجمند داشت . در کارهای «علمی» دوره
خلافت «مأمون» وارد بود . فرزندش هم از «منجمان» معروف است .
زندگانی : در نیمه دوم سده دوم و اوائل سده سوم هـ . ق =
نیمه دوم سده هشتم و اوائل سده نهم میلادی میزیست .

کادنامه بزرگان ایران ص ۳۸

خاوند شاه بن محمود - معروف به «میرخواند» ، صاحب تاریخ
«روضه الصفا» .

رك: میرخواند بلخی مورخ (سید محمد بن امیر
برهان الدین معروف به میرخواند)

خرقی مروزی

رك: بهاء الدین ابوبکر محمد بن احمد بن ابی بشر
الخرقی المروزی ص ۲۳۱ کتاب حاضر .

خسروی. - (محمد باقر میرزا کرمانشاهی فرزند محمد رحیم میرزا فرزند دولتشاه) شاعر. وی در غالب علوم متداول بهره کافی داشت و در شاعری تابع قدمابود. آثار او «دیبای خسروی» در تاریخ ادبیات عرب شامل ۳۰ هزار بیت - «شمس و طغراء» - «ماری ونیسی» - «طغرل و همای» - «تشریح العلل در عروض» - «تذکره اقبال نامه» در ترجمه حال شاعران «کرمانشاه» و ترجمه «الهیة والاسلام» تألیف سید محمد علی شهرستانی. «دیوان خسروی» مشتمل بر قصاید و غزلیات است و بطبع رسیده.

تولد: ۱۲۶۶ ه. ق = ۱۸۴۹ میلادی.

وفات: ۱۳۳۸ ه. ق = ۱۹۱۹ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۸۱

خطیب تبریزی. - (ابو زکریا یحیی بن علی بن محمد تبریزی) شاگرد «ابوالعلاء معری» است. از آثار او ست: «شرح حماسه ابی تمام» - «شرح دیوان ابوالعلاء معری» موسوم به «سقط الزند» - «شرح معانی سبعة».

ولادت: ۴۲۱ ه. ق = ۱۰۳۰ میلادی.

وفات: ۵۰۲ ه. ق = ۱۱۰۸ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۱۰۳۸

خطیب قزوینی (دمشقی) - (ابوالمعالی جلال الدین محمد بن عبدالرحمن شافعی قزوینی) از کبار علمای ادب و فقهای سده هفتم و هشتم ه. ق اصلش از «قزوین» و مولدش در «موصل» است. وی مدتها عمر خود را در بلاد «روم» و «شام» و «مصر» بگذراند و چند گاه خطیب «جامع دمشق» بود و از این رو به «خطیب دمشقی» نیز شهرت یافت. چندی نیز در «آناطولی» عنوان قضا داشت. سپس از سال ۷۲۲ ه. ق در «دمشق» و بعد از سال ۷۲۷ ه. ق در «مصر» و سرانجام دیگر بار در «دمشق» بدین منصب منصوب آمد. تلخیص قسمت سوم «مفتاح العلوم» را بنام «تلخیص المفتاح» در «دمشق» نوشت. کتاب دیگر او «الایضاح» در شرح «تلخیص المفتاح» است که بر آنها شرح‌های گوناگون نوشته‌اند.

وی در ادب پارسی و ترکی نیز دست داشت. او را تیز هوش و فصیح و خوش خط و کریم نوشته‌اند.

تولد: ۶۶۶ ه. ق = ۱۲۶۷ میلادی در «موصل».

وفات: ۷۳۹ ه. ق = ۱۳۳۸ میلادی در «دمشق».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۹۳ - فرهنگ معین

ج ۵ ص ۴۸۲ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۹۰۶

خفری - (علامه شمس الدین محمد بن احمد شیرازی جهرمی خفری) دانشمند، ریاضی‌دان و فیلسوف و متکلم اواخر سده نهم و نیمه اول سده دهم هجری است، از شاگردان «صدرالدین محمد دشتکی

شیرازی» (م/ ۹۰۳ هـ. ق) و ساکن «کاشان» بود. وی را «فاضل خفری» و «مولانا خفری» هم خوانده‌اند. از جمله شاگردان مشهور او «سید شاه طاهر بن رضی الدین اسماعیل حسینی» (م/ ۹۵۲ هـ. ق) است که در نزد وی حکمت و کلام خوانده.

از آثار «خفری» است :

۱- «شرح تذکرة خواجة نصیر الدین طوسی» مؤلف بسال ۶۵۷ هـ. ق یا ۶۵۹ هـ. ق که بر آن چهار شرح نوشته‌اند و آخرین آنها از «خفری» است و از کتب درسی ریاضی شمرده می‌شد. در «شرح تذکرة خفری» الفاظ کتاب «شرح تذکرة میرسید شریف» برای تیمن ذکر شده است. «تکملة خفری» را بهترین و مشروحترین کتاب در هیئت استدلالی دانسته‌اند. بر این کتاب «ملا محمد باقر یزدی» و «شیخ مهدی حاج عماد» حاشیه نوشته‌اند. از این کتاب نسخ فراوانی مانده است.

۲- «منتهی الادراک فی مدارک الافلاک» که «خفری» آن را در سال ۹۰۱ هـ. ق نوشته است. و این کتاب شرحی بر «تحفة شاهیة» «قطب الدین شیرازی» است.

۳- «شرح بر اوائل شرح تجرید» و آن شرحی است که «خفری» بر «شرح جدید تجرید علاء الدین علی بن محمد قوشچی» (م/ ۸۷۹ هـ. ق) بر «تجرید العقاید خواجة نصیر الدین طوسی» (م/ ۶۷۲ هـ. ق) نوشته است. نسخ متعددی از «شرح بر اوایل شرح تجرید» و «شرح خفری بر الهیات تجرید» در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی موجود است. بر شرح خفری

حواشی چندی نگاشته شده است. از جمله: «حاشیه آقا جمال خوانساری» (م/۱۱۲۵ ه.ق) و «حاشیه مولانا عبدالرزاق لاهیجی» (م/۱۰۸۰ ه.ق) و تعلیقات «آقارضا قزوینی» (م/۱۰۹۶ ه.ق) و غیره.

۴- «عبرة الفضلاء وحيرة الفضلاء» که «حلّ ما لا ینحلّ» هم خوانده شده است و موضوعش «حلّ شبهة جذر اصم» است. «خفري» جزء اول را «عبرة الفضلاء» نامیده و در این جزو بحلّ «جلال الدین دوانی» اشاره نموده است. و جزء دوم را «حيرة الفضلاء» خوانده و آن را در دو مقصد نوشته است. در مقصد اول تحقیق و طارق حلّ قدمارا نقادی کرده است. و در مقصد دوم راه حل های خود را طرح میکند. نسخ متعددی از این کتاب در دست است.

۵- «سواد العین فی حکمة العین» شرح کتاب «حکمة العین» نوشته شمس الدین محمد بن مبارکشاه معروف به «میرک بخاری» است.

۶- «رسالة فی الهیئة».

۷- «رسالة فی تفسیر آية الكرسي» یا «رسالة فی بیان لطائف آية الكرسي».

۸- «رسالة فی تحقیق حقیقة الزاویة ودفع الشبهة الواردة» که نسخه بی از آن در «موزة بریتانیا» موجود است.

۹- «اثبات واجب» در اثبات خداوند است و ظاهراً «خفري» سه رساله در اثبات واجب نوشته است: اول «اثبات واجب کبیر». دوم «اثبات واجب وسط» سوم «اثبات واجب صغیر».

- ۱۰- «رساله در اصول احکام جفر» به فارسی که نسخه‌ی
از آن در «کتابخانه سر یزدی» در «یزد» موجود است.
- ۱۱- «مقالة في وحدت الوجود» و موضوع آن اینکه
«هستی، خدای است و بس، و آفریدگان پرتو او وابسته بدویند».
- ۱۲- «الاسفار الاربعة» که در آغاز آن مینویسد: «اعلم
ان للعارفين اربعة اسفار ...» و در بعضی منابع آمده است که
«ملا صدرای شیرازی» نام کتاب مشهور خود «اسفار الاربعة» را
از نام این رساله گرفته است.
- ۱۳- «تفسير فاتحة الكتاب» که بنا بنوشته حبیب السیر در
سال ۹۳۰ ه. ق. تألیف شده است.
- ۱۴- «چهل حدیث صحیح» مؤلف به سال ۹۳۰ ه. ق.
- ۱۵- «تعلیقه بر تحریر اقلیدس خواجه نصیرالدین
طوسی»، و «خفری» در باب تعریف زاویه مستطحه همین رساله
را تألیف کرده و گویا با «رسالة في تحقیق حقيقة الزاوية و دفع
الشبهة الواردة» یکی است.
- ۱۶- «حاشیه بر امور عامة تجرید» که ظاهراً غیر از
«حاشیه خفری بر اوائل شرح تجرید» و «حاشیه او بر الهیات
تجرید» است.
- ۱۷- «رسالة في علم الرمل» در بک مقدمه و دو مقاله.
- ۱۸- «اثبات الهیولی» که مؤلف «ریحانة الادب» به
«خفری» نسبت داده است.
- «قوام الدین خفری» فرزند «مولانا خفری»، صاحب

تألیفی بنام « رسالۂ حساب » است که در سال ۹۵۰ ه. ق نگارش یافته.

وفات : روز یکشنبه ۲۸ صفر ۹۴۲ ه. ق = ۱۵۳۴ میلادی . مدفون در « کاشان » خارج « درب عطا » درحوالی « مقبره مقصود بیگ » درزمین « خواجه مظفر مخدوم » .
فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۸۳ - مجله وحید شماره مسلسل ۱۱۴ خردادماه ۱۳۵۲ ه. ش ص ۳۱۰ تا ۳۱۸ و شماره مسلسل ۱۱۵ تیر ماه ۱۳۵۲ ه. ش ص ۴۷۱ تا ۴۷۵ از محمد کریم اشراق جهرمی.

خلیل بن ابی بکر بن خلیل آملی - از علمای رصد است در سده هشتم هجری که بنا بر نوشته تاریخ جعفری اختراع جالبی برای شناسانیدن وقت داشته است و در « مسجد جامع یزد » کار گذاشته.
زندگانی: سده هشتم هجری - سده چهاردهم میلادی.

کادنامه یزدگان ایران ص ۳۱۳ و ۳۱۴

خلیاء بن احمد - (ابو عبد الرحمن خلیل بن احمد فراهیدی از دی بصری)
در اصل از مردم « عمان » و از علمای بزرگ علوم لسانی و ادبی و مبتکر علم عروض و واضع کتب معجم در علم لغت است . « خلیل »

مفردات لغت عرب را بترتیب حروف معجم و نخست از حروف
حلق آغاز نمود و از عین ابتدا کرد و به همین روی اثر او به
« کتاب العین » مشهور شد.

وی از بزرگان امامیه و از شاگردان « ابو عمرو بن علاء »
و « عیسی بن عمر » و خود استاد « سیبویه » نحوی مشهور است.
تألیفات معروف وی « الایقاع » - « کتاب العروض » -
« کتاب النغم » است .

گویند: « احمد » پدر « خلیل » ، از اصحاب « حضرت امام
جعفر صادق » (ع) و نخستین کسی است که بعد از « حضرت
محمد » (ص) به اسم « احمد » نامیده شده است .

و نیز گویند: « خلیل بن احمد » ، « قافیه » را هم بصورت
علمی مدوّن کرده است .

تولد: میان سالهای ۹۶ تا ۱۰۰ هـ . ق = ۷۱۴ تا
۷۱۸ میلادی .

وفات: میان سالهای ۱۷۰ تا ۱۷۵ هـ . ق = ۷۸۶ تا
۷۹۱ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و
۱۲۹ و ۳۴۲ و ۳۵۲ و ۶۳۸ - تاریخ برگزیدگان ص ۲۶۰ و ۲۶۱

خواجوی کرمانی (کمال الدین ابوالعطاء محمود بن علی بن محمود
مرشدی کرمانی) « نخل بند شعرا » ، عارف و شاعر بزرگ ایران
است در سده هفتم هجری است . از محضر « شیخ امین الدین محمد

کازرونی «بهره برد» «خواجو» معاصر «ابو سعید بهادر خان» بود و در غزل تنبّع «سنائی» و «عطار» و «مولانا» و «سعدی» میگرد و «خواجه حافظ» خود را در طرز سخن از پیروان او دانسته است . علاوه بر «خمسه» بسبک «حکیم نظامی»، دارای «دیوان اشعار» است و «مثنوی سام نامه».

تولد: ۲۰ ذی حجه ۶۸۹ هـ ق = ۱۲۹۰ میلادی.
وفات: ۷۵۳ هـ ق = ۱۳۵۲ میلادی و بقول اصبح (مجمّل فصیحی خوافی معاصر او) ۷۵۰ هـ ق = ۱۳۴۹ میلادی. مدفن او در «تنگ الله اکبر شیراز» است.

آتشکده آذربخش ۲ ص ۶۱۹ و ۶۲۰ - کارنامه بزرگان ایران ص ۲۶۵ و ۲۶۶ - تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۷۲ و ۸۸۶ تا ۹۱۵ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۸۶

خواجه ابو الفضل بیهقی

رك : ابو الفضل بیهقی (خواجه ابو الفضل محمد بن - حسین بیهقی) - کتاب حاضر ص ۸۴ و ۸۵

خواجه ابو یعقوب یوسف همدانی - عالمی عارف و صاحب احوال و مقامات جلیل است، در او اخر سده ششم و اوایل سده هفتم هـ ق میزیسته. در فقه و حدیث مراتب عالی داشت و در طریقت

پیروی «ابوعلی فارمدی» کرد. محیط تعلیمش بیشتر «مرو» و «هرات» و «بخارا» بوده است. «خلفای» او عبارتند از: «عبدالمخالق غجدوانی»، «خواجه عبدالله برقی»، «خواجه حسن اندقی» و «خواجه احمد بسوی». در شرح حال «سنائی» نوشته اند که: او در طریقت پیرو «خواجه ابو یوسف» (= ابویعقوب) بوده است.

وفات: ۵۳۵ هـ ق = ۱۱۴۰ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۲۰ و ۵۵۶

خواجه اختیارمنشی - پسر «علی جنابدی» معروفترین خوشنویسان تعلیق است که مدت ۳۰ سال در دوران «فرمانروایی سلطان محمد خداپنده» فرزند «شاه طهماسب اول صفوی» در «خراسان» بکار انشاء این شاهزاده می پرداخت. از آثار شیوای وی قطعات و رساله های متعددی موجود است. از جمله مجموعه منشائی است در «کتابخانه سلطنتی» که بطرزی زیبا تذهیب و تزیین شده.

وفات: ۹۹۰ هـ ق = ۱۵۸۲ میلادی.

دائرة المعارف ج ۱ ص ۶۸ - کارنامه بزرگان ایران ص ۱۱۲ و ۱۱۳

خواجه افضل الدین محمد بن حسن مرقی کاشانی - معروف به «بابا افضل»
رك : «افضل الدین کاشانی» - مشهور به «بابا افضل»

کتاب حاضر ص ۱۷۰

خواجه حافظ شیرازی

رك : حافظ شیرازی (خواجه شمس الدین محمد بن -

محمد بن محمد حافظ شیرازی). - کتاب حاضر ص ۲۹۶ و ۲۹۷

خواجه حسین ثنائی - فرزند «غیاث الدین بزاز» از مردم «مشهد» بود. از شعرای مشهور سده دهم هجری است. در اوائل حال با «ابراهیم میرزای صفوی» متخلص به «جاهی» حکمران «خراسان» با عزت و اعتبار بسر می برد. چون در خراسان «حکیم ابوالفتح گیلانی» را به ملازمت «ابراهیم میرزا» رسانیده بود، هنگامی که «حکیم ابوالفتح» در بارگاه «اکبر» ترقی یافت، «ثنائی» نیز به «هندوستان» شتافت؛ ولی مراعاتی ندید. پیش از سفر به «هندوستان» با «ولی دشت بیاضی» مشاعرات و مهاجرات داشت. در «هندوستان» با «غزالی مشهدی» و «فیضی» و «عرفی» هم صحبت بود. در «تذکره غنی» آمده است: «عذوبتی که در کلام «فیضی» است، از فیض «خواجه حسین» است». در شاعری دقیقه یابی و مضمون تراشی میکرد. صاحب «مجمع الخواص» نوشت: «بسکه دقت فکر دارد، اکثر ابیاتش محتاج بشرح و بیان است ... از میرزای مرحوم (= ابراهیم میرزا) شنیدم که بر خود می بالید و میگفت: شعر «خواجه

حسین را می فهمم! - بهر حال اگر لفظ قاصر باشد، معنی دقیق است.»

نسخه‌ی از «دیوان» او در «کتابخانه ملی ملک» است.

وفات: ۹۹۶ هـ. ق = ۱۵۸۷ میلادی.

آتشکده آذربخش دومس ۴۶۳ تا ۴۶۵ - رپیکا.

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی - وزیر دانشمند ایلخانان صاحب «جامع التواریخ» و «الاحیاء و الآثار» و «توحیدات» و «مفتاح التفاسیر» و «الرسالة السلطانية» و «لطائف الحقائق» و «مکاتبات رشیدی» و آثار دیگر، در علم طب و مملکت‌داری و تاریخ سرآمد اقران بود و در اکثر دانشهای رایج آن روزگار تبحر داشت. بروزگار «اباقاخان» بزرگ مخصوص او بود و پس از کشته شدن «صدرجهان» به وزارت نشست و بهنگام ایلخانی «الجایتو» در همین مقام بود و بسی نهایت مورد توجه ایلخان. بروزگار ایلخانی «ابوسمید» بتهریک «خواجه علیشاه» وزیر دیگر او به اتهام بیجای مسموم کردن «سلطان الجایتو» او و پسر شانزده ساله اش را بکشتند و اموالش را، که بیشتر در مؤسسات «ربع رشیدی» فراهم آمده بود، بتاراج دادند.

بسال ۱۳۴۸ هـ. ش، از یازدهم تا شانزدهم آبان‌ماه، در «تهران» و «تبریز» کنگره‌ی بیاد «رشیدالدین فضل‌الله» تشکیل

یافت و مجموعه خطابه‌های تحقیقی درباره او بسال ۱۳۵۰ ه. ش در چاپخانه «سازمان انتشارات و چاپ دانشگاه تهران» بطبع رسید.

تولد: ۱۲۴۵ ه. ق = ۱۲۴۷ میلادی در «همدان».

قتل: ۱۷ جمادی الاولی ۱۲۱۸ ه. ق = ۱۳۱۸ میلادی در «تبریز».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۴۶ و ۱۲۴۷ تا ۱۲۵۲ - کارنامه
بزرگان ایران ص ۳۲۰ تا ۳۲۲ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۰۸۶ - فرهنگ
معین ج ۵ ص ۵۹۴ و ۵۹۵

خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی

رك : حافظ شیرازی (خواجه شمس‌الدین محمد بن
محمد بن محمد حافظ شیرازی). - کتاب حاضر ص ۲۹۶ و ۲۹۷

خواجه شمس‌الدین محمد صاحب دیوان جوینی.

رك : شمس‌الدین محمد صاحب دیوان جوینی.

خواجه عبدالله انصاری - (شیخ الاسلام ابواسمعیل عبدالله بن محمد

الانصاری الهروی) از اعقاب «ابو ایوب الانصاری» صاحب
 «رحل» پیغامبر است که هنگام هجرت از «مکه» به «مدینه» باز خود را
 در منزل وی نهاد. از «شیخ ابوالحسن خرقانی» تعلیم تصوف گرفته
 است. از آثار اوست: «مناجات نامه»- «نصایح»- «زاد العارفین»...
 وفات: ۴۸۱ هـ. ق. = ۱۰۸۸ میلادی.

آتشکده آذر بخش دوم ص ۷۳۹ تا ۷۴۱ - تاریخ ادبیات در
 ایران ج ۲ ص ۹۱۱ تا ۹۱۵

خواجه علی بن شیخ صدرالدین بن شیخ صفی الدین اردبیلی-وی
 «صوفی» و شاعر بود. دو بیت از اشعار او در «سلسله النسب صفویه»
 منقول است. تعصب و تمایل به «تشیع» از او ظاهر شد. گویند:
 وی در روح «امیر تیمور» تصرفاتی کرد و «اسرای ترک» را نجات
 داد و در بنیادگذاری گروه قزلباش تأثیری شگرف داشت.

وفات: ۱۸ رجب ۵۳۰ هـ. ق. = ۱۵ می ۱۲۲۷ در «فلسطین»

و قبرش در آنجا بمدفن «شیخ علی عجمی» معروف است.

ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۵۲

خواجه عمید ابوالفوارس قناووزی - مترجم کتاب «سند بادنامه» است
 بزبان پارسی دری بدستور «نوح بن منصور سامانی» (۳۶۶-۳۸۷ هـ. ق.)



زندگانی: سده چهارم هجری = سده دهم میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۰۸

خواجه غیاث الدین محمد بن رشید الدین فضل الله همدانی -
وزیر «ابوسعید بهادرخان» بود. وی از آغاز جوانی بکسب فضائل و
تحصیل کمالات پرداخت و بطلاقت لسان و فصاحت بیان و حسن
خلق و لطف طبع و سلامت نفس مشهور گشت ... و «ابوسعید
بهادرخان» در سال ۵۷۲۸ ه. ق. او را بتلافی ظلمی که در حق «خواجه
رشید الدین» رفته بود، بوزارت برگزید، و تا آخر دولت «ابوسعید»
دروازت او باقی بود و پس از مرگ «ابوسعید»، «ارپا گاون» را به
سلطنت نشاند و خود همچنان سمت وزارت داشت. وی پس از
شکست «ارپا گاون» در «چغاتو»، در یکی از آبادیهای «مراغه» دستگیر
شد و «علی بادشاه» او را بنا بتحریر امرای مخالف بقتل رسانید (۲۱
رمضان ۵۷۳۶ ه. ق). این خواجه بزرگ مردی کافی و شمشیرزن
و منشی بلیغ بود و دوستدار دانش و ادب و حامی گرانقدر فاضلان و
شعراء روزگار. جمعی از اهل ادب مانند: «حمد الله مستوفی» کتاب
«تاریخ گزیده»، «سلمان ساوجی» قصاید مدحیه، «غضد الدین ابیحی»
کتابهای «مواقف» و «فوائد غیاثیه» و «شرح مختصر ابن حاجب»،
«قطب الدین نوبهی رازی» کتابهای «شرح مطالع» و «شرح شمسیه»،
«اوحدی اصفهانی» مراغه‌یی «مثنوی» جام جم» و «خواجهوی کرمانی»

مثنوی «همای همایون» را بنام او پرداخته‌اند .

مقتول: ۲۱ رمضان ۷۳۶ هـ . ق = ۱۳۳۵ میلادی در
«آذربایجان».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۲۸۱ و ۱۲۸۲ - تاریخ ادبیات در ایران
ج ۳ ص ۴۷ و ۸۹۱ و ۹۴۶

خواجه قطب‌الدین مسعود بختیار کاکی - اصلاً از «ماوراءالنهر» بود و
در فترت مغول چندی در «عراق» و «خراسان» بسر برد و سپس به
«هندوستان» شتافت و بعد از «معین‌الدین چشتی» خلافت
او یافت .

وفات: ۶۳۴ هـ . ق = ۱۲۳۶ میلادی.

تاریخ ادبیات ایران ج ۳ ص ۱۷۵

* * *

خواجه معین‌الدین محمد بن حسن سنجری چشتی - شاگرد «شیخ
عثمان هارونی» که نسبت تعلیمش به «خواجه ابواحمد ابدال
چشتی» می‌گردد. او سلسله «چشتیه» را به «هندوستان» برد .

وفات: ۶۳۳ هـ . ق = ۱۲۳۵ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۱۷۵

* * *



خواجه نصیر الدین طوسی - (ابو جعفر نصیر الدین محمد بن محمد بن حسن طوسی) بزرگترین متفکر و دانشمند و فقیه و فیلسوف و منطقی و ریاضی دان سده هفتم هجری و معروف به «خواجه نصیر» و «محقق طوسی» و ملقب به «استاد البشرو عقل حادی عشر» است. وی در اکثر علوم استاد بود، ولی بیشتر به حکمت و بخصوص ریاضی مشهور میباشد.

از آثار او است: «تجريد الکلام» یا «تجريد العقاید» در اثبات عقاید شیعه امامیه - «تحریر اقلیدس» در هندسه - «تحریر مجسطی» در هیئت - «شرح اشارات بوعلی سینا» در حکمت - «اوصاف الاشراف» بفارسی در تصوف - «اخلاق ناصری» بفارسی در اخلاق و حکمت عملی - «اساس الاقتباس» بفارسی در منطق ... بیاد بود هفتصدمین سال درگذشت «خواجه نصیر»، از روز پنجم تا دوازدهم خردادماه ۱۳۳۵ ه. ش کنگره‌یی در «دانشکده پزشکی دانشگاه تهران» تشکیل شد که دانشمندان «ایران» و دیگر کشورها در آن شرکت کردند.

ولادت: ۵۵۹۷ ه. ق. = ۱۲۰۰ میلادی در «طوس».

وفات: ۱۸ ذی حجه ۶۷۲ ه. ق. = ۱۲۷۳ میلادی در «بغداد» و در «کاظمین» مدفون است.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۲۹ تا ۲۳۱ و ص ۲۴۲ و ۲۵۷ تا ۲۷۱ - آتشکده آذربخش سوم ص ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۶ - تاریخ برگزیدگان ص ۱۶۹ تا ۱۷۱ - کارنامه بزرگان ایران ص ۳۳۲ تا ۳۳۴ -



احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی از استاد محمد تقی مدرس-
رضوی.

* * *

خواجه نظام الملک- (سیدالوزراء قوام الدین نظام الملک رضی
امیر المؤمنین ابوعلی حسن بن ابوالحسن علی بن اسحق بن العباس
التوسی) وزیری بزرگ و دانشمند و دانش پرور و نویسنده بی
قوی دست بود. نیاکانش از روستایان «بیق» و از دیه «انکو» بودند.
پدرش «ابوالحسن علی»، بخدمت «ابوالفضل سوری بن المعتز»،
که از جانب «غزنویان» فرمانروایی «خراسان» داشت، پیوست و
از سوی او عامل و بندار «طوس» شد و سالها در این شغل بیود.
و هم از آن ولایت زن خواست و «ابوعلی حسن» در روز جمعه
۱۵ یا ۲۱ ذی القعدة ۴۰۸ ه. ق یا ۴۱۰ ه. ق در قصبه «نوغان»
از قراء «رادکان طوس» چشم بدین جهان گشود و کودکی را به
«طوس» بگذراند و همانجا بکسب دانش پرداخت. یازده ساله بود که
«قرآن» فراگرفت. سپس در «طوس» و «نیشابور» و «مرو» فقه شافعی
و حدیث و ادب آموخت. آنگاه به «بلخ» رفت و بدرگاه «ابوعلی
ابن شادان» عمید آن ولایت راه جست و دبیری او کرد. چون
«چغری بیگ دود» بر «ترمذ» و «بلخ» دست یافت، «بوعلی شادان» را
به وزارت برداشت. خواجه نیز بنگرش «چغری بیگ» یا پیاوردی
«بوعلی» دبیری و صاحب تدبیری «البارسلان» رسید. بسال
۴۵۱ ه. ق که «البارسلان» بجای پدر بر همه «خراسان» استیلا یافت،



خواجه را وزارت خویش داد؛ و چون در سال ۴۵۵ ه. ق بجای عم خود «طغرل» بتخت ملك برآمد، بسعی او «عمیدالملک کندی» را برانداخت و در یکشنبه ۱۳ ذی الحجه، خواجه را بر دست وزارت ممالك سلجوقی نشانید.

دوران وزارت «خواجه نظام الملک» در دربار «الب ارسلان» و فرزندش «ملکشاه» (۴۶۵ ه. ق = ۴۸۵ ه. ق) بر روی هم به سی سال برآمد. تا آنکه بسال ۴۸۵ ه. ق بر اثر اختلاف با «ترکان خاتون»، بر سر جانشینی «ملکشاه» و ترجیح «برکیارق» بر «محمود» فرزند این خاتون و در چشمی مخالفان، دستش از کارها کوتاهی گرفت و در راه «بغداد» بدهم رمضان ۴۸۵ ه. ق بضرب کارد «بوطاهر ارانی» که گفته اند از «فدائیان اسماعلیه» بود، بقتل رسید. گورگاهش در محلت «دار البطحه اصفهان» باقی است.

وی بنیادگذار «مدارس نظامیه» و نویسنده کتاب «سیاست نامه» برای «سلطان ملکشاه سلجوقی» و «وصایای نظام الملک» یا «دستور الوزراء» به فرزندش «فخرالملک» است. همچنین رساله‌یی دیگر بنام «قانون الملک» به وی منسوب داشته اند که ظاهراً قسمتی از «سیاست نامه» تواند بود.

تولد: روز جمعه ۱۵ یا ۲۱ ذی القعدة ۴۰۸ یا ۴۱۰ ه. ق = ۱۰۱۷ یا ۱۰۱۹ میلادی در قصبه «نوغان» از قراء «رادکان طوس».
مقتول: شب دهم رمضان ۴۸۵ ه. ق = ۱۰۹۲ میلادی
مدفون در «دار البطحه اصفهان».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۹۰۴ و ۹۰۹ - آتشکده
آذربخش دوم ص ۵۰۴ تا ۵۰۹ - تاریخ برگزیدگان ص ۱۶۷ و ۱۶۸

خواجه همام‌الدین علاء تبریزی
رك : همام تبریزی.

خواجه یوسف همدانی - (ابو یعقوب یوسف بن ایوب) زاهد و شیخ
صوفیه و سرسلسله خواجگان بود. بسال ۴۶۰ هـ . ق در «بغداد»
نزد «شیخ ابوالحسن شیرازی» فقه آموخت. در «اصفهان» و «بخارا» و
«سمرقند» به وعظ و ارشاد خلق پرداخت. بسال ۵۰۵ هـ . ق به «بغداد» شد
و در «مدرسه نظامیه» مجلس وعظ داشت. در طریقت شاگرد «ابوعلی
فارمدی طوسی» است. جانشین و خلیفه اول او در سلسله خواجگان
ظاهرأ «خواجه عبدالله برقی» بوده است.
ولادت: ظاهرأ در حدود ۴۴۰ هـ . ق = ۱۰۴۸ میلادی
در «مرو».

وفات: هنگام عزیمت از «هرات» به «مرو» بسال ۵۳۵ هـ . ق
= ۱۱۴۰ میلادی.

کارنامه بزرگان ایران ص ۱۸۵ و ۱۸۶



خوارزمی - (ابو عبدالله محمد بن موسی بن شاکر الخوارزمی)
رك : محمد بن موسی بن شاکر الخوارزمی
(ابو عبدالله)

خواندمیر - (خواجہ غیاث الدین) مؤلف تاریخ عمومی بنام «حبيب السیر»
مادرش دختر «میرخواند» و پدرش «همام الدین» از سوی «سلطان
محمود بن ابوسعید تیموری» امیر «سمرقند» بود. در «هرات»
متولد شد. در دستگاه «حسین میرزا بایقرا» و «امیر علیشیر» محبوبیتی
یافت و ملازم «بدیع الزمان میرزا» فرزند این پادشاه گشت. سپس به
دربار «ظهر الدین بابر» رفت و در «دهلی» درگذشت. وی جز
«حبيب السیر» آثار دیگری دارد، چون: «مآثر الملوك» به تشویق و بنام
«امیر علیشیر نوائی» - «خلاصة الاخبار» خلاصة «روضة الصفا».
«دستور الوزراء» - «مكارم الاخلاق» در اوصاف «امیر علیشیر نوائی» -
«نامه نامی» که مجموعه منشآت اوست. - «جزء هفتم روضة الصفا» -
«همایون نامه» در قوانین و آثار «همایون پادشاه» پسر «ظهر الدین
محمد بابر» - «منتخب تاریخ و صاف» که نسخه‌ای از آن در دست نیست.
«دستور الوزراء» - از میان این کتب «حبيب السیر» و «جلد هفتم
روضة الصفا» و «دستور الوزراء» دوبار بطبع درآمده است.

«خواندمیر» پسری بنام «میر محمود» داشته است. وی مؤلف
کتابی است در «تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب» که در سال



۹۵۰ هـ . ق بنام « محمدخان شرف‌الدین اغلی نکلو » از امرای
صفویه آغاز کرده و بسال ۹۵۷ هـ . ق پایان برده است.
ولادت: با احتمال قوی حدود ۸۸۰ هـ . ق = ۱۴۷۵ میلادی
در «هرات» .

وفات: ۹۴۲ هـ . ق = ۱۵۳۵ میلادی در «دهلی» .
فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۵۴ - مقدمه رجال حبیب السیر - مقدمه
دستورالوزراء - کارنامه بزرگان ایران ص ۲۸۶ و ۲۸۷

خیابانی - (شیخ محمد تبریزی) از روحانیون آزادیخواه «آذربایجان»
و نماینده دوره دوم و چهارم «مجلس شورای ملی» است. وی در جنگ
بین الملل اول در برابر فشار روسهای تزاری ایستادگی کرد. پس از
جنگ مذکور چون وضع حکومت مرکزی خوب نبود، با حکومت
مزبور مخالفت نمود. از نفوذ کمونیسم جلوگیری میکرد. عاقبت
با ورود والی جدید «مخبر السلطنه هدایت» در «تبریز» بقتل رسید .
ولادت: ۱۲۹۷ هـ . ق = ۱۸۷۹ میلادی در «تبریز» .

مقتول: ۱۳۳۸ هـ . ق = ۱۹۱۹ میلادی در «تبریز» .
دائرة المعارف ج ۱ ص ۹۲۹ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۹۰

خیالی بخارایی - شاعر ترین شعرای دوازده گانه یی است که به «خیالی»
شهرت داشته اند. از گویندگان سده نهم هـ . ق و معاصر «الخ بیگ»

(م/ ۸۵۳ هـ . ق) و شاگرد و معاشر «عصمة الله بخارایی» است .
 چون مدتی در «هرات» میزیسته است ، «هدایت» در «ریاض
 العارفین» او را هروی شمرده . و نوشته است که بکمالات صوری
 و معنوی شهرت داشته و در مراحل عرفان عاشقی مجرد و سالکی
 موحد بوده است. «دولتشاه سمرقندی» او را مردی مستعد و خوش
 طبع نگاشته که سخنان درویشانه و روان و پاکیزه دارد و دیوان
 او را در «ماوراءالنهر» و «بدخشان» و «ترکستان» صاحب شهرتی
 عظیم یاد کرده است.

«جامی» در باره شعر وی در «بهارستان» آورده است که:
 خالی از حالی نیست. «دولتشاه» از وی غزلی پنج بیتی نقل کرده
 است. ابیات متفرقی را که ارباب تاریخ و تذکره از غزل مشهور
 وی نظیر اوضبط کرده اند، مرحوم «استاد عباس اقبال آشتیانی»
 در «مجله یادگار» همچنین فراهم ساخته است :

ای تیر غمت را دل عشاق نشانه
 خلقی بتو مشغول و تو غایب زمیانه
 که معتکف دیرم و گه ساکن مسجد
 یعنی که ترا می طلبم خانه بخانه
 حاجی بره کعبه و ما طالب دیدار
 او خانه همی جوید و ما صاحب خانه
 مقصود من از کعبه و بتخانه توی تو
 مقصود توی کعبه و بتخانه بهانه

هر کس بزبانی صفت حمد تو گوید
نایی بنوای نی و ، مطرب بترانه
.....
باقی بجمالت که فسونست وفسانه

تقصیر « خیالی » بامید کرم تست
یعنی که گنه را به از این نیست بهانه!!

وفات: ۸۵۰ هـ. ق = ۱۴۴۶ میلادی .
مجله یادگار سال دوم شماره دوم ص ۵۱ تا ۵۶ - نور و ظلمت
ص ۱۶۵ - مجله ارمنان سال ۲۲ ص ۱۵۰ و ۱۵۱

دآور - (علی اکبر) از رجال بنام و کوشای دوره «رضا شاه کبیر» است. وی
بوکالت «مجلس شورای ملی» ، «وزارت عدلیه» و «وزارت مالیه»
رسید و در بهمن ماه ۱۳۱۵ هـ. ش خودکشی کرد. از آثار او «حقوق
جزائی» است که توسط «ساسان» نماینده سابق «مجلس شورای
ملی» و وکیل دادگستری تدوین شده است و به چاپ رسیده .
ولادت : حدود ۱۲۶۵ هـ. ش = ۱۳۰۵ هـ. ق =
۱۸۸۶ میلادی.

وفات: ۱۳۱۵ هـ. ش = ۱۳۵۵ هـ. ق = ۱۹۳۶

میلادی در «تهران» و مدفون در «صفائیة شهرری»
دائرة المعارف ج ۱ ص ۹۵۵ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۱۸

داوری - (محمد) متخلص به «داوری» سومین پسر از شش فرزند پسر و مند
و هنرمند «وصال شیرازی» از شاعران توانای سده سیزدهم هجری
است. وی در انواع شعر از قصیده - غزل - مسمط - مستس -
قطعه - ترکیب بند - مثنوی، بویژه در بحر متقارب، استاد بود و
مرثیه اهل بیت (ع) نیکو میسرود. در قصیده تسلطی شگرف داشت.
حسن انتخاب کلمات و مضامین بدیع و انسجام سخن او بادآور
استادان کهن است. وی زبان و ادبیات تازی و ترکی نیز میدانست.
ملمعاتی نیکو سروده است و اشعار ترکی دارد و فرهنگی
در لغت ترکی بفارسی مدون ساخته است که بطبع نرسیده.
از اوست :

من کیم؟ - «داوری» آن شاعر شیرازی
ذوالبیانین زبان دری و تازی
این دو تنها نه، که ترکی کمکی دانم
وین شگفت است بسی، ترکی و شیرازی

«داوری» ملّعی به زبان تازی و پارسی و ترکی در تشبیب
 سروده است. در خطاطی هم مقامی ارجمند یافته و یکی از استادان
 مسلم خطوط نستعلیق و شکسته عصر خود گردیده است و آثاری
 فراوان بخطوی بازمانده. شاهکار او در این هنر «شاهنامه حکیم
 ابوالقاسم فردوسی» است که با نقاشی و تذهیب او و دیگر استادان
 عصر زیور یافته است :

چو کلک نی از دست بگذاشتم

همان کلک مویینه برداشتم

شگفتی بسی بر دم آنجا بکار

چو از خامه بر نامه بستم نگار.

دیگر از آثار اوست : «رساله در عروض و آیین
 سخنوری» و «رساله در شرح شش رباعی ماده تاریخ محتشم کاشانی
 در جلوس شاه اسماعیل ثانی» و رسائلی نیمه تمام. «دیوان اشعار» وی
 با تصحیح و اهتمام برادرزاده اش «روحانی وصال» بسال ۱۳۳۰ ه. ش
 بطبع رسیده است.

وی در چهل و چهار سالگی پس از مرگ فرزند سه ساله
 خود بمرض دق درگذشت .

تولد : ۱۲۳۸ ه. ق = ۱۸۲۲ میلادی در «شیراز»

وفات : ۱۲۸۳ ه. ق = ۱۸۶۵ میلادی در «شیراز».

مدفون در بقعه «شاه چراغ» کنار قبر پدرش «وصال شیرازی».

گلشن وصال م ۲۹۴ تا ۳۹۹ - خاندان وصال م ۱۳۱

تا ۱۵۹ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۱۸ - دیوان داوری طبع تهران ۱۳۳۰ ه. ش

درویش خان- «غلامحسین» پسر «حاجی بشیر طالقانی» (طالقان قزوین) موسیقی دان معروف ایرانی. وی در « دارالفنون» بفرا- گرفتن موسیقی پرداخت. درنواختن تار مکتب «آقاحسینقلی» را اختیار کرد و در مدتی قلیل از بهترین شاگردان آن استاد شد. او در سلك «اخوان الصفا» به «ظهیرالدوله» سرسپرد.

در شب چهارشنبه دوم آذرماه ۱۳۰۵ هـ. ش در تصادف درشکه‌یی که سوار بود با اتومبیلی از ناحیه سر مجروح شد و در اثر آن جان بسرای جاویدان برد. «محمد هاشم میرزا افسر» درباره او و خطاط مشهور «درویش عبدالمجید طالقانی» سرود:

درویش زمان ما و درویش نخست

هر يك برهی، رسم تجدد می‌جست

آن يك، خطر است را شکسته بنوشت

وین، موسیقی شکسته را کرد درست

تولد: ۱۲۵۱ هـ. ش = ۱۲۹۰ هـ. ق = ۱۸۷۲ میلادی

در «تهران» .

وفات: ۱۳۴۵ هـ. ق = آذرماه ۱۳۰۵ هـ. ش = ۱۹۲۶

میلادی مدفون در جوار مقبره «ظهیرالدوله»:

فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۲۴ - سرگذشت موسیقی ایران ج ۱

ص ۲۹۶ تا ۳۲۵ - تاریخ رجال ایران ج ۱ ص ۴۹۴ و ۴۹۵

درویش عبدالمجید طالقانی - خطاط معروف ایرانی در نیمه دوم سده دوازدهم هجری است. وی از مردم «طالقان» بود، در آغاز جوانی به «اصفهان» رفت و در کسوت فقر گذرانید: از نستعلیق خط را شروع کرد و پس از اندک زمانی بخط شکسته مشغول شد و در این هنر استاد مسلم گردید. قواعد این خط را کامل کرد و زیبایی و شیوایی آن را بحدا اعلی رسانید. از گرانیهاترین آثار او، جز «مرقعات و مقطعات» متعدّد، نسخه «کلیات سعدی» است که در «کتابخانه سلطنتی ایران» است. وی در شعر «خموش» و «درویش» تخلص میکرد. در ۳۵ سالگی درگذشت و معروفترین شاگرد او «میرزا کوچک اصفهانی» است و قبرش در «تخته پولاد اصفهان» است.

تولد : ۱۱۵۰ هـ. ق = ۱۱۱۶ میلادی.

وفات: ۱۱۸۵ هـ. ق = ۱۷۷۱ میلادی در «اصفهان».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۲۴ - کارنامه بزرگان ایران ص ۲۷۶ و

۲۷۷ - تاریخ رجال ایران ج ۲ ص ۳۰۱

دقیقی (ابو منصور محمد بن احمد دقیقی) - از شعرای بزرگ دوره «سامانی» و دومین شاعری است که به نظم شاهنامه پرداخته است. «زرتشتی» مذهب بود. اثر او «گشتاسب نامه» است. - در مورد مولد او اختلاف است. عوفی وی را «طوسی» نوشته و هدایت گفته است: «برخی او را «بلخی» و چندی «سمرقندی» دانندش». و لطفعلی بیگ آذروی را «سمرقندی» شمرده است. - از «دقیقی» قصاید و غزلها

و قطعات و ابیات پراکنده بی در کتب تذکره خاصه «لباب الالباب» و «مجمع الفصحاء» و کتب تاریخ و ادب مانند: «تاریخ بیهقی» و «ترجمان البلاغه» و «حدائق السحر» و «المعجم» و کتب لغت خصوصاً «لغت فرس اسدی» باقیمانده است. و همه آنها دلالت بر استادی و مهارت و دقت خیال این شاعر استاد دارد.

ولادت : باحتمال اقوی در اواسط نیمه اول سده ۴ هجری = سده ۱۰ میلادی.

قتل: ۳۶۷ تا ۳۶۹ ه. ق = ۹۷۷ تا ۹۷۹ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۴۰۸ تا ۴۱۹

دکتر خلیل خان ثقفی - ملقب به « اعلم الدوله » پسر « حاج میرزا عبدالباقی حکیم باشی » ملقب به « اعتضادالاطباء ».

رك: ثقفی: «دکتر خلیل خان» - کتاب حاضر ص ۲۲۹

دولت آبادی - (حاج میرزا یحیی)

رك: حاج میرزا یحیی دولت آبادی کتاب حاضر ص ۲۹۳ و ۲۹۴

دولت آبادی - (صدیقه)

رك : صدیقه دولت آبادی

دولتشاه بن علاءالدوله بختیشاه سمرقندی-از امیرزادگان و فضیلاى سده نهم هجرى است. پدرش از ندیمان «شاهرخ» بود. و او خود در «هرات» از مقر بان «ابوالغازى سلطان حسین باقرا» و «امیر علیشیر نوایی» وی نویسنده «تذكرة الشعراء» است که در ۸۹۲ هـ. ق = ۱۴۸۷ میلادی تألیف شده و در آن شرح حال ۱۰۵ تن از شاعران زبان فارسی آمده است. او، با آنکه سخن شناس است، تاحدی زیاد سهل انگاری کرده و در تحقیق استوار نیست. «امیر علیشیر نوایی» وی را بسبب آنکه از خدمت بزرگان روی در کشیده و بمطالعه و تألیف این کتاب پرداخته است ستوده.

وفات : بعد از سال ۸۹۲ هـ. ق = ۱۴۸۷ میلادی .

دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۰۰۹ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۴۳

دهخدا - (علی اکبر بن خان باباخان قزوینی) دانشمند لغوی و نویسنده معروف عصر حاضر است. پدرش از مردم «قزوین» بود، لیکن در «تهران» تولد یافت. در سر آغاز جوانی چندی نزد «شیخ غلامحسین بروجردی» تربیت دید. سپس به محضر «حاج شیخ

هادی نجم آبادی» و بعد به «مدرسه علوم سیاسی» راه یافت و در همین هنگام زبان فرانسه بیاموخت ، دو سال نیز عنوان دبیری سفارت «ایران» در «بالکان» داشت. در انقلاب مشروطیت به «ایران» بازگشت و به همراهی «جهانگیرخان» روزنامه «صوراسرافیل» را منتشر ساخت. بیشتر سرمقاله ها و بویژه مقالات فکاهی انتقادی «چرند و پرند» را بامضاء «دخو» در آن روزنامه بنگاشت که در بیداری افکار عمومی تأثیری بسزا بخشید.

همین مقالات بعدها سرمشق نویسندگانی چون «جمال زاده» و «هدایت» و دیگران شد. هنگام انحلال مجلس، بفرمان «محمد علیشاه» دهخدا با دیگر آزادیخواهان به «اروپا» تبعید شد و در «سویس» سه شماره «صوراسرافیل» را منتشر کرد ، آنگاه در «اسلامبول» پانزده شماره روزنامه «سروش» را نشر داد. در دوره دوم «مجلس شورای ملی» نمایندگی برگزیده شد، و به «ایران» بازگشت. پس از جنگ جهانی اول از سیاست دوری جست و تا ۱۳۲۰ ه. ش رئیس «مدرسه حقوق و علوم سیاسی» بود و تا پایان حیات بیشتر به مطالعه و تحقیق و تحریر اشتغال جست.

از آثار عمده اوست : «امثال و حکم» در چهار مجلد - «بوریحان نامه» - «لغت نامه» - «منتخب دیوان» و جز اینها.

وی در سخن شناسی و تصحیحات ظنی بی نظیر مینمود و با اهتمام در فراهم آوردن «لغت نامه» اثری جاویدان از خود بیادگار گذاشت. روانش شادباد .

تولد: حدود ۱۲۹۷ ه. ق. = ۱۲۵۸ ه. ش. = ۱۸۷۹ میلادی.

در «تهران».

وفات: ۱۳۷۵ ه. ق. = ۱۸ اسفند ۱۳۳۴ ه. ش. =

۱۹۵۵ میلادی در «تهران». مدفون در «ابن بابویه».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۴۶ و ۵۴۷ - دائرة المعارف ج ۱ ص

۱۰۱۵ - تاریخ رجال ایران ج ۲ ص ۴۲۹ و ۴۳۰ - مقدمه لغت نامه دهخدا -

دیوان دهخدا.

دینشاه ایرانی - از رؤسای مشهور «زرتشتیان بمبئی» و نویسنده‌یی

فاضل بود. «دیوان حافظ» را به «انگلیسی» ترجمه کرد و از

شعرای معاصر «ایران» تذکره‌یی ترتیب داد و با ترجمه منتخبی

از اشعار آنان بطبع رسانید. کلمه «ایرانی» نام خانوادگی اوست.

تولد: ۱۳۰۰ ه. ق. = ۱۸۸۲ میلادی.

وفات: ۱۳۵۷ ه. ق. = ۱۹۳۸ میلادی در «بمبئی».

دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۰۲۹ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۵۱

ذبیح بهروز - فرزند «میرزا ابوالفضل ساوجی» در «تهران» دیده

بجهان گشود و علوم مقدماتی را در «مدرسه ادب» و «مدرسه

امریکایی» پایان رسانید و باز بانگلیسی آشنا شد. و در سال ۱۲۹۰

ه. ش. به «قاهره» رفت و بتکمیل علوم عربیه و ادبیه پرداخت و مدت

ده سال در «مصر» بزیست و از آنجا به «انگلستان» رهسپار آمد و در «دانشگاه کمبریج» بسمت معاونت «پروفسور ادوارد براون» و «پروفسور نیکلسن» بتدریس و تحقیق پرداخت و پس از چندی به «آلمان» و «ایتالیا» رفت و بسال ۱۳۰۴ ه. ش به «ایران» بازگشت و در دارالترجمه «دکتر میلسپو» مشغول بکار شد و از آن پس چندی در «دارالفنون» به تدریس دل خوش داشت و سپس رئیس «کتابخانه باشگاه افسران» گردید و به بازنشستگی رسید. وی استادی دانا دل و پرکار و با محبت و مهر آفرین بود و در بسیاری از مسائل عمومی عقیده خصوصی داشت. درباره «تعلیم الفبا» - «رصد شناسی» و «ریاضی برای کودکان»، کوششها و مطالعاتی سودمند کرد. از آثار اوست:

«دبیره» - «خط و فرهنگ» - «کودک دبیره» - «موش و گربه» - «هوشی و موشی» - «درفن نمایش نویسی نیز ذوقی خاص داشت و چیره دستی نشان داد و آثاری چون: «جیجک علیشاه» - «خسرو و شیرین» که بزبان انگلیسی نوشت و سپس بزبان فارسی در آورد، بنام «شاه ایران و بانوی ارمن» - «شب فردوسی» - «حافظ» (در راه مهر) - دیگر آثار او: «درویشی» - «آیین بزرگی» - «مولانا و لان یا مرآت السرائر» - «زبان و فرهنگ» با همکاری «دکتر محمد مقدم» - «تقویم و تاریخ در ایران» - «قصه اسکندر و دارا». وی نثری خوش و بهارسی نفرو سره و شعری روان داشت. بعضی اشعار انتقادی او مشهور است. آثاری دیگر هم دارد که هنوز

ب‌طبع در نیامده است.

تولد: ۱۳۰۹ هـ. ق = ۱۲۷۰ هـ. ش = ۱۸۹۱ میلادی

در «تهران».

وفات: ۱۳۹۲ هـ. ق = آذرماه ۱۳۵۰ هـ. ش = ۱۹۷۱

میلادی در «تهران».

سخنوران نامی معاصر تألیف سید محمد باقر برقی ص ۱۱۶ تا

۱۱۹- اسفندیاری دیگر ازا کبر آزاد - یادداشت‌های حسن سادات ناصری.

ذكاء الملك اول - (محمد حسين فروغی بن آقا محمد مهدی ارباب

ابن حاج محمد رضا بن حاج میرزا کاظم بن میرزا کوچک بن ابو-

تراب بن میرزا محسن بن میرزا جواد بن حاج ملا مؤمن اصفهانی)

معروف به «ادیب» و «میرزای فروغی» ادیب و نویسنده و شاعر و

روزنامه‌نویس و مدیر انطباعات عصر ناصری از روشنفکران روزگار

خود بود. در جوانی تجارت می‌کرد و چون سرمایه خویش را در

راه تجارت «هند» به «خلیج فارس» از کف بداد، و مدتی در «بندر لنگه»،

«جهرم»، «فسا» و «یزد» بگذرانید؛ سپس به «کرمان» رفت، و بخدمت

«محمد اسماعیل خان نوری وکیل الملك»، حاکم «کرمان»، درآمد،

و پس از چند سال به «عتبات» رهسپار گردید. مدتی در «کربلا» و

«نجف» بگذرانید و چندی هم در «کرمانشاه» بماند و در سلك

درویشان درآمد. سرانجام به «تهران» آمد و در دستگاه وزارت

انطباعات و دار الترجمة «میرزا محمد حسن صنیع‌الدوله»

(اعتماد السلطنة) به عنوان نویسندگی « روزنامه دولتی » و « علمی » و غیره و تألیف کتب بکار پرداخت و از طرف « ناصرالدین شاه قاجار » ملقب و متخصص به « فروغی » شد و بعدها این تخصص و لقب نام خانوادگی خاندان او گشت. سرانجام به حسن نگرش « اعتماد السلطنة » به مدیری دارالترجمه و دارالطباعة دولتی و مترجمی زبان عربی و فرانسه نائل آمد. وی با « میرزا ملکم خان » همفکری داشت و در سال ۱۳۰۸ هـ. ق چند روزی پنهان بود و بکوشش « امین السلطان » مورد عفو قرار گرفت و با حفظ سمت، منصب استیفا از درجه دوم و لقب خانی یافت. و بسال ۱۳۱۱ هـ. ق مستوفی اول شد و به « ذکاء الملک » ملقب آمد و عنوانش جناب « میرزا محمد حسین خان فروغی ذکاء الملک » مدیر دارالترجمة همایونی و « مستوفی اول دیوان اعلی » گردید.

در سال ۱۳۱۴ هـ. ق، در سال اول سلطنت « مظفرالدین شاه »، امتیاز « روزنامه تربیت » را که همه مخارج آن را دولت می- پرداخت، بگرفت. این روزنامه یکی از آموزنده ترین روزنامه- های آن روزگار است که زیاده از یازده سال به مدیریت او انتشار یافت. در سال ۱۳۱۷ هـ. ق که « مدرسه عالی علوم سیاسی » تأسیس شد، وی به استادی آن مدرسه انتخاب گردید و بسال ۱۳۲۳ هـ. ق بریاست آن منصوب گشت.

از آثار اوست : « تاریخ ملل شرق » - « تاریخ ساسانیان راو لینسون » - « سفر هشتاد و نوزده دور دنیا » - « عشق و عفت » - « بوسه

عذرا»- «کلبه هندی»- «عجز بشر»- «چرا و باین جهت»- «غرائب زمین
و عجائب آسمان»- «علم بدیع»- «تاریخ ادبیات» و «دیوان اشعار».

از بهترین سروده های اوست :

تابدو ابروی تو دست نیاید کسی

پیش دوشمشیر من سینه سپر کرده ام!

خویش را در دل او جا دادم

غرق در آهن و پولاد شدم!

ساعتی دولت پا بوس تو تا دست دهد

هست یکسان شده با خاک چو من بسیاری!

بجز اینکه روز من شد ز تو آفتاب رو شب

شب جمله روز گردد، بطلوع آفتابی!

پا ننهاده در چمن، سیر نکرده میروی

باش که داغ لاله را تازه کنم بیوی تو

تولد: ۱۲۵۵ ه. ق = ۱۸۳۹ میلادی در «اصفهان».

وفات: ۱۳۲۵ ه. ق = ۱۹۰۷ میلادی در «تهران» و

مدفون در مزار «ابن بابویه» واقع در «شهر ری».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۳۵ و ۱۳۵- تاریخ رجال ایران ج ۳

ص ۳۸۴ تا ۳۸۸- مقدمه دیوان اشعار محمد حسین خان ذکاء الملك فروغی.

ذکاء الملك (دوم) - «محمد علی فروغی» فرزند «محمد حسین ذکاء الملك اول» ادیبی دانشمند و قوی مایه و مرد سیاسی بزرگ و نویسنده‌ی خوش قریحه و پر ذوق و مترجمی زبردست بود. پس از تحصیلات مقدماتی در «دارالفنون» بتحصیل طب پرداخت و بعد بمناسبت ذوق فطری بسادیات و فلسفه متمایل شد و معتم «مدرسه علوم سیاسی تهران» گشت. و پس از در گذشت پدر ملقب به «ذکاء الملك» آمد و ریاست «مدرسه علوم سیاسی» رسید. در دوره دوم «مجلس شورای ماسی» در سال ۱۳۲۷ هـ. ق از «تهران» نماینده شد و سپس به ریاست «مجلس شورای ملی» انتخاب گردید. در دوره سوم نیز نماینده «تهران» شد و در سال ۱۳۲۹ هـ. ق بوزارت دارایی رسید و اندک مدتی هم وزیر «دادگستری» بود. سپس به ریاست «دیوان عالی کشور» منصوب گشت. در سال‌های ۱۳۳۲ هـ. ق و ۱۳۳۳ هـ. ق نیز دوبار به وزارت «دادگستری» نائل آمد و باز ریاست «دیوان عالی کشور» برگزیده شد.

«فروغی» در مدت زندگانی اداری خود، پنج بار «وزیر امور خارجه» چهار بار «وزیر دارایی» سه بار «وزیر دادگستری» چهار بار «وزیر جنگ» یکبار «وزیر اقتصاد ملی» (پیشه و هنر و تجارت) یکبار «وزیر دربار» و چهار بار «نخست وزیر» بوده است.

وی پس از «جنگ بین الملل اول» بنمایندگی «ایران» در «جامعه ملل» انتخاب شد و ریاست «جامعه ملل» یافت. در روزهای

تاریک. ۱۳۳۲ هـ. ش قرارداد سه جانبه «ایران» را با دولت های «روس» و «انگلیس» منعقد ساخت و با این درایت در سیاست نام خود را در تاریخ «ایران» جاویدان گردانید.

«فروغی» در فلسفه و ادبیات صاحب آثاری گرانقدر است. از جمله: «آیین سخنوری در فن خطابه» - «حکمت سقراط» - «ترجمه رسائل افلاطون» - «سیر حکمت در اروپا» - «ترجمه سماع طبعی شفاء ابن سینا» - «تصحیح کلیات سعدی» - «زبد دیوان حافظ» - «تصحیح رباعیات خیام» با همکاری «دکتر قاسم غنی». مقالات متعدد در مسائل گوناگون که قدیمترین آنها در «روزنامه تربیت» بوسیله او تألیف و ترجمه شده است.

ولادت: ۱۲۹۵ هـ. ق = ۱۲۵۷ هـ. ش = ۱۸۷۸ میلادی.
وفات: ۱۳۶۴ هـ. ق = اوائل آبان ماه ۱۳۲۱ هـ. ش =
۱۹۴۳ میلادی در «تهران» مدفون در مزار «ابن بابویه شهر ری». فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۳۵۱ - تاریخ رجال ایران ج ۳ ص ۴۵۰ و ۴۵۱ - شخصیت های نامی ایران ص ۳۷۵ و ۳۷۶

ذوالریاستین - (حاج میرزا عبدالحسین بن علی ذوالریاستین و فاعلیشاه ابن آقامحمد منور علیشاه) ملقب به «مونس علیشاه» و متخلص به «مونس» پیشوای دسته‌یی از «سلسله نعمة اللهیه» بود. وی در هفت سالگی به مدرسه رفت و در نه سالگی نزد «سید محمد نبی کرمانی»

بتحصيل پرداخت و مقدمات فارسی و تازی و صرف و نحو و فقه و اصول را فراگرفت و در «مدرسه منصوریه» بیان و حکمت را از «حکیم نصرالله» بیاموخت و حکمت ریاضی و بخشی از هیئت و حساب و فیزیک و شیمی و جبر را نزد «میرزا عبدالله رحمت» نواده «وصال شیرازی» و حکمت الهی را از «میرزا آقای جهرمی» و «محمد هادی» شاگرد وی و «شرح فصوص الحکم» و غیره را از «حسین سبزواری» شاگرد «حاج ملاهادی سبزواری» و «شیخ المحققین اصطهباناتی» و مکاسب و طهارت و ریاضی را از «شیخ محمد باقر اصطهباناتی» و «حاج میرزا عبدالباقی» و علم تجوید را از «حاج شیخ عبدالنبی شیرازی» و علم تفسیر و لعمه و بیشتر تعلیمات دینی را نزد «علی وفا علی شاه» و «شیخ جعفر محلاتی» تحصیل کرد. مدتی هم نزد پدر بمجاهده و سیر و سلوک پرداخت. در آغاز انقلاب مشروطه انجمن های «اسلامی» و «انصار» را تأسیس کرد و سپس «مدرسه مسعودیه» (۱۳۲۵ ه. ق) و «مطبعة پارس» و «روزنامه احیاء» را بنیاد نهاد. پس از درگذشت «سید اسماعیل اجاق صادق علی شاه کرمانشاهی» که جانشین پدرش بود، به پیشوایی رسید. سلسله طریقت او بدین قرار است: ۱- «سید اسماعیل اجاق صادق علی شاه» ۲- «حاج علی آقا ذوالریاستین وفا علی شاه» ۳- «حاج آقا محمد منور علی شاه» ۴- «حاج زین العابدین رحمتعلیشاه» ۵- «حاج زین العابدین

شیروانی مستعلیشاه» ۶- «حاج محمدجعفر همدانی مجذوبعلیشاه»
۷- «حسینعلی شاه اصفهانی» ۸- «نورعلی شاه اصفهانی» ۹- «معصوم
علیشاه»

«ذوالریاستین» در سال ۱۳۱۷ ه. ق همراه پدر و بار دیگر
بسال ۱۳۴۰ ه. ق به تنهایی به «مکه» شد و حدود سال ۱۳۰۸
ه. ق در «تهران» ماندگار آمد.

از آثار اوست: «مونس السالکین» - «دلیل السالکین» -
«برهان السالکین» - «جبر و تفویض» - «کشفیه» - «نجات از شبهات» -
«حواشی بر مثنوی ملای رومی» - «رساله ادرسیه» - «تاریخ
حب الوطن» منظومه در سه مجلد - «رساله روحیه» - «رساله طول عمر»
«انیس المهاجرین و مونس المسافرین» - «دیوان مونس» در
دو مجلد:

تولد: ۱۲۹۰ ه. ق = ۱۲۵۲ ه. ش = ۱۸۷۳ میلادی
در «شیراز».

وفات: ۱۳۷۳ ه. ق = ۱۳۳۲ ه. ش = ۱۹۵۳ میلادی
در «تهران» و مدفون در خانقاه «کرمانشاه» است.
فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۶۱ و ۵۶۲

ذوالریاستین - (فضل بن سهل سرخسی) وزیر «مأمون» خلیفه عباسی بود.
وجه تقلیب او به «ذوالریاستین» از آنجاست که هم ریاست دیوان

وهم ریاست جیش داشته است. -وی کریم و شجاع و فصیح بود .
چون «مأمون» عازم «بغداد» شد، در «سرخس»، «فضل» را چهارتن
از کسانش در گرما به بقتل رسانیدند.

گویند: «فضل» نخست مذهب زرتشتی داشت، سپس اسلام
آورد. وی مردی دانشمند بود، بویژه در علم احکام نجوم مهارتی
بسیار داشته است.

تولد: ۱۵۴ ه. ق = ۷۷۱ میلادی در «سرخس».

مقتول: دوم یاسوم شعبان ۲۰۲ یا ۲۰۳ ه. ق = ۸۱۸
یا ۸۱۹ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۶۱ - شخصیت‌های نامی ایران ص
۲۰۲ و ۲۰۳ - تاریخ برگزیدگان ص ۱۶۴

دوالفنون (حبیب الله سلطان آبادی عراقی) - منجم فاضل و مستخرج
تقویم بود و در ادبیات و ریاضیات و تفسیر نیز دست داشت. مدتی
در «دارالمعلمین مرکزی» مثلثات کروی می‌گفت و در «مدرسه عالی
سپهسالار» نیز تدریس می‌کرد. مستخرجات نجومی او مرتباً در
«سالنامه فارس» بطبع می‌رسید.

تولد: ۱۲۷۸ ه. ق = ۱۲۴۰ ه. ش = ۱۸۶۱
میلادی.

وفات: ۱۳۶۷ ه. ق = ۱۳۲۶ ه. ش = ۱۹۴۷
میلادی.

ذوالیمینین (طاهر بن حسین بن مصیب بن زریق بن ماهان) خراسانی
از رجال و امرای دوره «مأمون عباسی» است. بفرمان «مأمون» روانه
«بغداد» شد و در «ری» «علی بن عیسی بن ماهان» سردار «امین»
را بشکست و او را بکشت، سپس «بغداد» را بگشود و «امین» بقتل
آورد و «مأمون» را در خلافت بی معارض ساخت. گویند: از آنجا
که در نبردها بهر دو دست شمشیر میزد، «مأمون» او را به -
«ذوالیمینین» ملقب داشت و فرمانروایی «خراسان» بدو داد. و
مؤسس سلسله «طاهریان» شد. سرانجام سر از اطاعت «مأمون»
باز زد و بغدر مسموم شد. وی ادیب و فصیح و با تدبیر بود و
شعرا و اهل ادب را محترم می داشت. در هنگام مرگ گفته بود:
«در مرگ نیز مردی باید».

تولد: ۱۵۹ ه. ق = ۱۵۴ ه. ش = ۷۷۵ میلادی در

«مرو».

جلوس در «خراسان»: ۲۰۵ ه. ق = ۱۹۹ ه. ش =

۸۲۰ میلادی.

وفات: ۲۰۷ ه. ق = ۲۰۱ ه. ش = در «نیشابور».

ریحانة الادب ج ۲ ص ۵۵ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۶۴ و

۱۰۷۰

رابعه بنت كعب قزداري بلخی- از شعرای سده چهارم و پنجم ه. ق بوده است و اشعار غنائی و غزلی سروده. «جامی» اورا از زنان زاهد و صوفی شمرده است. وی بر نظم فارسی و تازی هر دو توانا بوده است. از «الهی نامه عطار» برمیآید. که عاشق «بكتاش» غلام برادرش بنام «حارث» بوده است و این برادر از سر غیرت اورا بکشته و خود نیز بدست «بكتاش» بقتل آمده است و «بكتاش» نیز بر سر گور «معشوق» خویشتن را از پای در آورده. از وی اندك اشعاری نغز و شیوا باز مانده است.

از اوست:

دعوت من بر تو آن شد، کایزدت عاشق کناد
بر یکی سنگین دلی، نامهربان خویشتن
تا بدانی درد عشق و داغ هجر و غم خوری
چون بهجر اندر بیچی، پس بدانی قدر من

كاشك تنم بسا ز یافتی خبر دل
كاشك دلم باز یافتی خبر تن
كاشك من از تو برستمی بسلامت
ای فسوسا، کجا توانم رستن؟!
زندگانی: اواخر سده چهارم و اوائل سده پنجم ه. ق
== حدود اواخر سده نهم و اوائل سده دهم میلادی.

الهی نامه عطار طبع ۱۳۵۵ ه. ق ص ۳۵۶ تا ۳۸۰ - تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۴۴۹ تا ۴۵۱ - زنان سخنور تألیف شادروان «علی اکبر

مشیر سلیمی، ج ۱ ص ۱۹۸ تا ۲۰۸ - ریحانة الادب ج ۲ ص ۵۸

راشدی - ادیب ایرانی سده پنجم هجری از مخصوصان دربار «ابراهیم ابن مسعود بن محمود» (۴۵۰ - ۴۹۲ ه. ق = ۱۰۵۸ - ۱۰۹۸ میلادی) و از معاصران «مسعود سعد» بود و با او مشاعره ادبی داشت. (توضیح آنکه «راشدی» را با «رشیدی سمرقندی» نباید اشتباه کرد.)

زندگانی: سده پنجم ه. ق = سده دهم میلادی.
فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۷۳ - تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۴۸۵ و ۴۸۶ و ۴۸۹

راغب - (ابو القاسم حسین بن محمد اصفهانی معروف به «راغب») فقیه و صاحب تألیفات دینی و اخلاقی است. از مردم «اصفهان» و ساکن «بغداد» بود. گویند: روش معتزلیان داشت. او راهمتای «امام غزالی» شمرده اند. وی مقدمه تحقیقات خود را در باره «قرآن» در رساله بی بنام «منبهة علی فوائد القرآن» آورده بوده است. و گفته اند که «بیضاوی» از آن بهره جسته. - بعضی او را شیعه شمرده اند. از ادبا و علمای بزرگ «اصفهان» است. از آثار او است: «مفردات الفاظ القرآن» یا «المفردات فی غریب القرآن» - «محاضرات الادباء» و محاورات

الشعراء و البلغاء - « السذریعة الی مکارم الشریعة » -
 « تفسیر القرآن » - « حل متشابهات القرآن » - « تفصیل النشاطین و
 تحصیل السعادتین » - « تحقیق البیان » در زبان و نویسندگی و اخلاق
 و فلسفه علوم اوایل که در کتابخانه « آستان قدس » موجود است.
 « محمد صالح قزوینی » کتاب « محاضرات راغب » را به عنوان
 « النوادر » بفارسی ترجمه کرده است و نسخی از آن در کتابخانه
 « مجلس شورای ملی » است.

وفات: ظاهراً ۵۰۲ هـ. ق = ۱۱۰۸ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۶۶ - دائرة المعارف ج ۱

ص ۱۰۶۱ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۶۰ و ۵۷۴

رافعی - (ابوالقاسم عبدالکریم بن محمد قزوینی) شافعی فقیه و
 محدث و مورخ اسلامی، از مؤلفات اوست: «فتح العزیز فی شرح
 الوجیز» تألیف «غزالی» در فقه. «التدوین فی علماء قزوین» -
 «شرح مسند الشافعی» - «الامالی الشارحة لمفردات الفاتحة» -
 «المحرر» در فقه.

وفات: ذی القعدة ۲۳ هـ. ق = ۱۲۲۶ میلادی در «قزوین»

و همانجا مدفون شد.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۷۴ - آتشکده آذربخش سوم ص ۱۱۶۷

تا ۱۱۶۹ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۲۳۴

رامی - (ملك الشعراء شرف الدين حسن بن محمد رامي تبریزی متخلص به «رامی» و «شرف») نویسنده شاعر ایرانی سده هشتم ه. ق از شاعران دربار سلطان «اویس جلایری» (۷۵۷-۷۷۶ ه. ق) بود. از اوست: «انیس العشاق» که در آن اسماء اعضاء بدن با تشبیهات و کنایات آنها آمده است. «حدائق الحقایق» - در صنایع شعری (در شرح حدائق السحر و طواط) این هر دو کتاب بنام «سلطان اویس» نوشته شده است. وی «شاه منصور مظفری» (م/ ۷۹۵ ه. ق) را ستایشگر آمده و ملك الشعراء دربار این شهریار شده است.

وفات: بقول «تربیت» ۷۹۵ ه. ق = ۱۳۹۲ میلادی (!؟)

حقایق الحدائق طبع دانشگاه تهران ۱۳۴۱ ه. ش - فرهنگ

معین ج ۵ ص ۵۷۷ - انیس العشاق بتصحیح و اهتمام شادروان استاد عباس

اقبال، طهران ۱۳۲۵ ه. ش - تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۹۷

راوندی - (ابو الرضا فضل الله بن علی حسنی، ضیاء الدین) از فضلای

شیعه، از آثار اوست: «ضوء الشهاب» - «ادعیه السر» - «شرح الرسالة

الذهبية» .

وفات: ۵۸۰ ه. ق = ۱۱۸۴ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۷۸

راوندى - (نجم الدين ابوبكر محمد بن على بن سليمان) از مردم «راوندكاشان» بود. از نويسندگان و فضلاى سده ششم و سرآغاز سده هفتم هجرى است. و گذشته از فقه و كلام و ادب، در خطاطى و صحافى و تذهيب نيز ماهر بود. كتاب «راحة الصدور» و آية السرور» را كه قسمتى از آن به شيوه نثر مزين و مصنوع و قسمتى ديگر ساده و مرسل است، در «تاريخ آل سلجوق» بنام «غياث الدين كيه خسرو بن قلج ارسلان» از سلاجقه «آسيابى صغير» بتأليف درآورد. و از سال ۵۹۹ تا ۶۰۳ هـ. ق در اين كار روزگار برد. اين كتاب با «سلجوق نامه ظهيرى» شباهت بسيار دارد و پيدا است كه در برداشت مطالب و نظم وقايع «راوندى» از آن بهره ها برگرفته است. وى طبع شعرى متوسط نيز داشته و بعضى از قصايد خويش در «راحة الصدور» بياورده است.

وفات: تا سال ۶۰۳ هـ. ق = ۱۲۰۶ ميلادى زنده بوده است.

تاريخ ادبيات در ايران ج ۲ ص ۱۰۰۸ تا ۱۰۱۱ - دائرة

المعارف ج ۱ ص ۱۰۴۸ - فرهنگ معين ج ۵ ص ۵۷۸ - راحة الصدور و

آية السرور بتصحیح محمد اقبال طبع ليدن و طبع امير كبير.

ربن، سهل الطبرى - (پدر على بن ربن مشهور) از تربيت يافتگان حوزه علمى «مرو» و بردين نصرانى و بقولى بردين يهودى بود. وى در طب و نجوم و رياضيات ماهر و از مترجمان معروف روزگار

خویش است. از جمله منقولات وی نسخه‌یی از «المجسطی» بود
از یونانی به تازی و کاملتر از دیگر نسخ منقول.
زندگانی: سده دوم هجری = سده هشتم میلادی.
تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۰۴ - فرهنگ معین ج ۵ ص
۵۸۵ - هم رک: کتاب حاضر ص ۴۱۴۰

ربیع بن احمد اخوینی یا اجوینی بخاری - مکنی به «ابوبکر» یا
«ابوحکیم»، شاگرد «ابوبکر محمد بن زکریای رازی» و مؤلف
«هدایة المتعلمین فی الطب» است.
زندگانی: سده چهارم هجری = سده دهم میلادی .
فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۸۵ - هدایة المتعلمین بتصحیح دکتر
جلال متینی.

ربیع بوشنجی یا پوشنگی - (صدرالدین پسر خطیب پوشنج مشهور
به ربیعی) مداح «فخرالدین کورت». از شاعران نیمه دوم سده هفتم
و سر آغاز سده هشتم هجری و از جمله گویندگان معروف حماسه‌های
تاریخی در «ایران» است. - گویند: بسیار باده نوش بود و بدین سبب
بزدلان افتاد و مثنوی بنظم در آورد بنام «کارنامه» تا بدین وسیله
شفقت سلطان را بسوی خود جلب کند. ولی حاصلی نداشت؛ و

و مثنوی دیگر دارد بنام «کرت نامه» بسبک «شاهنامه فردوسی».
ولادت: ۶۷۱ ه. ق = ۱۲۷۲ میلادی.
وفات: ۷۰۲ ه. ق (بقول فصیحی خوافی) = ۱۳۰۲
میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۶۷۱ تا ۶۸۱ - فرهنگ
معین ج ۵ ص ۵۸۵

رشتی - (میرزا حبیب الله بن محمد، اصولی) از شاگردان مبرز «شیخ
مرتضی انصاری» و از مراجع تقلید درجه اول شیعه، در «عراق
عرب» - از تألیفات او «الاجارة» در فروع احکام دینی و قوانین
عقد مزبور در حقوق شیعه - «اجتماع الامر والنهی» - «الامامة» -
«بدایع الافکار» در اصول فقه - «تقریرات درس شیخ مرتضی
انصاری» - «تقلید اعلم» - «مسألة غضب» - «کاشف الظلام
فی علم الکلام» - «التعادل و التراجع» .

«کیوان قزوینی» شاگردی او کرد. حوزه درس وی
مرجع بهره وری علمای «عراق» و «ایران» و دیگر آفاق بود.
وفات: ۱۳۱۲ ه. ق = ۱۸۹۴ میلادی در «نجف» .
ریحانة الادب ج ۲ ص ۷۶ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۸۳۲ -
فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۹۲

رشدیه- (حاج میرزا حسن تبریزی) پس از تحصیلات مقدماتی در زادگاه خود «تبریز» برای تکمیل علوم دینی عازم «نجف» بود. مقالات روزنامه «اختر» طبع «اسلامبول» در خصوص اشکالهای یادگرفتن زبان فارسی او را برانگیخت، به «بیروت» شد؛ و در «دارالمعلمین» آنجاء انشجویی کرد و پس از سفرهایی به «مصر» و «اسلامبول» به «ایران» بازگشت و اصول القبای صوتی را مدّون ساخت. در ۱۳۰۰ هـ. ق = ۱۲۶۱ هـ. ش = ۱۸۸۲ میلادی «دبستان رشدیه» را در «تبریز» دایر کرد و رنج ها برد تا مسورد حمایت «مظفرالدین میرزا» ولیعهد و پیشکار او «میرزا علی خان امین الدوله» قرار گرفت. در سلطنت «مظفرالدین شاه» و صدارت «امین الدوله» به «تهران» احضار آمد و مدیر «دبستان رشدیه» شد و در «انجمن معارف» عضویت یافت. در نتیجه آزادیخواهی چندین بار به خارجه تبعید یا فراری گشت و پس از مراجعت به «ایران» مدرسه یی را بنام «مکتب رشدیه» مؤسس گردید و مجله یی مصور بهمین نام منتشر کرد (۱۳۲۲ هـ. ق = ۱۲۸۲ هـ. ش = ۱۹۰۳ میلادی). از سال ۱۳۴۵ هـ. ق در «قم» عزلت گزید و در پایان زندگانی اصولی برای تعلیم نابینایان (= روشندان) ابداع کرد. وی مشوق تأسیس مدارس دخترانه نیز بود. از وی کتب و رسائلی گوناگون به فارسی و ترکی بطبع رسیده است. از جمله: «اصول عقاید یا اتحاد بشر»- «تبصرة الصبيان»- «صد درس»- «عقل و عشق» «بدایة التعلیم»- «کفایة التعلیم»- «نهایة التعلیم»- «وی روزنامه

تهران» را در پایتخت انتشار داده است و شماره اول آن در ۷
ربیع الاول ۱۳۲۶ هـ. ق منتشر شده.

تولد: ۱۲۶۷ هـ. ق = ۱۲۲۹ هـ. ش = ۱۸۵۰ میلادی
در «تبریز».

وفات: ۱۳۶۳ هـ. ق = ۱۳۲۳ هـ. ش = ۱۹۴۴ میلادی.

دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶ - فرهنگ معین ج ۵

ص ۵۹۲ و ۵۹۳ - هم رك: كتاب حاضر ص ۲۰۲ و ۲۰۸

رشید - (عبدالرشید دیلمی) استاد خط نستعلیق، خواهرزاده و شاگرد
«میر عماد» بود. در «اصفهان» میزیست و به «عبدالرشید» و «رشید»
معروف گشت. از خوشنویسان «شاه عباس اول» بود. پس از قتل
«میر عماد» از «ایران» به «هند» مهاجرت و ملازمت «شاه جهان» اختیار
کرد و بتعلیم شاهزاده «داراشکوه» پرداخت. وی در «هندوستان»
بیش از «ایران» شهرت داشت و هنر دوستان او را «آقا» و «آقارشید»
میخواندند. از آثار هنری این استاد بمقدار زیاد در «ایران» و «هند»
موجود است. وی در کبر سن در «آگره» درگذشت. و «سعیدای
اشرف» در پایان قطعه شعری که در رثا و تاریخ وفات «رشید» و
«صائب» سروده است، گفته: «بود، باهم مردن آقا رشید و صائب»
و اینکه بعضی سال وفات او را ۱۰۸۱ هـ. ق گرفته اند، اشتباه
کرده و در این مصراع «بود» را بجای «بوده» گرفته اند.

وفات : ۱۰۸۶ هـ . ق = ۱۶۷۶ میلادی در «آگره

هندوستان» .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۹۴ - اطلس خط ص ۵۳۳ تا ۵۳۶ -
کارنامه بزرگان ایران ص ۲۳۶ و ۲۳۷ - احوال و آثار خوش نویسان
(نستعلیق نویسان) بخش دوم تألیف دکتر مهدی بیانی ص ۳۹۳ تا ۴۰۰

رشید الدین ابوالفضل بن ابی سعید احمد بن محمد بن محمود
المیبدی - صاحب تفسیر عظیم « کشف الاسرار و عدة الابرار »
که کاملترین و مفصلترین تفاسیر صوفیه است.

این کتاب در ده مجلد باهتمام و تصحیح «جناب آقای
علی اصغر حکمت» به نفقه «دانشگاه تهران» بطبع رسیده است.
زندگانی: سده ششم هجری = سده دوازدهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۵۷ - قرآن کریم طبع ابن سینا
بامقدمه حسن سادات ناصری.

رشید و طواط - (امیر امام رشید الدین سعد الملك محمد بن محمد بن
عبد الجلیل عمری) کاتب و شاعر بلخی معروف به «خواجهر رشید
و طواط»، در «نظامیه بلخ» نزد «ابو سعد هروی» تحصیل کرد و سپس
به «خوارزم» رفت و در دستگاه «خوارزمشاهیان» روزگار گذراند
و بسمت صاحب دیوانی رسائل رسید و «اتسز» از محاوره و مجالست

با او لذت میبرد. با «جارالله زمخشری» نیز دوستی و مکاتبه داشت و بر سر مسائل ادبی با او مباحثه کرده است. از آثار اوست: «دیوان شعر» - «منشآت فارسی» - «حدائق السحر» - «فصل الخطاب» - «تحفة الصدیق» - «انس اللفهان» - «نثر اللآلی» و...
ولادت: ۴۸۱ هـ. ق = ۱۰۸۷ میلادی در «بلخ».

وفات: ۵۷۳ = ۱۱۷۷ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۶۲۸ تا ۶۳۶ - حدائق السحر
باهتمام شادروان استاد عباس اقبال - کارنامه بزرگان ایران ص ۱۸۳ و
۱۸۴ - دیوان رشید وطواط بتصحیح شادروان استاد سعید نفیسی.

رشید یاسمی - (غلامرضا فرزند محمدولی خان میر پنج گورانی کرمانشاهی)
شاعر و نویسنده متجدد ایرانی و ادیب و مورخ مشهور و استاد
«دانشگاه تهران»، در خاندانی از اهل دانش و ادب از مادر بزاد. جد
مادری او «شاهزاده محمد باقر میرزای خسروی» نویسنده داستان
معروف «شمس و طغرا» است و دیوان شعرش بکوشش «رشید»
بطبع در آمده. پدر «رشید» نیز شاعر و نقاش و خوشنویس و اهل قلم
و شمشیر بود و در هشت سالگی فرزند بسال ۱۳۲۲ هـ. ق درگذشت.
«رشید» پس از سالیانی زندگانی در میان عشایر و تحصیل
در دبستانهای «کرمانشاهان» ادامه تحصیل را به «تهران» آمد و
در ۱۲۹۲ هـ. ش دوره متوسطه را در دبیرستان «سن لویی» بپایان
برد و پس از مدتی بریاست دبیرستانی در «کرمانشاهان» رسید.

جستن نام و نان را باز به «تهران» آمد و با همکاری «ملك الشعراء بهار»، «علی دشتی»، «عباس اقبال» و «سعید نفیسی» بخدمات مطبوعاتی و ادبی آغاز نهاد و از دانش بزرگانی چون: «میرزا طاهر تنکابنی» و «ادیب پیشاوری» بهره‌ها جست و از ادیبان و شاعران بنام پایتخت شد و بخدمات دولتی هم می پرداخت . مدتی در وزارت خانه‌های معارف و مالیه شاغل بود و چندسالی در دفتر شاهنشاهی سمت دبیری داشت. از سال ۱۳۱۲ ه. ش و آغاز تأسیس «دانشگاه تهران» بسمت استادی «تاریخ اسلام در دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی» نائل آمد. و هنگام تأسیس «فرهنگستان ایران» از اعضاء پیوسته آن شد. در سال ۱۳۲۲ ه. ش بهمراهی استادانی دیگر چون: «علی اصغر حکمت» و «ابراهیم پورداود» به «هندوستان» رفت و چکامه‌های «ایران و هند» و «خاطرات هند» او ره آورد این سفر است.

در روز ۱۱ اسفندماه ۱۳۲۷ ه. ش، هنگامی که در تالار اجتماعات «دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی» درباره «تأثیر عقاید و افکار حافظ در گوته» خطابه‌یی شیوا می خواند، سگته کرد و در برابر چشم نگارنده و بسیاری دیگر جهانی از ذوق و ادب از پای درآمد. برای معالجه او را بمدت دو سال بپاریس بردند. سرانجام در هجدهم اردیبهشت ۱۳۳۰ ه. ش رخت بسرای جاویدانان برد .

وی استادی نامدار و سرآمد و نویسنده و شاعری ذوق-

آفرین بود. بزبانهای فرانسه و انگلیسی و عربی و خط و زبان پهلوی آشنایی داشت. آثار تحقیقی او نغز و دلپذیر بقلم آمده است و بر سه بخش است:

نخست - تألیفات: «احوال سلمان ساوجی» - «تاریخ ملل و نحل» - «پرورش افکار بوسیله کلیات تاریخ» - «آیین نگارش» - «کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او» - «احوال ابن یمین» - «ادبیات معاصر» (ذیل بر ترجمه جلد چهارم تاریخ ادبی ایران تألیف ادوارد برون) - «مشارکت در تدوین کتابهای فارسی برای دبیرستانها» (سه جلد) - «مشارکت در تألیف کتابهای تاریخ برای دبیرستانها» (۳ جلد) - «مشارکت در تألیف کتاب دستور زبان فارسی برای دبیرستانها» (دو جلد، مشهور به دستور پنج استاد) - «قانون اخلاق» - «منتخبات اشعار رشید یاسمی» و «دیوان اشعار رشید یاسمی».

دوم - تصحیح و تحشیه و آنتخاب: «دیوان مسعود سعد سلمان» - «اشعار گزیده مسعود سعد سلمان» - «اشعار گزیده فرخی سیستانی» - «دیوان محمد باقر میرزای خسروی کرمانشاهانی» - «نصایح فردوسی» - «اندرز نامه اسدی» - «سلامان و ابسال جامی» - «دیوان هاتف اصفهانی» - «مقدمه بر دوبیتی های باباطاهر عریان» - «نامه فرهنگستان از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۴».

سوم - ترجمه: «آیین دوست یابی، دبل کارنگی امریکایی» - «چنگیز خان، هارلد لمب امریکایی» - «تاریخ عمومی قرن هجدهم، آلبر ماله» (از فرانسه) - «تاریخچه نادر شاه، مینورسکی»

(از انگلیسی) - «آثار ایران، گذار مجلد اول» (از فرانسه) - «از قصر شیرین بطوس» (از فرانسه) - «مجلد چهارم تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر تألیف پرفسور براون انگلیسی» «ایران در زمان ساسانیان، کریستن سن دانمارکی» (از فرانسه) - «مقام ایران در تاریخ اسلام، مارگولیو» (از انگلیسی) و جز اینها. تولد: ۲۸ جمادی الثانیة ۱۳۱۴ هـ. ق = ۲۹ آبان ماه ۱۲۷۵ هـ. ش = ۱۸۹۶ میلادی در «کرمانشاه».

وفات: ۱۳۷۰ هـ. ق = ۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۰ هـ. ش = ۱۹۵۱ میلادی در «تهران».

دیوان رشید یاسمی با مقدمه محمد امین ریاحی چاپ اول - دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۰۸۶ .

رشیدی سمرقندی - (سیدالشعراء استاد ابو محمد بن محمد رشیدی سمرقندی) از معاصران «آل افراسیاب» و از استادان شعر سده ششم هجری و از شاعران نام آور «ماوراء النهر» است. او را «تاج الشعراء» نیز نوشته اند.

منظومه هایی چون: «زینت نامه» و «مهر و وفا» باو نسبت داده اند .

زندگانی: سده ششم هـ. ق = سده دوازدهم میلادی. تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۶۱ و ۳۷۸ - ج ۲ ص ۵۴۷ تا ۵۵۱



رضاشاه کبیر - (فرزند عباسقلی خان سرهنگ فوج سوادکوه) بنیان - گذار ایران نوین و مؤسس سلسله پهلوی - چهل روزه بود که پدرش در گذشت و مادرش بنام «نوش آفرین» او را به «تهران» آورد. در سیزده سالگی بخدمت نظام وارد شد. فرزند ارجمندش «اعلی حضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه آریا مهر» در کتاب «مردان خود ساخته» چنین نوشته اند: «وقتی که سنی از او گذشته بود، و در پادگان «قصر قجر» انجام وظیفه میکرد، بدون خجالت و سرافکندگی بانهایت شهامت و شجاعت شروع بخواندن و نوشتن نمود. از یکی از همقطارانیش که سواد داشت، کومک گرفت و پس از کارهای روزانه ساعتهای متمادی می نشست و از روی صبر و حوصله و با پشت کار فراوان به تحصیل می پرداخت. در روشنایی کم نور، روی کتابها و دفترش خم میشد، و با دقت به تعلیمات همقطاری که باو کمک میکرد، گوش میداد و مشق خط می نوشت» .

وی بسبب شجاعتی که داشت، در خدمت نظامی ترقی کرد. در سفرهای جنگی شرکت داشت. در جنگ با «سالارالدوله» دلیری و کاردانی وی در نبرد با شخصتیر از عوامل بزرگ شکست اشرار و عشایر بود. در آغاز جنگ جهانی نخستین، جزء دسته تیراندازان فوج «همدان» دلیری سرشناس و نام آور شمرده میشد و پس از بیست و سه سال خدمت: بسال ۱۳۳۶ ق.ه = ۱۳۹۶ ه. ش = ۱۹۱۷

میلادی بسر هنگی «فوج همدان» رسید و مقام فرماندهی یافت. و چندی نگذشت که میر پنج یاسر تیپ شد و بمقام فرماندهی نیروی نظامی «تهران» رسید. مقارن این احوال اوضاع «ایران» سخت آشفته بود و پریشانی‌هایی که در جنگ جهانی نخستین در کار کشور روی نموده بود، پس از پایان جنگ نیز ادامه داشت. کشور دوچار بی‌پولی، ناامنی، خرابی اوضاع اقتصادی، و امهای خارجی، و دست درازی‌های بیگانگان بود؛ و از هر کناری گردنکشان سر بر آورده بودند. بدین روی میهن پرستان در آرزوی دولت مرکزی توانایی بسرمی بردند، که ملک و ملت را از پریشانیهای داخلی و دشمنان خارجی و کشمکش‌های بی‌هنگام دولتها و مجلسها برهاند.

پس از اینکه دولت «وئوق الدوله» عاقد قرارداد ۱۹۱۹ میلادی از کار بر کنار شد، «مشیرالدوله حسن پیرنیا» در شانزدهم شوال ۱۳۳۸ ه. ق. = ۱۲ سرطان ۱۳۰۵ ش. رئیس الوزرا شد. نیروهای دولتی پس از پیروزی‌هایی سرانجام از برابر متجاسران عقب نشستند. از «رضاشاه کبیر» نقل شده است که: «فرماندهان روسی در آخرین پیکار سستی کردند. من عده خود را از بیراهه در حالی که گاهی تا گلو در لجن و مرداب فرو میرفتیم و گاه خارهای جنگل از کف پای قزاق زده کفش او را دریده به پشت پا میرسید، از کوه‌های سخت عبور دادم، و لخت و گرسنه به قزوین آوردم». بعد از سقوط دولت «مشیرالدوله» در صفر ۱۳۳۹

ه. ق = عقرب ۱۲۹۹ ه. ش، روز بعد «فتح الله اکبر» ملقب به «سپهبدار اعظم» مأمور تشکیل دولت شد.

در شب سوم حوت (اسفندماه) ۱۲۹۹ ه. ق = ۱۲ جمادی -
الآخر ۱۳۳۹ ه. ق = اوت ۱۹۲۰ میلادی. «رضا شاه کبیر»، که در
آن هنگام به «رضا خان میرنج» معروف بود، باقوای خود «تهران» را
اشغال نمود و کودتا کرد و این روز فرخنده مبدأ تحولاتی بزرگ و
دامنه دار در تاریخ «ایران» است. در این هنگام «سلطان احمد شاه
قاجار» تولد: ۱۳۱۴ ه. ق در «تبریز» - جلوس: ۱۳۲۷ ه. ق - خلع از
سلطنت: ۹ آبان ماه ۱۳۰۹ ه. ش - مرگ: ۲۶ رمضان ۱۳۴۸ ه. ق)
وی رادرجه سرداری و لقب «سردار سپه» داد و ریاست «دیویزیون
قزاق» یافت. - دولتهایی که از این پس تاشاهنشاهی «رضا شاه کبیر»
تشکیل شد چنین است :

«سیدضیاءالدین طباطبائی» (۵ حوت ۱۲۹۹ ه. ش - ۴ جوزای
۱۳۰۰ ه. ش).

«قوام السلطنه» (۱۴ جوزای ۱۳۰۰ ه. ش - ۲۹ جدی ۱۳۰۰
ه. ش)

«مشیرالدوله» (۲ دلو ۱۳۰۰ ه. ش - ۱۸ ثور ۱۳۰۱ ه. ش ؛
استعفای قطعی ۲ جوزا)

«قوام السلطنه» (۲۱ جوزای ۱۳۰۱ ه. ش - ۵ دلو ۱۳۰۱ ه. ش)

«مستوفی الممالک» (۱۰ دلو ۱۳۰۱ ه. ش - ۲۱ جوزای

۱۳۰۲ ه. ش)

«مشیرالدوله» (۲۲ جوزای ۱۳۰۲ ه. ش - ۳۰ می-زان ۱۳۰۲

ه. ش)

«سردار سپه» (۳۳ عقرب ۱۳۰۲ ه. ش - ۲۱ آذر ۱۳۰۴ ه. ش)

«سردار سپه» در چهارم ثور ۱۳۰۰ ه. ش، پس از «ماژور

مسعود خان کیهان» در دولت «سیدضیاءالدین طباطبائی» به وزارت

جنگ رسید و این مقام را جز در فواصل کوتاه استعفانها پیش از

شاهنشاهی پیوسته عهده دار بود. وی از همان آغاز کار به یکسان

کردن سازمانهای گوناگون ارتش پرداخت و «ژاندارمری» را نیز

که تاجدی ۱۳۰۰ ه. ش مقاومت میکرد، در هجدهم آن ماه جزء

«قزاق خانه» کرد و بدین گونه «ارتش واحد ایران» تأسیس شد

و به سرکوبی اشرار و متجاسران موفق آمد. واقعه جنگل و فتنه

لاهوری خاتمه یافت. عشایر «لرستان» در نیمه نخستین سال ۱۳۰۱

ه. ش آرام گرفتند و خلع سلاح ایلات شاهسون در همان سال

آغاز شد. «قلعه چهریق» بتصرف قوای دولتی درآمد و «اسماعیل

آقای سیمینکو» فرار کرد. در ۱۵ میزان ۱۳۰۱ ه. ش بر اثر اختلاف

هایی که بر سر حکومت نظامی پدید آمده بود و بسبب نطقهای

نمایندگان در «مجلس شورای ملی»، «سردار سپه» از وزارت جنگ

کناره گرفت و در نتیجه مذاکرات تاحدی رفع اختلاف شد. روز

۵ دلو (بهمن) ۱۳۰۱ ه. ش دولت دوم «قوام السلطنه» ناگهان سقوط

کرد و پس از چند روز دولت «مستوفی-الممالک» تشکیل یافت و در

اواخر سال ۱۳۰۱ هـ. ش ترتیب انحلال دفاتر پستی خارج داده شد.
 سرانجام در ۳ عقرب ۱۶ (آبان) ۱۳۰۲ هـ. ش = ۱۹۲۳ میلادی
 «احمدشاه قاجار» «سردار سپه» را بریاست وزراء منصوب کرد
 و هیأت دولت وی در ۵ عقرب ۱۳۰۲ هـ. ش به شاه معرفی شد و
 «احمدشاه» در یازده عقرب همان سال به «اروپا» رفت و تحولات
 کشور در جهت ترقی و تعالی به قیادت «سردار سپه» بسرعت
 فراوان یکی پس از دیگری روی نمود. از جمله «شیخ خزعل»
 در سال ۱۳۰۳ هـ. ش سرکوبی شد و «سردار سپه» پس از این
 پیروزی به زیارت «عتبات» رفت و در جلدی ۱۳۰۳ هـ. ش به
 «تهران» آمد و در ۲۵ دلو ۱۳۰۳ هـ. ش «مجلس شورای ملی» ریاست
 عالیة کل قوای دفاعیه و تأمینیه (امنیه = ژاندارمری) را با
 اختیارات تامه به وی تخصیص داد و سپس در ۹ آبان ماه ۱۳۰۴
 هـ. ش «مجلس شورای ملی» انقراض سلطنت «قاجاریه» را اعلام
 کرد و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین
 موضوعه مملکتی به شخص «سردار سپه» واگذار نمود. پس از
 آن انتخابات «مجلس مؤسسان» آغاز شد و آن مجلس در ۱۵ آذر
 (قوس) ۱۳۰۴ هـ. ش گشوده شد و در ۲۱ آذر ۱۳۰۴ هـ. ش
 «سلطنت مشروطه ایران» را به شخص «اعلیحضرت رضاشاه
 پهلوی» تفویض داشت. مراسم تحلیف در روز سه شنبه ۲۴ آذر
 همان سال در «مجلس شورای ملی» بعمل آمد و «اعلیحضرت
 رضاشاه کبیر» روز بعد بر تخت سلطنت جلوس و در چهارم اردیبهشت

۱۳۰۵ ه.ش رسماً تاجگذاری فرمود .

کوششهای ثمربخش این شاهنشاه که در نوسازی کشور بعمل آمد، فراوان است . امنیت بسط یافت . ارتش تقویت شد . نیروهای هوایی و دریایی ایجاد گردید . نظام وظیفه عمومی (مصوب خرداد ۱۳۰۴ ه.ش) مقرر شد . «قانون راه آهن سرتاسری ایران» در خرداد ماه ۱۳۰۴ ه.ش بتصویب رسید و بسال ۱۳۰۷ ه.ش = ۱۹۲۸ میلادی اجرا شد .

برای بی نیاز ساختن کشور از مستشاران خارجی همه ساله در حدود صدتن محصول در رشته های مختلف بخرج دولت به خارج اعزام شدند . «بانک ملی ایران» بسال ۱۳۰۵ ه.ش = ۱۹۲۷ میلادی تأسیس شد . «کاپیتولاسیون» در خرداد ماه ۱۳۰۶ ه.ش = ۱۳۲۸ میلادی ملغی گردید .

ساختمانهای بزرگی در سراسر کشور بنیادگشت و کارخانه های گوناگون و راههای مختلف دائرگشت و فعالیت های صنعتی و اقتصادی بی سابقه یی پیدا آمد . «الغاء امتیاز داری» و تصویب موافقت نامه نفت در ۱۳۱۲ ه.ش = ۱۹۳۳ میلادی از کارهای با نام این دوره است .

«خبرگزاری پارس» در سال ۱۳۱۳ ه.ش در «وزارت امور خارجه» تأسیس شد و در سال ۱۳۱۹ ه.ش که «اداره کل انتشارات رادیو» بوجود آمد ، باین اداره انتقال یافت . «رادیو ایران» با افتتاح فرستنده «رادیو تهران» در چهاردهم اردیبهشت ۱۳۱۹ ه.ش بدست

«والاحضرت محمدرضا پهلوی» («شاهنشاه آریامهر») افتتاح شد. از مهمترین اقدامات «رضا شاه کبیر» توسعه معارف و فرهنگ است. تأسیس «دارالمعلمین عالی» (دانش سرای عالی) و دانش سراهایی مقدماتی و «دانشگاه تهران» و «جلب استادان خارجی» و «قانون تربیت معلم» و «ترجمه کتب خارجی» و «تألیف کتب جدید» و «طبع نسخه‌های کهن» و «احیاء آثار ادبی گذشتگان» و بهتر شدن وضع چاپ و مطبوعات و تأسیس «فرهنگستان ایران» در خرداد ماه ۱۳۱۴ ه.ش = ۱۹۳۵ میلادی و «آزادی تعلیم و تربیت نسوان تاسطح دانشگاه» و «متحدالشکل شدن لباسها» و «رفع حجاب» از مهمترین کارهای فرهنگی و اجتماعی این شهریار بزرگ است.

در جنگ دوم جهانی بسبب مشکلاتی که از تجاوز قوای بیگانه به «ایران» پیش آمد، در ۲۱ شهریور ۱۳۲۰ ه.ش = ۱۹۴۰ میلادی «رضاشاه کبیر» از شاهنشاهی «ایران» استعفا کرد و تخت و تاج را به فرزند ارشد و ولیعهد خویش «والاحضرت شاهپور محمدرضا پهلوی» (اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر) سپرد و خود بلاد رنگ از «تهران» بسوی «اصفهان» و «یزد» و «کرمان» و «بندر عباس» حرکت کرد و با کشتی موسوم به «بندرا» بجزیره «موریس» (Maurice) واقع در شرق جزیره «ماداگاسکار» در «اقیانوس هند» رهسپار شد و در ۲۳ مهر ۱۳۲۰ ه.ش بآنجا رسید و پس از چندی به «ژوهانسبورگ» شد و سرانجام در چهارم

مرداد ۱۳۲۳ ه.ش = ۵ شعبان ۱۳۶۳ = ۱۹۴۳ میلادی از این جهان رخت بسرای جاویدانان کشید . جنازه وی را به «قاهره» بردند و در آنجا به امانت گذاشته شد. سپس در سیزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۹ ه.ش از «مصر» با تشریفات باشکوه به «حضرت عبدالعظیم» آورده شد و در هفدهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۹ ه.ش در «کاخ آرامگاه» مدفون آمد . «مجلس شورای ملی» در ۳۱ خرداد ماه ۱۳۲۸ ه.ش عنوان رسمی این شاهنشاه بزرگ را که بیش از هر چیز به میهن خود علاقه داشت و «ایران» و ایرانیان تا ابد مدیون کشورداری و حسن سیاست او هستند، «رضاشاه کبیر» نهاد. مدت سلطنت این شاهنشاه شانزده سال بود .

تولد : روز چهارشنبه بیست و چهارم اسفند ماه ۱۲۵۶ ه.ش = ۱۲۹۵ ق.ه = ۱۸۷۸ میلادی در «آلاشت سوادکوه مازندران» .

وفات : پیش از برآمدن آفتاب چهارم مرداد ۱۳۲۳ ه.ش = ۵ شعبان ۱۳۶۳ ه.ق = ۱۹۴۳ میلادی در «ژوهانسبورگ افریقای جنوبی» مدفون در «کاخ آرامگاه» در «حضرت عبدالعظیم» .

دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۰۸۷ تا ۱۰۸۹ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۹۵ و ۵۹۶ - تاریخ برگزیدگان ص ۱۰۲ تا ۱۱۲ - تاریخ رجال ایران ج ۲ ص ۲ تا ۹ - کادنامه بزرگان ایران ص ۴۱۰ تا

۴۱۴- کتاب پهلوی نشریه مخصوص مؤسسه اطلاعات بمناسبت تاجگذاری شاهنشاه آریامهر.

رضا عباسی - مشهور به « آقا رضا عباسی بن علی اصغر کاشی » نقاش معروف سده یازدهم هجری، در خدمت «شاه عباس اول» (۹۹۶-۱۰۳۸ ه.ق) بود. و «معین مصور» از شاگردان اوست. این استاد نقاش را با «علیرضا عباسی» خوشنویس نباید اشتباه کرد. «رضای عباسی» و «علی رضا عباسی» و «شفیع عباسی» نقاش معروف «عهد شاه عباس ثانی» بمناسبت تقرب به پادشاه خود را «عباسی» نامیده اند. وفات : ۱۰۴۴ ه.ق = ۱۶۳۴ میلادی .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۹۴ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۰۸۹ - کارنامه بزرگان ایران ص ۲۲۱ و ۲۲۲

رضا قلی خان - مشهور به « الله باشی » و متخلص به هدایت فرزند «محمد صادق خان بن اسماعیل کمال خان مازندرانی» که نسبت خود را به «کمال خجندی» رسانیده است. نخست «چاکر» تخلص میکرد و بعد به «هدایت» تغییر داد. مورخ و شاعر و نویسنده و تذکره نگار نامدار عصر «ناصرالدین شاه قاجار» است. صاحب «مجمع الفصحاء» و «ریاض العارفین» و تاریخ «روضه الصفای» - ناصری» و «نژاد نامه سلاطین عجم» و «شش مثنوی» که از آن جمله «بکتابش نامه» و «گلشن ارم» چاپ شده است. - فهرست

التواریخ» و «اجمل التواریخ» و «مدارج البلاغة» و «فرهنگ انجمن
آرای ناصری» نیز از آثار اوست .

تولد: ۱۲۱۵ ه.ق = ۱۸۰۰ میلادی.

وفات: ۱۰ ربیع الثانی ۱۲۸۸ ه.ق = ۱۸۷۱ میلادی.

تاریخ رجال ایران ص ۳۹ تا ۴۲ - کادنامه بزرگان ایران
ص ۳۸۷ و ۳۸۸ - ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۲۳۲ - مقدمه
طبع دوم مجمع الفصحاء بکوشش دکتر مظهر مصفا.

رضا کلهر (خوش نویس)

رك: (میرزا محمد رضا کلهر فرزند محمد رحیم بیگ)

رضا محجوبی - نوازنده مشهور ویلن معاصر، برادر «مرتضی محجوبی»،
از کودکی به فراگرفتن موسیقی علاقه مند گردید . نخستین استاد
او «حسین هنگ آفرین» است. بعد از چندی نزد «ابراهیم آژنگ»
کار کرد. اما به فراگرفتن قواعد علمی موسیقی و نوت توجه
نداشت. و بیشتر مایل بود که موسیقی را از راه گوش بیاموزد. از
این رو به کلاس مشق «حسین خان اسماعیل زاده» شتافت و چند
سالی از محضر آن استاد استفاده کرد و در شانزده سالگی سازش
کاملاً شنیدنی گشت. بقول برادرش شادروان «مرتضی محجوبی»
در کار کردن پشتمکاری عجیب داشت. سحرها بیدار می شد و دست

کم چند ساعت ساز میزد. روزها نیز بسیار تمرین میکرد که مبادا از برادرش، که در پیانو کار میکرد و استادی قوی مایه شد، عقب ماند. تابست و پنج سالگی در کار خود منظم بود. اندک اندک بمناسباتی کارش به جنون کشید. از این پس گاهی به میل خود نزد دوستان نزدیکش ویلن میزد و نواهای خوش حالت غم انگیزی از سر انگشتان بیرون می داد که شنونده را بتأثر میآورد.

ساخته های «رضا» به تقلید و روش «غلامحسین درویش» (درویش خان) و «رکن الدین مختاری» (م/ ۱۳۵۰ ه. ش) است. ولی پیش در آمد هایش کوتاهتر است.

وی یکی از بهترین و پرشور ترین و خوش پنجه ترین نوازندگان ویلن است که نغمات سحر انگیز او در دلها جایگیر آمده است. استاد «امیری فیروز کوهی» شاعر غزل سرای معاصر سرود :

ساز «رضا» و شعر «امیر» و نوای عشق

امشب کجاست سوخته دل شکسته بی؟!

تولد: ۱۳۱۶ ه. ق = ۱۲۷۷ ه. ش = ۱۸۹۸ میلادی.

وفات: ۱۳۷۴ ه. ق = تیرماه ۱۳۳۳ ه. ش = ۱۹۵۴

میلادی.

سرگذشت موسیقی ایران ج ۱ ص ۴۵۵ تا ۴۵۸

رضی الدین استرآبادی - (محمد بن حسن مشهور به نجم الائمة) نحوی معروف سده هفتم هجری، از آثار او ست: «شرح الکافیة» در نحو از «ابن حاجب» معروف به «شرح رضی نحو» - «شرح الشافیة» از «ابن حاجب» - ایضاً مشهور به «شرح رضی صرف» - «شرح قصاید سبع ابن ابی الحدید».

وی از مشاهیر علمای شیعه است و بیشتر در «نجف اشرف» میزیست. «میر سید شریف جرجانی» بر «شرح کافیة» او حاشیه بی نوشته است.

وفات : ۶۸۴ یا ۶۸۶ یا ۶۸۷ هـ ق = ۱۲۸۵ یا ۱۲۸۷ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۸۹ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۹۱ و ۵۹۷

رضی الدین علی لالا

رک: شیخ رضی الدین علی لالا

رضی الدین نیشابوری - (استاد الائمة) از دانشمندان و شاعران .
اواخر سده ششم هـ ق و اوایل سده هفتم هـ ق است .

«عوفی» اورا در علم فقه و خلاف صاحب اطلاع دانسته است. به «شیخ معین الدین حموی» ارادت می ورزید. قصیده و دیگر انواع شعر می ساخته است. ممدوحان او «قلج طمغاچ خان» و پسرش «قلج-ارسلان خان عثمان» از سلاطین «آل افراسیاب» بوده اند. کتابی بفارسی بنام «مکارم الاخلاق» باو نسبت داده اند. شعر عربی نیز می گفته است.

وفات: ۵۹۸ هـ. ق، بنوشتۀ «تقی الدین کاشی»، = ۱۲۰۱ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۸۴۹ و ۸۵۰ - فرهنگ معین
ج ۵ ص ۵۹۸ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۰۸۹ - آتشکده آذربخش دوم
ص ۶۸۶ تا ۶۹۱

رضی- (میرزا محمد رضی الدین بن محمد شفیع) ریاضی دان
سده یازدهم هجری = سده هفدهم میلادی و معاصر «شاه عباس دوم صفوی» (۱۰۵۲-۱۰۷۷ هـ. ق) است. از آثار او کتابی است باسم «ربیع المنجمین فی شرح الثلاثین» که در آن «سی فصل خواجه نصیر الدین طوسی» را شرح کرده و نکاتی تاریخی بدان افزوده است. زندگانی: سده یازدهم هـ. ق = سده هفدهم میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۹۷

رفیع الدین الجیلی - (ابو حامد عبدالعزیز بن عبدالواحد) از دانشمندان سده هفتم هجری از مردم «فیلمان گیلان» بود. در حکمت و کلام و فقه و طب از مشاهیر روزگار خود شمرده میشد. بعد از «شمس الدین خویی» قاضی القضاة «دمشق» شد و در ایام «الملك الصالح اسماعیل» بوضع فیجیع بقتل رسید. صاحب «شرح الاشارات والتنبيهات» و «احصاء الکلیات» از کتاب «قانون ابن سینا» است.

مقتول: ۶۴۱ ه. ق. = ۱۲۴۳ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۵۶

رفیع خراسانی - شاعر سده دهم و سر آغاز سده یازدهم هجری است.

تولد: ۹۴۲ ه. ق. = ۱۵۳۵ میلادی.

وفات: ۱۰۰۹ ه. ق. = ۱۶۰۰ میلادی.

رپکا

رفیع لبنانی - (رفیع الدین عبدالعزیز مسعود لبنانی اصفهانی)

شاعر معروف ایرانی در اواخر سده ششم هجری است.

وی «فخرالدین زیدبن حسن حسینی» از «خاندان نقبای ری و

قم» و «رکن الزین مسعود بن صاعد» از «آل صاعد اصفهان» و

«عمیدالدین اسعدبن نصر» وزیر «اتابک سعدبن زنگی» راجه
گفته است. دیوان او را شامل ده هزار بیت نوشته اند. وفاتش
در جوانی اتفاق افتاد.

وفات: ۶۰۳ ه. ق. = ۱۲۰۶ در «اصفهان».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۸۴۶ - فرهنگ معین ج ۵
ص ۶۰۱ - آتشکده آذربخش ۳ ص ۹۴۴ و ۹۴۵ - دائرة المعارف
ج ۱ ص ۱۰۹۲.

رفیع مروزی - نام او در «لباب الالباب» در شمار شاعران عصر «سلجوقی»
آمده است در غزل باریک اندیش بوده.

زندگانی: نیمه دوم سده ششم ه. ق. = سده دوازدهم
میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۶۳۸

رکن الدوله دیلمی - (ابوعلی حسن بن بویه) از امرای «آل بویه»
مؤسس حقیقی سلطنت «آل بویه» در «ری» و «همدان» و «اصفهان»
است. وی از طرف «مستکفی» (۳۳۳ - ۳۳۴ ه. ق) خلیفه عباسی
لقب «رکن الدوله» یافت و برادر مهترش «عمادالدوله» و برادر

دیگرش «معزالدوله» لقب یافتند. چون «عمادالدوله» در «فارس» به سلطنت رسید، «حسن» را به تسخیر «ری» و «همدان» و «اصفهان» فرستاد. و نوزده ساله بود که از طرف برادر مأمور فتح «کرمان» شد. در سال ۳۳۸ ه. ق بعد از درگذشت «عمادالدوله» به «شیراز» رفت و آنجا را بنا به فرموده برادر به پسر خویش «عضدالدوله» (۳۳۸-۳۷۲ ه. ق) بازگذاشت و عازم «عراق» شد و متصرفاتش روز به روز افزونی گرفت و با «سامانیان» و «وشمگیر زیاری» (۳۲۳-۳۵۶ ه. ق) پیکارها کرد و بیشتر پیروزمند بود. وی رانیک سیرت و لطیف طبع و دانش دوست و هنر پرور نوشته‌اند. در ایجاد بناهای استوار میکوشید. «ابن العمید» وزارت وی داشت. هنگامی که «عضدالدوله» «بغداد» را بگرفت و پسر عم خود «عزالدوله» بختیار را بقتل آورد، «رکن الدوله» از این اندوه بیمار شد و درگذشت. در بستر بیماری «فارس» و «اهواز» و «کرمان» و «بغداد»، یعنی همه قسمت‌های جنوبی «ایران» را به فرزند ارشد خود «عضدالدوله» بازگذاشت و فرمانروایی «همدان» و «جبال» و «ری» و «طبرستان» را به «فخرالدوله» و «اصفهان» و اعمال آن را به «مؤیدالدوله»؛ و این دو فرزند را برگماشت که سوگندان یاد کنند تا «عضدالدوله» زنده است، سراز فرمانبرداری او نگردانند و راستی و درستی پیشه سازند و در همه کارها با برادر بزرگتر خویش مشورت کنند و رای او را بر رای خود برتر نهند.

جلوس: ۳۲۲ ه.ق = ۹۳۳ میلادی.

وفات: ۳۶۶ ه.ق = ۹۷۶ میلادی.

دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۰۹۳ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۰۲ و

۶۰۳.

رکن الدین دعوی‌دار - (ملک الشعراء مولانا قاضی امام رکن الدین محمد بن سعد بن هبة الله دعوی‌دار قمی) متخلص به «دعوی» از افاضل شاعران «ذواللسانین و نیکوخط در اواخر سده ششم و اوائل سده هفتم هجری است و از معاصران «اثیر الدین اومانی» و «کمال الدین اسماعیل اصفهانی» و با هردو آن مکاتبه و مشاعره داشته است. در زادگاه خود «قم» صاحب مسند فتوی و قضاء بوده و در شاعری مداحی کرده است.

صاحب «عرفات» کلیاتش را قریب به ده هزار بیت نوشته است، ولی از اشعار فارسی او بیش از دو هزار بیت نیافته. منتخب دیوانش در ضمن مجموعه یی از کتب وقفی شادروان «میرزا رضا خان نایینی» جزو «کتابخانه آستان قدس رضوی» است و به سه هزار و پانصد بیت میرسد.

زندگانی و شهرت: نیمه دوم سده ششم و اوائل سده هفتم ه.ق = نیمه دوم سده دوازدهم و اوائل سده سیزدهم میلادی.
وفات: در حدود نزدیک به ۶۱۷ ه.ق = ۱۲۱۹ میلادی

در «تبریز».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۳۴۶ تا ۳۵۲ - آتشکده آذر

بخش ۳ ص ۱۲۵۰ تا ۱۲۵۳

رکن الدین صاین هروی - از شاعران مشهور قصیده سر او غزلگوی سده هشتم هجری است. وی در اشعار خود غالباً «رکن» و بسیار بندرت «رکن صاین» تخلص میکند و علی القاعده باید «رکن» (= رکن الدین) نام وی و «صاین» (= صاین الدین) نام پدرش بوده «رکن صاین» صورت اضافه ابنی داشته باشد. وی در اوایل سده هشتم هجری در «هرات» متولد شد و پیش از سال ۷۳۶ ه. ق. بخدمت «خواجه غیاث الدین محمد بن خواجه رشید الدین فضل الله» وزیر درآمد و از تنگدستی نجات یافت و به مرتبتی بزرگ رسید و مقبول خدمت و برکشیده حضرت او گشت و شهرت خود را در شاعری آغاز نهاد و قصایدی فراوان در ستایش او سرود و بعد از قتل وزیر که در ۲۱ رمضان ۷۳۶ ه. ق. روی داد، قطعه بی مؤثر در تأسف بر آن واقعه سرود. «تقی الدین کاشانی» که شرح حالی مشروح برای وی آورده است، او را از اقوان «خواجه جمال الدین سلمان ساوجی» و «مولانا رکن الدین ابهری» و «ابن نصوح شیرازی» شمرده است. «رکن الدین صاین» در منادمت استاد بود و در چیره سخنی و بذله گویی و نکته پردازی شهرت داشت و مردی عاشق پیشه مینمود. بعد از شهادت «خواجه غیاث الدین

محمد» از «آذربایجان» گریخته به «خراسان» و «استرآباد» شد و به «طغاتی‌مورخان» پیوست؛ پس به «فارس» آمد و «امیرجلال - الدین مسعود شاه اینجو» و سپس «امیر پیرحسین چوپانی» را بستود و پیش از استقرار «امیر شیخ ابوسعحاق» روی به «کرمان» نهاد و بخدمت «امیر مبارزالدین» پیوست و «امیر شیخ» را هجا کرد و از آن پس تا پایان زندگانی بر درگاه «مظفریان» بود.

مجموعه اشعارش که مشتمل بر قصاید و مقطعات و غزلیات و رباعیات و مفردات و مثنویات است، بکوشش «پرفسور هادی حسن» سال ۱۹۵۹ میلادی در «پتنای هندوستان» بطبع رسیده است. بر روی هم این شاعر از استادان بزرگ سخن در سده هشتم هجری و مخصوصاً در قصیده سرایی صاحب مقامی بلند است. و اگر چه تا حد بسیاری از معاصران خود بتکلف نیفتاده است، در تفنن التزام ردیفهای دشوار و استعمال کلمات عربی فراوان، و گاه صعب، خویشن داری نمیکند.

تولد: اوائل سده هفتم هجری = اواخر سده سیزدهم میلادی در «هرات».

وفات: ۷۶۴ ه.ق = ۱۳۶۲ میلادی بر سر راه «شیراز» به «یزد».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۹۳۶ تا ۹۵۰ - آتشکده آذر
بخش ۱ ص ۴۰۷ تا ۴۰۹

رکن المملک - (سلیمان خان خلف بیگی شیرازی فرزند محمد کاظم ابن محمد حسین بن محمد اسماعیل بن ابراهیم سلطان بن امام - وردی بیگ) در «شیراز» از مادر بزاد و پس از تحصیلات مقدماتی در حسن خط و انشاء بسیار بکوشید و به «تهران» آمد و سپس به «شیراز» شد و در سال ۱۲۷۶ ه. ق از طرف دولت مأمور «جزیره بحرین» گشت و تا ۱۲۸۱ ه. ق در آنجا ماند و بعد به «تهران» آمد و یکسال بود. در سال ۱۲۷۹ ه. ق که «ظل السلطان» به حکومت «فارس» منصوب آمد، منشی باشی (رئیس دفتر ایالتی) او شد؛ و چون در ۱۲۹۱ ه. ق «ظل السلطان» به حکومت «اصفهان» رسید، با همین سمت در دستگاه او بود و در سال ۱۲۹۶ ه. ق از طرف وی «نایب الحکومه اصفهان» شد و تا پایان زندگانی در این شغل بود و در سال ۱۳۰۴ ه. ق به «رکن المملک» ملقب آمد. از وی بناهای خیره بیادگار مانده است. مسجدی زیبا در گورستان «تخت پولاد اصفهان» بنا نمود. «حاج آقا نورالله ثقة الاسلام» مجتهد معروف «اصفهان» (م/ ۱۳۰۶ ه. ش) برادر «آقا نجفی» مشهور در تاریخ بنای این مسجد گفته است:

سر برون آورد «نور» و بهر تاریخش سرود:

«از سلیمان شد بنای مسجد اقصی متین».

«رکن المملک» شاعر و نویسنده‌ی زبردست و با ذوق بشمار میرفت و چون جدا علی او «خلیفه الخلفا خلف بیگ طالش» از سرکردگان معتبر «شاه اسماعیل اول» بوده است، و خاندان وی در «شیراز» به «خلف بیگی» شهرت دارند، در شعر «خلف» تخلص میکرد.

تولد: ۱۲۵۴ ق.ه = ۱۸۳۸ میلادی در «شیراز».

وفات: ۱۳۳۱ ق.ه = ۱۹۱۲ میلادی در «اصفهان» در

اطاقی طرف چپ دالان مسجدی که در گورستان «تخت پولاد» بنا
نموده است، مدفون شد.

تاریخ رجال ایران ج ۲ ص ۱۱۵ و ۱۱۶ - فرهنگ معین ج ۵

ص ۶۰۴.

روح الامین اصفهانی - شاعر سده یازدهم هجری.

فوت: ۱۰۲۷ ق.ه = ۱۶۳۷ میلادی.

ریپکا

روح القدس - «سلطان العلمای خراسانی» - مدیر روزنامه «روح القدس»

که خود نیز معروف به «روح القدس» گردید. مردی بی باک و غیور

و آزادیخواه و مشروطه طلب مقتدری بود. مقالات تند

برضد «محمد علیشاه قاجار» نوشت. در پیش آمد بمباران «مجلس

شورای ملی» در روز سه شنبه ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ یکی از

گرفتارشدگان بود و در «باغ شاه» اورا همه شب شکنجه میکردند.

سپس وی را به «انبار» (زندان شاهسی) برده پس از خفه کردن

بچاهش افکندند.

مقتول: ۱۳۲۶ ق.ه = ۱۹۰۸ میلادی در «تهران».

تاریخ رجال ایران ج ۲ ص ۴۴

روحانی- (ابوبکر بن محمد بن علی روحانی سمرقندی) از شاعران پارسی‌گوی استاد سده ششم هجری است. شاگرد «رشیدی سمرقندی» بوده و «عوفی» وی را ستایشگر «بهرامشاه غزنوی» (۵۱۲ ه.ق = ۱۱۱۸ میلادی - ۵۴۷ ه.ق = ۱۱۵۲ میلادی) دانسته است. از اشعار مختصری که از وی بازمانده، توانایی او در تغزل و وصف پیداست.

زندگانی: نیمه دوم سده پنجم و نیمه اول سده ششم ه.ق = نیمه دوم سده یازدهم و نیمه اول سده دوازدهم میلادی.
تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۶۱۱ تا ۶۱۴ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۱۱۰

روح عطار - «روح‌الله» یا «روح‌الدین عطار» از شاعران فارسی در سده هشتم هجری و از مردم «شیراز» است. دوران شاعری وی مصادف با عهد تسلط خاندان‌های «اینجو» و «آل مظفر» بر فارس است. بنابراین از معاصران «خواجو» و «سلمان» و «حافظ» بود. وی مداح «اتابک افراسیاب دوم» از «اتابکان لرستان» (۷۴۰-۷۵۶ ه.ق) است و قصیده‌ی نیز در مدح «خواجہ قوام‌الدین صاحب عیار» مقتول در ذیقعدۀ سال ۷۶۴ ه.ق وزیر «شاه شجاع مظفری» (۷۵۹-۷۸۶ ه.ق) دارد. غزلیات او مشتمل بر مطالب عرفانی و حکم و مواعظ است و در آنها «روح» و گاه «روحی» یا یکی از این‌دورا با «عطار» که صفت شغلی او بوده است تخلص می‌آورد.

وی مذهب شیعه داشت و اشعارش غزلیات و قصایدی در مدح و منقبت است. «روح عطار» از جمله استادانی است که در مسائل ادبی مورد توجه معاصران و مرجع سؤال و استفتاء بود. در دیوان او قطعه‌یی است در تقاضای حکومت میان «سلمسان ساوجی» و «حافظ شیرازی» که نمی‌دانیم از کیست و پاسخ او.

زندگانی: سدهٔ هشتم هجری = چهاردهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۱۱۰۵ تا ۱۱۰۷ - فریمنگ

معین ج ۵ ص ۶۱۸

روحی کرمانی

رک: حاج شیخ احمد روحی کرمانی - کتاب حاضر ص ۲۷۳

روحی ولوالجی -

رک: حکیم روحی ولوالجی - کتاب حاضر ص ۳۱۲

رودکی - (استاد ابو عبد الله جعفر بن محمد بن حکیم بن عبد الرحمن بن آدم) مولدش قریهٔ «بنج» از قرای «رودک سمرقند» بود. استاد و سلطان شاعران شمرده می‌شده است. در نزد «نصر بن احمد سامانی» مقرب گردید. «کلیله و دمنه» را بشعر فارسی در آورده است. شعرش

را از «صد دفتر» بیش و يك ميليون و سيصد هزار بيت دانسته اند.
 بمناسبت يک‌هزار و يك‌صدمين سال تولد «رودکی» در
 روز چهارشنبه سوم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش مراسم يادبودی در «تالار
 فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران» برگزار شد و پیام
 «اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه آریا مهر»
 بهمین مناسبت در آن جلسه قرائت گردید. از «استاد رودکی» دیوانی
 در حدود یک‌هزار بيت جمع آوری شده است که بطبع درآمده.
 «رودکی» نابینا بوده است. اما اینکه مادرزاد نسا بینا
 بدنیا آمده یا در کودکی وجوانی بینایی خود را ازدست داده یا
 در اواخر زندگانی بمناسبت اعتقادات مذهبی و پیروی از کیش
 اسماعیلی کور شده است، در میان ارباب تحقیق اختلاف است و
 بدلائل بسیار نظر اخیر بصواب نزدیک تر است. از جمله، اوصاف
 رابع و خوشبینی‌های فراوان اوست، و نیز جمجمه منسوب به
 «رودکی» که در تجاویف جای دیدگان او اثر سوختگی میله گذاخته
 پیدا است.

تولد: ظاهر آذر حدود ۲۶۰ ه. ق = ۸۷۳ میلادی در قریه «بنج»
 از قرای «رودک سمرقند».

نظم کلیله: ۳۲۵ = ۹۳۶ میلادی.

وفات: ۳۲۹ ه. ق = ۹۴۰ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۴۴ تا ۳۵۴ - کارنامه
 بزرگان ایران ص ۳۰۹ و ۳۱۰ - احوال و آثار رودکی از شادروان استاد سعید
 نفیسی - دیوان رودکی طبع روسیه شوروی.

روز بهان (شیخ ابو محمد)

رك: بقلی (شیخ ابو محمد روز بهان) - كتاب حاضر

ص ۲۲۶ و ۲۲۷

رهنما - (غلامحسین خان بن میرزا علی محمد) ازدانشمندان و رجال
بنام عصر حاضر و متخصص در فنون ریاضی است. پدرش از علمای
روحانی روزگار «ناصرالدین شاه قاجار» بود. وی پس از
آموختن مقدمات در زادگاه خود «شیراز» همراه پدر به «تهران»
آمد و نزد «حاج عبدالغفار نجم الدوله» علوم ریاضی را تکمیل
کرد و در آن رشته متخصص شد. و از سال ۱۳۲۱ ه. ق تا پایان
زندگانی در مدارس گوناگون «تهران» چون: «علمیه» - «دارالفنون»
«نظام» - «ایران و آلمان» - «علوم سیاسی» - «دارالمعلمین
مرکزی» و «دانشکده فنی» بتدریس ریاضیات، هیت، فیزیک و
شیمی اشتغال داشت و مدتی هم ریاست «دانشکده فنی» را عهده دار
آمد. تقریباً همه معلمان ریاضی و علوم در ایران مستقیماً یا با واسطه
شاگردی وی کرده اند و استاد خود را بزرگ داشته. در سال ۱۳۱۲
ه. ش در دولت «مهدی قلی هدایت» (مخبر السلطنه) سمت معاونت
وزارت معارف یافت و در سال ۱۳۲۴ ه. ش در سه دولت پیاپی،
یعنی دو دولت «ابراهیم حکیمی» (حکیم الملک) و دولت «سید
محسن صدر» (صدر الاشراف) وزیر فرهنگ بود.
از آثار وی دو جلد کتاب هندسه دبیرستانی است که به

روش کتابهای هندسه آلمانی تألیف شده است و بروزگار خود
طرز تدریس هندسه را در دبیرستانها دیگرگون ساخته . وی در
شصت و شش سالگی درگذشت.

تولد: ۱۲۹۹ ق.ه = ۱۲۶۱ ه.ش = ۱۸۸۱ میلادی در
«شیراز».

وفات: ۱۳۶۵ ق.ه = ۱۳۳۵ ه.ش = ۱۹۴۶ میلادی در
«تهران» و در «حضرت عبدالعظیم» ایوان مقبره «ناصرالدین شاه
قاجار» مدفون شد .

تاریخ رجال ایران ج ۳ ص ۳ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۱۴۲ .
فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۳۵

زجاج - (ابو اسحاق ابراهیم بن محمد السری نحوی حنبلی) در آغاز شغل
شیشه گری داشت و سپس نزد «مبرد» بتحصیل پرداخت و از در
آمداندگی که بدست می آورد، بدین استاد حق تعلیم میداد. سرانجام
از ائمه نحوی و لغت گردیده «مبرد» او را به «عبیدالله بن سلیمان»
وزیر «معتضد خلیفه عباسی» برای آموزش فرزندش «قاسم»
معرفی کرد و سرانجام منشی و وزیر شاگرد خویش شد و به مکنات
و مال فراوان رسید. از اوست: «کتاب النحو» که نسخه خطی
آن در «قاهره» است. - «معانی القرآن» - «الامالی» - «الاشتقاق» -
«خلق الانسان».

تولد: ۲۴۱ ه.ق = ۸۰۰ میلادی در «بغداد» .

وفات: ۳۱۰ یا ۳۱۱ ه.ق = ۹۲۲ یا ۹۲۳ میلادی.

دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۱۶۹ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۴۷.

زجاجی- (عبدالرحمن نحوی) - در «نهایند» از مادر بیزاد و نزد «زجاج» در «بغداد» تعلیم گرفت و بدو منسوب گردید. در «دمشق» و «ابله» تدریس کرد. از اوست: کتاب «الجمل» در نحو که آن را در «مکه» تألیف کرده است و نسخه آن در «برلین» است.

وفات: ۳۳۷ ه.ق = ۹۴۹ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۴۷

زردشت - (یا «زرتشت» یا «زراتشت») پور «بهرام» پور «پژدو»، از شاعران بزرگ زرتشتی است که در سده هفتم ه.ق و در روزگار فرمانروایی «ایلخانان» زندگانی می کرده. پدرش «بهرام» پسر «پژدو» هیربدی دانشمند و پزشک و ستاره شمر و پارسی دان و پهلوی خوان از مردم «کرمان» بوده است و پیش از آنکه «زرتشت» بنظم «ارداویرافنامه» پردازد (ظ ۶۷۶ ه.ق) از این جهان در گذشته. ولی مادرش در این هنگام زندگانی می کرده است.

«زردشت» در جوانی، وگویا هنگام زندگانی پدر، دین - دبیری و دانشهای دینی زرتشتی و ستاره شناسی و شمارگری را فرا گرفت و به گویندگی پرداخت و آثاری گرانها در ادبیات زرتشتی

دوره اسلامی «ایران» پدید آورد.

پدرش «بهرام» نیز گوینده منظومه‌یی است به بحر هزج
مسدس بنام «بهاریات بهرام پژدو» سروده سال ۶۵۴ ه. ق
بنابر این «زرتشت» شاعری را از پدر مایه ور بوده است.
از آثار اوست:

۱- «زراتشت نامه» شامل ۱۵۷۰ بیت بوزن «شاهنامه فردوسی»
متضمن سرگذشت «زرتشت» و ظهور «سوشیانت» موعود زرتشتی
۲- «اردای ویراف نامه» که منظومه‌یی است به بحر هزج مسدس
مقصود یا محدود در حدود ۱۸۵۰ بیت، در سرگذشت «اردای
ویراف» که «زراتشت بهرام پژدو» ظاهراً آنرا از روی ترجمه
فارسی کتاب «اردای ویراف نامه» ترتیب داده است.

۳- «منظومه‌یی الحاقیه» در ۴۳ بیت بر «زراتشت نامه»
کاووس کی یا کیکاوس رازی».

۴- منظومه دیگری که باونسبت میدهند، داستان «چنگر نگه‌جانه
دانای هندی با زرتشت» است بوزن «اردای ویراف نامه».

۵- «داستان شاهزاده ایران زمین و عمر خطاب» شامل ۵۵۸ بیت
بوزن «اردای ویراف نامه».

۶- «خمسه زرتشت» که ظاهراً مجموعه‌یی است منتخبی است از
مجموعه منظومه‌های پنجگانه یاد شده.

در اشعار «زراتشت بهرام پژدو» اثر ادبیات مذهبی
زرتشتیان بشدت آشکار است و غث و سمین بودن اشعار او بیشتر

مربوط به عدم دقت نسخه‌نویسان از آثار اوست.
فوت: تا سال ۶۷۶ ه.ق = ۱۲۷۷ میلادی زندگانی او
مسلم است.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۵۰۶ تا ۵۱۷ - دائرة المعارف
ج ۱ ص ۱۱۷۱ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۴۸

زرکوب تبریزی - (شیخ نجم الدین) شاعر عارف ایرانی معاصر
«آباقا» بوده است. از اوست:

دشمن ما را سعادت یار باد
روز و شب با عز و نازش کار باد
هر که کافر خواند ما را، گو بخوان
او میان مؤمنان دین دار باد
هر که خاری می‌نهد در راه ما
خار ما در راه او گلزار باد
هر که چاهی می‌کند در راه ما
چاه ما در راه او هموار باد
هر که ملک و مال ما را حاسد است
ملک و مالش در جهای بسیار باد
هر که رامستی «زرکوب» آرزوست
گو که ما مستیم، او هشیار باد!
وفات: ۷۱۲ یا ۷۲۲ ه.ق = ۱۳۱۲ یا ۱۳۲۲ میلادی.

داهنمای دانشوران تألیف سید علی اکبر بررقعی ج ۱ ص ۴۳۴
تا ۴۳۵ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۴۹ - ریاض العارفین ج ۲ ص ۱۲۹ و
۱۳۱ و ۱۳۲

زرکوب - (شیخ الاسلام عزالدین مودود بن محمد بن محمود ذهبی)
از پیشوایان تصوف در سده هفتم هجری است. وی خود در «شیراز»
میزبست و نیایش از مردم «اصفهان» بود.
تولد: ۵۶۲ هجری قمری = ۱۱۶۶ میلادی.
وفات: ۶۶۳ = ۱۲۶۴ میلادی
فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۴۹

زرگر اصفهانی - (آقا محمد حسن) شغلش از تخلصش روشن است. از
شاعران غزلسرای سده سیزدهم هجری است. از اوست:
چو کرد لب بمی آلوده ترك باده پرستم
بر یخت خون جهانی باین بهانه که مستم
نه شیخ می دهم توبه و نه پیرمغان می
ز بسکه توبه نمودم، ز بسکه توبه شکستم
از اینکه خون کنم دل بیزم ساقی مجلس
ز باده بود تهی ساغری که داد بدستم
.....
اگر خواهی کباب ای ترك سرمست
.....
مرا در سینه مرغ بسملی هست
.....

خبر یار ندانم ز که جویم ، کز یار
 هر که دارد خبری بیخبر از خویشتن است
 دل جدا از سر زلف تو ندارد آرام
 بیقرار است غریبی که بیاد وطن است.

وفات: ۱۲۷۰ ه. ق. = ۴-۱۸۵۳ میلادی.

مجمع الفصحاء ج ۲ ص ۱۵۱ و ۱۵۲ - ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۲۳۲

زرگر اصفهانی - (شیخ نجیب الدین رضا) - از عارفان سده یازدهم هجری
 است. درویشی مجذوب بود و پس از جذب به بسلوک افتاد. دست ارادت
 به «شیخ محمد علی مؤذن خراسانی» از مشایخ «سلسله ذهبیه» داد
 و خود هم از مشایخ آن سلسله شد. او را صاحب هفت دیوان در
 حقایق نوشته اند. امی بوده است و ضمن رسالاتش این معنی را
 اظهار کرده. مثنوی «سبع المثانی» و «خلاصة الحقایق» و «دیوان
 غزلیات» وی بنظر «رضاقلی خان هدایت» رسیده است و هم او
 نوشته که در بعضی مقاطع «جوهری» و «رضا» و «نجیب الدین»
 تخلص میکند. اصلاً از مردم «تبریز» است، اما در «اصفهان» زندگانی
 کرده. از اوست:

مرد عاشق پیشه فارغ نیست از سودای دوست
 ز آنکه مردان خدا را عشق تاحق رهبر است!
 وفات: ۱۰۸۰ ه. ق. = ۱۶۶۹ میلادی.

ریاض‌المعارفین ج ۲ ص ۱۳۳

زعیم الدوله - (دکتر میرزا محمد مهدی خان بن محمد جعفر تبریزی)
مقیم «قاهره» صاحب مجله فارسی «حکمت» و مؤلف «تاریخ
مفتاح باب الابواب» در تاریخ «باب و بابیه» و «بهایسه» و «ازلیه»
بهری است.

وفات: ۱۳۲۳ ق.ه = ۱۹۰۵ میلادی در «مصر».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۵۱

زکریا - (زکریای قزوینی عمادالدین محمود) - وی در ادب و شعر
صاحب قریحه بود و بجغرافیا آشنایی و علاقه تام داشت. از تألیفات
اوست: «عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات» - «آثار -
البلاد و اخبار العباد». که هر دو بطبع رسیده است. و ترجمه فارسی
«عجائب المخلوقات» نیز در سال ۱۲۶۳ ق.ه در «تهران» چاپ
سنگی شده است.

تولد: ۶۰۰ ق.ه = ۱۲۰۳ میلادی.

وفات: ۶۸۲ ق.ه = ۱۲۸۳ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۵۲ - تاریخ در ایران از غلامحسین

صدری افشار ص ۳۸

زکریای مولتانی - (بهاءالدین مشهور به بهاءالحق) از پیشوایان «طریقه سهروردی» است. در «بغداد» بحلقه ارادت «شیخ شهاب الدین سهروردی» در آمد و بعد ها خلیفه او گردید. «زکریا» در «مولتان» اقامت داشت و در آنجا آرامگاهی مجلل برای خود ساخت .

تولد: ۵۶۵ یا ۵۷۸ ه.ق = ۱۱۶۹ یا ۱۱۸۲ میلادی در نزدیک «مولتان» .

وفات: ۶۶۶ ه.ق = ۱۲۶۷ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۵۷۲ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۵۲

زلالی خوانساری - (حکیم) - از شعرای دانشمند سده دهم و اوایل سده یازدهم هجری است، در علوم عقلی و نقلی شاگردی دانشمند و حکیم نامدار روزگار خویش، «میر محمد باقر داماد» کرد، و در شاعری «میرزا جلال اسیر» استاد او بود. وی در روزگار خویش شهرتی بهم رسانید و در «ایران» و «هندوستان» نامدار شد، و پیش صدور زمان و در پیشگاه «شاه عباس بزرگ» تقرب یافت و پادشاه واعیان راستایشگر بود. بیشتر تذکره نویسان وی راستوده اند. «زلالی» به تقلید «حکیم نظامی» و «امیر خسرو دهلوی» و «عبدالرحمن جامی» هفت مثنوی پرداخته که به «سبعه زلالی» یا «هفت آشوب» و «هفت سیاره» و «سبعه سیاره» مشهور

است. و جز این در سرودن قصاید و غزلیات هم دستی داشته
و «نصر آبادی» نگاشته که: «در مدح هر يك از چهارده معصوم (ع)
چهار قصیده گفته» است.

نام مثنوی های اوست: «محمود و ایاز» - «میخانه» -
«ذره و خورشید» - «آذر و سمندر» - «شعله دیدار» - «سلیمان و
بلقیس» - «حسن گلو سوز» - «محمود و ایاز» بهترین اثر اوست
و آن را بسال ۱۰۰۱ ه. ق = ۱۵۹۲ میلادی آغاز کرد و بسال ۱۰۲۴
ه. ق = ۱۶۱۵ میلادی به پایان برد.

بهتر سخنی را که در نمودن سبك شاعری او یافته ام، از «میرزا
محمد طاهر نصر آبادی» است: «در تازه گویی و نمك كلام فرداست. در
فن مثنوی طرز تازه ای بعرضه آورده که کسی تتبع آن نتواند کرد.
رطب و یابس در کلامش بسیار است، اما ابیات بلندش از قبیل
اعجاز است». از اوست:

يك تن نیافتم که بغور سخن رسد برتر شود ز چرخ و بفریاد من رسد!
من کی گفتم: وفاننداری؟ داری، اما بما ننداری؟!
در پهلوی من طپیدن چیست؟ ای دل تو که مدعا ننداری؟!
وفات: ۱۰۲۴ (برون) یا ۱۰۳۱ ه. ق (خلاصة الافکار)
= ۱۶۱۵ یا ۱۶۲۱ میلادی.

آتشکده آذر بخش سوم ص ۱۰۵۱ تا ۱۰۵۵ - ترجمه تاریخ
ادبیات برون ج ۴ ص ۱۸۹ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۵۲

زلزل رازی - (منصور بن جعفر) موسیقی دان و عود نواز معروف
معاصر «هارون الرشید» و «مأمون» است. «اسحاق موصلی» نژاد او
موسیقی آموخت. «هارون» بروی غضب کرد و قریب ده سال او
را از خود دور ساخت.

زندگانی = اواخر سده دوم و اوایل سده سوم ه. ق = اواخر
سده هشتم و اوایل سده نهم میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۵۳

زمخشری، جارالله

رك: ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد زمخشری خوارزمی

معروف به «جارالله». - كتاب حاضر ص ۸۹ و ۹۰

زوزنی

رك: ابو عبدالله حسين بن احمد زوزنی. - كتاب حاضر ص ۱۲۲

زیاد بن سلیمان اعجم - از جمله قدیم ترین شعراء ایرانی
است که شروع به سرودن شعر بزبان تازی کرده است. اصلش
از «اصفهان» بود و از آنجا به «خراسان» رفت. «اعجم» بدان سبب
به او می گفتند که کلمات و مخارج حروف عربی را به تلفظ ایرانی
بزبان می راند و در اشعار تازی خود الفاظ فارسی می آورد و نیز
مختصات نحوی و صرفی را رعایت نمی کرد.

وفات: ۸۵ ه. ق = ۷۰۴ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۹۱ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۶۲

زین الائمه ابو العباس احمد بن محمد دینویه - صاحب
کتاب تفسیر «غرر المعانی» مؤلف در او اخر سده ۵ ه.ق = سده ۱۱
میلادی .

زندگانی: سده پنجم ه.ق = سده یازدهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۶۰

زین الدین رازی - (محمد بن شمس الدین ابوبکر بن
عبدالقادر) از ادبای سده هشتم هجری که در سال ۷۶۸ ه.ق زنده
بوده است. صاحب «مختار الصحاح» (برگزیده صحاح اللغة
جوهری فارابی) - که چند بار بطبع رسیده است. «روضة
الفصاحة» - «الذهب الابریز فی تفسیر الکتاب العزیز» - «شرح
مقامات حریری» .

وفات: از ۷۶۸ ه.ق به بعد = ۱۳۶۶ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۸۶

زین الدین محمود بن عبد الجلیل واصفی - از ادبا
و شاعران سده دهم هجری و از بنیانگذاران نثر ساده فارسی
در روزگار خویش است. پدرش منشی بود و خاندان و خویشاوندان

نزدیک وی همه از متوسطین «هرات» بودند و مدرسه رفته و تحصیل کرده. عم وی «صاحبدارا» که خود شاعر بود، با «امیر علیشیر نوایی» نشست و خاست داشت و خویشاوند نزدیک دیگر او «امانی» در «هرات» کاسبی میکرد و دکانش همواره مرکز فراهم آمدن شاعران و بذله‌گویان شهر بود. و دوستان و مصاحبان «واصفی» بیشتر قناری و کاتب و محاسب بودند. وی هنوز تحصیلات خود را در مدرسه «هرات» پایان نبرده بود که در «حل معما»، که از تفریحات همه مردم و بویژه درباریان بود، شهرت گرفت و محبوب خواص شد و به حضور «امیر علیشیر نوایی» راه جست. از آن پس گاهی به سمت معلمی در خدمت «امیر شاه ولی» برادر همسر «سلطان حسین میرزا بایقرا» و زمانی به عنوان کاتب در دربار «فریدون حسین میرزا» فرزند این شهریار بصری برد و مردی سرشناس و کارآمد شد و با بسیاری از بزرگان عصر دوستی پیدا کرد، از آن جمله اند «امیر غیاث الدین محمد» و «صفی الدین» مؤلف «رشحات». در واعظی شاگردی «ملاحسین واعظ کاشفی» کرد و سرآمد اقران شد.

در سال ۹۱۳ ه. ق که سلاله جغتائی «تیموریان هرات» بوسیله «محمد خان شیبانی» (۹۰۶-۹۱۶ ه. ق) منقرض شد، «واصفی» که خود شاهد این حوادث تاریخی بود، یکی از آثار منظوم خویش بنام «خمسه محیره» را بسرود که مشتمل بر پنج غزل است و در همه ابیات آن کلمات «آب» و «تیغ» را به الزام بیاورده. در سال ۹۱۶ ه. ق که «شاه اسماعیل صفوی» «هرات»

را از «اوزبکان» بگرفت، «واصفی» در میان وقایع قرار داشت، سرانجام بسبب مذهب تسنن که بر آن میرفت، در محرم ۱۸۹۱ ق. به «ماوراءالنهر» پناه برد؛ و پس از رنج غربت و آوارگی بسیار، سرانجام در محافل ادبی «سمرقند» و «بخارا» راه جست. چندی در خدمت «عبیدالله خان» (۹۴۰-۹۴۶ ق.) مقیم «بخارا» بود. سپس بحضرت «گلدی محمد» یا «سلطان محمد اوزبک» به «شاهرخیه تاشکند» شتافت و در خدمت وی بود تا در «تاشکند» درگذشت.

«واصفی» در پایان زندگانی پر حادثه خویش، کتاب نفیس «بدایع الوقایع» را به نثری ساده و روان و شیوا، ولی گاهی دور از عفت قلم، برشته تحریر آورد. این کتاب از گفتاری در مهاجرت «واصفی» و دوستان و آشنایان او به «ماوراءالنهر» آغاز میشود و از زندگانی ادبی و سیاسی «هرات» و رجال برجسته آن سامان سخن میراند. از دوران جوانی و از همسالان خویش که همگان از جوانان برگزیده «هرات» بودند داستانها می آورد و خواننده را مجذوب می سازد.

«واصفی» در شاعری استادی چیره سخن نیست، ولی از اشعاری که در «بدایع الوقایع» از سروده های خویش بیاورده است، تصویر زنده ای از وقایع آن زمان بدست داده . این کتاب به تصحیح «الکساندر بلدروف» در سه مجلد، باری در «روسیه شوروی» و بار دیگر بوسیله «بنیاد فرهنگ ایران» در «تهران» بطبع درآمده است.

تولد: ۸۹۰ ق. = ۱۲۸۵ میلادی در «هرات».

وفات : ظاهرأ. ۹۶۰ ه. ق = ۱۵۵۲ میلادی در «تاشکند».

بدایع الوقایع طبع بنیاد فرهنگ ایران مقدمه ج ۱ - نور و ظلمت

ص ۱۶۸ .

زین العابدین شروانی (شیروانی)

رك : حاج زین العابدین شیروانی . - کتاب حاضر ص

۲۷۰ و ۲۷۱ . - هم رك : فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۶۵ - از

صبا تا نیما ج ۱ ص ۱۹۵ تا ۱۹۶

زین العابدین مراغه‌ای - فرزند «مشهد علی»، بازرگان زاده بی‌توانگر

از مردم «آذربایجان» بود و مردی آزادی‌خواه و اصلاح‌طلب .

پدران وی از کردان «ساوجبلاغ» (= مهاباد) و از خوانین آن

سامان بودند و بر مذهب شافعی می‌رفتند . اما بعدها به کیش تشیع

گرویدند و در «مراغه» به بازرگانی و کسب و کار پرداختند .

وی در هشت سالگی بدبستان رفت و هشت سال در راه مکتب بود

و مختصر دانشی آموخت . شانزده ساله بود که به حجره پدر

در آمد و در بیست سالگی به « اردبیل » شد و از آن هنگام در « اردبیل » و « مراغه » به باغبانی روز گذاشت و اسب و نوکرو تفنگدار فراهم آورد و شیوه زورگویان زمان گرفت . با این همه خرجش بردخلش بیش آمد ، ناچار بابرادر دیگر خود ترك یار و دیار گفته با اندك سرمایه یی به « قفقاز » رهسپار گشت و در شهر « تفلیس » اقامت جست و به بقالی پرداخت و در مدت سه چهار سال چند هزار منات فراهم آورد و از طرف « میرزا اسدالله خان ناظم الدوله » ژنرال کنسول « ایران » در « تفلیس » به نایب کنسولی شهر « کتائیس » رسید و در این کار سرمایه از کف بداد و به « کریمه » رفت . دو برادر گاهی به « استانبول » رفته خریدی جزئی میکردند و در « کریمه » بیهای بیشتری میفروختند تا باندك روز گاری سرمایه یی بدست آوردند . در سال ۱۲۹۴ هـ . ق که جنگ « روس » و « عثمانی » در گرفت ، برادران به « یالتا » شهر ییلاقی امپراطور رفتند و با دیوانیان و درباریان « روس » آشنایی یافتند . « زین العابدین » با اصرار ایشان پس از ادای سوگند تبعه دولت « روس » شناخته شد . چند سال پس از این ، در « استانبول » همسر گرفت و بعد به « یالتا » باز آمد و صاحب سه فرزند گشت و سالها در آنجا به نیکویی و آسایش بسر برد . سرانجام مهر میهن گریبانگیرش آمد و از « یالتا » بجانب « استانبول » کشید و به تنهایی عازم « مکه » شد . سپس به « استانبول » باز آمد و بالاخره بوسیله « میرزا -

محمودخان علاءالملک» سفیر «ایران» در «عثمانی» و پایمردی
 «پرنس ارفع الدوله» در روز نهم فوریه ۱۹۰۴ میلادی = ذیقعدۀ
 ۱۳۲۱ هـ. ق که نخستین روز جنگ «روس» و «ژاپن» بود،
 دیگر بار تبعیت «ایران» گرفت. وی تا پایان زندگانی در
 «ترکیه» ماندگار آمد و با علاقه‌ی روزافزون در خدمت به «ایران»
 بوسیله قلم به مبارزات سیاسی پرداخت. وی مؤلف کتاب
 «سیاحتنامه ابراهیم بیگ» یا «بلای تعصب» است در سه مجلد
 که بغلط بنام «میرزا مهدی حکمت» مدیر «روزنامه اختر» چاپ
 «استانبول» شهرت یافته. وی چنانکه نوشته است: «معانی و
 بیان و منطق و برهان نخوانده و علوم و ادبیات ندیده». ولی آن
 اندازه با سواد و کتاب خوانده و معرفت آموخته و آشنا به
 اوضاع زمان بود که در خدمت به وطن و آزادیخواهی و میهن-
 پرستی برامائل و اقران پیشدستی گیرد. مقالات او در «روزنامه
 شمس استانبول» و «حبل المتین کلکته» به چاپ رسیده است.
 تولد: ۱۲۵۵ هـ. ق = ۱۸۳۸ میلادی در «مراغه».
 وفات: ۱۳۲۸ هـ. ق = ۱۹۰۹ میلادی در «استانبول».
 از صبا تا نیما ج ۱ ص ۳۰۴ تا ۳۱۳ - فرهنگ معین ج ۵
 ص ۶۶۵.

زینبی علوی محمودی (عبدالجبار) - از شاعران عهد «محمود
 و مسعود غزنوی» است. از و ابیات معدودی در تذکره‌ها و کتب
 ادبی مانده است. «عوفی» او را «زینتی علوی» نوشته و در «ترجمان
 البلاغة» «زینبی» آمده است. «مسعود» او را یکبار هزار هزار درم
 بخشید که برپیل نهادند و بخانه او بردند.

زندگانی: سده پنجم ه. ق = سده یازدهم میلادی.
 تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ج ۲ ص ۵۵۰ تا ۵۵۳ - فرهنگ
 معین ج ۵ ص ۶۶۵.

سائح - (علی بن ابوبکر بن علی هروی، مکنی به ابوالحسن). وی در
 «موصل» متولد شد و در «حلب» اقامت جست. اوسفرهای بسیار کرد و
 بهمین جهت به «سائح» شهرت یافت. از و ست: «الاشارات فی معرفة
 الزیارات»، «الخطب الهرویه».

فوت: ۵۶۱۱ ه. ق = ۱۲۱۴ میلادی در «حلب».
 فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۸۴.

سائج- (علی بن محمد علوی خراسانی صوفی مکنی به «ابوبکر»)
 از احفاد حضرت «امام حسن» (ع) بود و گویند: کیمیاگری میدانسته
 و از ترس اولیای ملک همیشه از شهری بشهری دیگر میرفته است. از
 آثار اوست: «الاصول» - «الطاهر الخفی» - «رسالة الیتیم» -
 «کتاب الحقیق النافع» - «کتاب الشعر و الدم و البیض و عمل
 میاهما» - «الحجر الطاهر».

وفات: پیش از ۳۸۵ هـ. ق = ۹۹۵ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۸۴

سائل- شاعرو نویسنده نیمه اول سده دهم هجری، اصل او از «دماوند»
 بود و در جوانی به «همدان» رفت و در آنجا ساکن شد. بعضی
 حرکات عجیب ازو سرمیزد که آن را حمل بر جنون کردند و
 بزنجیرش بستند، عاقبت داغ جنون بر سرش نهادند و آن به مرگ
 وی منجر شد.

وفات: ۹۴۰ هـ. ق = ۱۵۳۳ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۸۴

سائل- «محمد سعید» مشهور به «آقاجانی» و متخلص به «سائل». وی بوراثت صاحب اختیار دودلوک «قیر» و «کازرین» (فیروز آباد فارس) بود. علاقه بادیب و ادیبان داشت. دیوان او هفت هزار بیت دارد و مشتمل بر قصایدی است در توحید و مدایح «حضرت علی» (ع) و «فتحعلی شاه قاجار» و «ملک الشعرا صبا».

وفات: ۱۲۲۵ هـ. ق = ۱۸۱۰ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۸۵- مجمع الفصحا ج ۲ ج ۱۷

ص ۱۸۲.

سابور بن سهل- پزشک عیسوی کیش ایرانی سده سوم هجری، پدرش «سهل کوسج» نیز طبیب بود چون از مردم «اهواز» است به «خوزی» معروف آمده. وی مقدم طبای «بیمارستان جندی شاپور» و مورد توجه «متوکل بالله» خلیفه عباسی و اخلاف او بود. در طب و اکثر علوم بر پدرتفوق داشت. ازوست: «قرا بادین الکبیر» - «کتاب فی قوی الاطعمة و مضارها و منافعها» و... مهمترین کتاب او همان «قرا بادین» است که تا هنگام تألیف «قرا بادین امین الدوله» بسیار متداول بود.

وفات: ۲۵۵ هـ. ق = ۸۶۸ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۶۸۷.

ساقی - «شاه حسین اصفهانی» متخلص به «ساقی» و ملقب به «کمال الدین» وزیر «شاه اسماعیل صفوی» است. در آغاز عمر در «اصفهان» به بنائی مشغول بود و چون اندک سواد داشت، به قابضی آن شهر رسید و مدتی وزیر داروغه آنجا و ملازم «دورمش خان شاملو» از امرای معروف بود. «شاه اسماعیل» در زمستان ۹۲۰ هـ. ق. اورا بوزارت خویش برگزید و باو عنوان وکیل السلطنه و اعتمادالدوله داد و عاقبت کشته شد.

مقتول: ۹۲۹ هـ. ق = ۱۵۲۲ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۰۷ - آتشکده آذربخش سوم ص ۹۴۵

ساقی - («حاج محمد زمان بن کلبعلی خان جلایر کلای» متخلص به «ساقی») شاعر سده سیزدهم هجری است. پدرانش در «کلات خراسان» حکومت داشتند او در جوانی بتحصیل علوم و فنون پرداخت و در سلك طریقت در آمد و مرید «محمد اسماعیل ازغدی» متخلص به «وجدی» شد... از آثار اوست: «نفحات غیمیه» «درج اللالی» و «برج المعالی» بنظم و نثر...

وفات: ۱۲۸۶ هـ. ق = ۱۸۶۹ میلادی.

سالار ملی

رك : باقرخان سالار ملی ... کتاب حاضر ص ۲۱۴ و ۲۱۵

سام میرزا صفوی- (معز السلطنة والدين ابوالنصر سام میرزا) متخلص به «سامی» دومین فرزند «شاه اسماعیل» صفوی است. وی باشاهزاده «بهرام میرزا» (۹۲۳-۹۵۶ ه. ق) برادر کهنترش از يك مادر بود. «سام میرزا» بعد از فتح «هرات» و شکسته شدن اوزبکان، بفرمان پدر در سال ۹۲۸ ه. ق با اتابکی لالایش «دورمش خان» (م/ ۹۳۱ ه. ق) فرمانفرمای «خراسان» گردید و برروزگار برادر مهترش «شاه طهماسب» نیز تا سال ۹۳۶ ه. ق در «هرات» و «خراسان» برسر این شغل بود. در این سال اوزبکان به «خراسان» تاختند. «شاه طهماسب» پس از راندن این قوم، برادر دیگر خود، «بهرام میرزا» را بحکومت «خراسان» برگماشت. «سام میرزا» در سال ۹۴۱ ه. ق هم امیر «خراسان» شد. اما زمانی بر نیامد که سرکشی آغاز کرد

و به «قندهار» رفت. و پس از مغلوب شدن، از برادر پوزشی گرم خواست. شاه از خون‌وی درگذشت. دیگر بار بسال ۹۶۹ هـ. ق علم طغیان برافراشت و سرانجام بفرمان «شاه طهماسب» ببند آمد و در قلعه «قهقهه» بیود. - صاحب «مجمع الخواص» مینویسد: «... عیش و عشرت را دوست میداشت... در اقسام نظم و نثر طبع شوخ و متینی داشت. تذکرة شعرايي باسم «تحفة سامی» تألیف کرد، و سرانجام در «آستانة شیخ صفی الدین» منزوی و بشعرو شاعری مشغول شد».

«تحفة سامی» گرامی یادگار اوست که در سال ۹۵۷ هـ. ق بمتابعت «بهارستان جامی» و «مجالس النفاثس امیر علی شیر نوایی» و «تذکرة الشعراء دولتشاه سمرقندی» فراهم ساخته و در این کتاب حال و کار ۷۱۲ تن از شاعران هم‌زمان و قریب بعهد خویش را کم و بیش بیاورده و بسال ۹۶۹ هـ. ق درگیر اگیر گرفتاری خود تألیف و تنظیم آن را پایان بخشیده است. «تحفة سامی» جز سودمندی‌ها که از لحاظ ادبی و تاریخ نظم فارسی دارد، از لحاظ اجتماعیات و مردم-شناسی و تاریخ نیز بسیار ارزنده است. ارباب تذکره‌یی که پس از وی بوده‌اند، اکثر از این گنجینه نفیس بهره‌یابیها کرده‌اند.

مرحوم «تربیت» وفات او را بسال ۹۷۴ هـ. ق نوشته است و گوید دیوانی نزدیک به شش هزار بیت از او دیده.

در نسخه خطی «تکملة الاخبار نویدی شیرازی» که بنام

«پری خان خانم» «دختر شاه طهماسب» تألیف یافته است، حادثه مرگ «سام میرزا» بادیگرشاهزادگان صفوی در قلعه قهقهه در اثر زلزله از وقایع سال ۹۷۵ ه. ق یاد شده است.

تولد: روز سه شنبه ۲۱ شعبان ۹۲۳ ه. ق = ۱۵۱۶ میلادی در منزل «دز آورد مراغه».

وفات: ۹۷۵ ه. ق = ۱۵۶۷ میلادی در «قلعه قهقهه».

آشکده آذربخش ۱ ص ۶۲ و ۶۳ - ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۸۶ - تذکره تحفه سامی با تصحیح و مقدمه رکن الدین همایون فرخ.

سپهر

رک: میرزا محمد تقی بن ملا محمد بن رفیع الدولة کاشانی
ملقب به «لسان الملک».

سپهری بخارایی - از شاعران روزگار «سامانیان» بود و با «ابو المؤید بلخی» و «ابو المثل بخارایی» معاشرت داشت. گویند: زمان

«رودکی» رادریافته است. ازوست:
 شاخهای مورد بررفته ببین و برگهای
 برشکسته، حلقه اندر حلقه، چون زلفین یار
 بوستان افروز تابان در میان بوستان
 همچو خون آلوده در هیجا سنان شهریار
 زندگانی: سده چهارم هجری = سده دهم میلادی .
 مجمع الفصحاء ج ۱ ص ۱ ج ۱ ص ۲۴۵

سپهسالار- (حاج میرزا حسین خان قزوینی مشیر الدوله سپهسالار
 اعظم فرزند میرزا نبی خان قزوینی امیردیوان)، از رجال نیکنام و
 اصلاح طلب عهد «قاجاریه» است. وی «سفیر کبیر ایران» در «عثمانی»
 بود و بعد به «وزارت عدلیه» و «وزارت جنگ» رسید و در شعبان
 ۱۲۸۸ هجری قمری بصدارت انتخاب شد. «سپهسالار» بفکر تعقیب
 اقدامات «امیر کبیر» بود و امتیاز ساختن خط آهن «رشت» «همدان»
 و «تهران» تا «خلیج فارس» را بمدت ۷۰ سال بمردی انگلیسی موسوم
 به «بارون رویتر» واگذاشت (۱۲۸۹ ه.ق) «سپهسالار» برای
 آشنا کردن «ناصرالدین شاه» بترقیات غربیان، او را در سال ۱۲۹۰
 ه.ق به «اروپا» برد. «نخستین روزنامه ایران» بزبان «فارسی و فرانسه»

بسعی او منتشر شد و بعد توقیف گردید. در ۵۷ سالگی وفات یافت.
«مدرسه سپهسالار» جدید و «عمارت مجلس شورای ملی»
(بهارستان) از بناهای اوست .

تولد: ۱۲۴۳ ق.ه = ۱۸۲۷ میلادی.

وفات : ۱۲۹۸ ق.ه = ۱۸۸۰ میلادی در «مشهد» و
مدفون در «آستان قدس رضوی».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۳۲- تاریخ رجال ایران ج ۱ ص

۴۰۶ و ۴۲۶

ستارخان سردار ملی - فرزند «حاجی حسن قراچه داغی» بزازپیش
از انقلاب مشروطیت مردی عیار پیشه بود و چندی هم بخدمت
قره سواران (= ژاندارمری) در آمد و امور حفاظت راه «خوی»
و «مرند» گردید و مورد تشویق فرماندهان خویش شد. سپس از
تفنگداران ویژه «مظفرالدین میرزای ولیعهد» گشت و به «ستار
خان» مشهور گردید. و پس از یکسال که در این کار بود به «طهران»
آمد و به سرپرستی پنجاه سوار برای دستگیری راهزنان ترکمان
به «مشهد» شتافت و بانا کامی به «تبریز» بازگشت و به «مشهدی
ستارخان» شهرت گرفت و باز بر سر عیار پیشگی و یاغیگری شد. و
چون مورد تعقیب واقع گشت، به «عقبات» گریخت و بدیدار «حاج

میرزا حسن شیرازی» مرجع تقلید شیعیان نائل شد و در «سامره» چون رفتار خدام آستانه را با زائران ایرانی پسندیده ندید، باتفاق چند تن از مردم «آذربایجان» بضر و جرح آنها مبادرت نمود و باشفاعت «میرزای شیرازی» کیفر ندیده به «ایران» رانده شد و هم بر سر عیاری بود. بسال ۱۳۱۹ ه. ق دیگر بار به «عتبات» رفت و در حرم حضرت «امیر المؤمنین علی (ع)» از گذشته توبه کرد و پس از بازگشت به «تبریز» مباشر املاک «حاجی محمد تقی صراف» در «سلماس» شد و در نتیجه اختلاف حساب کار مباشرت را ترک گفته به «تبریز» آمد و بادلان اسب که به دشتگیران معروف اند شریک گردید و گاهی با دزد زدگان در پیدا کردن اموال آنها یاری میکرد. تا آغاز مشروطه زندگانی وی بدینگونه میگذشت و اندک سرمایه‌یی فراهم داشت. و به شجاعت و دلیری و جوانمردی شهرت گرفت.

در جنبش مشروطه، با آنکه حتی سواد خواندن و نوشتن نداشت و از ترقیات دنیای جدید کاملاً بی‌خبر بود، به دلایل عدیده در صف مشروطه خواهان در آمد. از جمله آن دلائل است: تعدیات بسی‌پایان مأموران دولت، قتل برادرش اسماعیل، زندانی و تبعید شدن خود او بارها، فراری بودنش به چندین سال و عرق همت و مردانگی که در وجود او سرشته آمده بود. - نخست به «انجمن حقیقت تبریز» شد و سپس به «انجمن

ایالتی» رفته آمادگی خود را برای خدمت به مشروطه اعلام کرد .
 بتوصیة «بصیر السلطنة» رئیس «انجمن ایالتی» وی و «باقرخان» هر
 يك ده سوار فراهم کرده در ذیحجة ۱۳۲۵ هـ ق از طرف «اجلال
 الملك» رئیس نظمیة به استخدام پلیس درآمدند. پس از واقعة «خیابان
 اکباتان تهران» و مورد سوء قصد قرار گرفتن «محمد علی شاه قاجار»
 و آمادگی این پادشاه برای سخت گیری به مشروطه طلبان و بستن
 «مجلس شورای ملی» ، نمایندگان «انجمنهای محلی تبریز»
 و «انجمن ایالتی» جمع آمدند و از میان مجاهدان و افراد مسلحی که
 داشتند نیرویی ترتیب داده بر آن شدند که این نیرو را به کومک
 مشروطه خواهان «طهران» بفرستند. «ستارخان» یکی از داوطلبان
 بود و به اتفاق «باقرخان» و «محمد قلیخان» در ۱۷ جمادی الاولی
 ۱۳۲۶ هـ ق هر يك با پنجاه تفنگدار به «باسمنج» رفتند تا چون عده آنان
 به پانصد تن رسید به «طهران» شتابند. بعد از بمباران مجلس در ۲۳
 جمادی الاولی ۱۳۲۶ هـ ق و سخت شدن کار مشروطه طلبان، نیروی
 ملی که در این هنگام به سیصد تن رسیده بود، از «باسمنج» به «تبریز»
 احضار شد و دلیریهای «ستارخان» در پاسداری از مشروطه بوجهی
 حیرت افزا و تحسین آفرین آغاز گردید. و تا ۸ ربیع الثانی ۱۳۲۷
 هـ ق در رأس همه مجاهدان «تبریز» و ارامنة «قفقاز» در برابر سی
 و پنج تاجپهل هزارتن از سپاهیان دولتی بمقاومتی دلیرانه و بیمانند
 برخاست و در این مدت اندك او سردار نامدار مشروطه و شخص

اول از دو مدافع مشهور «تبریز» در برابر سپاه «محمد علی شاه قاجار» گردید. وصیت دلیری و مردانگی وی به اقطار جهان رسید و باردیگر بوسیله این پهلوان جنگاور آذربایجانی آوازه مردانگی و مقاومت و پایداری ایرانیان شهره گیتی گشت .

به مردی هنر در هنر ساخته به فر از هنر گردن افراخته!
سرانجام چون کار مردم «تبریز» بواسطه محاصره و نرسیدن آذوقه بغایت سختی کشید، پس از مذاکره میان قنصل‌های «روس» و «انگلیس» و تصویب دولتهای آنان، بر این نهاده آمد که گروهی از سپاهیان «روس» به «تبریز» آمده راه «جلفا» را بگشایند. بنابراین در روز یکشنبه هشتم ربیع الثانی ۱۳۲۷ ه.ق = ۲۹ آوریل ۱۹۰۹ میلادی سپاهیان «روس» به فرماندهی ژنرال «اذنارسکی» Znarsky به «تبریز» آمدند و کار «ستارخان» و «باقرخان» در جانب‌داری از مشروطه پایان آمد. و چون جان ایشان در خطر بود، «سردار» و «سالار» و بعضی از رؤسای آزادیخواهان در اواخر جمادی الثانی ۱۳۲۷ ه.ق = اواخر ماه مه ۱۹۰۹ میلادی به کنسول گری عثمانی در «تبریز» پناهندند. مرحوم «کسروی» در «تاریخ مشروطیت ایران» نوشت: «باختیانوف» کنسول «روس» به «ستارخان» پیشنهاد کرد که بیرقی از کنسول خانه برای وی فرستد تا بر سر در خانه خود زند و در زینهار دولت «روس» باشد و نوید داد که سرقرا سوارانی «آذربایجان» را برای آواز دولت «ایران»

بستانند. «ستارخان» پاسخ گفت: «ژنرال کنسول من میخواهم که هفت دولت بزرگ بیرق دولت «ایران» بیایند. من زیر بیرق بیگانه نروم.»!!

«ستارخان» و «باقرخان» بمناسبت فشار «روسیان» و ناسازگاری حکومت «آذربایجان» و اصرار دولت و نیز بدعوت تلگرافی «آخوند ملا محمد کاظم خراسانی» روز هشتم ربیع الاول ۱۳۲۸ ق. = بیستم مارس ۱۹۱۰ میلادی به «تهران» روانه شدند و همه جامورد استقبالی شایان بودند. روز جمعه چهارم ربیع - الثانی در «مهرآباد» به کالسکه سلطنتی نشسته به «باغ شاه» که پذیرایی باشکوهی از طرف دولت ترتیب داده شده بود، در آمدند؛ و یک ساعت و نیم بغروب مانده سوار بر اسبانی که از اصطبل سلطنتی فرستاده آمده بود گشته به حضور «سلطان احمد شاه قاجار» رسیدند. سپس هر دو آن به «پارک صاحب اختیار» که منزل موقت «سردار ملی» بود آمده آنگاه «سالار ملی» به «عشرت آباد» شد.

روز دوشنبه هفتم ربیع الثانی دو ساعت بظهر مانده از این دو قهرمان ملی در تالار آیین «مجلس شورای ملی» تجلیل گردید. دو لوحه نقره طلاکوب بعنوان قدردانی از طرف «مجلس» به آنان اهدا گشت. متن لوحه افتخار «ستارخان» چنین بود: «مجلس شورای ملی» اهتمامات فداکارانه «سردار ملی ستارخان»

را از نخستین وسایل پیشرفت مقاصد ملیه دانسته بنام عموم ملت ایران تشکرات صمیمی قلبی بایشان تقدیم می‌نماید.

پس از اینکه «سردار» و «سالار» يك ماه میهمان دولت بودند، برای هر يك از آنان ماهی هزار تومان ماهیانه تعیین شد و جیره و علیق سواران و اسبان‌شان تعیین گردید. «سردار» بخواهش جوانمردانه «ارباب جمشید» در «پارك اتابك» جای‌گزید و «سالار» در «عشرت آباد» ماندگار آمد.

اما این هردو در جریانات سیاسی به «اعتدالیون» متمایل گشتند و بواسطه کشته شدن شادروان «سید عبدالله بهبهانی» پیشوای «اعتدالیون» و مقابله بمثل این حزب در کشتن «سید عبدالرزاق خان» رئیس «دارالصنایع و وطنیه» و صاحب طرح کتیبه «عدل مظفر» سردر «مجلس شورای ملی» و از مدافعان «مجلس» در روز بمباران و «میرزا علی محمد خان تربیت»، دو «دمکرات» تند رو، بتحریر يك «اعتدالیون»، ماده نزاع میان دو حزب سیاسی «دمکرات» و «اعتدالیون» بالا گرفت و کابینه دوم «مستوفی» با کسب اجازه از «مجلس شورای ملی» در عدد خلع سلاح هردو دسته برآمد. «اعتدالیون» از خلع سلاح روی گردان شدند و «ستار خان» و «باقرخان» آسان آسان اسلحه خود را از دست نمدادند و وساطت وزیر مختار «آلمان» «بارون کوات» و سفیر «عثمانی» برای ترك مخاصمه سودمند نشد. «ستارخان» و «باقرخان» و بعضی از

مجاهدان و مردم بازاری در «پارك اتابك» اجتماع کردند و از طرف قوای دولتی محصور شدند. پای «ستار خان» ظاهراً بوسیله یکی از مردم خود او تیر خورد. خلع سلاح تحقق یافت و نزدیک سی تن از مجاهدان در این واقعه کشته و حدود ۳۰۰ تن اسیر شدند. «ستار خان» چهار سال پس از این واقعه در حدود چهل و هفت یا چهل و هشت سالگی در منزلی استیجاری از بناهای «مختار السلطنة» واقع در «خیابان ارامنه» («جنت گلشن») درگذشت. جنازه او را بر روی توپ با تشریفات فراوان تشییع کردند و در «باغ طوطی»، صحن غربی «حضرت عبدالعظیم»، بخاک سپردند.

سردخمه کردند سرخ و کبود توگویی فرامرز هرگز نبود!
تولد: ۱۲۸۲ ه. ق. = ۱۲۴۶ ه. ش. = ۱۸۶۷ میلادی
در «قره داغ آذربایجان».

وفات: عصر روز سه شنبه ۲۸ ذی حجه ۱۳۳۲ ه. ق. =
۲۵ آبان ۱۲۹۲ ه. ش. = ۱۶ نوامبر ۱۹۱۴ میلادی در «تهران» و
مدفون در «باغ طوطی حضرت عبدالعظیم».

قیام آذربایجان و ستارخان تألیف شادروان اسماعیل امیرخیزی -
تاریخ مشروطیت تألیف مرحوم احمد کسروی - مواد متعدد - تاریخ
برگزیدگان ص ۱۴۷ و ۱۴۸ - کارنامه بزرگان ایران ص ۳۷۴ و
۳۷۵ - دهران مشروطه تألیف ابراهیم صفائی ص ۳۸۵ تا ۴۱۱ -
فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۳۲ - تاریخ رجال ایران ج ۲ ص ۵۹ -

دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۲۶۴ - تاریخ هجده ساله آذربایجان ص
۵۹۶ و ۵۹۷ رك: فهرست اعلام آن كتاب - قيام آذربایجان در انقلاب
مشروطیت ایران نگارش مهندس کریم طاهرزاده بهزاد رك: فهرست اعلام
آن كتاب.

سجاوندی غزنوی - (مجدالدین ابوالفضل محمد بن ابویزد طیفور
غزنوی)

وفات: ۵۶۰ ه. ق = ۱۱۶۴ میلادی.

رك: ابوالفضل محمد بن طیفور سجاوندی غزنوی. - كتاب
حاضر ص ۸۶. - هم رك: دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۲۷۴ و ۱۲۷۵ -
فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۳۴

سجاوندی - (محمد بن عبدالرشید یا محمد بن محمد بن عبدالرشید)
حنفی مکتبی به «ابوطاهر» و ملقب به «سراج الدین» از بزرگان علما و
فقه‌های سده پنجم هجری، از تألیفات اوست: كتاب «فرائض سجاده»
که در «لندن» و «مصر» و «کلکته» چند بار بطبع رسیده است
و شروح بسیار بر آن نوشته‌اند.

وفات: حدود ۴۷۰ هـ ق = ۱۰۷۷ میلادی

فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۳۵

سجزی - (ابو یعقوب اسحاق بن احمد سجزی)

رك: كتاب حاضر ص ۱۴۷ - هم رك: دائرة المعارف

ج ۱ ص ۱۲۷۵

سجزی ، احمد بن عبد الجلیل - ریاضی دان و منجم ایرانی سده چهارم هجری، ظاهراً بیشتر روزگار خود را در «شیراز» در حمایت «عضد الدولة دیلمی» (۳۳۸ - ۳۷۲ هـ ق) بگذرانیده است و بسیاری از تألیفات خود را بنام او کرده. بیست و نه رساله از تألیفات او در کتابخانه‌های «اروپا» موجود است. از جمله آنها مجموعه «جامع شاهی» است، در پانزده رساله در نجوم، و رساله‌بی در تثلیث زاویه که «وپکه» مفاد آن را به فرانسوی ترجمه کرده است و در آخر کتاب خود در «جبر خیام» بیاورده.

وفات: ۴۱۴ هـ ق = ۱۰۲۳ میلادی.

دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۲۷۵ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۰۳

هم‌دک : کتاب حاضر ص ۱۵۲

سجستانی - (ابو حاتم سهل بن محمد بن عثمان بن یزید جشمی) عالم لغوی و نحوی و مقرئ سده سوم هجری است. او در «بصره» میزیست و از علوم قرآنی و عروض اطلاع وافیه داشت. «الکتاب» «سیبویه» رانزد «اخفش» آموخت و ... «ابن درید» و «مبرد» شاگردان اویند. از آثار او است: کتاب «الشمس والقمر» - «کتاب فی النحو» - کتاب «الشوق الی الوطن» .

وفات: ۲۵۵ هـ ق = ۸۶۴ میلادی

فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۳۵

سجستانی، ابن ابی داود - (ابوبکر عبدالله بن سلیمان) از بزرگان محدثان و فقها، فرزند «ابوداود سجستانی» است . با پدرش از «سیستان» بیرون شد و در «خراسان»، «اصفهان»، «شیراز» و «بغداد» استماع حدیث کرد . سرانجام در «بغداد» ماندگار آمد. از آثارش : «کتاب التفسیر» است که همزمان با «تفسیر طبری»

نگارش یافته و «المصابیح» در حدیث و جزاینها .

تولد: ۲۳۰ ه. ق = ۸۴۹ میلادی «سیستان».

وفات: ۳۱۶ ه. ق = ۹۲۷ میلادی «بغداد».

دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۲۷۵

سجستانی - (ابوداود سلیمان بن اشعث) از بزرگان محدثان و حافظان

حدیث در سده سوم هجری است. از مردم «سیستان» بود و در

طلب حدیث مسافرتها کرد.

صاحب کتاب «سنن ابی داود» است که در آن ۴۸۰۰

حدیث را فراهم کرده و یکی از «صحاح ستة» اهل سنت است. وی

پدر «ابن ابی داود سجستانی» است.

تولد: ۲۰۲ ه. ق = ۸۱۷ میلادی در «سیستان» .

وفات: ۲۷۵ ه. ق = ۸۸۸ میلادی در «بصره» .

دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۲۷۵

سحاب - (میرزا سید محمد فرزند سید احمد هاتف اصفهانی) نیاکانش

از سادات حسینی و از مردم «اردو باد آذر بایجان» بودند و روزگار

«صفویه» به «اصفهان» مهاجرت کرده. از شاعران نامدار روزگار
 «فتحعلیشاه قاجار» و از ستایشگران اوست. به علوم قدیمه آشنا و در
 طب و نجوم دانا بود و پادشاهش ارج مینهاد و او را ملقب به «مجتهد
 الشعرا» گردانید.

دیوانش نزدیک به پنج هزار بیت است و استادانه و
 روان سروده آمده و بر روزگار خود تداول یافته. «فتحعلی شاه» يك
 نسخه آن را به «سرگور اوسلی» سفیر فوق العاده «انگلیس» در دربار
 «ایران» بخشیده است. مجموعه «سحاب البكاء» از اوست.

وی جز شاعری، در فنون ادبی و سخن سنجی نیز چیرگی
 داشت و «تذکره رشحات سحاب» را نیز بتألیف آورده ولی باتمام
 نرسانیده است. در قصیده سرایی پیرو شاعران سده های هفتم و
 هشتم هجری است.

در خصوص شاعری بر روزگار خود نظری خاص دارد:
 کس را کمال نفس بجز حسن حال چیست؟

و آن را که حسن حال نباشد، کمال چیست؟
 شعر است هیچ و، شاعری از هیچ هیچ تر

در حیرتم که در سر هیچ این جدال چیست؟!
 يك تن نپرسد از پی ترتیب چند لفظ

ای ابلهان بی هنر، این قیل و قال چیست ...

هم ازوست:

نرسد تیر تو بر پیکر من هست گویی به خدنگت پر من
 از توسوزی که بدل بود هنوز می توان یافت ز خاکستر من

لب شیرین تو دارد ز عتاب زهر در شربت جان پرور من
 ساغر من گه شکند توبه و گاه توبه من شکند ساغر من
 گفتمش : خاصیت آب حیات چه دهد؟ - گفت که: خاک در من!
 گهر چشم من اشک است و سخن گهر طبع سخن گستر من!
 هر گهر را صدفی هست «سحاب» دیده و دل صدف و گوهر من!!

وفات : ۱۲۲۲ ه.ق = ۱۸۰۷ میلادی

ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۲۲ - از صبا تانیا
 ج ۱ ص ۳۵ تا ۳۷ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۳۵ - تاریخ ادبیات ایران
 تألیف شادروان دکتر صادق رضا زاده شفق ص ۵۸۲ - دائرة المعارف
 ج ۱ ص ۱۲۷۵

سحابی استرآبادی - «مولانا کمال الدین» شاعر رباعی سرای مشهور
 سده دهم و سرآغاز سده یازدهم هجری، اصل او از «استرآباد»
 و زادگاهش «شوشتر» بود و چهل سال از عمر خود را در «نجف»
 بگذراند. او به «رباعیات عارفانه» خود شهرت یافته است.
 رباعیات وی را از شش هزار تا هفتاد هزار نوشته اند. نسختهای
 از غزلیات او بقطعی کوچک در حدود سه هزار بیت در کتابخانه
 آقای «محمود فرخ خراسانی» بود .
 رساله «عروة الوثقی» در چهار فصل در معانی دینی و

عرفانی ازوست برداشتی از سروده های اوست :
عشق حقیقی است ، مجازی مگیر
ایسن دم شیر است بیازی مگیر

ز آن رو خط مشک سودبرخاست
آتش بنشست و دود برخاست

نمودروی تو، گلهای باغ را چکنم؟
چو آفتاب برآمد، چراغ را چکنم؟!

دیده پوشیدم، چو درد دل یافتم دلدار را
در بیند هر که او در خانه بیند یار را

آنان که فقر را به تنعم فروختند
فردوس را بدانند گندم فروختند

گفتم : همه بیداد نمی باید کرد
گفتا که: ز خود یاد نمی باید کرد!
گفتم که : چنان گوی سخن تاشنوم
خندید که: فریاد نمی باید کرد!

ای عشق بدرد تو سری می باید
صید تو ز من قوی تری می باید
من مرغ بیک شعله کبابم ، بگذار
کاین آتش را سمندری می باید!

وفات : ۱۰۱۰ یا ۱۰۰۱ یا ۱۰۰۲ ه.ق = ۱۶۰۱ یا
 ۱۵۹۲ یا ۱۵۹۳ میلادی در «نجف اشرف».
 فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۳۵- آتشکده آذربخش دوم ص ۷۸۰
 تا ۷۸۹- ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۱۸۹ و ۱۹۰- دائرة
 المعارف ج ۱ ص ۱۲۷۵

سدید کازرونی - «شارح قانون» بنام «توضیحات» که بسال ۷۴۵
 ه.ق = ۱۳۴۴ میلادی از تألیف آن فراغت یافت .
 زندگانی : سده هشتم هجری قمری = سده چهاردهم
 میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۷۷

سراج الدین ارموی- (ابوالثنا یسراج الدین محمود بن ابی بکر بن احمد)
 از دانشمندان و منطقیون و فقها و اصولیین و متکلمان سده هفتم
 هجری است. صاحب «بیان الحق»، «مطالع الانوار» در منطق و
 کلام که شرحهای متعدد بر آن نوشته اند و مشهورترین آنها «لوامع
 الاسرار فی شرح مطالع الانوار» از «قطب الدین رازی» است که
 از کتب رایج درسی است- «المناهج و التحصیل» در اصول فقه
 که مختصر «محصول امام فخر رازی» است. و «مختصر الاربعین»

در کلام و «شرح اشارات ابن سینا» .
وی اصلاً از مردم «ارومیه» (رضائیه) بود و در «موصل»
و بلاد «روم» میزیست.

تولد: ۵۹۴ ق.ه = ۱۱۹۷ میلادی.
وفات: ۶۸۲ ق.ه = ۱۲۸۳ میلادی در «قونیه» .
تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۴۳ و ۲۴۴ -
دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۲۸۰

* * *

سراج الدین بساطی سمرقندی - شاعر پارسی گوی سده نهم هجری
است ، نخست حصیر باف بود و « حصیر » تخلص میکرد .
سپس با اشارت استاد خویش « عصمت بخاری » در شاعری
« بساطی » را به تخلص برداشت.

وفات: ۸۱۵ یا ۸۵۷ ق.ه = ۱۴۱۲ یا ۱۴۵۲ میلادی.
دائرة المعارف ج ۱ ص ۴۲۷ - نور و ظلمت ص ۱۶۵

سراج الدین سکزی - از شاعران پارسی گوی سده هفتم هجری است.
«هدایت» در «مجمع الفصحاء» او را «سید عالیقدر دانا و فاضل»
نوشته و دیوانش را پنجهزار بیت گفته و او را ستایشگر «ملك
نصرة الدین سیستانی» شمرده است.

زندگانی: سده هفتم هجری = سده سیزدهم میلادی.

مجمع الفصحاء ج ۱ ص ۲۴۵ تا ۲۴۷ - تاریخ ادبیات
در ایران ج ۳ ص ۳۶۲

سراج‌الدین قمری - از شاعران مشهور سده هفتم هجری و بی‌تردید
در شاعری استاد بوده است و مدح سرایی می‌کرده و متمایل
بسبک خراسانی و از شعرای ذواللسانین است .

چون ممدوح خاص او «حسام الدوله اردشیر» (م/۶۴۷ ه.ق) بود، قاعدهٔ باید تا او آخر نیمهٔ اول سدهٔ ه.ق هفتم زیسته باشد.
این رباعی را یکی از دوستان خود نوشته است :

ای در مردی چو بازو در کینه عقاب
عنقا به تهوری و طوطی بخطاب
از باده بطی فرست مر «قمری» را
چون چشم خروس، در شب هم‌چو غراب
در اشعار خمیه استاد است :

می‌میخورم و هر که چو من اهل بود
می‌خوردن من بنزد او سهل بود
می‌خوردنم ایزد از ازل میدانست
گر می‌نخورم علم خدا جهل بود!

ای آب روان، سرو بر آورده‌تست
وی سرو چمان، چمن سرا پرده‌تست

ای غنچه، عروس باغ پرورده تست
 وی سرو چمان، چمن سرا پرده تست
 ولادت: در حدود ۵۰۸ ه. ق = ۱۱۱۴ میلادی.
 وفات: پیش از ۷۱۲ ه. ق = ۱۳۱۲ میلادی.
 آتشکده آذر بخش سوم م ۹۰۴ تا ۹۱۲ - تاریخ ادبیات در ایران
 ج ۳ ص ۶۸۱ تا ۷۰۴

سردار اسعد

رك: حاج علیقلی خان سردار اسعد. - كتاب حاضر ص ۲۷۵
 و ۲۷۶

سردار سپه - عنوان «رضا شاه کبیر» پیش از شاهنشاهی «ایران».
 رك: رضا شاه کبیر. - كتاب حاضر ص ۳۸۳ تا ۳۹۱.

سردار ملی

رك: ستارخان سردار ملی. - كتاب حاضر ص ۴۳۲ تا ۴۳۹

سرمد - (سید محمد صادق فرزند سید محمد علی) شاعر نامور و
 استاد معاصر در «طهران» تولد یافت. نیایش «میرزا سید نصرالله»
 اهل ادب و عرفان بود و خاندانش بیشتر از روحانیان بودند.
 وی از «مدرسه عالی قضائی» فارغ التحصیل شد. از ۲۳ سالگی
 بوکالت دادگستری پرداخت و در دوره هجدهم «مجلس شورای
 ملی» از «دره گز» بنماینده انتخاب شد. امتیاز روزنامه «صدای
 ایران» را داشت و ۶ سال آن را منتشر کرد. بیشتر قصیده سرا

بود . از آثار وی جزواتی پراکنده و مجموعه «سرود سرمد» ،
ملخص دیوان او، و همچنین دیوان کامل وی بطبع رسیده است. در
شاعری طبیعی روان داشت. اشعار میهنی و اجتماعی فراوان دارد.
در بدیبه سرایی شاعری چیره سخن بود. «سیمین بهبهانی» در
سوك او سرود:

«سرمد» که دلش ز عشق آگاهی داشت

عمرش چو شرر نشان ز کوتاهی داشت

خندید و درخشید و نیاید و بخفت

احوال ستاره سحرگاهی داشت!

تولد: ۱۳۲۶ ه. ق = ۱۲۸۶ ه. ش = ۱۹۰۷ میلادی
در «طهران» .

وفات: ۱۳۸۰ ه. ق = ۲۸ تیر ماه ۱۳۳۹ ه. ش = ۱۹۶۰ میلادی
در «طهران» .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۵۰ - مجله ارمغان دوره بیست و نهم تیر و

مرداد ۱۳۳۹ ه. ش شماره ۴ و ۵ ص ۲۰۹ تا ۲۱۶ - و شماره ۶ شهریور ۱۳۳۹

ه. ش ص ۲۷۱ تا ۲۸۰ مقاله بعنوان «صادق سرمد» از حسن سادات ناصری.

سرمد کاشانی - نامش «سعید» یا «سعیدا» بود و اصلاً از یهودیان «کاشان» ،

به اسلام گروید و بر «میر ابوالقاسم فندرسکی» شاگردی کرد و درزی

صوفیان در آمد و بعنوان سیاحت به «هندوستان» شد. - گویند

که در آنجا برهنه می گشت، شاهزاده «داراشکوه» با او دوستی

داشت . و سرانجام بخاطر این دوستی و بهانه سخنان کفر آمیزی

که از او نقل میکردند، بفرمان «اورنگ زیب» کشته شد.

«رباعیات عارفانه سرمد» گیرا و شور انگیز است:

خوش بالایی کرده چنین پست مرا
چشمی بدو جام برده از دست مرا
او در بغل من است و من در طلبش
دزد عجیبی برهنه کرده است مرا!

«سرمد» غم عشق بوالهوس را ندهند
سوز دل پروانه مگس را ندهند!
عمری باید که یار آید بکنار
این دولت سرمد همه کس را ندهند!!

هم ازوست:
عمری است که آوازه منصور کهن شد
من از سر نو جلوه دهم دارو رسن را

همچو دور افتاده بی کاخر رسد بریار خود
دست تا در گردن من کرد تیغش خون گریست!
قتل : ۱۰۷۰ یا ۱۰۷۲ هـ . ق = ۱۶۵۹ یا ۱۶۶۱ میلادی .
ریاض المعارفین ج ۲ ص ۱۴۱ تا ۱۴۳ - دائرة المعارف ج ۱
ص ۱۲۸۹ - مجمع الفصحاء ج ۱ ص ۲۰۰

سروری - (محمد قاسم بن حاج محمد کاشانی متخلص به «سروری»)
نویسنده و شاعر سده یازدهم هجری ، پدرش کفش دوز بود .
بقول صاحب «عرفات العاشقین» حافظه بی قوی داشت . قریب
سی هزار بیت از متقدمان و متأخران در حفظ آورده بود . کتاب

مشهور لغت «مجمع الفرس» را در ۱۰۰۸ ه. ق نوشته است و بطبع رسیده.

در سال ۱۱۱۸ ه. ق آن کتاب را تلخیص کرده به «خلاصة المجمع» نام نهاد. در ۱۰۳۲ ه. ق به «هند» رفت و دربار «شاه جهان» را درك كرد. در راه «مکه» وفات یافت.

وفات: تا ۱۰۳۲ ه. ق = ۱۶۲۲ میلادی زنده بوده است.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۵۲ - فرهنگ مجمع الفرس بکوش

دکتر محمد دبیر سیاقی - دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۲۹۰

سروش اصفهانی - («میرزا محمد علی سدهی اصفهانی» متخلص به «سروش» و ملقب به «شمس الشعراء» فرزند «قنبر علی اصفهانی») شاعر قصیده سرای سده سیزدهم هجری در «سده اصفهان» متولد شد و به «تبریز» رفت و به مدح «ناصر الدین میرزای قاجار» که در آن زمان «ولیعهد» بود پرداخت و بعد چون او به سلطنت رسید، همچنان مداح وی بود و در سال ۱۲۷۰ ه. ق از طرف «ناصر الدین شاه» ملقب به «شمس الشعراء» شد و در سال ۱۲۷۲ ه. ق به لقب «خانی» ملقب گردید. از آثار او «دیوان قصاید»، «غزلیات» و «مثنویها» - مجموعه‌ی بنام «ساقی نامه» - «الهی نامه» - «زینة المدايح» در ستایش خاندان رسالت و «اردیبهشت نامه» در احوال پیغامبر اکرم ببحر متقارب است. سبک شاعران قصیده سرای سده پنجم، مخصوصاً «فرخی»، را پیروی

کرده است. هنگامی که «سروش» در «آذربایجان» بسر می‌برد، از طرف «بهمن میرزا» پسر چهارم «عباس میرزا نایب السلطنة» که والی «آذربایجان» بود، مأمور ترجمهٔ ابیات عربی «الف لیلة و لیلة» گردید که بامر شاهزاده بتوسط «عبد اللطیف طسوجی» پدر «میرزا محسن خان مظفر الملک» بفارسی ترجمه میشد و بخوبی از عهده برآمد و اشعار نفیستان قدیم و خود را بجای اشعار عربی این کتاب گذاشت.

تولد: ۱۲۲۸ هـ ق = ۱۸۱۳ میلادی در «سدهٔ اصفهان».

وفات: ۱۲۸۵ هـ ق = ۱۸۶۸ میلادی در «تهران».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۵۳ - تاریخ رجال ایران ج ۳

ص ۴۳۲ و ۴۳۳ - ترجمهٔ تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۲۳۲ - دیوان

سروش اصفهانی بکوشش دکتر محمد جعفر محجوب - دائرة المعارف

ج ۱ ص ۱۲۹۰.

سری بن حکم بن یوسف - از امراء و ولات اسلام در عصر عباسیان، اصلش از «خراسان» است. مردی زیرک و کارداران بود و در ایام «هارون الرشید» به «مصر» رفت و پس از مرگ «هارون» و خلع «امین» «سری» در «مصر» مشغول دعوت شد و کارش بالا گرفت. در سال ۲۰۰ هـ ق بحکومت «مصر» رسید، دشمنانش در ۲۰۱ هـ ق بر او بشوریدند و او را خلع کردند. ولی «مأمون» وی را دوباره

به ولایت «مصر» منصوب گردانید. او شورشیان را تعقیب کرد و
عده‌یی را بدار زد و گروهی را بر کشتی نشانیده در دریا غرقه
ساخت و بحکومت باقی ماند تا بمرد.

وفات: ۵۲۰ هـ ق = ۸۲۰ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۵۳

سری سقطی - (ابوالحسن سری بن مغلس) از بزرگان صوفیه «بغداد»
است. در آغاز حال تجارت می کرد. بسبب عروض حال و جذبه
دارایی خود را به نیازمندان بخشید. وی نخستین کسی است که
در «بغداد» صوفیانه سخن گفته و در عرفان و توحید اندیشه‌هایی
بلند داشته است. وی امام و شیخ بغدادیان در عصر خود بود و
خال «جنید بغدادی» است. نود و هشت سال در این جهان
بزیست.

تولد: ۱۵۳ هـ ق = ۷۶۹ میلادی در «بغداد».

وفات: ۲۵۱ هـ ق = ۸۶۴ میلادی در «بغداد».

دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۲۹۲ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۵۴

سعادت علیشاه - (حاج آقا کاظم معروف به شیخ زین الدین) از مردم
«اصفهان» بود. پیشوای فرقه‌یی از «نعمه‌اللهیه» است. وی مرید
«رحمتعلی شاه» بود و پس از وی برمسند ارشاد نشست و در
حدود سال ۱۲۸۰ هـ ق به «خراسان» رفت. و «ملاسلطان محمد

گنابادی» (= سلطان علی شاه) بحلقه ارادت او در آمد. از مولد خود «اصفهان» ناگزیر به مهاجرت شد و در «تهران» اقامت گزید . بسال ۱۲۸۹ هـ. ق از راه «تفلیس» و «باکو» و «استانبول» به «مکه» و «مدینه» مشرف گردید. در سال ۱۲۹۰ هـ. ق از راه جبل به «نجف» و «کربلا» رفت و از آنجا به «تهران» بازگشت. وفات: ۱۲۹۳ هـ. ق = ۱۲۵۴ هـ. ش = ۱۸۷۵ میلادی در «تهران». مدفون در «حضرت عبدالعظیم» صحن «امام زاده حمزه» حجره «سراج المالك».

فرهنگ معین ج ۵ س ۷۵۸ - نابغه علم و عرفان س ۲۹

سعدالدین تفتازانی - (مسعود بن فخرالدین عمر بن عبدالله).
رك : كتاب حاضر ص ۲۴۶ و ۲۴۷ - هم رك : تاريخ
ادبيات در ايران ج ۳ ص ۲۴۵ و ۲۶۴

سعدالدین حمويه - (شيخ ابوالسعادات سعدالدین محمد بن مؤيد بن ابی بكر بن حسن بن محمد بن حمويه) كه نام و نسب وی را در كتب تذکره و تاريخ و رجال و اعلام به اختلاف ذکر کرده اند، بمناسبت انتساب بجدش «حمويه» به «سعد الدین حمويه» یا «حموی» یا «حموئی» نامبردار شده است. کنیه اش «ابوالسعادات» و یکی از مشهور ترین مشایخ صوفیان سده هفتم هجری است. وی در علوم ظاهر و باطن از سرآمدان روزگار خود و از خلفا و مریدان

«شیخ نجم الدین کبری» بود، و نیز «شیخ شهاب الدین ابو حفص محمد بن محمد» را دریافته و چندی خدمت او کرده. در جوانی روزگاری در «جبل قاسیون دمشق» بسر آورده و او را با «شیخ اجل محیی الدین» شرف مصاحبت افتاده و هم با «شیخ صدر الدین قونیوی» نیک بجوشیده است. وی بیست و پنج سال در «شام» و «عراق» و «خوارزم» و دیگر بلاد سیاحتها کرده و پس از این بموطن خود «خراسان» باز گشته است و در «بحر آباد» اقامت گزیده. «عزیز نسفی» از مریدان و شاگردان او بود و در رسائل خود از آثار شیخ نقل ها کرده است.

از آثار اوست: «سجنجل الارواح و نقوش الالواح»، «سکینه الصالحین»، «قلب المنقلب»، «کشف المحجوب»، «محبوب المحبین» و «مطلوب الواصلین». - از وی اشعاری نغز و شیوا بیادگار مانده و عجالة^۱ از ۱۲۳ بیت در نمیگذرد.

سبك وی: تصانیف شیخ بویژه کتاب «محبوب المحبین» او اکثراً مرموز و لاینحل است. و در سخنانش مرموزات و ارقام و اشکال و دوایر فراوان آمده است. همچنین بعضی اشعار وی در خور تأویل است، ولی پر ذوق و لطیف و استادانه سروده شده و بیشتر به نظم رباعی اهتمام فرموده. از اوست:

دل وقت سماع، ره به دلدار برد
جان را به سراپرده اسرار برد

این نغمه چو مرکبی است مروح ترا
 بردارد و خوش بهالم یار برد
 گر با غم عشق سازگار آید دل
 بر مرکب آرزو سوار آید دل
 گر دل نبود، کجا وطن سازد عشق؟
 گر عشق نباشد، بچه کار آید دل ؟ !

در دل ز فراق خستگی ها دارم
 در کار ز چرخ بستگی ها دارم
 با این همه غم تو نیز پیمان مرا
 مشکن که جز این شکستگیها دارم!

تولد: ۵۵۸۶ ق. = ۵۶۸ ه. ش. = ۱۱۸۹ میلادی در

«جوین» .

وفات: در عید اضحی ۶۴۹ یا ۶۵۰ ه. ق. = ۶۳۰ یا

۵۶۳۱ ه. ش. = ۱۲۵۱ یا ۱۲۵۲ میلادی در قصبه «بحر آباد خراسان» .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۶۳ - آتشکده آذربخش نخست ص ۲۸۲

تا ۲۸۴ .

سعدالدین محمد کاشغری - «شیخ هرات» و از بزرگان سلسله
 «نقشبندیه» در سده نهم هجری است. وی در آغاز کار به کسب
 دانش پرداخت. سپس به تصوف گرایید و بصحبت «نظام الدین

خاموش « پیوست و از مشایخ «نقشبندیان» شد و در «هرات» مریدان فراوان یافت. «عبدالرحمن جامی» مریدی و شاگردی وی کرد و دختر «خواجه کلان» فرزند وی را بهمسری گرفت. «جامی» و همدمادش «فخرالدین صفی»، فرزند «ملاحسین کاشفی»، در بیان کرامات «سعدالدین کاشغری» روایات مریدانه آورده‌اند.

وفات: هفتم جمادی‌الآخری ۸۶۰هـ. ق = ۱۴۵۵ میلادی.

دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۲۹۶ - نور و ظلمت ص ۱۶۸ - جامی

تألیف استاد علی‌اصغر حکمت ص ۶۶ تا ۶۹.

سعدالدین وراوینی - مترجم «مرزبان نامه» از زبان «طبری» بزبان «فارسی دری» که تاریخ ترجمه آن میان ۶۰۷ و ۶۲۲هـ. ق = ۱۲۱۰ و ۱۲۲۵ میلادی است. وی نویسنده فاضل و استادسده ۶۰۷هـ. ق و از مردم «آذربایجان» است. کتاب «مرزبان نامه» را از اصل طبری بفارسی ترجمه و باشعار و امثال پارسی و تازی مزین ساخت. از مقربان «خواجه ابوالقاسم ربیب‌الدین هارون» وزیر «اتابک اوزبک بن محمد بن ایلدگز» از «اتابکان آذربایجان» (۶۰۷هـ. ق) بود و کتاب مزبور را بنام او موشح کرد.

زندگانی: سده ششم و هفتمهـ. ق = سده دوازدهم و سیزدهم

میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۱۰۵ و ۱۰۶ - فرهنگ معین ج ۵
ص ۷۶۳ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۲۹۶ - کارنامه بزرگان ایران ص ۱۸۵

سعدی شیرازی - (الشیخ الامام، ملك الکلام، افصح المتکلمین ،
ابو محمد مشرف الدین یا شرف الدین مصلح بن عبدالله بن
مشرف) بیگمان بزرگترین و برترین گویندگانی است که پس از
«حکیم ابوالقاسم فردوسی» در پهنه ادب فارسی سخنوری
کرده است و نزد همگان به یگانگی و استادی بلامنازع در شعر
و ادب نامور شده است.

وی در سرآغاز سده هفتم هجری در «شیراز»، و در
خاندانی که همه از عالمان دین بودند، دیده بجهان بگشود و هم
از دوران کودکی تحت تربیت پدری متدین و دانشور قرار
گرفت و از هدایت و نصیحت او برخوردار آمد. هنوز کودک بود
که پدرش درگذشت. ازین پس ظاهراً در حجر تربیت نیای مادری
خود، که بنا بر بعض اقوال «مسعود بن مصلح الفارسی» پدر «قطب-
الدین شیرازی» بوده است، پرورش یافت و مقدمات علوم ادبی
و شرعی را در «شیراز» بیاموخت و سپس برای ادامه تحصیلات
خود به «نظامیه بغداد» رفت. این سفر که مقدمه سفرهای دیگر
«سعدی» بود، ظاهراً باید در حدود سال ۶۲۰-۶۲۱ ه. ق روی
نموده باشد. وی در «بغداد» خدمت «جمال الدین ابوالفرج

عبدالرحمن» ملقب به «المحتسب» (م/ ۶۵۶ ه. ق) فرزند «یحیی ابن یوسف بن جمال الدین عبدالرحمن بن الجوزی» را درک کرد و در تصوف از تربیت «شیخ شهاب الدین ابو حفص عمر بن محمد سهروردی» (م/ ۶۳۲ ه. ق) بهره ور آمد و مشایخ دیگر را نیز بدیده استفادت هاجست و آنگاه در «حجاز» و «شام» و «لبنان» و «روم» بسفرهای طولانی پرداخت و در اقصای عالم بسی گشت و ایام با هر کس بسربرد از هر گوشه‌یی توشه‌یی برداشت و تمتعی یافت و از هر خرمنی خوشه‌یی چید. اقالیم را در نوردید و بارها پیاده بسفر حج شتافت. در «جنگهای صلیبی» شرکت جست. در مورد اسفار او ببلاد مشرق چون: «کاشغر» و «هند» و شکستن «بت سومنات» که خود بدانها اشارت کرده است، همچنان باید شك داشت و آنها را از باب تلفیق حکایات شمرد. «سعدی» در مراجعت به «شیراز» در شمار نزدیکان «سعد بن ابی بکر بن سعد بن زنگی» (م/ ۶۵۸ ه. ق) درآمد و تخلص از نام او گرفت، اما در عین مدح پادشاهان آن سلسله و ستایش گروهی از رجال، در «شیراز» یا بیرون از «شیراز»، بسیار محترم بود و هرگز عنوان شاعری مدح گستر و درباری نیافت. وزندگانی را به آزادی و ارشاد و خدمت بخلق در «رباط شیخ کبیر ابو عبدالله خفیف» می گذرانید.

پیشی و بیشی «سعدی» در شاعری و نویسندگی و اخلاق و حکم، موجب آمده است که درباره او چون دیگر بزرگان علم و ادب روایاتی افسانه مانند رواج یابد. نمونه‌یی از قدیمترین آنها را

در «تذكرة الشعراء دولتشاه سمرقندی» مطالعه می‌توان کرد... از این افسانه‌ها که بگذریم، اگرچند اکثر آنها بجهاتی نادر گذشته است، زندگانی «سعدی» در «شیراز» به نظم قصاید و غزلیات و نوشتن رسالات گوناگون و شاید به واعظی و مذکری و خانقاه-داری میگذشت و درین هنگام باری نیز به «مکه» شد و از راه «تبریز» به «شیراز» بازگشت. در این سفر با «خواجه شمس الدین صاحب دیوان جوینی» و برادرش «خواجه عطا ملک» دیدار کرد و در خدمت «ابا قاخان» با بزرگداشتی کم نظیر پذیرفته شد و او را از مواعظ خویش برخوردار ساخت. دیدار شیخ با «همام تبریزی» در «آذربایجان» و ملاقات او با «مولانا جلال الدین» در «آسیای صغیر»، اگر دست داده باشد، ظاهراً در این سفر بوده است.

شهرت بسیاری که «سعدی» در حیات خود یافته است، برای کمتر شاعری میسر آمده. «امیر خسرو دهلوی» (م/ ۷۲۵ هـ. ق) در «هندوستان» و «سیف الدین محمد فرغانی» (م/ میان سالهای ۷۰۵ و ۷۴۹ هـ. ق) در «آسیای صغیر» بر این مدعی دو گواه راستین اند. این شهرت، پس از وفات او نیز با سرعتی شگفت انگیز افزونی گرفت و این استاد نامبردار بزودی بعنوان بهترین شاعر و نویسنده زبان فارسی و یا یکی از بزرگترین و بهترین شاعران و نویسندگان فارسی‌دری شناخته شد و سخن او حجت بلغا و فصیحای این زبان شیرین و خوش قرار گرفت.

«فردوسی» و «مولوی» و «سعدی» و «حافظ» را «ارکان

اربعہ شعر فارسی» شمرده اند. اقامت طولانی و تحصیل «سعدی» در دیار عرب، سبب چیرگی وی در عربیت و آشنایی فراوان او با ادب تازی گشت. قصائد عربی و ملمعات «سعدی» نشانه تبصر او در زبان تازی و نیز مشابہت بعضی از مضامین نظم و نثر وی با آثار شاعران و نویسندگان تازی نتیجہ این آشنایی است.

آثار «سعدی» بسیار و متنوع است و همه آنها از دیر باز به عنوان «کلیات سعدی» فراهم آمده، از کهن ترین فراهم آورندگان «کلیات سعدی» «علی بن احمد بن ابی بکر» مشهور به «بیستون» است که نسخ مشهور متداول «کلیات شیخ» از روی نسخه تدوین شدہ وی کتابت شدہ است. وی دوبار در سالهای ۷۲۶ و ۷۳۴ هـ. ق بترتیب «کلیات شیخ» پرداخته است و مجموعه آثار او را در نظم و نثر در ۲۲ یا ۲۳ کتاب و رساله بدین ترتیب جمع و تدوین کرده است:

- ۱- «تقریر دیباچہ». ۲- «مجالس پنجگانه» ۳- «سؤال صاحب‌دیوان». ۴- «عقل و عشق». ۵- «نصیحة المملوک».
- ۶- «رسائل ثلاثہ» (ملاقات شیخ با ابا قاسم خان - رساله انکیانو - رساله ملک شمس الدین). ۷- «گلستان» (مؤلف بسال ۶۵۶ هـ. ق) ۸- «بوستان» یا «سعدی نامه» (مؤلف بسال ۶۵۵ هـ. ق)
- ۹- «قصائد فارسی» ۱۰- «قصائد عربی» ۱۱- «ملمعات»
- ۱۲- «ترجیعات» ۱۳- «طیبات» ۱۴- «بدایع» ۱۵- «خوانیم»
- ۱۶- «غزلیات قدیم» ۱۷- «صاحبیہ» ۱۸- «مقطعات»

۱۹- «رباعیات» ۲۰- «مفردات» ۲۱- «خبیثات» ۲۲- «هزلیات»
 ۲۳- «مضحکات». مثنوی کوتاهی بنام «کریما» و به وزن
 «بوستان» و همچنین رساله‌یی بنام «لغزیات» نیز در بعضی نسخ
 خطی یا چاپی به «سعدی» نسبت داده‌اند که صحت انتساب آنها
 مشکوک مینماید. قبل از «بیستون» هم «کلیات سعدی» جمع‌آوری
 شده بود و بعضی از نسخ به همان شیوه کهن بازمانده است. منتهی
 تنظیم غزلهای بصورت حروف آخر ابیات و ترتیب فهرست کلیات
 از «بیستون» است.

قدیم ترین طبع موجود از «کلیات سعدی» در دو مجلد
 بسالهای ۱۷۹۱ و ۱۷۹۵ میلادی در «کلکته» انتشار یافته است
 و بعد نیز بترتیب در «کلکته» (۱۸۰۹-۱۸۲۸ میلادی)، «بمبئی»
 (۱۸۱۱-۱۸۴۱-۱۸۵۱ میلادی)، «تبریز» (۱۸۴۱-۱۸۴۸ -
 ۱۸۵۴ میلادی)، «تهران» (۱۸۴۷-۱۸۵۲-۱۸۵۴ میلادی)، «لکنه»
 (۱۸۷۰ میلادی) و «کانپور» (۱۸۶۳ میلادی) چاپ شده است
 و از آن پس چاپهای متعدد و گوناگون از «کلیات سعدی» و
 و چاپهای جداگانه از «گلستان» و «بوستان» و منتخبات متعدد و
 متنوع هم از «کلیات» و «بوستان» و «گلستان» وی در «هند»
 «ایران» و «عثمانی» و «اروپا» انتشار یافته است که حکایت از
 قبول عام و رواج فوق‌العاده آثار «سعدی» در نزد فارسی‌زبانان
 جهان دارد. «شرق شناسان اروپا» از سده هفدهم به بعد در آثار و
 منتخبات خود پیرامون شاهکارهای «سعدی» گشته و در همان

روزگاران «گلستان» و «بوستان» را به لاتینی و دیگر زبان های اروپایی ترجمه کرده اند. و در کتاب مشهور شادروان «پرفسور هانری ماسه» بنام «تحقیق در باب سعدی شاعر» طبع پاریس ۱۹۱۹ میلادی فهرست چاپهای گوناگون و ترجمه ها و منتخبات آثار «سعدی» که بهنگام تألیف آن کتاب در دست بوده است، آمده؛ و حکایت از نهایت اهمیت و اشتهار «سعدی» در جهان میکند.

بنیان بیان شیخ بر انسجام لفظ و دقت معنی نهاده آمده است و شیوه سهل ممتنع سخن وی را امتیازی خاص بخشیده. چیرگی خاص «سعدی» در فنون سخنوری بیشتر در غزل جلوه گراست. «همام تبریزی» و دیگران از همین بابت بوی رشك برده اند. «امیر خسرو دهلوی» و «خواجوی کرمانی» و «خواجۀ شیرازی» و دیگران نیز او را درین شیوه استادی یگانه شمرده اند. شعر و نثر «سعدی» از روزگار او تا به امروز مورد تتبع و اقتفای بزرگان ادب فارسی است و بشایستگی او را «افصح المتکلمین» لقب داده اند.

تولد: در حدود ۶۰۶ ه. ق = ۵۸۸ ه. ش = ۱۲۰۹ میلادی
در «شیراز» .

وفات: ۱۷ ذی حجه ۶۹۰ یا ۶۹۱ یا ۶۹۵ ه. ق = ۶۶۹ یا ۶۷۰ یا ۶۷۴ ه. ش = ۱۲۹۰ یا ۱۲۹۱ یا ۱۲۹۵ در «شیراز»
و مدفون در «دیه سعدی شیراز» .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۵۸۴ تا ۶۴۲ و ص ۱۲۱۷ تا
۱۲۱۹ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۲۹۶ و ۱۲۹۷ - فرهنگ معین ج
۵ ص ۷۶۳ و ۷۶۴

سعید بن احمد المیدانی - پدرش «ابو الفضل احمد بن محمد بن
احمد المیدانی النیسابوری» ادیب و لغوی بزرگ «ایران» در سده
پنجم و آغاز سده ششم هجری و صاحب کتاب «الامثال»
است. وی کتاب لغت خود «السامی فی الاسامی» را بنام او
(سعید بن احمد) تألیف کرد و آن را «السعیدی» نامید.
«سعید بن احمد» کتابی بنام «الاسمی فی الاسماء» نوشت.
و بقول «حاجی خلیفه»، «سعید» این کتاب را از روی «السامی فی
الاسامی» پدر خویش ترتیب داده است.
وفات: ۵۳۹ هـ. ق = ۱۱۴۲ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۳۱۸

سعید طائی - «عوفی» او را با نعت «الحکیم الکامل» و لقب «زین -
الشعراء» یاد کرده است. از شاعران «عراق» در عهد «آل سلجوق»
است. اطلاعی از او در دست نیست. ظاهراً در نیمه دوم قرن
ششم میزیسته است. قصیده‌یی از او باقی است که از امهات

قصاید فارسی است. بدین مطلع:

غم مخور، ای دوست، کاین جهان بنماید

هرچه تو می بینی، آن چنان بنماید.

زندگانی: سده ششم ه. ق = سده دوازدهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۶۹۴ - دائرة المعارف ج ۱

ص ۱۲۹۸ - لباب الالباب بکوشش شادروان استاد سعید نفیسی ص

۴۱۶ و ۴۱۷

سعید هروی - (خواجه سعیدالدین هروی متخلص به سعید) شاع

شیعی استاد او آخر سده هفتم و نیمه اول سده هشتم هجری

است. «عزالدین طاهر فریومدی» وزیر «خراسان» (از سال ۵۱۶ تا

۵۶۵ ه. ق) را ستایشگر بود. بنا بر روایت «دولتشاه»، «پوربهای جامی»

(م/ ۶۹۹ ه. ق) در شاعری شاگردی وی کرد.

«تقی الدین کاشانی» دیوانش را بده هزار بیت تخمین

زده گوید که در مدایح و مناقب اهل بیت قصاید دارد. قسمتی

بزرگ از اشعارش در «مونس الاحرار» و نیز در «خلاصة الاشعار»

نقل شده است. وی در قصیده سرایی و سرودن ملمع و اتیان لزوم

مالایلم چیره دست و در پیروی از قصیده سرایان او آخر سده

ششم هجری تواناست. این چند مطلع از قصاید بلند اوست:

ای داده حلاوت لب شیرین توجان را
وی طعنه زده قامت توسرو روان را

از بوی مشک برد نسیم بهار دست
گویی زده است در سر زلف نگار دست

چو چشم دلبر من مست و سرگران نرگس
بچشم شوخ برآمد بیوستان نرگس

ببرد روی نگارم ز ماه تابان گوی
دلبر بود سر زلف او چو چوگان گوی
این رباعی او هم لطیف افتاده است:
دی گفت دلم بناتوانی و غمش:
من عهده نمی کنم، تودانی و غمش
فردا من و عقل و صبر و دین کوچ کنیم
تو عاجز و بیچاره بمانی و غمش

وفات: (بروایت تقی الدین کاشانی) ۷۴۱ ه. ق =
۱۳۴۰ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۳۵۲ تا ۳۶۲ - دائرة المعارف
ج ۱ ص ۱۲۹۹

سکاکي- (علامه سراج الدين ابوبکريا ابوعقوب يوسف بن ابوبکر خوارزمي) از ادبای معروف عربيت سده ششم و هفتم هجري مؤلف کتاب «مفتاح العلوم» است در دوازده علم از علوم ادبيه که بارها شرح شده است. در آغاز آهنگري و قفل سازی میکرد و ظاهراً شهرت او به «سکاکي» از همین بابت است. سپس به فراگرفتن دانشها پرداخت و در علوم بلاغت و منطق و صرف و نحو نامبردار شد. در هنگام استیلای مغولان در حضرت «جغتای» فرزند «چنگیز» حرمت یافت. از وی حکایات غریب نقل کرده اند.

تولد: ۵۵۵ ه. ق = ۱۱۶۰ میلادی در «خوارزم».

وفات: ۶۲۶ ه. ق = ۱۲۲۸ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۷۵- دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۳۰۶
تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۳۲۴ و ج ۳ ص ۲۹۳- ریحانة الادب ج ۲
ص ۲۰۴ تا ۲۰۶

سلامی- (ابوعلی حسین بن احمد بن محمد بیهقی نیشابوری) از بزرگان سده چهارم هجری و مولد او «خواربیهق» است. وی در سلك ملازمان و کاتبان «ابوبکر محمد بن مظفر بن محتاج» و پسرانش بود. از آثار اوست: «التاریخ فی اخبار ولایة خراسان». زندگانی: سده چهارم ه. ق = سده دهم میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۷۹

سلطان ابراهیم میرزای صفوی - (ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا
فرزند بهرام میرزا بن شاه اسماعیل اول صفوی) شاعر و صنعتگر
و موسیقی‌دان و خوشنویس و دانشمند و کریم بود و در سوار کاری
و چوگان بازی و تیراندازی و شطرنج دست داشت و بصحبت
دانشمندان و شعراء و ادبا و هنرمندان میل فراوان میورزید .
بفارسی و ترکی شعر می‌گفت و «جاهی» تخلص میکرد. يك نسخه از
دیوان او، که بطرز بدیعی تزیین شده، اکنون در «کتابخانه سلطنتی»
موجود است.

وی خط نستعلیق را نزد «مالک دیلمی» خوشنویس
معروف مشق میکرد و بسیار پاکیزه می‌نوشت. «گوهر سلطان»
دختر «شاه طهماسب اول» همسروی بود. «ابراهیم میرزا» دوازده
سال فرمانروایی «خراسان» کرد و بعد از حکومت راند. بعد نایب-
السلطنه «شاه طهماسب» شد و در زمان «شاه اسماعیل دوم» با آنکه در
اوائل حال مورد توجه بود، سرانجام مقتول شد و جنازه او را از
«قزوین» به «مشهد» بردند.

تولد: آخر ذی‌الحجه ۹۴۶ هـ. ق = ۱۵۳۹ میلادی.
قتل: یکشنبه عذی‌الحجه ۹۸۴ هـ. ق = ۲۴ فوریه ۱۵۷۶
میلادی در «قزوین» و مدفنش در جوار «حضرت امام رضا» (ع) است.
آتشکده آذربخش نخست ص ۵۰ و ۵۱- کارنامه بزرگان ایران ص
۳۹۶ و ص ۳۹۷

* * *

سلطان الحکما

رك: حاج ميرزا ابوالقاسم سلطان الحکما- كتاب حاضر
ص ۲۸۵- هم رك: فرهنگ معين ج ۵ ص ۷۸۵.

سلطان القراء- (شيخ عبدالرحيم بن شيخ ابوالقاسم تبریزی) در علم تجويد
در عصر خود استاد بود. «فاضل ايروانی» و «شيخ فرج الله بن حاج
محمد تبریزی» از شاگردان او بودند.

از تألیفات اوست: «درر المنثور» - «رساله در تجويد»
و «حاشیه بر مقدمه شمس الدين ابو الخير».

ولادت: ۱۲۵۵ هـ . ق = ۱۸۳۹ میلادی. در «تبریز».

وفات: شب نوزدهم رمضان ۱۳۳۶ هـ . ق = ۱۹۱۷ میلادی.

در «تبریز» مدفون در «صفة الصفا» در دامنه «کوه سرخاب»

ريحانة الادب ج ۲ ص ۲۱۷- فرهنگ معين ج ۵ ص ۷۸۵

سلطان جلال الدين منکبرنی- پسر ارشد «سلطان محمد خوارزمشاه»،

یکی از قهرمانان «ایران» بشمار آمده است. وی در مقابل «مغولان»

شجاعت و رشادت فوق العاده از خود نشان داد و از سال ۶۱۷ تا

۶۲۸ هـ . ق در برابر آنان مقاومت کرد و در بسیاری از جنگها

مغولان را شکست .

وی چون خالی بر بینی داشت، او را «منک برنی» گفته اند.

چه «مينك» در ترکی بمعنی خال و «برنی» بمعنی بینی است.

جلوس: ۶۱۷ هـ. ق = ۱۲۲۰ میلادی.

قتل: ۶۲۸ هـ. ق = ۱۲۳۰ میلادی در «کردستان».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۳۰ - کارنامه بزرگان ایران ص

۳۵۷ تا ۳۶۱ - تاریخ برگزیدگان ص ۷۳ و ۷۴

سلطان حسین بایقرا - (سلطان ابوالغازی حسین بن منصور
بایقرا بن عمر شیخ بن امیر تیمور گورکان) شهریار نامدار و
هنر پرور تیموری « خراسان » و شخصاً اهل ذوق و ادب بود.
در نظم و نثر فارسی و ترکی آثاری از خود بیادگار گذاشت .
« مجالس العشاق » نگاشته « کمال الدین حسین گازرگاهی » بنام
این پادشاه منتسب شده است. در زمان او « هرات » بوجود شعرائی
نامی چون « جامی »، و علمائی عالیقدر و هنرورانی ارجمند مزین
بود . مهرداد و دوست و ندیم او « امیر علیشیر نوایی » در همه
کارهای نیک او مشارک است.

جلوس: در «گورگان» و «مازندران» ۸۶۳ و ۸۶۴ هـ. ق =

۱۴۵۸ و ۱۴۵۹ میلادی و جلوس در «خراسان» و غیره ۸۷۸ هـ. ق

= ۱۴۷۳ میلادی.

وفات: ۹۱۲ هـ. ق = ۱۵۰۶ میلادی در «هرات».

کارنامه بزرگان ایران ص ۳۷۳ و ۳۷۴ - نور و ظلمت

ص ۱۶۹ - آتشکده آذر بخش نخست ص ۵۶

سلطان علاءالدین کیقباد سلجوقی- (کیقباد اول) دوازدهمین از
سلسلهٔ «سلاجقهٔ آسیای صغیر» پادشاه مشهور دانش دوست و معرفت-
پرور «آسیای صغیر» در دورهٔ «مغول» است. وی بسیاری از فضلا و
دانشمندان و شعرا و صوفیان را تحت حمایت خود قرارداد.

جلوس: ۶۱۶ هـ. ق = ۱۲۱۹ میلادی.

وفات: ۶۳۴ هـ. ق = ۱۲۳۶ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۱۸۹

سلطان علی شاه گنابادی

رك: حاج ملا سلطانعلی شاه گنابادی . - كتاب حاضر

ص ۲۸۰ و ۲۸۱ . - هم رك: فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۸۶ - تاریخ

رجال ایران ج ۲ ص ۱۰۳ و ۱۰۴

سلطانعلی مشهدی - (فرزند محمد) اورا «قبله الكتاب»، «زبدة الكتاب»،
«سلطان الخطاطین»، «کاتب السلطانی» و «نظام الدین» نیز خوانده اند.
«ابوسعید گورکانی» وی را به «هرات» خواند، و در دربار «حسین
بایقرا» بکتابت مشغول شد و پس از مرگ او به «مشهد» بازگشت و در
هشتاد و پنج سالگی درگذشت. در جوار مرقده «حضرت رضا (ع)»
مدفون است. او در نستعلیق شاگرد «اظهر تبریزی» بود و معروفترین

شاگردان او «سلطان محمد نور» است.

تولد: ۸۲۱ ه. ق = ۱۲۳۷ میلادی در «مشهد».

وفات: ۹۲۶ ه. ق = ۱۵۱۹ میلادی در «مشهد».

ریحانة الادب ج ۲ ص ۲۱۳ و ۲۱۴ - احوال و آثار خوشنویسان
ج ۱ ص ۲۴۱ تا ۲۶۶ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۸۷

سلطان محمد خدا بنده - (الجایتو) پادشاه «مغول» از سلسله
«ایلخانان ایران» برادر و جانشین «غازان»، نخستین پادشاه «مغولی
ایران» است که به آیین تشیع گروید و نام ائمه (ع) را بر سکه نقش
کرد. شهر «سلطانیه» از بناهای اوست. وی پایتخت را از «تبریز»
بدان شهر انتقال داد.

جلوس: ۷۰۳ ه. ق = ۱۳۰۳ میلادی.

وفات: ۷۱۶ ه. ق = ۱۳۱۶ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۱۹۹ - تادیک مغول تألیف عباس اقبال
آشتیانی ص ۳۰۸ تا ۳۲۵

سلطان محمد - نقاش و مذهب ایرانی سده دهم هجری معاصر با «سلطان
حسین بایقرا» و «شاه اسماعیل اول صفوی» و «شاه طهماسب
اول» و استاد نقاشی «شاه طهماسب» بود. ساعتی ابتکاری برای
«امیر علیشیر» ساخته بوده است ...
زندگانی: سده ۱۰ هجری = سده ۱۶ میلادی.

احوال و آثار خوشنویسان ج ۱ ص ۲۷۹ و ۲۸۰ - فرهنگ
معین ج ۵ ص ۷۸۷

سلطان محمد نور - (فرزند نورالله) شاعر و خوشنویس سده دهم هجری،
پسر خوانده و شاگرد «سلطان علی مشهدی» است. نسخه زیبای
«خمسسه حکیم نظامی گنجوی» مورخ ۹۳۱ ه. ق (= ۱۵۲۴ میلادی)،
که در «موزه متروپولیتن نیویورک» است، از آثار اوست.
تولد: در حدود ۸۷۷ ه. ق = ۱۴۷۲ میلادی.
وفات: ظاهراً ۹۴۰ ه. ق = ۱۵۳۳ میلادی در «بخارا»
و مدفون بدانجا است.

احوال و آثار خوشنویسان ج ۱ ص ۲۷۲ تا ۲۸۵ - فرهنگ معین
ج ۵ ص ۷۸۷

سلطان معزالدین ابوالحارث احمد بن ملک شاه سنجر سلجوقی
رک: به «سنجر» (سلطان ناصرالدین، سپس معزالدین ابوالحارث
احمد بن ملک شاه سلجوقی) آخرین پادشاه از سلجوقیان بزرگ.

سلطان ولد - (بهاءالدین محمد بن مولانا جلال الدین محمد مولوی)
متخلص به «ولد» از عارفان بنام سده هفتم و اوایل سده هشتم
هجری است. در «لارنده آسیای صغیر» از «گوهر خاتون» دختر
«خواجه شرف الدین سمرقندی» نخستین همسر مولانا بزاد و در
زندگانی نیای پدری خویش، «بهاءالدین محمد» بنام وی نامیده
شد. بروایت «افلاکی» در «مناقب العارفین» نزد پدر بسیار محبوب

بود و مولانا بوی می فرمود که: «تو از همه کس خلقاً و خلقاً بمن مانده- تری». مقدمات فقهر از پدر آموخت و بفرمان او به همراهی برادر کهنتر خویش «علاءالدین محمد» (م/ ۶۶۰ ه. ق) برای تحصیل معارف به «دمشق» شد و چون به «قونیه» بازگشت در خدمت پدر بسر می برد و از محضر «برهان الدین محقق ترمذی» و «مولانا شمس- الدین تبریزی» بهره ها جست. بهنگام درگذشت پدر پنجاه ساله بود که با همه اصرار «حسام الدین چلبی» بجای پدر نشست و یازده سال حلقه ارادت «حسام الدین» (م/ ۶۸۳ ه. ق) در گوش کشید و پس از وفات او بر جای پدر مسند نشین شد و سی سال خلافت کرد و بنشر «طریقت مولویه» و ایجاد «مولوی خانه» ها و نصب مشایخ در شهرهای گوناگون و بسط افکار پدر پرداخت. پس از وی فرزندش «جلال الدین فریدون» معروف به «امیر عارف» (م/ ۷۱۹ ه. ق) که از «فاطمه خاتون» دختر «شیخ صلاح الدین زرکوب» بود، بر جای پدر نشست؛ و همچنان فرزندان او تا بروزگار قریب بزمان ما پوست نشین خانقاه مولویان بودند.

از آثار اوست: «دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات» در ۱۲۷۱۹ بیت که بتصحیح «نافذ اوزلق» بطبع رسیده و اگرچه در شور و گرمی به اشعار مولانا نمیرسد، ولی هم در پیروی شیوه او سروده آمده است. مثنوی های سه گانه که مجموعه آنها به «مثنوی ولدی» یا «ولدنامه» مشهور است و سروده بی است در حدود ده هزار بیت و در سه قسمت و به دو وزن، یکی «مثنوی به

بحر خفیف» بوزن «حدیقه سنائی» مشتمل بر بیان دقایق عرفانی و نکات اخلاقی و شرح اخبار و احادیث و تفسیر آیات همراه با ذکر امثال و بیانات که قسمت عمده آن وقف است بر یاد کرد احوال پدر مولانا «سلطان العلماء بهاء الدین ولد» و «مولانا جلال الدین» و «برهان الدین محقق ترمذی» و «شمس الدین تبریزی» و «صلاح الدین زرکوب» و «حسام الدین چلبی» و خود سراینده، بویژه از بنیاد و منشأ و خاندان و تولد و زندگانی پدر خویش و نیاکان با شبا ع سخن رانده است و کیفیت حال و کار پدر را تا حدی بسیار باز نموده است و هیچ نکته‌بی را بقدر دید و دیدار خود فروگذار نکرده. این قسمت بسال ۶۹۰ ه. ق آغاز و انجام یافته است.

دو منظومه دیگر، بوزن مثنوی شریف مولانا، با مطالبی نظیر منظومه نخستین و با همان شیوه است. ابیات این منظومه‌ها متوسط و گاه سست است و معلوم است که از سرشتاب سرود آمده. با اینهمه در شرح حال و کار مولانا و خاندان و مکتب وی از قویترین و سودمندترین مآخذ تواند بود. «سلطان ولد» بزبان ترکی آشنایی کامل داشت و منظومه‌یی به ترکی بنام «رباب‌نامه» سروده است و اشعاری دیگر هم به ترکی دارد. وی نود سال در این جهان بزیست.

ولادت: ۶۲۳ ه. ق = ۱۲۲۶ میلادی در «لارنده» از بلاد «آسیای صغیر».

وفات: ۷۱۲ هـ. ق = ۱۳۱۲ میلادی در «قونیه» و مدفون

در جنب «تربت مولانا» .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۴۶۰ و ۷۰۵ تا ۷۱۲ -
دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۳۲۵ - مقدمه رومی ص ۴ - مجله تماشا سال سوم شماره
۱۴۶ ، ۶ بهمن ۱۳۵۲ ص ۸ تا ۱۰ مقاله بعنوان «کند و کاوی در
زندگی و آثار مولوی»، نوشته دکتر سید حسن سادات ناصری - رساله در
احوال و آثار مولانا جلال الدین محمد مشهور به مولوی از استاد اجل
شادروان بدیع الزمان فروزانفر موارد مختلف.

سلطانی - (جلال الدین محمود ملقب به قطب مغیشی سلطانی) خوشنویس
سده نهم هجری. وی از معاصران و شاگردان «میرزا جعفر تبریزی
بایسنقری» و از اقران «عبدالله طباطبائی» و «ظاهر تبریزی» خوشنویس
بود. او را در خط ثلث تالی «یا قوت مستعصمی» دانسته اند.
نسخه‌هایی از «قرآن مجید» بخط وی در «در کتابخانه سلطنتی ایران»
موجود است.

زندگانی: سده ۹ هجری = سده ۱۵ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۸۷

سلمان ساوجی - (ملك الشعراء خواجه جمال الدين بن خواجه علاء الدين محمد ساوجی) شاعر معروف سده هشتم هجری، در جوانی مداح «خواجه غیاث الدین محمد وزیر» بود و در همه مدت وزارتش او را مدح گفت و پس از برهم خوردن اساس سلطنت ایلخانی و مرگ «ابوسعید» (م/ ۷۳۶ ه. ق) بخدمت امرای «آل جلائر» پیوست و مداح «امیر شیخ حسن بزرگ» و همسر او «دلشاد خاتون» و پسر این هردو، «سلطان اویس» و فرزند «سلطان اویس»، «سلطان حسین» و همچنین «شاه محمود مظفری»، هنگام پناه بردن این شهریار به «آذربایجان»، و برادرش «شاه شجاع»، هنگامی که «آذربایجان» را مسخر ساخته بود، گردید. «سلمان» در «بغداد» پایتخت «ایلکانیان» اقامت گزید... و سرانجام بمناسبتی عزلت گزین شد و به «ساوه» مسقط الرأس خود آمد و در ملکی که داشت مقیم گشت و همانجا در گذشت. او آخرین قصیده سرای بزرگ ادب فارسی بعد از حمله مغول است. علاوه بر دیوان قصاید، نزدیک پنج هزار بیت غزلیات و مقطعات و ترجیعات و ترکیبات و رباعیات دارد و دارای دو مثنوی است:

۱- «جمشید و خورشید» در بهر هزج مسدس مقصور یا محذوف که «سلمان» آن را در جمادی الثانی سال ۷۶۳ ه. ق بنام «سلطان اویس» ساخت و موضوع آن داستانی است ابداعی در عشق «جمشید پسر فغفور چین» با «خورشید دختر قیصر روم» و قهرمانی‌های «جمشید» در راه وصول به معشوق.

۲- «فراقنامه»، ببحر متقارب مثنوی مقصور یا محذوف شامل هزار بیت در ذکر محبت میان «سلطان اویس» و «پیرانشاه پسر خواجه مرجان» و مرگ او در «گیلان» بسال ۷۶۹ ه. ق.

شیوۀ «سلمان» در قصیده سرایی در حدی میانۀ قدما و متأخرین است. وی عده‌یی از مشاهیر شاعران را جواب گفته است، چون: «منوچهری»، «سنائی»، «انوری»، «خاقانی»، «ظهیر» و «کمال الدین اسماعیل». سخن «سلمان» استوار و روان و استادانه است. مضامین تازه دارد و التزام ردیفهای گوناگون میکند و صنایع مختلف را بکار می‌بندد. پس از حملۀ «مغول» تا بازگشت ادبی، در قصیده سرایی کمتر شاعری را به استادی «سلمان ساوجی» می‌شناسیم.

تولد: دهۀ اول سدهٔ هشتم ه. ق = سدهٔ چهاردهم میلادی در «ساوه».

وفات: ۷۷۸ ه. ش = ۱۳۷۶ میلادی در «ساوه».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۱۰۰۴ تا ۱۰۲۲ - آتشکدهٔ آذر بخش سوم ص ۱۱۲۳ تا ۱۱۳۵ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۹۱.

سلمان فارسی. از صحابۀ خاص پیغمبر اسلام (ص) است. اصل او را بعضی از «جی اصفهان» و بعضی از «رامهرمز» گفته اند. چندی در

«شام» و «موصل» و «نصیبین» سیاحت کرده بود و در بلاد عرب به اسارت «بنی کلب» افتاده. آنگاه یکی از «بنی قریظه» او را خریده به «مدینه» برد. در «مدینه» مسلمان شد و مسلمانان وی را از خواهش بخریدنند و آزاد ساختند. «سلمان» در خصوص ادیان و مذاهب مردی آگاه و صاحب اطلاع و پرهیزگار و دانا و کاردان وزیرك بود. در غزوة «خندق» مسلمین را به کندن خندق راهنمونی کرد. احادیث مروی از «سلمان» مستند فریقین است. صوفیان او را از پیشگامان طریق تصوف و از «اهل صفة» قلمداد کرده اند و از زهد و دینداری و فضیلت وی روایات بسیار آورده . - گویند: در پایان زندگانی، فرمانفرمایی «مداین» داشت؛ و مستمری خویش را از بیت المال به صدقه میداد و خود از زنبیل بافی روزی میخورد.

وفات: ۳۵ یا ۳۶ هـ. ق = ۶۵۵ یا ۶۵۶ میلادی در «مدائن» و مدفون در همانجا در بقعه‌یی که بنام او مشهور به «سلمان پاک» است.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ج ۲ ص ۴۳ و ۴۷ و ۷۵ -
دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۳۲۷

سلمی نیشابوری (محمد بن حسن بن موسی از دی مکتبی به ابو عبد الرحمن) از متصوفه بزرگ بود. او کتابی بنام «طبقات الصوفیة» تألیف کرد که اصل آن از میان رفته است و «خواجه عبدالله انصاری»

مضامین آنرا در «هرات» بهنگام وعظ املاء کرده و آن بنام «طبقات انصاری» معروف است و در «افغانستان» بطبع رسیده .
از «سُلمی» کتاب دیگری بنام «حقایق التفسیر» در تفسیر «قرآن مجید» باقی مانده است.

تولد: ۳۳۰ هـ. ق = ۹۴۲ میلادی.

وفات: شعبان ۴۱۲ هـ. ق = ۱۰۲۱ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۹۱ - ریحانة الادب ج ۲ ص ۲۲۱ و ۲۲۰

سلیمان خان خلف بیگی شیرازی

رك: ركن الملك.. كتاب حاضر ص ۴۰۲ و ۴۰۳

سلیم طهرانی - (محمد قلی بیگ) شاعر نامدار عصر صفوی . از قبيلة «شاملو» است و در «تهران» و «قزوین» میزیست . مخصوصاً او را از مردم «طرشت طهران» نوشته اند . در عهد «شاه جهان» به «هند» شد و هم در آنجا در گذشت . شاعری مضمون پرداز است . «دیوان کامل محمد قلی سلیم طهرانی» شامل غزلیات ، قصائد ، مثنویات ، قطعات و رباعیات با مقدمه‌یی در تحقیق احوال و آثار شاعر بمسال ۱۳۴۹ هـ . ش به تصحیح و اهتمام آقای «رحیم رضا» بسرمایه

انتشارات «ابن سینا» بطبع رسیده است.

وفات: ۱۰۵۷ ه. ق = ۱۶۴۷ میلادی.

ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۱۸۹ - آتشکده آذربخش

نخست ص ۶۴ و ۶۵

سماعی - (حبیب بن سماع حضور) از استادان موسیقی و نوازنده «سنتور» در سده اخیر است. بجهت اشتغالش به «خدمت نظام» مدتی از «سنتور» دوری گزید و بعدها که از نظام بیرون آمد، تحولی مخصوص در ذوق موسیقی او آشکار شد و ابتکاراتی بدیع نشان میداد. «استاد صبا» بعلمت همکاری نزدیکی که با «سماعی» داشت، منتخب ابتکارات و اطلاعات «سماعی» را با تکنیک مخصوص او حفظ کرد و در کتابی انتشار داد.

تولد: ۱۳۱۹ ه. ق = ۱۲۸۰ ه. ش = ۱۹۰۱ میلادی.

وفات: ۱۳۶۶ ه. ق = ۱۳۲۵ ه. ش = ۱۹۴۶ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۹۹ - سرگذشت موسیقی ایران ج ۱ ص ۱۵۲

تا ۱۵۶ و ۱۶۱ تا ۱۶۷ و موارد مختلف آن کتاب.

سمعانی - (فخرالدین ابوالمظفر عبدالرحیم بن عبدالکریم) فقیه و عالم بزرگ «خراسان» در سده ششم و سرآغاز سده هفتم هجری و از «خاندان سمعانی» است.

تولد: ۵۳۷ ه. ق = ۱۱۴۲ میلادی.

وفات: ۱۴۶۱ یا ۱۴۶۶ ه. ق = ۱۲۱۷ یا ۱۲۱۹ میلادی

فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۰۰

سمعانی - (ملقب به «تاج الاسلام» منسوب به «سمعان»، بطنی از «تمیم»،
«ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور تمیمی» «مروزی»
شافعی) فقیه و مورخ و حافظ حدیث است. در طلب حدیث در
«ایران» و «عراق»، «شام»، «حجاز» و «مأوراء النهر» بسیار
سفر کرد. از آثار اوست: «تذیل تاریخ بغداد خطیب
بغدادی» - «تاریخ مرو» و «فضائل الصحابة» - «معجم المشایخ»
- «تاریخ الوفاة للمتأخرین فی الرواة» - «الامالی» - «التحجیر
فی المعجم الكبير» و معروفترین آثار او کتاب «الانساب» است
که به «انساب السمعی» مشهور است و دوبار بطبع رسیده.

تولد: ۵۰۶ ه. ق = ۱۱۱۲ میلادی در «مرو».

وفات: ۵۶۲ ه. ق = ۱۱۶۶ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۰۰ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۳۲۶

سمیعی - (حسین ملقب به ادیب السلطنه) متخلص به «عطا» از خانواده
«سمیعی» و از ادبا و رجال دوره معاصر است. در دوران طفولیت

در «کرمانشاه» و «تهران» بسر میبرد و بعد از پدرش به مشاغل دولتی پرداخت و بوزارت و وکالت مجلس و سنا توری رسید. وی شاعر بود و نثر خوش می نوشت و «انجمن ادبی فرهنگستان ایران» را سرپرستی می کرد. از تألیفات او رساله «جان کلام» و رساله‌یی در «دستور زبان فارسی» و کتاب «آیین نگارش» برای دبیرستانهاست. تولد: ۱۲۹۳ ه. ق = ۱۸۷۶ میلادی در «رشت».

وفات: ۱۳۷۳ ه. ق = پنج بعد از ظهر جمعه ۱۶ بهمن ماه

۱۳۳۲ ه. ش = ۱۹۵۳ میلادی در «تهران» .

آثار منظوم یادپوان اشعار مرحوم حسین سمیعی (ادیب السلطنه) طبع ۱۳۳۵ ه. ش - فرهنگ معین ج ۵ س ۸۰۲

سنائی - (حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنائی غزنوی) شاعر گرانقدر و عارف بلند اندیشه سده ششم هجری، از استادان مسلم شعر فارسی و نخستین شاعر بزرگ عرفانی ایران زمین است . وی در اواسط یا اوایل نیمه دوم سده پنجم در «غزنین» از مادر بزاد و پس از بالیدن در شاعری، به دستگاه شهرباران «غزنوی» چون: «مسعود بن ابراهیم» (۴۹۲-۵۰۸ ه. ق) و «یمین الدوله بهرامشاه بن مسعود» (۵۱۱-۵۵۲ ه. ق) راه جست و شاعری درباری بود و در چنگ آزر گرفتار . در نتیجه تحولی روحانی دست در دامن عرفان زد و از جهان و جهانیان روی در کشید. و در این باب داستانها آورده اند . وی چند سال از دوره جوانی خویش را در شهرهای «بلخ» و «سرخس» و «هرات» و «نیشابور»

بگذرانید و ظاهراً از «بلخ» به «مکه» شد و هم به «بلخ» باز آمد
 و چندی در آنجا بسربرد. آنگاه از «بلخ» به «سرخس» و «مرو»
 و «نیشابور» کشید و در سایهٔ نیکو داشت بزرگان آن شهرها بسر
 برد و در حدود ۵۱۸ هـ. ق به «غزنین» باز گشت. یادگار وره آورد
 این سفر دراز مدت قصاید و اشعاری است که در «خراسان»
 سروده است. وقدمترین مثنوی های او «کارنامهٔ بلخ» است در
 حدود پانصد بیت که پیش از سال ۵۰۸ هـ. ق در «بلخ» سروده و
 بنیاد آن بر طبیعت و مزاح است. بدین روی آنرا «مطایبه نامه» هم
 میگویند. تغییر حال و مجذوب شدن «سنائی» نیز در همین سفر
 روی نموده است. وی را شاگرد و مرید «ابو یوسف یعقوب
 همدانی» دانسته اند. «سنائی» پس از بازگشت به «غزنین» تا
 پایان زندگانی خود در حالت عزلت بود. شاهکار بی همتای او
 «حديقة الحقيقة» در ده باب و در حدود ده هزار بیت در سالهای
 ۵۲۴ و ۵۲۵ هـ. ق در همین شهر بنام «بهرام شاه غزنوی» سروده
 آمده است. جز این دو مثنوی «سنائی» را مثنوی های دیگری است
 چون: «سیر العباد الى المعاد» بر وزن «حديقة»، بیشتر از هفتصد
 بیت، که در «سرخس» سروده و بطریق تمثیل از آفرینش انسان و
 اقسام نفوس و عقول و مسائل اخلاقی سخن گفته است و به ستایش
 «سیف الدین محمد بن منصور قاضی سرخس» سخن را پایان
 برده. و دیگر «طریق التحقيق» هم بر وزن «حديقة» در حدود
 یک هزار بیت در معانی عرفانی. این مثنوی بسال ۵۲۸ (۱۹) هـ. ق پایان

پذیرفته است. مثنوی «عشق‌نامه»، در حدود هزار بیت، مشحون از معارف و حقایق و مواعظ و مثنوی‌های «عقل‌نامه» و «تجربه‌العلم». مجموعه مثنوی‌های او به «سته سنائی» مشهور است. «دیوان سنائی» مشتمل است بر مدایح و زهدیات و غزلیات و قلندریات و رباعیات و مقطعات که استوارترین طبع آن باهتمام «استاد محمد تقی مدرس رضوی» بعمل آمده است، مشتمل بر ۱۳۳۴۶ بیت. در آثار «سنائی» دوشیوه مختلف مربوط به دو دوره از زندگانی او بنظر میرسد. یکی اشعار مربوط به مرحله نخستین زندگانی وی که شاعری درباری و مدح‌گستر و لهو‌پیشه و آزاداندیشه است و دیگر اشعار مربوط به مرحله دوم زندگانی او که محتوی افکار اخلاقی و عرفانی است و سبک اصیل «سنائی» را در شاعری باید از این گونه آثار جست که در نظم مواعظ و زهدیات و مطالب عرفانی شیوه و اسلوبی خاص خود برگزیده است و همین اسلوب است که بعدها مورد عنایت «خاقانی شروانی» و «جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی» قرار گرفته.

«سنائی»، «دیوان مسعود سعد سلمان» را جمع‌آوری کرده است و مخصوصاً در اوائل شاعری از سبک استادان پیشین چون: «عنصری»، «فرخی» و «مسعود» بهره ور آمده است و مخصوصاً به «فرخی» بیشتر اقتدا کرده.

تولد: در حدود ۴۷۳ ه. ق. = ۱۰۸۰ میلادی در

«غزنین».

وفات: ۵۳۵ ه. ق = ۱۱۴۰ میلادی یا روز یکشنبه
یازدهم شعبان ۵۲۵ ه. ق = ۱۱۳۰ میلادی در «غزنین» و مدفنش
نیز در «غزنین» زیارتگاه است.

آتشکده آذر بخش دوم م ۵۴۴ تا ۵۷۳ - تاریخ ادبیات
در ایران ج ۲ ص ۵۵۲ تا ۵۸۶ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۳۴۱ -
فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۰۳ - کارنامه بزرگان ایران م ۱۷۰ و
ص ۱۷۱.

سنباد مجوس - ملقب به «اسپهبد فیروز»، از سرداران و طرفداران بزرگ
«ابومسلم خراسانی» است. وی پس از قتل «ابومسلم» به امر
«منصور خلیفه»، بسال ۱۳۷ ه. ق، بخونخواهی او علم طغیان
برافراشت. اگرچه وی ظاهراً آیین جدیدی نیاورد و معروف
به «مجوس» بود و نحوه اعتقاد او هم به «ابومسلم» معلوم نیست،
مع ذلك عده بسیاری از پیروان ادیان و مذاهب مختلف تحت
لوائ او جمع شدند و «سنباد» قصد خود را برای پیشروی بسوی
«حجاز» و خراب کردن «کعبه» اعلام نمود و از «نیشابور» حرکت
کرد. اتباع او را به صد هزار نوشته اند. عاقبت پس از هفتاد روز
کروفر بدست یکی از سرداران خلیفه بنام «جمهور بن مرار -
العجلی» در نزدیکی «همدان» شکست خورد و شصت هزار تن از
اتباع او کشته شدند. وی در تقویت روحیه ایرانیان برای رهایی

از تسلط بیگانگان کوشش کرده است.

مقتول: ۱۳۷ هـ. ق = ۷۵۴ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۰۴ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۳۴۲ -

تاریخ برگزیدگان ص ۱۳۲

سنتور خان - (محمد حسن) استاد موسیقی و سنتور نواز اواخر سده سیزدهم هـ. ق است. وی در اوائل سلطنت «ناصرالدین شاه» نامدار شد و از نوازندگان مخصوص دربار و مردی خوش مشرب و کم سخن بود. «محمد صادق خان سرور الملك» از شاگردان اوست.

زندگانی: سده سیزدهم هـ. ق = سده نوزدهم میلادی.

سرگذشت موسیقی ایران ج ۱ ص ۱۶ و ۴۶ و ۶۵ و ۱۵۶ و

۱۵۷ و ۱۶۳ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۰۶

سنجر - (سلطان ناصرالدین، سپس معزالدین ابوالحارث احمد بن ملک‌شاه سلجوقی) در شهر «سنجار» از ایالت «موصل» از مادر بزاد و بهمین مناسبت «سنجر» نامیده شد. آخرین پادشاه از «سلجوقیان» بزرگ است. در سال ۴۰۹ هـ. ق از سوی برادر مهتر خود «برکیارق» (۴۷۸-۴۹۸ هـ. ق) بجای «ارسلان ارغون» فرمانفرمای «خراسان» شد. در منازعات میان «برکیارق» و «سلطان محمد» (۴۹۸-

۵۱۱ ه.ق) جانب برادر مادری خود «سلطان محمد» را گرفت. از این روی این سلطان تازنده بود، «سنجر» امیری «خراسان» داشت. در مدت چهل سال سلطنت، نوزده فتح نصیب او شده است؛ ولی در جنگ سختی که میان او و «قراخانیان» در دره «ضرغام» در گرفت، «سنجر» شکست خورد و این نخستین شکست او بود. تلفات «سلجوقیان» را در این پیکار صد هزار نفر نوشته اند. وی درباری شاعر پرور داشت. «انوری» و «معزی» بزرگترین ستایشگران اویند.

تولد: رجب ۴۷۷ و بقول ۴۷۹ ه.ق = ۱۰۸۴ یا ۱۰۸۶ میلادی.

جلوس: ۵۱۱ ه.ق = ۱۱۱۷ میلادی.

وفات: ربیع الاول ۵۵۲ ه.ق = ۱۱۵۷ میلادی در ۷۳ سالگی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۰۷ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۳۴۷

سنگلاخ

رك: میرزا سنگلاخ

سوزنی- (شمس الدین تاج الشعرا محمد بن علی سمرقندی شاعر) در ابتدای جوانی برای تحصیل علم به «بخارا» رفت و مدتی بتعلم پرداخت و بقول «عوفی» بسبب تعلق خاطر بشاگرد

سوز نگری بآموختن آن صنعت مشغول شد. معاصر «ارسلان خان محمد» (۴۹۵-۵۲۴ ه. ق) از «آل آفراسیاب» و «سنجر» و «اتسز خوارزمشاه» بوده است. با «عمیق» و «سنائی» و «انوری» و «معزی» و «ادیب صابر» و «رشیدی سمرقندی» معاصر بود و با بعضی از آنان مهاجرات داشت. هجاء و بد زبان بود و در این کار مبدع است. قصایدش روان و فصیح است. در اواخر عمر گویند دست از هزل و هجو برداشت و استغفار کرد. دیوانش دوبار باهتمام «دکتر ناصرالدین شاه حسینی» بطبع رسیده است.

وفات: ۵۶۲ ه. ق یا ۵۶۹ ه. ق = ۱۱۶۶ یا ۱۱۷۳ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۵۲۲ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۲۲

سهروردی- (ابوالنجیب ضیاء الدین عبدالقاهر بن عبدالله) منسوب به «سهروردزنجان» عارف معروف و از مریدان «احمد غزالی» است و مصنفات بسیار بدو منسوب است.

ولادت: ۴۹۰ ه. ق = ۱۰۹۶ میلادی.

وفات: ۵۶۳ ه. ق = ۱۱۶۷ میلادی.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۳۰

سهروردی.

رك: شيخ شهاب الدين ابو حفص عمر بن محمد بن
عبدالله بن محمد بن عمرو بن بكري سهروردی مؤسس طریقه
سهروردیه.

سهروردی- (یحیی بن حبش بن امیرك) ملقب به «شهاب الدین» و
«شیخ اشراق» و «شیخ مقتول» و «شهید»، مکنی به «ابوالفتح»،
حکیم معروف و محیی «حکمت اشراق» است. وی حکمت و اصول
فقه رانزد «مجدالدین جبلی» استاد «امام فخر رازی» در «مراغه»
آموخت و در علوم حکمی و فلسفی سرآمد شد و بقوت وحدت
ذهن و ذكاء و نیک اندیشی بر بسیاری از امور علمی اطلاع یافت.
«از حکمت ایرانی» و اصطلاحات «دین زرتشتی» استفاده کرد.
متعصبان او را به الحاد متهم کردند و علمای «حلب» خون او را
مباح شمردند و «صلاح الدین ایوبی»، فرمانروای «مصر» و
«شام»، فرمان بقتل وی داد. در ۳۸ سالگی در حبس او را
خفه کردند. از آثار اوست: «منطق التلویحات»- «کتاب المشارع»
«مطارحات»- «هیاکل النور»- «کلمة التصوف»- «حکمة الاشراق»-
«لغت موران»- «آواز پر جبرئیل»- «عقل سرخ»- «روزی با
جماعت صوفیان» و... وی حکیمی است با مشرب عرفانی، ولی
در سلسله های صوفیان راه نجسته است.

ولادت: ۵۴۹ هـ. ق = ۱۱۵۴ میلادی در «سهرورد زنجان».

مقتول: ۵۸۷ = ۱۱۹۱ میلادی در «حلب» و گوروی در
قلعتی بدانجا است.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۹۷ تا ۳۰۵ و ۹۹۶ تا ۹۹۸
- فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۳۰ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۳۸۴

سهل- (ابو حاتم بن محمد بن عثمان بن یزید جشمی سیستانی) -
«نحوی»، «لغوی» و «مقری»؛ وی از علوم قرآنی بهره کافی داشت
و «عروض» نیکو میدانست و «الکتاب سیبویه» را دوبار از
«اخفش» فراگرفت و از «اصمعی» و «ابوزید انصاری» و «ابو
عبیده معمر بن مثنی» روایات بسیار در لغت و اقسام دیگر ادب دارد.
«ابن درید» و «مبرد» از شاگردان اویند. او راست: «الاضداد» -
«اعراب القرآن» - «الشتا و الصیف» - «الشمس والقمر» - «کتاب
فی النحو» - «کتاب الوصایا» و غیره.

وفات: ۲۴۸ یا ۲۵۵ هـ. ق = ۸۶۱ یا ۸۶۸ میلادی در «بصره».

ریحانة الادب ج ۲ ص ۱۶۹ و ۱۷۰ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۳۲

سهل الطبری

رك: ربن، سهل الطبری (پدر علی بن ربن مشهور) - هم

رك: کتاب حاضر ص ۳۷۳ و ۳۷۴

سیاح- (حاج میرزا محمد علی بن ملا محمد رضا محلاتی) معروف

به «حاج سیاح». مدتی بسیاحت پرداخت و به ملاقات پاپ «پی‌نهم» و «گاریبالدی» و «الکساندر دوم تزار روسیه» نائل آمد و در مراجعت به «استانبول» با «سید جمال‌الدین اسدآبادی» دیدار کرد و از مریدان او شد. سپس به «آمریکا» و «ژاپن» و «مکه» مسافرت کرد و بعد به «ایران» بازگشت و از اینجا به «چین» و «هندوستان» و «آمریکا» رفت و در «بمبئی» خدمت «آقاخان محلاتی» رسید. معاشرت و ارادت وی با «سید جمال‌الدین» موجب سوء ظن «ناصرالدین شاه» شد و او را به «خراسان» تبعید کردند. وی پس از چهارده ماه تبعید به «تهران» بازگشت و همینجا درگذشت.

تولد: ۱۲۵۲ ه. ق = ۱۸۳۶ میلادی در «محلات».

وفات: ۱۳۴۴ ه. ق = ۱۹۲۵ میلادی در «تهران».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۳۳

سیبویه فارسی- (ابوبشر عمرو بن عثمان بن قنبر یا قنبره فارسی بیضاوی مولی بنی‌الحارث- مشهور به «سیبویه») در نحو و علوم عربیه استاد و مقتدای اکابر نحویین «بصره» و کتاب او بنام «الکتاب» نخستین کتاب جامع و بزرگ در نحو است و حواشی بسیار بر آن نوشته‌اند.

وی فنون ادبی را از «خلیل بن احمد عروضی» و «یونس ابن حبیب» و «عیسی بن عمر» و «عبد الحمید اخفش اکبر» فرا گرفت. «اخفش اصغر» شاگرد اوست.

داستان اوبا «کسائی فارسی» (م/ ۱۹۸۰ ه. ق) پیشوای نحویان «کوفه» در «مسأله زبوریه» مشهور است. وی در پایان زندگانی ساکن «شیراز» بود و در آنجا بنا بر وایت مشهور درسی و سه سالگی درگذشت. «فرصة الدولة شیرازی» در «آثار العجم» نوشت: «مزار «سیبویه» در محله «سنگ سیاه شیراز» واقع گردیده، درد کانی، ولوح مزارش سنگی است سیاه و شفاف که در آن خطی دیده نمیشود و آن محله را نیز بواسطه همان سنگ سیاه، «محله سنگ سیاه» خوانده اند.

تولد: ۱۴۸ ه. ق = ۷۶۵ میلادی در «بیضاء فارس».

وفات: ۱۹۴ یا ۱۸۰ ه. ق = ۸۰۹ یا ۷۹۶ میلادی در «شیراز».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۳۵۳ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۳۶ - کارنامه بزرگان ایران ص ۱۸ - تاریخ برگزیدگان ص ۲۶۲ و ۲۶۳

سید ابوالحسن اصفهانی (مرجع تقلید شیعیان)

رك: «ابوالحسن اصفهانی» كتاب حاضر ص ۵۹ و ۶۰

سید احمد رضوی معروف به ادیب پیشاوری

رك: ادیب پیشاوری - كتاب حاضر ص ۱۵۶

سید احمد کسروی - در «تبریز» از مادر بزراد و تحصیلات خود را نیز

در «تبریز» نمود. بسال ۱۳۳۳ ه. ق در مدرسه «موربال اسکول»

Memorial School ، که امریکایی‌ها دایر کرده بودند، زبان انگلیسی آموخت و در همان مدرسه بهمان هنگام تدریس ادبیات تازی و پارسی میگرد. در سال ۱۲۹۸ ه. ش عضو «وزارت دادگستری» شد و بعد کناره گرفت و مدتی معلم زبان عربی «مدرسه ثروت» بود. سپس دوباره وارد خدمت دادگستری گشت و در مدت ده سال خدمت مراحل را طی کرد. سپس بکار وکالت دعاوی پرداخت. وی از فضلا و محققان و مورخان مشهور روزگار ماست و تألیفات او مشتمل بر ۶۲ جلد کتاب و رساله است. از جمله آنها: «تاریخ مشروطه ایران» - «تاریخ هجده ساله آذربایجان» - رساله کوچک و گرانقدر «نامهای شهرستانهای ایران» و «شهریاران گمنام» و... است. وی در بعضی مسائل عقاید تند داشت و با اطلاعات وسیع ادبی ذوق شعر شناسی او بنحوی خاص بود. تولد: ۱۳۰۸ ه. ق = ۱۲۶۹ ه. ش = ۱۸۹۰ میلادی در «تبریز».

مقتول: ۱۳۶۵ ه. ق = بیستم اسفند ۱۳۲۴ ه. ش = ۱۹۴۵ میلادی در «تهران» وزارت دادگستری.

تاریخ رجال ایران ج ۵ ص ۲۲۱

سید احمد مهدی - از سادات حسینی و از خوشنویسان زبردست «خط نستعلیق» است در سده دهم هجری، و از شاگردان «میر علی هروی».

چون در «خط نستعلیق» سرآمد آمد، به «عراق» و «آذربایجان» سفر کرد؛
 و کاتب و ملازم «شاه طهماسب اول صفوی» شد و از آن پادشاه
 هنر دوست مهربانیها دید. سپس به «مشهد» بازگشت و ده سال
 آنجا بماند و شاگردانی پرورد و پس به «مازندران» رفت و سپس
 به «مشهد» بازگشت و آوازه خوشنویسی وی موجب شد که «شاه
 اسماعیل ثانی صفوی» (۹۸۴-۹۸۵ ه.ق) او را به «قزوین» خواند.
 پس از مرگ «شاه اسماعیل» به «مازندران» رفت و همانجا بدرود حیات
 گفت. مشقها و مخصوصاً کتابت‌های «سید احمد» از بهترین نمونه
 های خط نستعلیق قرن دهم هجری است.

وفات: ۹۸۶ = ۱۵۷۸ میلادی.

کارنامه بزرگان ایران ص ۱۴۲ و ۱۴۳ - احوال و آثار
 خوشنویسان بخش اول ص ۴۴ تا ۵۴

سید اسمعیل جرجانی - (الامیر السید، الامام ابو ابراهیم مشرف الدین
 یازین الدین اسمعیل بن حسن بن محمد بن احمد الحسینی الجرجانی)
 المتطبیب، بزرگترین طبیب سده ششم هجری است. وی شاگرد «ابو -
 القاسم عبدالرحمن علی بن ابی الصادق» مؤلف «شرح فصول البقرات»
 و در علوم مختلف استاد بود. او مهمترین آثار طبی را در زبان فارسی
 پدید آورد و نخستین کسی است که یکسره به چنین کاری پرداخت.
 وی در خدمت «قطب الدین محمد» (۴۹۰-۵۲۱ ه.ق) و پسرش «اتسز
 خوارزمشاه» (۵۲۱-۵۵۱ ه.ق) بود. از آثار او «خفی علانی»،

«الطب الملوکی» - «ذخیره خوارزمشاهی» - «اغراض» -
 «یادگار» و «زبدۃ الطب» را نام برده اند. وی «ذخیره» را در دوازده
 مجلد بسال ۵۰۴ ه. ق. بنام «قطب الدین محمد بن انوشته کین
 خوارزمشاه» نوشت. این کتاب در زمرة «حاوی محمد زکریای
 رازی» و «قانون ابن سینا» بشمار میرود. وی در پایان عمر کتاب
 «ذخیره» را بفارسی ترجمه کرد و بعدها همین کتاب وی به عبری و
 ترکی نیز ترجمه شد.

ولادت: ۴۳۴ ه. ق = ۱۰۴۲ میلادی در «جرجان».

وفات: ۵۳۱ ه. ق = ۱۱۳۶ میلادی در «مرو».

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۳۱۵ - کادنامه بزرگان ایران
 ص ۲۴۹ و ۲۵۰ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۵۰۶

سید اشرف الدین قزوینی - معروف به «گیلانی» و «نسیم شمال»، فرزند
 «سید احمد حسینی قزوینی»، صاحب و نویسنده روزنامه سیاسی
 فکاهی و عامیانه «نسیم شمال» و از پیشوایان شعر طنز آمیز
 عصر جدید است. بنابه شرح احوال منظومی که از خویش
 بیادگار گذاشته است، در «قزوین» از مادر بزاد. شش ماهه بود
 که یتیم ماند. و ملک و مال و خانه اش به غصب شد و تنگدستی
 کشید. در جوانی به «عتبات» رفت و ظاهر آ پنج سال در «کربلا» و

«نجف» بزیست، مهرمیهن اورابه «ایران» باز آورد. در بیست و دو سالگی از «قزوین» به «تبریز» شتافت و با پیری روشن ضمیر آشنا شد. تحصیلات مقدماتی را در «تبریز» بگذرانید. هیئت و جغرافیا و صرف و نحو و منطق و هندسه و دیگر علوم متداول را بیاموخت. سپس به «گیلان» رفته در «رشت» اقامت جست و از مردم آنجا نیکو داشتها دید و نخستین اشعار خود را بدانجا سرود و نه ماه پیش از بمباران «مجلس شورای ملی» «روزنامه نسیم شمال» را در دوم شعبان ۱۳۲۴ ه. ق در «رشت» انتشار داد.

در هزار و سیصد و بیست و چهار

چونکه شد مشروطه این شهر و دیار

کردم ایجاد این نسیم نغز را

عطر بخشیدم ز بویش مغز را

«نسیم شمال» تا انحلال مشروطه بتوسط «محمد علی شاه قاجار» بسال ۱۳۲۶ ه. ق دایر بود. در سال ۱۳۲۷ ه. ق با کومک های مادی و معنوی «محمد ولی خان سپهسالار اعظم» دوباره انتشار یافت. «سید اشرف» در سال ۱۳۳۳ ه. ق با «فتح الله اکبر سپهدار اعظم» به «تهران» آمد و در پایتخت به نشر «نسیم شمال» پرداخت. وی محبوب ترین و معروف ترین شاعر ملی عهد انقلاب است. مندرجات «روزنامه نسیم شمال» را، که غالباً اشعار فکاهی و انتقادی بود، از آغاز تا به انجام خود می نوشت. مؤدب و فروتن و مهربان و ساده و کم آزار و خوشروی و نیکوکار

و بخشنده و صمیم بود.

هر روز و هر شب شعر می سرود و اشعار هر هفته را در مطبعه کلیمیان در چهار صفحه کوچک به قطع کاغذهای يك ورقی امروز بنام «روزنامه نسیم شمال» انتشار می داد و از هر طبقه خوانندگان فراوان یافت. قدر او را در آزادی «ایران» نظیر «ستارخان» نوشته اند.

او در همه زندگانی مجرد زیست و در پایان حیات از سال ۱۳۴۵ ه. ق به جنون گرفتارش گفتند و بدین دستاویز سرانجام به تیمارستان برده شد و در حال بیماری و تنگدستی در همانجا جان بجان آفرین سپرد.

از آنجا که قسمتی از اشعار او اقتباس یا ترجمه آزادی از اشعار «میرزا علی اکبر طاهر زاده صابر» گوینده قفقازی در «روزنامه ملانصرالدین» است، «ملك الشعراء بهار» در نامه منظوم خود به «صادق سرمد» درباره وی چنین اظهار نظر کرده است:

احمدای «سید اشرف» خوب بود

احمدا گفتن ازو مطلوب بود

شیوه اش مرغوب بود

سبك «اشرف» تازه بود و بی بدل

ليك «هپ هپ نامه» بودش در بغل

بود شعرش منتحل

شگفت انگیز آنکه این مایه انتحال سخن او را از مرغوبیت نینداخته است.

تولد: ظاهراً ۱۲۸۷ هـ. ق = ۱۸۷۰ میلادی در «قزوین».
وفات: ذی حجه ۱۳۵۲ هـ. ق = ۱۳۱۳ هـ. ش = ۱۹۳۲ میلادی، در «تهران».

از صبا تا نیما ج ۲ ص ۳۹ و ۶۱ تا ۷۷- تاریخ رجال ایران
ج ۱ ص ۱۴۵ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۵۵

سید جمال الدین اسدآبادی- فرزند «صفدر» متفکر و مصلح اجتماعی شرق. مردی آزادی خواه و آزادمنش و دارای افکار و عقاید خاص فلسفی و سیاسی و اجتماعی و طرفدار استقرار دموکراسی در ممالک شرق و ایجاد وحدت میان مسلمانان و تشکیل اتحادیه دولتهای اسلامی بود. همه عمر با سیاست استبداد سلاطین «ایران» و «عثمانی» و «مصر» و سیاست استعماری «انگلیس» مبارزه کرد. در «پاریس» «روزنامه عروة الوثقی» را با همکاری شاگردش «شیخ محمد عبده مصری» انتشار داد. و در «لندن» «روزنامه ضیاء الخافقین» را به عربی و انگلیسی منتشر گردانید و ... در خاک «عثمانی» بفرمان «سلطان عبدالحمید» اورا مسموم کردند. تألیفات وی عبارتست از: «حقیقت مذهب نیجری و بیان حال

نیجریان» که دوبار در سال ۱۲۹۸ ه. ق در «هندوستان» چاپ
سنگی شده است و «تمة البیان فی تاریخ الافغان» که با حروف
سربی بچاپ رسیده است.

ولادت: ۱۲۵۴ ه. ق = ۱۸۳۸ میلادی در «اسدآباد همدان»

مقتول: ۱۳۱۴ ه. ق = ۱۸۹۶ میلادی در

«استانبول».

فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۳۲ - دائرة المعارف ج ۱ ص ۷۴۶
از صبا تانیمای ج ۱ ص ۳۶۷ - سید جمال الدین حسینی پایه گذار نهضت‌های
اسلامی از صدر واقعی - آراء و معتقدات سید جمال الدین افغانی تألیف
مرتضی مدرسی چهاردهی

سید جمال الدین واعظ اصفهانی - «واعظ معروف» و از رهبران
مشروطیت است، قریب بیست سال در شهرهای «اصفهان»، «شیراز»،
«مشهد» و «تهران» بوعظ میپرداخت و در روشن ساختن افکار
مردم می کوشید. از آثار او رساله «لباس التقوی» و «رؤیای
صادقه» باقی است و صورت نطقها و مجالس او با اسم «الجمال»
بچاپ رسیده است. بدستور «محمد علی شاه قاجار» در
«بروجرد» زندانی و مسموم گشت.

تولد: حدود ۱۲۷۹ ه. ق = ۱۸۶۲ میلادی در «همدان».

مقتول: ۱۳۲۶ ه. ق = ۱۹۰۸ میلادی در «بروجرد».

و مدفنش هم بدانجا است.

فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۳۲- تاریخ برگزیدگان ص ۱۴۰
و ۱۴۱ - کارنامه بزرگان ایران ص ۳۳۶

سیدحسن تقی زاده - فرزند «سید تقی پیشنمازاردوبادی» است. در «تبریز» از مادر بزاد. تحصیلات خویش را در «تبریز» آغاز کرد. و بعدها که در جریانات سیاسی درآمد، به مطالعات خویش ادامه داد و به چند زبان خارجی آشنا شد. وی چند دوره به نمایندگی «مجلس شورای ملی» رسید. در دوره‌های اول و دوم از «تبریز» و در دوره‌های چهارم و پنجم و ششم از «تهران» و در دوره پانزدهم از «تبریز» انتخاب شد. در دوره اول که «محمد علیشاه» در جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ ه. ق مجلس را بتوپ بست، جان وی سخت در خطر بود و به «سفارت انگلیس» پناهنده شد و تأمین گرفت و بخارج از «ایران» تبعید گشت. در جنگ بین‌الملل اول در «برلن» «مجله کاه» را دائر کرد. در سال ۱۳۰۷ ه. ش والی «خراسان» شد. و در سال ۱۳۰۸ ه. ش به وزیر مختاری «ایران» در «انگلیس» منصوب آمد. و پس از اندکی وزارت طرق و شوارع (وزارت راه) یافت. سپس وزیرمالیه (دارایی) شد و تا سال ۱۳۱۲ ه. ش در این شغل بود. سپس وزیر مختاری «ایران» را در «فرانسه» یافت و پس

از چندی از سفارت برکنار گردید و در « دانشگاه کمبریج » بکار پرداخت. - در سال ۱۳۲۰ ه. ش دیگر بار وزیر مختار « ایران » در « انگلستان » شد. و در دوره پانزدهم از « تبریز » نمایندگی « مجلس شورای ملی » انتخاب گشت.

در سال ۱۳۲۸ ه. ش، هنگام تشکیل « مجلس سنا » در دوره اول از « تهران » و در دوره دوم از « تبریز » به سناتوری انتخاب شد و در دوره دوم به ریاست « مجلس سنا » رسید و در عین حال استاد دانشگاه هم بود. وی دانشمندی گرانقدر و با هوش و پرحافظه و محقق و از دانایان درجه اول « ایران » روزگار خود شمرده آمد. از وی مقالاتی فراوان و آثاری نفیس بیادگار مانده است که مهمترین و مشهورترین آنها، تألیف « گاه شماری در ایران قدیم » است.

تولد: ۱۲۹۶ ه. ق = ۱۲۵۷ ه. ش = ۱۸۷۸ میلادی.

وفات: ۱۳۹۱ ه. ق = ۱۳۴۹ ه. ش = ۱۹۷۰ میلادی.

تاریخ مشروطیت کسروی موارد مختلف - قیام آذربایجان
و ستارخان تألیف شادروان اسماعیل امیرخیزی موارد مختلف - تاریخ
رجال ایران ج ۵ ص ۶۶ تا ۶۹

سید حسن غزنوی - (سید امام ، شرف الدین ، ذوالشهادتین ،

مفخر اللسانین، رئیس افاضل السادة، ابو محمد حسن بن محمد حسینی غزنوی مشهور به «اشرف» متخلص به «حسن» (از نامبردارترین شعرای گرانمایه و دانشمند و از واعظان مشهور سده ششم هجری است. شاعر دربار «مسعود بن ابراهیم غزنوی» (۴۹۲ - ۵۰۸ ه. ق)، «شیرزاد» (۵۰۸ - ۵۰۹ ه. ق)، «سلطان الدوله» (۵۰۹ - ۵۱۱ ه. ق) و «بهرامشاه» (۵۱۱ - ۵۴۷ ه. ق) بود. بامخالفان این سلطان بساخت و مورد بغض و حسد درویشان قرار گرفت. بناگزیر سفر کرد و به حج رفت. در بازگشت به «ایران»، «سلطان غیاث الدین مسعود سلجوقی» (۵۲۷ - ۵۴۷ ه. ق) چهارمین پادشاه سلجوقی «عراق» او را در «بغداد» بنواخت. وی پادشاهان غزنوی و سلجوقی و رجال دربار ایشان را همی ستوده است. دیوانش مشتمل بر قصاید و غزلیات و ترجیعات و قطعات و رباعیات است و تذکره نویسان شماره ابیات آن را تا پنجهزار بیت نوشته‌اند. ولی نسخه مصحح مطبوع «استاد محمد تقی مدرس رضوی» بیشتر از ۴۷۵۰ بیت نیست. - با آنکه بنا بر وایت جامع دیوان، انواع تصانیف در نظم و نثر و علوم شرعی و عقلی داشته است؛ جز این مایه اشعار فارسی چیزی دیگر از آثار او بدست نیامده.

وی در جمله فنون سخن از نسیب و حکمت و اعتذار و وعظ و انداز ورثا و غزل و تفاخر قوی دستی داشت.

وفات: ظاهرأ ۵۵۶ ه. ق = ۱۱۶۱ میلادی مدفون در

قصبة «آزادوار جوین».

دائرة المعارف ج ۱ ص ۸۵۰ - دیوان سید حسن غزنوی
بتصحیح استاد محمدتقی مدرس رضوی- تاریخ ادبیات در ایران ج ۲
ص ۵۸۶ تا ۵۹۸- فرهنگ معین ج ۵ ص ۴۶۰ و ۴۶۱- آتشکده
آذر بخش ۲ ص ۵۳۵ تا ۵۴۴

سید حیدر جلی نویسنده- از شاگردان شش گانه «یاقوت مستعصمی»
است که با پنج تن دیگر: «شیخ زاده سهروردی» (م/حدود ۷۲۰ ه.ق)
«یوسف مشهدی» (م/حدود ۷۰۰ ه.ق)، «مبارک شاه زرین قلم
تبریزی» (م/حدود ۷۶۰ ه.ق)، «نصرالله طبیب عراقی» (م/حدود
۷۴۰ ه.ق)، و «ارغون بن عبدالله کاملی» (م/حدود ۷۵۰ ه.ق) به
«استادان شش گانه» معروف اند. و «اقلام شش گانه خط» را در
سراسر «ایران» و کشورهای اسلامی نشر کرده اند.

زندگانی: سده هفتم هجری = سده سیزدهم میلادی.

دائرة المعارف ج ۱ ص ۹۰۲ ستون ۲ سطر ۹ - کارنامه

بزرگان ایران ص ۳۴

سید رکن الدین حسن بن محمد استرآبادی - صاحب سه شرح بر
«کافیة ابن حاجب» بنامهای «البسیط»، «الوافیه» و «شرح
کوچک»؛ و «شرح شمسیه» در منطق و کتب دیگر. وی از

شاگردان «خواجه نصیرالدین طوسی» است و در علوم حکمی سرآمد بود. بر شرح متوسط «میرسید شریف جرجانی» حاشیه نوشت که بوسیله پسرش تکمیل شد.

وفات: ۷۱۷ هـ. ق = ۱۳۱۷ میلادی در «موصل»

تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۲۸۹

سید عبدالله مجتهد بهبهانی - فرزند «سید اسمعیل مجتهد بهبهانی» است. وی از پیشوایان بزرگ مشروطیت است و از شاگردان مرحوم «حاج میرزا حسن» معروف به «میرزای شیرازی» بوده است.

تولد: ۱۲۶۲ هـ. ق = ۱۸۴۵ میلادی در «نجف اشرف».

مقتول: ۸ رجب ۱۳۲۸ هـ. ق = ۱۹۱۰ میلادی در

«تهران» و مدفون در «نجف اشرف» جنب آرامگاه پدرش.

کاردنامه بزرگان ایران ص ۳۶۹ و ۳۷۰ - تاریخ رجال

ایران ج ۲ ص ۲۸۴ تا ص ۲۸۹ - هم رگ : کتاب حاضر ص ۲۳۶

سید علی اکبر گلستانه - فرزند «حاج میرزا محمد ابراهیم»، از

خاندان قدیم «سادات گلستانه». تحصیلات مقدماتی و مشق خط را در زادگاه خود «اصفهان» آغاز کرد و بزودی در هنر خط و خوشنویسی سرآمد شد. چنانکه در جوانی خط «نستعلیق» را خوش می‌نوشت و در خط شکسته استاد مسلم گشت. شباهت خط او به «درویش عبدالمجید» از همه کس بیشتر است. وی سفرهایی به «خراسان» و «فارس» و «عراق» کرد و در آخر عمر چندی به «تهران» آمد و در اینجا بود که رشته حیاتش با يك عمل جراحی در چهل و پنج سالگی بگسست و بنابه وصیت خود در «قم» مدفون شد.

تولد: «۱۲۷۴» ه. ق = ۱۸۵۷ میلادی در «اصفهان».

وفات: «۱۳۱۹» = ۱۹۰۱ میلادی در «تهران» و

مدفون در «قم».

کادنامه بزرگان ایران ص ۴۱۸

سید محمد باقر بن سید محمد تقی موسوی شفتی رشتی ملقب به
حجة الاسلام

رك : حجة الاسلام رشتی شفتی .- کتاب حاضر ص

۰۲۹۹ و ۲۹۸

سید محمد باقر درجه بی - از میرزین علمای «اصفهان» در سده
چهاردهم هجری است . وی پس از درگذشت «سید اسماعیل

صدر» در «کاظمین» در سال ۱۳۳۸ هـ. ق مرجع تقلید مردم «اصفهان»
و بعضی نقاط «ایران» گردید. روحانی متقی و وارسته و استاد
مرحوم «آیه الله حاج آقا حسین بروجردی» بود.
تولد : ۱۲۶۴ هـ. ق = ۱۸۴۷ میلادی.
وفات : ربیع الثانی ۱۳۴۲ هـ. ق = ۱۹۲۳ میلادی .
مدفون در «تخت فولاد اصفهان» .

تاریخ رجال ایران ج ۳ ص ۳۰۲

سید محمد طباطبائی

رك : طباطبائی میرزا سید محمد بن محمد صادق
طباطبائی.

سید محمد کاظم یزدی (حجة الاسلام سید محمد کاظم طباطبائی یزدی
نجفی) - از مراجع تقلید شیعه، در «یزد» از مادر بزاد و ابتداء در
«اصفهان» نزد «شیخ محمد باقر بن شیخ محمد تقی» شاگردی کرد و
اجازه گرفت و به «نجف» شد و نزد «شیخ راضی بن شیخ محمد
جعفر» و بعد در محضر «حجة الاسلام حاجی میرزا حسن شیرازی»
به تحصیل و سپس بتدریس پرداخت و پس از وفات «میرزای
شیرازی» (م/ ۱۳۱۲ هـ. ق) مرجع تقلید شیعیان گردید . مهمترین

مؤلفاتش «عروة الوثقی» از کتب فروع و متون فقهی شیعه و دیگر از تألیفاتش «حاشیه بر مکاسب» است. وی از کسانی است که فتوی بر مشروطیت داده و درین کار با «حاج میرزا حسین بن حاج میرزا اخیل» و «آخوند خراسانی» همکاری کرده است.

تولد: ۱۲۵۶ ق. = ۱۸۴۰ میلادی در «یزد».

وفات: ۱۳ رجب ۱۳۳۷ ق. = ۱۹۱۸ در «نجف» و

قبرش در ایوان کبیر پایین پای «حضرت امیر» (ع) است.

کارنامه بزرگان ایران ص ۴۱۵ و ۴۱۶

سید محمد گیسودراز

از مشایخ چشتیه صاحب «شرح رساله قشیریه» است
بفارسی.

ولادت: چهارم ماه رجب ۷۲۰ ق. = ۱۳۱۹ میلادی.

وفات: چاشتگاه شنبه شانزدهم ذی القعدة ۸۲۵ ق. =

۱۴۲۱ میلادی مدفون در ولایت «دکن» بقصبه «گلبرکه».

لطائف اشرفی طبع هندوستان ج ۱ ص ۳۶۷ - تاریخ ادبیات در
ایران ج ۳ ص ۱۷۵

سید محمد مهدی بروجردی ملقب به بحر العلوم

رك: بحر العلوم - آية الله سید محمد مهدی بن مرتضی بن محمد بن

عبدالکریم حسنی طباطبائی بروجردی. - کتاب حاضر ص ۲۱۶ و ۲۱۷.

سید محمد نور بخش - (محمد بن محمد بن عبدالله) - در هفت سالگی «قرآن مجید» را حفظ داشت و به اندک مدت در علوم متداول زمان مهارت یافته در طریقت به چند واسطه از طریق «ابو اسحق ختلائی» و «سید علی همدانی» مرید «علاءالدوله سمنانی» بود. شیخ فاضل «شمس الدین محمد لاهیجی نوربخشی» شارح «گلشن راز» اخذ طریقت از «سید محمد نور بخش» نموده است. ظاهراً، بنا بر رسم طریقتی که داشته است، همیشه جامه سیاه می پوشیده. سرانجام در «ری» در قریه «سولقان» اقامت کرد و در همانجا در «چاشتگاه» پنجشنبه چهاردهم ربیع الاول سال ۸۶۹ ه. ق در گذشت و در باغی که خود احداث کرده بود، مدفون شد. از آثار او کتاب «انسان نامه» و «شجره مشایخ» است.

تولد: ۷۹۵ ه. ق = ۱۳۹۲ میلادی در «قاین».

وفات: ۸۶۹ ه. ق = ۱۴۶۴ میلادی. در قریه «سولقان» تهران.

کارنامه بزرگان ایران ص ۳۱۴ و ۳۱۵

سید مرتضی بن داعی حسنی رازی - صاحب کتاب «تبصرة العوام»

که درگیردار حمله مغولان نوشته شده و در ملل و نحل و اثبات
بعضی از مدعیات شیعه و ردّ بر مخالفان است.

رندگانی: سده ششم هجری = سده دوازدهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۶۶

سید معین الدین علی بن نصیر بن هارون بن ابوالقاسم حسینی
تبریزی

رك : شاه قاسم انوار

سید نعمة الله جزایری - مؤلف کتاب « مفتاح اللیب » در شرح
« تهذیب شیخ بهاء الدین محمد » و « شرح بر کافیه » و « انوار
النعمانیة » است .

تولد : ۱۰۵۰ هـ ق = ۱ - ۱۶۴۰ میلادی .

وفات : ۱۱۳۰ هـ ق = ۱۷۱۸ میلادی .

ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۲۵۶ تا ۲۶۱

سید نور الله شریف الدین بن نور الدین بن شمس الدین محمد حسینی
مرعشی شوشتری - مشهور به « قاضی نور الله شوشتری »، صاحب « مجالس

المؤمنين». از علمای بزرگ شیعه که در «دوازده مجلس» شرح حال عده کثیری از بزرگان شیعه را به زعم خود ذکر نموده است. وی در روزگار «اکبر» (۹۶۳-۱۰۱۴ ه.ق) و فرزندش «جهانگیر» (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ه.ق) در «لاهور» به قضاوت می پرداخت و بنا بر تقیه مطابق مذاهب چهارگانه اهل سنت و جماعت حکم مینمود. تا آنکه مخالفان بمناسبت تشیع در «اکبر آباد» (اگره) وی را بقتل آوردند. از آثار اوست: «صوارم المهرقة» در پاسخ «صواعق المحرقة ابن حجر» - «احقاق الحق» در رد «ابطال الباطل فضل بن روزبهان اصفهانی» - «مثالب النواصب» - «رساله در حرمت نماز جمعه زمان غیبت» - «رساله در تحقیقات آیه نور» - «کتاب عشرة کامله» - «شرح بر شش دفتر مثنوی» و چند کتاب دیگر. مقتول: ۱۰۱۹ ه.ق = ۱ - ۱۶۱۰ میلادی در «اکبر آباد» و گورگاهش همانجاست.

ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۲۵۲

سیده خاتون - همسر «فخرالدوله» (۳۶۶ - ۳۸۷ ه.ق) و مادر «مجدالدوله» (۳۸۷ - ۴۲۰ ه.ق) دیلمی است. پس از مرگ «فخرالدوله» پسرش «مجدالدوله» در سن چهار سالگی بامارت رسید و زمام امور کشور را مادرش «سیده خاتون» بدست کفایت خود گرفت، این زن میان دو دشمن نیرومند، «محمود غزنوی» و «قابوس زیاری»، توانست مملکت

خود را حفظ کند . در صورتیکه در داخل کشور نیز غالباً دچار نافرمانی پسران و جنگ آنان بایکدیگر بود . پس از او وضع حکومت «مجدالدوله» چندان مختل شد که «محمود» بآسانی «ری» را بگشود و این شهریار بویه را دستگیر کرد .

زندگانی : نیمه دوم سده چهارم و اوائل سده پنجم هجری
 = نیمه دوم سده دهم و اوائل سده یازدهم میلادی .

فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۳۷

سیرافی : «ابوسعید حسن بن عبدالله بن مرزبان» از ائمه «نحو» و «لغت عرب» و «فقه» و «حدیث» و «علوم قرآنی» و «کلام» در سده چهارم هجری است . پدر او نخست بردین «زرتشتی» بود و بعد اسلام آورد . «ابوسعید» خود در عربیت و صلاح شهرت داشت . از مهمترین آثار او «شرح کتاب سیبویه» است . «ابوحیان توحیدی» شاگرد او بود . «نوح بن نصر سامانی» به وی نامه نوشت و از او چهار صد سؤال لغوی و غیره کرد و همچنین «بلعمی» وزیر ازوی پرسشهایی در باب «قرآن» نمود و «مروان بن محمد» ملک «دیلیم» از «آذربایجان» صد و بیست سؤال در باب «قرآن» و «حدیث» نزد «سیرافی» فرستاد و او همه را پاسخ داده است . از کتب وی «اخبار التحوین البصریین» در دست است . و «شرح کتاب سیبویه» به طبع رسیده .

تولد: ۲۸۴ هـ. ق = ۸۹۷ میلادی.

وفات: ۳۶۸ هـ. ق = ۹۷۹ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۵۳ - مجله ارمغان سال
پنجاه و پنجم دوره چهل و دوم ترجمه داستان ابوسعید حسن بن عبدالله
مرزبانی سیرافی از معجم الادباء یاقوت گزاردنده حسن سادات ناصری
از شماره ۵ تا ۱۱ و ۱۲ - فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۳۸

سیف الدین ابو الحسن علی بن محمد الایمدی - صاحب کتاب «ابکار» -

الافکار» و «کتاب الحقایق» و ...

وفات: ۶۳۱ هـ. ق = ۱۲۳۳ میلادی .

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۲۶۲

سیف اسفرنگی - (مولانا سیف الدین الاعرج) شاعر سده ششم هجری از

مردم «اسفرنگ ماوراء النهر» بود و بهمین سبب او را «اسفرنگی»

یا «سیف اسفرنگ» گویند. عهد «سنجر» را درک کرد و مداح

«خوارزمشاهیان» نیز بوده است .

وفات: در اواخر سده ششم هجری: = سده دوازدهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۷۹۴

سیف‌الدین باخرزی - «ابوالمعالی سعید بن مظفر» ملقب به «شیخ العالم»
از مشایخ صوفیه و از شاعران ایرانی اواخر سده ششم و اوائل
سده هفتم هجری است. وی مرید «نجم‌الدین کبری» بود و شیخ
اورا به «بخارا» فرستاد و بقیه عمر را در آنجا بماند و به نشر طریقه
«کبرویه» اشتغال داشت. «رساله فارسی در معنی عشق» و اشعار
متوسطی از و باقیست.

وفات: ۲۴ ذی قعدة ۶۲۹ یا ۶۵۵ یا ۶۵۸ یا ۶۵۹

ه.ق = ۱۲۳۱ یا ۱۲۵۷ یا ۱۲۵۹ یا ۱۲۶۰ میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۸۵۶ و ج ۳ ص ۶۸ -
فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۴۴ - آتشکده آذربخش نخست ص -

۳۹۳ و ۳۹۴

سیف‌الدین محمد فرغانی - (مولانا سیف‌الدین ابوالمحمّد محمد
الفرغانی) شاعر و صوفی اواخر سده هفتم و اوائل سده هشتم هجری
است که مدتی در «تبریز» زیسته است و اواخر عمر را در «آق سرا»
از بلاد «روم» بسر برده .

ولادت: در زمان انقلابات ناشی از حمله مغول و بعد-
 اکثر اواسط نیمه اول سده هفتم ه.ق = همچنان سده سیزدهم میلادی.
 وفات: چندی بعد از سال ۷۰۵ ه.ق = ۱۳۰۵ میلادی و چند
 گاهی پیش از سال ۸۴۹ ه.ق = ۱۳۴۸ میلادی.
 تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۱۷۲ و ۶۲۳ و ۶۲۵ و ۶۲۷

سیفی بخاراایی (یا بخاری) - شاعر فارسی زبان
 «ماوراءالنهر» در اواخر روزگار «تیموریان» است. يك چند در
 «هرات» بخدمت «امیر علی شیر نوایی» پیوست، و در سلك ندیمان و
 شاعران مجلس او بود. سپس در «ماوراءالنهر» ماندگار شد. با
 «بایسنقر تیموری» نسبت داشت. در سرودن معما و شهر آشوب
 (= شهر انگیز) چیره دستی مینمود. شهر آشوبهای وی شهرت یافته
 است و تذکره نویسان ابیاتی از آن نقل کرده اند. جز «دیوان شعر»،
 «رساله بی در معما» و «رساله بی در عروض» داشته است. رساله اخیر
 بسال ۱۸۶۷ میلادی در «کلکته» بطبع در آمده است. او را
 «سیفی عروضی» نیز خوانده اند.

وفات: ۹۰۹ ه.ق = ۱۵۰۳ میلادی
 دائرة المعارف ج ۱ ص ۱۴۱۰

سیفی نیشابوری - (علی بن احمد) از شاعران نیمه دوم
سده ششم هجری است. در نظم و نثر استاد بود. کتابی حاوی
صدنامه عاشقانه از زبان عاشق به معشوق تدوین کرده بوده
است که مقبول فضلا واقع شده.

وفات: سده ششم هجری = سده دوازدهم میلادی.

تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۶۲۶

سیفی هروی - (سیف بن محمد بن یعقوب متخلص
به سیفی) از نویسندگان و شاعران اواخر سده هفتم و اوایل سده
هشتم هجری است. از آثار اوست: «تاریخ نامه هرات» مشتمل
بر وقایع از هجوم چنگیزخان تا شانزدهمین سال سلطنت ملک
غیاث الدین کرت (۷۰۸-۷۲۹ ه.ق). این کتاب بفرمان «غیاث-
الدین» در حدود ۷۱۸ تا ۷۲۱ ه.ق و به قولی در میان سالهای ۷۲۱
و ۷۲۹ ه.ق تألیف گردیده است. اساس کار وی بر پادشاهی
«آل کرت» در «هرات» است و از این رو بعضی این کتاب را
«تاریخ ملوک کرت» گفته اند و نیز آن را «تاریخ ملوک
هرات» و «تاریخ هرات» نامیده اند. چون بیشتر مطالب آن
راجع به حوادث زمان مؤلف است، از مراجع معتبر و همچنین
از آثار گرانقدر زبان فارسی است. در این کتاب زندگی نامه

بعضی از اولیا و دانشمندان و شاعران و نیز قطعاتی از شعرای فارسی و تازی آمده است و قسمتی از آنکه در دست است، بسال ۱۹۴۳ میلادی در «کلکته» بچاپ رسیده. منظومه حماسی و تاریخی «سام نامه» را در هنگام محاصره «هرات» بدست «مغول» در شرح دلیری های «جمال الدین محمد سام» سردار «ملک فخرالدین کُرت» در دفاع از «هرات» سروده است که مشتمل بر بیست هزار بیت بوده و نسخه یی مصور از آن وجود داشته است که گویا از میان رفته و جزایبانی پراکنده از آن که در جای جای «تاریخ نامه هرات» بیاورده است، چیزی از آن برجای نمانده.

تولد: ۶۸۱ ه. ق = ۱۲۸۲ میلادی.

وفات: بعد از ۷۲۱ ه. ق = ۱۳۲۰ میلادی.

دائرة المعارف ج ۱ ص ۵۹۸ و ۵۹۹ و ۱۲۴۴

سیمجور دواتی (= ابو عمران سیم جوی = جوینده نقره یا گورخر نقره‌یی؟) از خادمان «اسماعیل بن احمد سامانی» بود. سردار شد و ضد «علویان» در «گرگان» بجنگید. در ۲۹۸ ه. ق به «سیستان» رفت و آنجا را (بسال ۳۰۰ ه. ق) از دست «لیث بن علی بن لیث صفاری» بیرون آورد و به امر «اسماعیل سامانی»، حاکم «سیستان» شد..

و در سال ۳۱۶ هـ. ق بجنک با «ابوالحسن بن ناصر» مأمور گردید.
 او مؤسس «خاندان سیمجوریان» است. این خاندان ایرانی
 بعهد «سامانیان» در تشویق شاعران و اهل علم و ادب میکوشیدند.
 فرهنگ معین ج ۵ ص ۸۴۶- سامانیان تألیف احمد مجیبی
 افغانستان ص ۸۸۹۷۷

بفرخ روز چهارم آبان ماه ۱۳۵۳ خورشیدی، زادروز
 خجسته بزرگوار سرآمد تاریخ و فرهنگ ایران «اعلیحضرت همایون
 محمدرضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر» که کار و کردار مهر پرورش
 بروز گاران جاویدان باد، تصحیح و طبع بخش نخستین «سرآمدان
 فرهنگ و تاریخ ایران» بفرخندگی بسرآمد. از خداوندگار
 بیهمتا خواهشگر است که بخش دوم بر آنچه نگاشته آمده است،
 سرآمد آید. ایدون باد، ایدون تر باد. بآزادی و شادی.

سیدحسن سادات ناصری

۵۳/۸/۴

درست نامه

صفحه	سطر	فادرست	درست
۱	۱۰	آخواند	آخواند
۱۷	۲۰	اشتیا نی	آشتیا نی
۵۲	۲	۷۹۳	۷۹۳ ق. ۵۷۹۳
۵۳	۱۷	۳۴۷	۳۴۷ ق. ۵۳۴۷
۸۵	۱۳	پشکفتار	پیشکفتار
۸۶	۴	یاره بی	پارہ بی
—	۷	۵۴۰	۵۴۰
—	—	۱۱۴۵	۱۱۶۴
۱۰۶	۹	المقایسات	المقابسات
—	۱۰	الهیہ	الهیة
۱۱۰	۵	« امام	« امام
—	۷	عقلای	عقلای
۱۱۹	۱۱	اقدامات شیخ آبی سعید	مقامات شیخ آبی سعید
۱۱۱	۲	« کتاب	« کتاب
—	۳	الهندسه المحدوده	الهندسة المحدودة
—	۱۰	(شامل)	شامل
۱۱۹		بعد از سطر ۸ افزوده شود؛ زندگانی، نیمه دوم سده سوم ه. ق. و	
		نیمه اول سده چهارم ه. ق. = نیمه دوم سده نهم و نیمه اول سده دهم میلادی	
۱۲۰		بعد از سطر ۱۲ افزوده شود؛ زندگانی، سده چهارم ه. ق. =	
		سده دهم میلادی	
۱۲۸		چهار سطر آخر این صفحه حذف شود.	
۱۳۹	۶	شاهنامه	شاهنامه

بعد از سطر ۷ افزوده شود:

۱۴۰			
۱۵۴	۱۶	وی شاگرد	زندگانی: سده چهارم ه.ق. = سده دهم میلادی
۱۷۳	۱	= ۶۲۴	۶۲۴
—	۳	دوازدهم	دوازدهم
۱۷۶	۱۲	نظامیه	نظامیه
۱۸۶	۱۵	ناصرالدین	ناصرالدین
۱۸۸	۱	غزل سرای	غزل سرای
—	۱۲	میکسرد	میکسرد
۱۸۹	۱۷	علیهیم	علیهیم
۱۹۱	۶	میلادی	میلادی
۱۹۴	۱۳	ه.ق.	ه.ق. =
۲۰۷	۱۶	سروده	د
۲۰۸	۱۵	غلامحسین میرزا	غلامحسین میرزا
—	۱۶	گویند	گویند
۲۱۰	۷	میکذانی	میکذانی
—	۱۵	«باباطاهر»	«باباطاهر»
۲۱۸	۱۴	درد و ازده	دوازده
۲۱۹	۸	«معاون	معاون
۲۲۰	۱۳	اردیبهشت ماه	اردیبهشت ماه
۲۲۳	۹	نیمه دوم	نیمه دوم
۲۳۰	۱۴	دستود	دستور
۲۳۴	۶	«خواجه	«خواجه
—	۸	«اورا	او را
۲۳۵	۱	نغر	نغر
—	۸	ملك الشراء	ملك الشراء
۲۳۸	۴	ملقب به؟	ملقب به
—	۱۰	۱۴۵۱	۱۴۵۱ میلادی
۲۴۱	۴	ربیع اول	ربیع الاول
۲۴۵	۱۲	میرزا حسن خان	میرزا حسن خان
۲۴۶	۹	ایران	در ایران
۲۵۱	۱۵	ممدو خان	ممدو خان

طوفان البکا	طوفان-البکا	۸	۲۶۵
۱۹۱۵ میلادی	۱۹۱۵	۷	۲۶۶
ابن احمد	بن احمد	۸	۲۶۷
قوام الملك	قوام الملك	۱۳	۲۶۹
واصولیان	واصولیان	۸	۲۸۸
مجدالدین	مجدالدین	۱۵	۲۹۴
(سید محمد)	سید محمد	—	۲۹۸
ه. ق	ه. ق =	۱۳	۳۰۰
سوداء	سويداء	۸	۳۰۵
بوده (	بود (	۴	۳۱۳
اوووا بسته	اوووا بسته	—	۳۳۲
سده چهاردهم	سد چهاردهم	۱۲	۳۳۳
هجری	هجری است	۲۱	۳۳۴
لآثار	آلآثار	۷	۳۳۸
دانشگاه	دانشگاه	۲	۳۳۹
۱۴۲۷ میلادی	۱۴۲۷	۱۳	۳۴۰
همای و	همای	۱	۳۴۲
در ایران	ایران	۱۱	—
ه. ق.	ه. ق. =	۶	۳۴۵
اسماعیلیه	اسماعیلیه	۱۱	—
مدیریت	مدیریت	۱۶	۳۶۱
نهاد	نیاید	۴	۳۶۲
مأمون	مأمون	۱۸	۳۶۶
ذوالفقون	ذوالفقون	۱۲	۳۶۷
«امین» را	«امین»	۵	۳۶۸
مأمون	مامون	۹	—
— ۸۲۲ میلادی در	— در	۱۷	—
«راحة الصدور	«راحة الصدور»	۴	۳۷۲
نداشت؛	نداشت؛ و	۱۷	۳۷۴
۵۷۳ ه. ق.	۵۷۳	۶	۳۷۹
دیوان اشعار	دیوان شعار	۱۲	۳۸۱

۱۲ سرطان ۱۲۹۹	۱۲ سرطان	۱۴	۳۸۴
سپهدار	سپهدار	۲	۳۸۵
(تولد :	(تولد :	۸	—
تأمینیه	تأمینیه	۱۱	۳۸۷
امور	امور	۱۸	۳۸۸
انتشارات و	انتشارات	۱۹	—
سراهای	سراهای	۴	۳۸۹
۱۳۶۳ ه.ق	۱۳۶۳	۱	۳۹۰
رکن الدین	رکن السن	۱۷	۳۹۶
۱۲۰۶ میلادی	۱۲۰۶	۴	۳۹۷
مشروح	مشروح	۱۶	۴۰۰
ابو اسحاق	ابو اسحاق	۴	۴۰۱
۳۲۵ ه.ق	۳۲۵	۱۸	۴۰۶
درجهان	درجهای	۱۷	۴۱۱
معین	معین	۷	۴۱۴
خیابان	خیابان	—	۴۳۸
هفتم ه.ق	ه.ق هفتم	—	۴۴۸
	شماره صفحه بخط ۲۵۳ آمده است.		۴۵۳
تنظیم	تنظیم	۷	۴۶۳
چاپهای	و چاپهای	۱۶	—
یا ۱۲۹۵ میلادی	یا ۱۲۹۵	۱۹	۴۶۴
شاعر	شاعر	۸	۴۶۶
سروده	سرود	۱۴	۴۷۶
در	در	۱۳	۴۷۷
«عراق»	و «عراق»	۶	۴۸۳
طبع آن	طبع سهن	۵	۴۸۶
School	School	۱	۴۹۵
۹۸۶ ه.ق	۹۸۶	۱۰	۴۹۶
«اشرف»	«اشرف»	۱۹	۴۹۹
گلستانه است.	گلستانه.	۱	۵۰۷
۱۳۱۹ ه.ق	«۱۳۱۹»	۱۱	—
۱۹۱۸ میلادی	۱۹۱۸	۶	۵۰۹
۱۱-۱۶۱۰	۱-۱۶۱۰	۱۲	۵۱۲

